

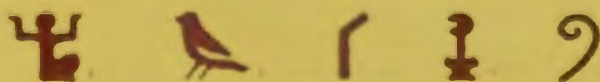
گاه شماری و تاریخ گذاری

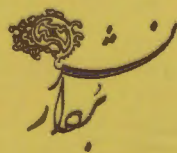
از سر آغاز تا سرانجام



پژوهش از:

علی محمد کاوه





تهران، ۱۳۷۰

گاه شماری و تاریخ گذاری از سر آغاز تا سر انجام

علی محمد کاوه

۳۵	۰۱۰
----	-----

۷۳۱۴۴

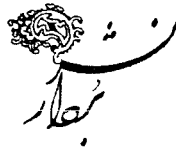


گاه شماری و تاریخ گذاری

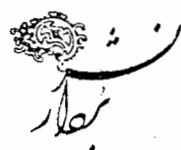
از سر آغاز تا سرانجام

پژوهش از:

علی محمد کاوه



تهران، ۱۳۷۰



نشر بردار: تهران صندوق پستی ۱۱۳۶۵/۳۸۶۵

گاه شماری و تاریخ گذاری از سرآغاز تا سرانجام

پژوهش از: علی محمد کاوه

طرح جلد: هادی آبرام

چاپ اول، ۲۰۰۰ نسخه

زمستان ۱۳۷۰ - تهران

حروفچینی: گنجینه (۶۴۰۲۵۷۹)

چاپ و صحافی: رامین (۶۷۸۵۸۱)

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است.

نشانی مؤلف: خیابان ولی عصر، خیابان مقدس اردبیلی، خیابان

کیهان، شارستان هشتم، پلاک ۵۴، تلفن ۲۹۷۱۹۳.

با پوزش، لطفاً برخی از اشتباهاتی را که در امور محاسباتی یا حروفچینی کتاب روی داده پیش از مطالعه تصحیح فرمائید.

- ۱- صفحه ۸ سطر ۸: سال ۳۰۰۰ اشتباه و درست آن ۳۰۰۱ است.
- ۲- صفحه ۲۶ سطر ۱۷: تاریخ ۴۳۱ هـ. اشتباه و اصل مأخذ ۴۲۱ هـ. می باشد.
- ۳- صفحه ۳۵: سطر ۳ تا آخر سطر ۱۵ حذف شود.
- ۴- صفحه ۵۲ سطر ۴: پس از کلمه «می یابیم» مضمون زیر اضافه شود: «در بررسی هائی که نسبت به چگونگی تشکیل تاریخ میلادی انجام خواهد گرفت مشخص می شود که برابری فوق از مبدأ تاریخ یولیائی در سال ۴۵ ق. م / ۱۶۸۱ رصد، آغاز شده و در سال ۱۵۸۲ میلادی / ۳۳۰۷ رصد (مبدأ تاریخ گریگوری) پایان پذیرفته است.»
- ۵- صفحه ۶۳ سطر ۲۳: سال های ۳۶۸ و ۴۱۵ اشتباه و اصل مأخذ سال های ۳۸۶ و ۴۱۹ می باشد.
- ۶- صفحه ۶۷ از سطر ۱۱ تا آخر سطر ۱۶ حذف شود و مضمون زیر به جای آنها قرار گیرد: «با توجه به اینکه تا زمان اصلاح تقویم گریگوری در سال ۱۵۸۲ میلادی، روز یکم ماه مارس معادل با روز یکم فروردین ماه ثابت قرار داشته پس در سال یک جلالی / ۱۰۹۶ میلادی / ۴۷۵ هـ. ش / ۲۸۲۱ رصد روز جمعه یکم فروردین ماه جلالی معادل با پانزدهم ماه فوریه و مقارن با روز ۱۷ ماه صفر بوده است.» (تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله هجری قمری و میلادی).
- ۷- صفحه ۷۱ از سطر ۲۳ تا آخر صفحه و صفحه ۷۲ از سطر ۱ تا آخر سطر ۳ حذف شود.
- ۸- صفحه ۱۴۱ از سطر ۲۱ تا آخر صفحه و صفحه ۱۴۲ از سطر ۱ تا آخر سطر ۱۰ حذف شود.

۹- صفحه ۱۶۱ از سطر ۷ تا پایان سطر ۱۰ حذف شود و مضمون زیر به جای آن آورده شود: «محاسبه نشان می‌دهد که سر آغاز سال بخت‌نرسی ۷۶۵ ق.م / ۹۶۱ رصد، روز چهارشنبه یکم فروردین ماه سیار یا کبیسه یا نوروز دوم بوده و این تاریخ همان روزی است که کتاب (تاریخ پیامبران و شاهان) از آن یاد کرده است.»

۱۰- صفحه ۱۸۰ از سطر ۱۱ تا پایان صفحه و صفحه ۱۸۲ از سطر ۱ تا پایان صفحه حذف شود و مضمون زیر به جای آنها آورده شود: «در سال ۱ هجری / ۶۲۲ میلادی / ۲۳۴۷ رصد، روز یکم محرم در یکصد و سی و هشتمین روز از یکم ماه مارس و مقارن با روز جمعه شانزدهم ماه ژوئیه بوده. (نقویم تطبیقی هزار و - پانصد ساله هجری قمری و میلادی) که در آن زمان ماه ژوئیه معادل با ماه تموز قرار داشته (جدول شماره ۱۴) و با تاریخ آمده در آثار الباقیه برابری می‌کرده است.

در سال ۱ هجری، یکم فروردین ماه ثابت یا نوروز اول مقارن با روز یکم ماه مارس و برابر با روز ۱۷ آبان ماه سیار یا کبیسه بوده و نوروز دوم یا فروردین ماه سیار یا کبیسه آن سال در یکصد و چهل و چهارمین روز مبدأ آن سال و مقارن با روز یکشنبه سوم ماه محرم قرار گرفته است زیرا:

$$۲۳۴۷ - ۱۴۴۰ = ۹۰۷$$

$$۹۰۷ = ۱۲۰ \times ۷ + ۴ \times ۱۶ + ۳$$

$$۷ \times ۳۰ + ۱۷ = ۲۲۷ \quad \text{روز}$$

$$(۳۶۵ + ۱) - (۲۲۷ - ۱) = ۱۴۰ \quad \text{روز}$$

۱۱- در پشت جلد کتاب واژه Calendar اشتبأها بصورت Calender چاپ شده است.

فهرست مندرجات

شماره صفحه

۷	سر آغاز - میراث‌هائی در پس غبار
۱۳	بخش یکم: سال‌های تاریخی - نجومی
	اورمزدگان - فروردین‌گان - اردیبهشت‌گان - خردادگان - تیرگان - امردادگان
	شهریورگان - مهرگان - آبان‌گان - آذرگان - دی‌گان - بهمن‌گان - اسفندارمذگان
۲۶	کیسه اردشیر بابکان
۲۶	کیسه انوشروان
۲۷	کیسه هارون الرشید
۳۰	جشن‌های منسوخ و فراموش شده
۳۲	ارتباط سال‌های ثابت و سیار
۳۴	محاسبه روزهای هفته
۳۷	بخش دوم: مبادی تاریخی در ایران کهن
۳۷	الف - اشوزرتشت
	۱- تاریخ ظهور زرتشت ۲- سال‌های تولد و بعثت زرتشت ۳- زادروز و تاریخ
	درگذشت زرتشت ۴- تاریخ بخت‌نرسی
۴۲	ب- تواریخ سلسله‌های اشکانی و مهر اشکانی
۴۴	یکم- تاریخ ولادت مهر اشکانی
۴۶	دوم- سال تأسیس دولت اشکانی
۴۹	ج- تاریخ‌های مانویان
	۱- مشخصات تقویم شماره M148 تورفانی ۲- تاریخ ولادت و ظهور مانی.
	۳- آغاز سلطنت اردشیر بابکان ۴- تاریخ درگذشت مانی ۵- تواریخی دیگر از
	مانویان.
۵۷	د- آغاز شهریاری کیخسرو یا سال بنای معبد یهود

- بخش سوم: تاریخ جلالی و گاه شماری های زرتشتیان ۵۹
- الف - گاه شماری جلالی ۵۹
- ب - تاریخ جلالی ۷۰
- ج - تاریخ خراجی ۷۳
- د - گاه شماری های زرتشتیان ۷۷
- بخش چهارم: تاریخ گذاری های ادواری ۸۵
- الف - تاریخ دیرینه ی ایران ۸۸
- ب - سال شماری یهود ۹۶
- ج - سال شماری های نصرانی ۱۰۴
- ۱- تاریخ حضرت ابراهیم ۲- تاریخ توفان ۱۱۵
- بخش پنجم: تاریخ های جابجاشده
- ۱- هزاره گرد تولد حضرت ابراهیم ۲- خروج قوم یهود از مصر از نظر گاه مورخین آن قوم ۳- میلاد عیسیای ناصری (ع) ۴- هزاره گرد تاریخ آذرگان یا مبداء تاریخ شهداء ۵- تاریخ اسکندری ۶- تاریخ های اسکندری و فیلفسی ۷- ادوار قالبس و دور نوزده تائی ۸- تاریخ بختنصر اول یا تاریخ بنای شهر روم ۹- عصر المپیاد
- بخش ششم: گاه شماری های خورشیدی و هجری قمری ۱۴۹
- ۱- گاه شماری اهلالی سیستان ۱۵۳
- ۲- گاه شماری اهل سغد و خوارزم ۱۵۷
- ۳- گاه شماری مصریان ۱۵۸
- ۴- گاه شماری حرانی یا سریانی ۱۶۳
- ۵- تشکیل تاریخ میلادی ۱۶۸
- الف - تاریخ نیقیه یا تاریخ قسطنطین ب - تاریخ متو کلی ج - تاریخ معضدی د - اصلاح تقویم میلادی
- ۶- تاریخ هجری قمری ۱۷۹
- مآخذ و منابع ۱۸۳

فهرست جداول

شماره جدول	مضمون جدول	شماره صفحه
۱	جدول خیامی	۶۰
۲	محاسبه گردش ۱۶۱ سالی شمسی حقیقی	۶۲
۳	اصلاح و تعمیم جدول خیامی	۶۵
۴	منضم به جدول «اصلاح و تعمیم جدول خیامی»	۶۶
۵	تاریخ پیدایش (از کیومرث تا انقراض سلسله کیانیان)	۸۶
۶	تاریخ دیرینه‌ی ایران	۹۰
۷	تقویم تطبیقی سال‌های تاریخی (از مبداء میلادی تا سال ۱۵۸۲ میلادی)	۹۴
۸	تواریخ و ازمه یهود	۹۸
۹	سال شماری یهود	۱۰۰
۱۰	سال شماری نصرانی یا «تاریخ‌های جابجا شده»	۱۰۵
۱۱	جدول تطبیقی‌ی ماه‌ها در آغاز سال ۷۶۵ ق/م ۹۶۱ رصد	۱۶۲
۱۲	جدول تطبیقی‌ی گروه یکم از ماه‌های سال شمسی پس از اجرای کیسه هارون الرشید	۱۶۴
۱۳	جدول تطبیقی‌ی ماه‌ها در سال ۳۱۶ میلادی/۲۰۴۱ رصد	۱۷۵
۱۴	جدول تطبیقی‌ی ماه‌های ایرانی، نصرانی و سریانی	۱۸۱

به نام آنکه جان را فکرت آموخت
چراغ جان به نور دل برافروخت

سر آغاز

میراث‌هایی در پس غبار:

قریب به ۱۵ سال پیش، ویژگی‌های «کیسه خماسی» نظر نگارنده را به خود جلب کرد، چون فاصله کیسه خماسی نسبت به کیسه ماقبل آن، به طور غیر متعارف، پنج سال می‌باشد و این اختلاف زمانی موجب انطباق دائمی سال جلالی با سال شمسی حقیقی می‌گردد ولی تا آن تاریخ قاعده علمی دقیقی برای بیان توالی کیسه‌های خماسی بیان نشده بود و عادی یا کیسه بودن هر سال از روی نتایج رصد همان سال مشخص می‌شد. به منظور متمایز ساختن سال‌های کیسه خماسی از کیسه عادی، در راقم سطور این تمایل پدید آمد که تا جدول مطردی جست و جو کند و تشخیص سال‌های کیسه خماسی را بر پایه‌های مطمئنی استوار سازد. معهذاً تلاش‌های اولیه‌ای که در این راه صرف گردید عقیم و بی‌ثمر ماند تا بالاخره پس از چند سال فترت، کوشش جدیدی آغاز شد و چگونگی توالی کیسه‌های خماسی در مرحله یکم و مبداء تاریخ جلالی در مرحله دوم روشن گردید.

چند سال پیش از آن که حساب توالی کیسه‌های خماسی به دست آید از سال‌های زندگی زرتشت رفع ابهام بعمل آمد و تاریخ بعثت زرتشت در سال ۹۱۸ ق.م

مشخص گردید درحالی که در مآخذ انتشار یافته، دوران ظهور زرتشت از ۶۰۰۰ تا ۵۷۰ سال پیش از میلاد نوشته شده است.

با پیدایش تاریخ بعثت زرتشت، آغاز سلطنت شاهان کیانی - بدان صورت که در شاهنامه فردوسی و سایر کتب تاریخی ایران نقل شده - محاسبه گردید و این واقعیت نیز به ثبوت رسید که انقراض سلسله کیانیان - بدان گونه که در کتاب‌های سنتی ایران آمده - به دست اسکندر صورت نگرفته و برعکس در خلال کشورگشایی‌های کوروش بزرگ به وقوع پیوسته است.

در سال شماری یهود، سال ۳۰۰۰ سال در گذشت زرتشت است. ارتباط سال شماری یهود با سال در گذشت زرتشت، موجب گردید تا تاریخ اصلاح گاه شماری در سال ۷۶۵ ق. م توسط زرتشت مشخص شود و چگونگی تحریفاتی که بر روی این تاریخ اجرا گشته تا سرانجام به تاریخ بختنصری سال ۷۴۷ ق. م مبدل شده، به دست آید.

پیش از تشکیل دولت روم شرقی، مبداء گاه شماری‌های یونان، رم و یهود، تاریخ اصلاح تقویم در سال ۷۶۵ ق. م توسط زرتشت بوده و همین موضوع موجب شده تا مورخین نصرانی در تحریف و نامشخص ساختن تاریخ حیات زرتشت، کوشش و تلاش پی گیری داشته باشند.

ارتباط سال شماری یهود با سال در گذشت زرتشت روشن ساخت که سال‌های تاریخی یهود از گاه شماری ایرانیان متابعت نموده است، در پژوهش‌های بعدی نیز محقق گردید که علاوه بر مبداء تاریخی فوق، سایر مبادی تاریخی یهود مقتبس از مبادی تاریخی ایرانیان می باشند، هم چنین شناخته گردید که سال‌های تاریخی نصرانی از سال‌های تاریخی نیایشگران مهر اخذ شده و با تاریخ یهود ارتباط پیدا کرده اند. تشخیص این امر موجب گردید تا مبداء‌های تاریخی نیایشگران مهر به درستی شناخته شوند و یک مجموعه کامل از سال‌های تاریخی مشترک فی مابین نیایشگران مهر، ایرانیان، نصرانیان و یهود به دست آید. انطباق پذیری تاریخ‌های فوق الذکر مدلل می دارد که تاریخ‌های به دست آمده از هر گونه خطا و اشتباه به دور می باشند.

در دوران‌های باستانی، در هر ماه سیار از سال ۳۶۵ روزی، چنانچه نام روز با

نام ماه یکی می شد آن روز را جشن می گرفته اند مانند فروردین گان در نوزدهم فروردین ماه سیار که به نام فروردین است و اردیبهشت گان در سوم اردیبهشت ماه سیار که نام روز و ماه با هم برابرند. هنوز گروهی از زرتشتیان پارسی به همین گونه عمل می کنند ولی گروهی دیگر از زرتشتیان ماه های سیار مذهبی را به ماه های شمسی حقیقی تبدیل کرده اند. اسامی و خصوصیات جشن هایی که گذشت مبین آنند که آن اعیاد توسط شخص زرتشت گزیده شده و هریک از آن اعیاد تا آبان گان، سالروز یکی از وقایع تاریخی سرنوشت ساز قبل از زرتشت را نشان می دهند چنانچه با تشخیص کیفیت آن ویژگی ها می توانیم تاریخ هریک از وقایع مهم تاریخی پیش از زرتشت را بدون یک روز اختلاف و تفاوت - اعم از سال، ماه، روز و ایام هفته - تشخیص دهیم.

تاریخ های فوق الذکر به سبب شکون و میمنت های خاصی که داشته اند از تاریخ ایران عیناً به ادیان یهود و نصاری منتقل شده و سال های تاریخی آن ادیان را تشکیل داده اند که از آن جمله تاریخ اورمزد گان، اتمام بنای معبد یهود و تاریخ دی گان، زمان انهدام آن معبد به دست نبو کدنصر و تاریخ خرداد گان، زمان خروج یهود از مصر از نظر گاه مورخین نصرانی و تاریخ تیر گان، همان تاریخ از نظر گاه مورخین یهود بوده است.

در برابر مبادی تاریخ اصیل ایران، یک سلسله مبادی تاریخی انحرافی دیگر از قبیل: تاریخ های بختنصری، فیلفسی، اسکندری، انطونیوسی، یولیانی، دقلطیانوسی، اغسطسی، متو کلی و معتضدی وضع شده اند. دستاوردهای مندرج در این کتاب نشان می دهند که مبادی تاریخ های فوق، شاخه های کج و پراوغاجی از گاه شماری اصیل ایرانیان بوده و مقصود از ایجاد این همه مبداء های تاریخی پریپیچ و خم، پرده پوشی از انقیاد تاریخ های یهود و نصاری از تاریخ کهن ایرانیان بوده است.

در یکی از تقویم هائی که در تورفان به دست آمده، سال ولادت و بعثت مانی و در دیگری سال کشته شدن وی به طور صحیح و دقیق مشخص شده ولی سال هائی را که اسناد فوق به دست می دهند، با آنچه که تا کنون در اختیار ما قرار گرفته، متفاوتست، پیداست که به هر سبب که بوده، تاریخ های مانویان را نیز از صورت اصلی خود منحرف کرده اند.

در قرن معاصر، چند دانشمند کوشیده‌اند تا پرده ابهام را از گاه‌شماری و تاریخ کهن ایران به یک سو زنند که در بین آنان، نظرات آقایان تقی‌زاده و ذبیح‌بهرروز شاخص بوده و مورد استناد تعدادی از مورخان قرار گرفته‌است.

کتاب‌های «گاه‌شماری در ایران قدیم» و «بیست مقاله تقی‌زاده» نشان می‌دهند که این پژوهنده به مآخذ و منابع وسیعی دسترسی داشته و همچنین اساس کار خود را بر مبنای صحت و درستی آن متون قرار داده‌است در حالی که در طی هزار و هفتصد سالی که از تشکیل دولت روم شرقی گذشته، آنقدر دخالت‌ها و جابه‌جائی‌های تاریخی در تاریخ کهن ایران صورت گرفته که از میان آن‌همه اسناد، شاید تاریخ و سند آسیب‌نندیده‌ای را نتوان یافت، به طور نمونه کتاب آثارالباقیه یکی از آثار بزرگ و جاودانی علمی و تاریخی ایران‌زمین بوده‌است، در این کتاب تا بدان حد تغییر و تبدیل به عمل آمده و اضافه و نقصان انجام گرفته که صورتی از گاه‌شماری یهود را پیدا کرده‌است.

آقای تقی‌زاده، سال ظهور زرتشت را ۲۵۸ سال پیش از مبداء تاریخ سلوکی به حساب آورده که تاریخ اخیر، نمونه بارزی از سال‌های تاریخی جابجا شده‌است.

در نظریه سنتی مورد استناد آقای تقی‌زاده دو اشتباه اساسی وجود دارد: نخست آنکه ۲۵۸ سال میان سال‌های تاریخ ظهور زرتشت تا انقراض سلسله کیانیان به دست کورش بوده و حال آنکه در روایات سنتی به انقراض سلسله کیانیان توسط اسکندر تبدیل شده‌است. دوم آنکه مبداء تاریخ سلوکی برابر با هزاره گرد تاریخ خروج یهود از مصر بوده و مرتبط ساختن این تاریخ با مبداء تاریخ اسکندری، تحریف مضاعفی در بیان سال تاریخی فوق می‌باشد.

آقای تقی‌زاده با برداشتی که از مآخذ فوق‌نموده، در گاه‌شماری به بیراهه کشیده شده و از آن‌همه کوشش و تلاشی که در راه شناسائی گاه‌شماری قدیم ایران به عمل آورده، نتایج نادرستی حاصل نموده چون بدون شناخت دوران حیات زرتشت و تشخیص درست تاریخ بخت‌نرسی، امکان دستیابی به گاه‌شماری قدیم ایرانیان غیرمیسر می‌باشد.

آقای ذبیح‌بهرروز، عکس آقای تقی‌زاده، دارای دیدی روشن و وسیع در امر

گاه‌شناسی بوده و ابواب تازه‌ای در شناخت این علم در برابر پژوهندگان گشوده است، معذالک وی تاریخ رصد کاسپی‌ها در سال ۱۷۲۵ قبل از میلاد را تاریخ رصد زرتشت تصور نموده و این اشتباه در تشخیص سال مبداء موجب شده تا از شناخت تاریخ اصلاح رصد در سال ۷۶۵ ق. م/ ۹۶۱ رصد، توسط زرتشت و تشخیص ویژگی‌های ادوار ۱۲۰ سالی منبعث از آن تاریخ محروم ماند و از دانش وسیع و تلاش ممتد آن دانشمند، نتایج مطلوب به دست نیاید.

انتشار آثار دو دانشمند فوق‌الذکر موجب گردید تا سؤالات بدون پاسخی در تاریخ و نجوم مطرح شود و دانشمندانی دیگر متوجه آن موضوعات شده و اثرات مفیدی از خود بر جای گذارند ولی سرنوشت چنین بود که گره از معضلات اصلی به گونه‌ای دیگر گشوده گردد.

در بهار سال ۶۹، قسمت‌های متفرقه از این موارد یاد شده، در دو بخش انتشار یافت و نظر بر آن بود که در هر سال قسمت‌های دیگری از مطالب محاسبه شده، تدوین و منتشر شود ولی در مدتی کوتاه، حلقه‌های شناخته نشده دیگری از مطالب مورد پژوهش شناخته گردید و تمامی موضوعات کتاب به صورت رشته‌زنجیره‌ای و یا حلقه‌های متوالی در آمد و موجب گردید تا بخش‌های جدید کتاب با بخش‌های انتشار یافته هماهنگی نداشته باشد بدین سبب تلخیص موضوعات آن دو بخش نیز در متن کتاب حاضر گنجانیده شد و مطالب کتاب به صورت فشرده‌ای تنظیم گردید. راقم کتاب اذعان دارد که نوشته‌های کتاب - به سبب پیچیدگی موضوعات مطروحه و دانش اندک شخص نویسنده خالی از لغزش و خطا نیست، امید آنکه پژوهش و عذرخواهی وی مورد قبول افتد و صاحب‌نظران در رفع نواقص کتاب و گسترش دامنه تحقیقات، در زمینه‌های به دست آمده، وی را یاری و راهنمایی فرمایند.

علی محمد کاوه

بخش یکم

سال‌های تاریخی - نجومی

حوادث تاریخی ایران کهن - که اکنون بصورت داستان‌های حماسی بیان می‌شوند - در زمان اشو زرتشت، به گونه نسج پرنقش و نگاری درآمد که تار و پود وجود آن را ادوار نجومی تشکیل می‌دادند، چون در آن زمان، تواریخ رویدادهای گذشته ایران بصورتی گویا، بر روی دوره‌های نجومی تنیده شدند.

سده‌ها بعد از اشو زرتشت، ساختار نسج مورد نظر وسیله بهره‌گیری و اقتباس مورخین یهود و نصرانی قرار گرفت و مورخین نامبرده، تواریخ پیشینیان خود را برطبق دوره‌های نجومی ایران - و اعیاد و جشن‌های سالیانه ناشی از آن ادوار - تنظیم نمودند.

قرن‌هاست که بسبب دخالت‌های نادرست برخی از مغرضین بیگانه، نقش‌های هر سه نسج مورد بحث، رنگ و جلای خود را باخته و بصورت اشکالی نامشخص و نامفهوم درآمده‌اند، ولی با مقایسه و مقابله تواریخ هر سه قوم نسبت به هم، ماهیت و چگونگی هر سه تاریخ شناخته شد، و بازسازی آنها به کیفیت اولیه، امکان‌پذیر گردید. دوره‌های نجومی ایران کهن که در این بخش بیان می‌شوند - و سال‌های تاریخی منبعت از آن ادوار - قسمت‌هایی از همان نقش‌های تنیده شده‌ایست که بازسازی شده‌اند و ما در مباحث مربوط به تواریخ یهود و نصاری^۱، آن سال‌های تاریخی را در قالب‌های دیگری خواهیم یافت که از لحاظ زمان حادثه، حتی یک روز با تاریخ کهن

ایران مغایرت ندارند.

ادوار نجومی اشوزرتشت مبین آنند که در سال ۱۷۲۵ ق.م، فریدون نخستین رصد شناخته شده در جهان را، به موقع اجرا در آورده است. تاریخ ۱۷۲۵ ق.م، در عین حال، تاریخ غلبه فریدون بر ضحاک و سال استیلای کاسی ها بر سومریان می باشد. از جریانات تاریخی و نجومی پیش از فریدون، اطلاع دقیق و موثقی در دست نیست چون هرچه در آن باره نوشته شده با ادوارنجومی زرتشت ارتباطی نداشته و از الحاقیات بعدی است ولی تا این حد روشن است که در آن ادوار، روزشماری ایرانیان بر پایه ماه های ۳۰ روزی تنظیم شده بودند.

در سال ۱۰۰۵ ق.م/۷۲۱ رصد، دومین رصد خورشیدی، توسط کیخسرو شهریار ایران، به موقع اجرا در آمد و سال های ادواری کاسی ها به گونه ای تبدیل گردید که در آثار الباقیه بیان شده است:

«اما ملوک پیشدادی از پارسیان، سال را ۳۶۰ روز می گرفتند و هر ماه را ۳۰ روز بدون کم و کسر و در سر هر شش سال یک ماه کیسه می کردند و آن سال را سال کیسه می نامیدند و در ۱۲۰ سال دو ماه کیسه می کردند، یکی بسبب آن پنج روز و دوم بسبب چهار یک روزها و چنین سالی را بزرگ می داشتند و سال فرخنده می نامیدند و در این سال به عبادات و مصالح ملک می پرداختند.»

(صفحه ۱۴)

در نیمروز سر آغاز سال ۸۰۸ ق.م/۹۱۸ رصد، در بلخ خورشید وارد نخستین درجه برج حمل شد و در این روز سومین رصد توسط اشوزرتشت محاسبه گردید. زرتشت در این روز شیوه گاه شماری کیانیان را تغییر داد و اساس گاه شماری های شمسی حقیقی و ایزد گردی را بنیان نهاد، وی در سال ۷۶۵ ق.م/۹۶۱ رصد، کیسه یک ماه در ۶ سال کیانیان را از گاه شماری حذف کرد و پنج روز اندر گاه را جایگزین آن کیسه نمود و از آن پس، سال های سیار از ۱۲ ماه ۳۰ روزی و ۵ روز پایانی سال تشکیل گردید و حساب ایام به گونه ای ساده و آسان نگهداری شد، بدین

سبب روزشماری ۳۶۵ روزی ویژه عامه مردم قرار گرفت و اجرای نیایش و مراسم مذهبی با توجه به روزهای آن سال اجرا گردید.

در روزشماری سال‌های سیار، چون سر آغاز هر سال قریب به ۶ ساعت از لحظه ورود خورشید به نقطه اعتدال ربیعی بیشتر فاصله می‌گرفت، روزها و ماه‌های آن روزشمار، در تمام فصول سال سیر می‌کرد و تمام اوقات را متبرک می‌نمود.

زرتشت کبیسه یک ماه در ۱۲۰ سال را نیز حذف کرد و به جای آن کبیسه یک روز در چهار سال برقرار نمود که این روز در سال چهارم هر دور به پایان اندرگاه افزوده می‌شد و سر آغاز سال شمسی را در برج حمل ثابت نگه‌میداشت. بدین سبب دولتیان، به منظور نگهداری حساب خراج و سایر امور دیوانی، گاه‌شماری ثابت^۱ فوق را بکار می‌برده‌اند.

در گاه‌شماری باستانی، هریک از ۳۰ روز ماه و ۵ روز اندرگاه دارای نام ویژه‌ایست که از اوستا سرچشمه گرفته‌اند و نام دوازده ماه سال نیز در میان آن روزهاست. زرتشت اسامی روزها و ماه‌های سال را به گونه‌ای برگزیده تا هریک از اتفاقات بزرگ و سرنوشت‌ساز گذشته ایران با روزی از سال سیار مصادف باشد که در آن تاریخ، نام روز با نام ماه یکی بوده و با اورمزد روز فروردین ماه ثابت برابر گردد یعنی مقارن با روزی باشد که خورشید به نقطه اعتدال ربیعی نزدیک شده باشد. سال‌های تاریخی - نجومی زیر برپایه برابری نام روز با نام ماه تشکیل یافته‌اند:

اورمزدگان:

نخستین روز هر ماه بنام اورمزد است و اورمزد ساده شده اهورامزدا به معنای خداوند هستی بخش دانا می‌باشد. اشو زرتشت، سر آغاز گاه‌شماری‌های سیار ۳۶۵ روزی و ثابت ۳۶۵ روز و ربیعی را در سر آغاز سال رصد فریدون در تاریخ ۱۷۲۵ ق.م قرار داده و اورمزد روز فروردین ماه آن سال را اورمزدگان نامید، چون زرتشت چنین می‌پنداشت که در روز اورمزدگان سال رصد فوق، نقطه اعتدال ربیعی در

نصف النهار بلخ قرار گرفته و خورشید به نخستین درجه برج حمل رسیده است.

فروردین گان:

سال چهارم رصد مشمول نخستین کیسه یک روز در چهار سال بوده و در سر آغاز سال پنجم رصد، دومین روز فروردین ماه سیار با اورمزد روز فروردین ماه ثابت برابر شده و تا سال هشتم رصد بر همین منوال بوده است.

سال هشتم رصد مشمول دومین کیسه یک روز در چهار سال بوده و در سر آغاز سال نهم رصد، سومین روز فروردین ماه سیار با اورمزد روز فروردین ماه ثابت برابر شده و تا سال دوازدهم رصد بر همین منوال بوده است.

روز نوزدهم هر ماه بنام فروردین به معنای: (فروهر یا نیروی پیشرفت) نامیده شده.

در سر آغاز سال ۱۶۵۰ ق.م/ ۷۶ (= ۱۹ × ۴) رصد، نوزدهمین روز فروردین ماه سیار با اورمزد روز فروردین ماه ثابت مقابله کرده، پس مراسم فروردین گان در این روز قرار داده شده است.

ایرانیان بر این عقیده بودند که در تاریخ فروردین گان، ایرج بدست سلم و تور کشته شده، بدین سبب زرتشتیان در روز نوزدهم فروردین ماه هر سال، مراسم سنتی و دینی در گورستان‌های خود انجام می‌دهند.

اردیبهشت گان:

در سال ۱۶۰۶ ق.م/ ۱۲۰ رصد، نخستین دور ۱۲۰ سالی رصد به پایان رسیده و در این سال، سی‌امین کیسه یک روز در چهار سال منظور شده است، پس در سر آغاز سال ۱۶۰۵ ق.م/ ۱۲۱ رصد اورمزد روز اردیبهشت ماه سیار با اورمزد روز فروردین ماه ثابت برابر شده و در این روز، پنج‌گاه از پایان اسفند ماه سیار به پایان فروردین ماه سیار منتقل شده است.

روز سوم هر ماه بنام اردیبهشت به معنای: (راستی و پاکی) نامیده شده. در سر آغاز سال ۱۵۹۴ ق.م/ ۱۳۲ (= ۱۲۰ + ۳ × ۴) رصد، سومین روز اردیبهشت ماه سیار

با اورمزدروز فروردین ماه ثابت مقارن بوده پس جشن اردیبهشت گان، در این روز قرار داده شده است.

در تاریخ اردیبهشت گان، سلم و تور به خونخواهی ایرج به قتل رسیده اند.

خرداد گان:

در سال ۱۴۸۶ ق.م/ ۲۴۰ رصد، دومین دور ۱۲۰ سالی رصد به پایان رسیده و در این سال، سی امین کیسه یک روز در چهار سال منظور شده است پس در سر آغاز سال ۱۴۸۵ ق.م/ ۲۴۱ رصد، اورمزدروز خرداد ماه سیار با اورمزدروز فروردین ماه ثابت برابر شده و در این روز، پنج گاه از پایان فروردین ماه سیار به پایان اردیبهشت ماه سیار منتقل شده است.

روز یازدهم هرماه به نام خرداد به معنای «آفتاب یا خورشید» نامیده شده. در سر آغاز سال ۱۴۴۲ ق.م/ ۲۸۴ (= ۱۲۰ × ۲ + ۱۱ × ۴) رصد، یازدهمین روز خرداد ماه سیار با اورمزدروز فروردین ماه ثابت مقارن شده پس جشن خرداد گان در این روز قرار داده شده است.

در تاریخ خرداد گان، منوچهر به شهریاری ایران رسیده و در این سال نخستین گام در راه تشکیل حکومت مستقل ایرانی در برابر زمامداری کاسی ها برداشته شده است.

مورخین نصرانی، مبداء تاریخ میلادی را یک دور بزرگ ۱۴۴۰ سالی پس از تاریخ خرداد گان قرار داده و سپس در زمان اصلاح مبداء میلادی توسط پاپ گرگوار سیزدهم، آن تاریخ را ۲ سال به جلو کشیده اند.

تیر گان:

در سال ۱۳۶۶ ق.م/ ۳۶۰ رصد، سومین دور ۱۲۰ سالی رصد به پایان رسیده و در این سال، سی امین کیسه یک روز در چهار سال منظور شده است، پس در سر آغاز سال ۱۳۶۵ ق.م/ ۳۶۱ رصد، اورمزدروز تیرماه سیار با اورمزدروز فروردین ماه ثابت برابر شده و در این روز، پنج گاه از پایان اردیبهشت ماه سیار، به پایان خرداد ماه

سیار، منتقل شده است.

روز سیزدهم هر ماه به نام تیر و به معنای: «ستاره تیر یا ستاره باران» نامیده شده.

در سر آغاز سال ۱۳۱۴ ق.م. ۴۱۲ (= $120 \times 3 + 12 \times 4$) رصد، سیزدهمین روز تیرماه سیار با اورمزدروز فروردین ماه ثابت مقارن بوده پس جشن تیرگان در این روز قرار داده شده است.

سال تیرگان در آثار الباقیه با صراحت به شرح زیر مشخص شده است:
«اهل خوارزم نیز به همین طریق رفتار می کردند و به آغاز بنای خوارزم تاریخ می گذاشتند که نهصد و هشتاد سال پیش از اسکندر بود.»

(صفحه ۵۶)

تاریخ اسکندری از نقطه نظر مورخین کلیسا در سال ۳۳۴ ق.م. ۱۳۹۲ رصد بوده و این تاریخ ۹۸۰ سال پس از تاریخ تیرگان می باشد:

۱۳۱۴ ق.م. ۴۱۲ رصد = ۹۸۰ - ۱۳۹۲

در تاریخ تیرگان، «زو» افراسیاب را از سرزمین های ایران بیرون راند و حکومت مستقل ایرانی را تشکیل داد. این واقعه در برخی از تواریخ چنین ثبت شده است:

منوچهر در دوران حیات خود بر پسر خود طهماسب خشمگین شده و او را تبعید کرد و او در سرزمین توران و نزد امیری بنام «وامن» مسکن گزیده و با دخترش ازدواج کرد و از او پسری زائیده شد که «زو» نام گرفت. چندی بعد، منوچهر از تهماسب خشنود گشت و او را به ایران دعوت کرد.

پس از مرگ منوچهر، افراسیاب متوجه ایران شد و تا حدود بابل پیش راند. در این زمان آبادانی ها روبه ویرانی نهاده و مردم همچنان در بلیه بودند تا زو پسر تهماسب به پادشاهی رسید و افراسیاب را از ایران اخراج کرد.

مورخین یهود سال تیرگان را تاریخ خروج قوم یهود از مصر دانسته و هزاره گرد آن تاریخ در سال ۳۱۴ ق.م. ۱۴۱۲ رصد را مبداء تاریخ سلوکی قرار داده اند ولی در جریان تبدیل تاریخ بخت نرسی به بختنصری، سال ۳۱۴ ق.م. به سال ۳۱۱ ق.م. تبدیل

گردید.

در تاریخ تیرگان برای آنکه روز سیزدهم تیرماه سیار مقارن با روز ورود خورشید به برج حمل دانسته شود، یکم فروردین ماه آن سال سیار می بایست در برج قوس قرار گرفته باشد. در کتاب عجایب المخلوقات، برج فلکی قوس چنین توصیف شده:

«برجی است بر صورت راکی، کمان به زه کرده بازپس می نگرد، تیر کشیده، پیش وی ماری دنبال به بالا کرده.»

ابوریحان بیرونی در وصف برج قوس چنین می نویسد:

«صورت رامی ای تیرانداز، همچون اسبی تا به گردنگاه، آنگاه از آنجا نیمه زیرینش بر شبه آدمی شود و گیسویها فرو هشته از پس و تیر در کمان نهاده و سر کشیده.»

(کتاب تقویم و تقویم نگاری در تاریخ صفحه ۴۵)

موقعیت فلکی سر آغاز سال تیرگان موجب شده تا در افسانه ها، صورت فلکی برج قوس با تاریخ تیرگان مرتبط گردد و داستان آرش کمانگیر درست شود.

امردادگان:

در سال ۱۲۴۶ ق.م. ۴۸۰/۴۸۱، چهارمین دور ۱۲۰ سالی رصد به پایان رسیده و در این سال، سی امین کیسه یک روز در چهار سال، مربوط به دور چهارم، منظور شده است پس در سر آغاز سال ۱۲۴۵ ق.م. ۴۸۱/۴۸۲، اورمزدروز امرداد ماه سیار با اورمزدروز فروردین ماه ثابت برابر شده و پنج گاه از پایان خرداد ماه سیار به پایان تیرماه سیار منتقل گردیده است.

روز هفتم هرماه بنام امرداد به معنای: «بی مرگی و جاودانی» نامیده شده.

در سر آغاز سال ۱۲۱۸ ق.م. ۵۰۸/۵۰۹ (= ۱۲۰ × ۴ + ۷ × ۴) رصد، هفتمین روز امرداد ماه سیار با اورمزدروز فروردین ماه ثابت مقارن بوده پس جشن امردادگان در این روز قرار داده شده است.

در تاریخ امردادگان، کیباد زمام شهریاری ایران را در دست گرفته است.

شهریورگان:

در سال ۱۱۲۶ ق.م/ ۶۰۰ رصد، پنجمین دور ۱۲۰ سالی رصد به پایان رسیده و سی‌امین کبیسه یک روز در چهار سال منظور شده است پس در سر آغاز سال ۱۱۲۵ ق.م/ ۶۰۱ رصد، اورمزدروز شهریور ماه سیار با اورمزدروز فروردین ماه ثابت برابر شده و در این سال، پنج‌گاه از پایان تیرماه سیار به پایان امرداد ماه سیار منتقل شده است.

روز چهارم هرماه بنام شهریور به معنای: «شهریاری نیرومند» نامیده شده. در سر آغاز سال ۱۱۱۰ ق.م/ ۶۱۶ (= ۱۲۰ × ۵ + ۴ × ۴) رصد، چهارمین روز شهریور ماه سیار با اورمزدروز فروردین ماه ثابت مقارن بوده پس جشن شهریورگان در این روز قرار داده شده است. در تاریخ شهریورگان، کیکاووس به شهریاری ایران رسیده است.

اورمزدگان:

در سال ۱۰۰۶ ق.م/ ۷۲۰ رصد، ششمین دور ۱۲۰ سالی رصد به پایان رسیده و سی‌امین کبیسه یک روز در چهار سال منظور شده است پس در سر آغاز سال ۱۰۰۵ ق.م/ ۷۲۱ رصد، اورمزدروز مهرماه سیار با اورمزدروز فروردین ماه ثابت مقارن شده و تشکیل جشن اورمزدگان را داده و در این سال، پنج‌گاه از پایان امرداد ماه سیار به پایان شهریور ماه سیار منتقل شده است.

در تاریخ اورمزدگان سال ۷۲۱ رصد، کیخسرو به شهریاری ایران منصوب شده و مورخین یهود نیز این تاریخ را بعنوان سال بنای معبد یهود در اورشلیم شناخته‌اند. در تاریخی که در آثار الباقیه نقل شده، آغاز سلطنت کیخسرو، با یک سال اختلاف، در سال ۱۰۰۶ ق.م/ ۷۲۰ رصد منظور شده است.

کیخسرو در اوستا و ادبیات پهلوی از جاویدان‌هاست.

نیایش کنندگان مهر، کیخسرو را مظهر ایزدمهر در روی زمین می‌دانستند و بدین سبب تاریخ اورمزدگان سال ۱۰۰۵ ق.م/ ۷۲۱ رصد، دومین مبداء تاریخی نیایش

کنندگان مهر بوده است.

مهرگان:

روز شانزدهم هر ماه بنام مهر به معنای: «دوستی و پیمان» نامیده شده.
در سر آغاز سال ۹۴۲ ق.م/ ۷۸۴ (= $۱۶ \times ۴ + ۱۲۰ \times ۶$) رصد، شانزدهمین روز
مهرماه سیار با اورمزد روز فروردین ماه ثابت مقارن شده و تشکیل جشن مهرگان را
داده است.

در تاریخ مهرگان، لهراسب به شهریاری ایران منصوب شد و بفرمود که شهر بلخ
را در خراسان مخصوص او بنیاد کنند.
در تاریخی که در کتاب آثارالباقیه نقل شده، آغاز سلطنت لهراسب در سال
۹۴۶ ق.م/ ۷۸۰ رصد منظور شده که با واقعیت ۴ سال اختلاف دارد.

آبانگان:

در سال ۸۸۶ ق.م/ ۸۴۰ رصد، هفتمین دور ۱۲۰ سالی رصد به پایان رسیده و در
این سال، سی‌امین کیسه یک روز در چهارسال مربوط به دور هفتم منظور شده است
پس در سر آغاز سال ۸۸۵ ق.م/ ۸۴۱ رصد، اورمزد روز آبان‌ماه سیار با اورمزد روز
فروردین ماه ثابت برابر شده و در این سال، پنج‌گانه از پایان شهریور ماه سیار به پایان
مهرماه سیار منتقل شده است.

روز دهم هر ماه بنام آبان به معنای: «آبها، هنگام آب» نامیده شده. در
سر آغاز سال ۸۴۶ ق.م/ ۸۸۰ (= $۱۰ \times ۴ + ۱۲۰ \times ۷$) رصد، دهمین روز آبان‌ماه سیار با
اورمزد روز فروردین ماه ثابت مقارن بوده پس جشن آبان‌گان در این روز قرار داده
شده است.

در تاریخی که در آثارالباقیه نقل شده، تاریخ آبان‌گان به حساب سال تولد
گشتاسب منظور شده و آغاز شهریاری آن پادشاه دردی به مهر از آبان‌ماه سال
۸۲۶ ق.م/ ۹۰۰ رصد، به حساب آمده است.

آذرگان:

در سال ۷۶۶ ق.م/ ۹۶۰ رصد، هشتمین دور ۱۲۰ سالی رصد به پایان رسیده و در این سال سی امین کیسه یک روز در چهار سال، مربوط به دور هشتم، منظور شده است پس در سر آغاز سال ۷۶۵ ق.م/ ۹۶۱ رصد اورمزدروز آذرماه سیار با اورمزدروز فروردین ماه ثابت برابر شده و در این سال، پنج گاه، از پایان مهرماه سیار به پایان آبان ماه سیار منتقل شده است.

زرتشت در سال ۷۶۲ ق.م/ ۹۶۴ رصد، و پس از ۳ سال از تاریخ ابداع سال های تاریخی - نجومی بدست یکی از سربازان تورانی در آتشکده بلخ کشته می شود. روز نهم هرماه بنام آذر به معنای: «آتش و فروغ» نامیده شده.

در سر آغاز سال ۷۳۰ ق.م/ ۹۹۶ (= ۱۲۰ × ۸ + ۹ × ۴) رصد، نهمین روز آذرماه سیار با اورمزد روز فروردین ماه ثابت مقارن بوده پس جشن آذرگان در این روز قرار داده شده است.

مورخین نصرانی، سال انقراض حکومت اسرائیل در سامره را در سال آذرگان قرار داده اند ولی در تاریخ ایران، مناسبت برگزاری جشن آذرگان به روشنی مشخص نیست، از قرائن موجود، تاریخ آذرگان سال در گذشت گشتاسب و آغاز سلطنت بهمن بوده است.

دی گان:

در سال ۶۴۶ ق.م/ ۱۰۸۰ رصد، نهمین دور ۱۲۰ سالی به پایان رسیده و در این سال، سی امین کیسه یک روز در چهار سال مربوط به دور نهم، منظور شده است پس در سر آغاز سال ۶۴۵ ق.م/ ۱۰۸۱ رصد، اورمزدروز دی ماه سیار با اورمزدروز فروردین ماه ثابت برابر شده و در این سال پنج گاه از آخر آبان ماه سیار به آخر آذرماه سیار منتقل شده است.

روز پانزدهم هر ماه به نام دی به مهر (دی به معنای آفریدگار) نامیده شده. در سر آغاز سال ۵۸۶ ق.م/ ۱۱۴۰ (= ۱۲۰ × ۹ + ۱۵ × ۴) رصد، پانزدهمین روز دی ماه سیار با اورمزد روز فروردین ماه ثابت مقارن بوده پس جشن دی گان را در این روز قرار داده اند.

مناسبت برگزاری جشن دی گان به درستی روشن نیست، ممکن است مربوط به آغاز سلطنت دارای کیانی باشد.

مورخین نصرانی، تاریخ دی گان را سال انهدام معبد یهود در اورشلیم قرار داده اند.

در سال ۵۳۸ ق.م / ۱۱۸۸ رصد، سلسله کیانیان بدست کورش بزرگ منقرض شده و مورخین یهود این تاریخ را سال آزادی اسرای یهود در بابل دانسته اند.

بهمن گان:

در سال ۵۲۶ ق.م / ۱۲۰۰ رصد، دهمین دور ۱۲۰ سالی رصد به پایان رسیده و سی امین کیسه یک روز در چهار سال، مربوط به دور ۱۲۰ سالی دهم منظور شده است، پس در سر آغاز سال ۵۲۵ ق.م / ۱۲۰۱ رصد، اورمزد روز بهمن ماه سیار با اورمزد روز فروردین ماه ثابت مقارن شده و در این سال پنج گاه را از آخر آذر ماه سیار به آخر دی ماه سیار منتقل کرده اند.

روز دوم هر ماه بنام بهمن به معنای: «اندیشه نیک» نامیده شده.

در سر آغاز سال ۵۱۸ ق.م / ۱۲۰۸ ($2 \times 4 + 10 \times 120$) رصد، دومین روز بهمن ماه سیار با اورمزد روز فروردین ماه ثابت مقارن بوده پس جشن بهمن گان را در این روز قرار داده اند.

تاریخ بهمن گان می بایست آغاز سلطنت داریوش بزرگ باشد چون در تواریخ متداول کنونی، آغاز سلطنت داریوش بزرگ در سال ۵۲۲ پیش از میلاد دانسته شده که با بهمن گان ۴ سال تفاوت دارد.

اسپندارمذگان:

در سال ۴۰۶ ق.م / ۱۳۲۰ رصد، یازدهمین دور ۱۲۰ سالی رصد به پایان رسیده و سی امین کیسه یک روز در چهار سال، مربوط به دور یازدهم، منظور شده است پس در سر آغاز سال ۴۰۵ ق.م / ۱۳۲۱ رصد، اورمزد روز اسفند ماه سیار با اورمزد روز فروردین ماه ثابت برابر شده. و در این سال، پنج گاه از آخر دی ماه سیار به آخر بهمن ماه سیار منتقل شده است.

روز پنجم هر ماه بنام اسپندارمذ به معنای: «فروتنی و مهر پاک» نامیده شده، در سر آغاز سال ۳۸۶ ق.م / ۱۳۴۰ (= ۵ × ۴ + ۱۱ × ۱۲۰) رصد، پنجمین روز اسفند ماه سیار با اورمزد روز فروردین ماه ثابت مقارن بود. پس جشن اسپندارمذگان در این روز قرار داده شده است.

در کتاب آثارالباقیه اسپندارمذگان، چنین توصیف شده: «اسفندارمذگان فرشته متوکل زمین است و نیز برزن‌های درست کار و عفیف و شوهر دوست و خیرخواه موکل است و در زمان گذشته این ماه بویژه این روز، عید زنان بوده. و در این عید، مردان بخشش می نمودند.»

(صفحه ۳۵۵)

ولی واقعیت جشن اسپندارمذگان چنین بوده که در آن تاریخ، پریساتیس (پریزاد) به استاتیرا، زن یهودی اردشیر دوم، زهر خورانید و وی را مسموم و نابود ساخت چون وجود این زن در دربار ایران موجبات انقراض سلسله هخامنشی را فراهم می ساخت چنانچه حمله وحشیانه اسکندر و نابودی قسمت عمده‌ای از سرزمین‌های باستانی ایران، از جمله عوارض ناشی از ازدواج اردشیر دوم با استاتیرا می بود که خود موضوع جداگانه‌ایست و در جای خود مورد بررسی قرار خواهد گرفت ولی آنچه در زیر خواهد آمد گوشه‌ای از یغماگری اسکندر است که با ادامه بحث درباره سال‌های تاریخی- نجومی ارتباط پیدا می کند:

«استاد کهن اسکندر، ارسطو، از شاگرد شاهانه خود درخواست کرده بود که هر چیزی را که از نظر علمی جالب باشد، برای او به میهن بفرستد. بنابراین کالیستنس برای عموی خود (رصدها) ی کلدی را که سی و یک هزار سال را دربر می گرفت فرستاد، فرض می شود این رصدها حساب‌هایی بود که کیدنیو با اعضای دبستان او کرده بودند، به هر حال می توانیم سی و یک هزار سال این رصدها را با سی و چهار هزار سالی که بنابر فهرست کهن پادشاهان بابل، فرض می شد از توفان جهانی گذشته است، همبر کنیم. کالیپوس که این (رصدها) را برای گستردن رصدهای خود در بدست آوردن رقم درازی سال و ماه اقترانی به کار می برد، با ارسطو بود.»

(تاریخ شاهنشاهی هخامنشی صفحه ۷۱۸)

توضیح آنکه اسکندر مقدونی در سال ۳۳۶ ق.م / ۱۳۹۰ رصد، به جای فیلیپ پدرخوانده خود بسلطنت یونان رسید و در سال ۳۳۱ ق.م / ۱۳۹۵ رصد، به انهدام و چپاول بابل پرداخت.

چند سال پس از سقوط سلسله هخامنشی، سلسله سلاطینی اشکانی، با مبداء های تاریخی زیر تشکیل گردید:

تأسیس سلسله اشکانی در سال ۳۲۲ ق.م / ۱۴۰۴ رصد

تولد مهر اشکانی در سال ۲۸۵ ق.م / ۱۴۴۱ رصد

این سال در عین حال سر آغاز دومین دور بزرگ ۱۴۴۰ سال از مبداء رصد بوده است.

بعثت مهر اشکانی در سال ۲۵۸ ق.م / ۱۴۶۸ رصد

این تواریخ تا سده ها پس از ظهور دین مبین اسلام در بین نیایش کنندگان مهر متداول بوده است.

قرائنی موجود است که پس از انقراض سلسله سلاطین هخامنشی و تشکیل حکومت اشکانیان کیسه های ۱۲۰ سالی در ایران اجرا نمی شده و در این باره نوشته زیر - که از کتاب «نوروزنامه منسوب به خیام» نقل شده - بقدر کافی گویاست:

«... پس آن آیین تا به روزگار اسکندر رومی که او را ذوالقرنین خوانند بماند و تا آن مدت کیسه نکرده بودند و مردمان هم بر آن می رفتند تا به روزگار اردشیر بابکان که او کیسه کرد و جشن بزرگ داشت و عهدنامه نوشت و آن روز را نوروز بخواند و هم بر آن آیین می رفتند تا به روزگار نوشین روان عادل، چون ایوان مدائن تمام گشت نوروز کرد و رسم جشن بجا آورد چنانکه آیین ایشان بود اما کیسه نکرد و گفت این آیین بجا ماند تا به سردور که آفتاب به اول سرطان آید تا آن اشارت که کیومرث و جمشید کردند از میان برخیزد. این بگفت و دیگر کیسه نکرد تا به روزگار مأمون خلیفه. او بفرمود تا رصد بکردند و هر سال که آفتاب به حمل آمد نوروز فرمود کردن و زیج مأمونی برخاست و هنوز از آن زیج تقویم می کنند تا به روزگار المتوکل علی الله.»

(صفحه ۲۰ و ۲۱)

و اما کیسه‌های آمده در روایت «نوروزنامه»:

کیسه اردشیر بابکان

در سال ۱۹۵ میلادی / ۱۹۲۰ (= ۱۲۰ × ۴ + ۱۴۴۰) رصد، چهارمین نوبت ۱۲۰ سال از دومین دور بزرگ ۱۴۴۰ سال به پایان رسیده و سی‌امین کیسه یک روز در چهار سال مربوط به دور چهارم ۱۲۰ سال منظور شده است پس در سال ۱۹۶ میلادی = ۱۹۲۱ رصد، اورمزد روز امرداد ماه سیار با اورمزدروز فروردین ماه ثابت مقارن گشته و به دستور اردشیر بابکان، پنج‌گاه را در آخر تیرماه سیار قراردادند و در این موضوع «بحتری» را چکامه‌ایست که در مدح و ستایش متوکل ستوده و در آن مدیحه، به شرح زیر، اشاره به اجرای کیسه فوق شده است:

«عید نوروز به همان عهدی که اردشیر آن را وضع کرده بود برگشت و تواین عید را به حالت نخستین خود برگرداندی با آنکه نوروز پیوسته سرگردان بود.»

(آثارالباقیه صفحه ۵۳)

کتاب مذهبی «دینکرد» نیز اشاره صریحی به پنج دور کیسه ۱۲۰ سالی دارد که از پایان حکمروائی سلسله سلاطین هخامنشی تا آغاز مجدد اجرای کیسه در زمان شهریاری اردشیر بابکان، دچار فترت شده بود.

کیسه انوشیروان

در کتاب قانون مسعودی تألیف ۴۳۱ هـ. / ۱۰۳۰ میلادی، در فصل مربوط به «فردارات» یا ادوار خاص سیارات نسبت به تقسیمات زندگی و زمان یا عالم فقره‌ایست که در آن می‌گوید:

«منجمان ایرانی در بیست و پنجمین سال سلطنت (کسری) انوشیروان انجمن شدند و جداول نجومی موسوم به (زیج شهریاران) را که اکنون بیشتر به (زیج شاه) معروف است، تهذیب (یا اصلاح) کردند و فردارهای سیارات را برای آن زمان در آن زیج مقرر داشتند یعنی حساب کردند. و در آن زمان از «هزارات» ایرانی سه «هزاره» بعلاوه ۸۵۱ سال از هزاره چهارم گذشته بود. شک نیست که مقصود از

هزاره ها، همان هزاره زردشتی معروف عمر جهان است که خود مؤلف در جای دیگر کتاب به صراحت آن را تأیید کرده است.»

(منقول از بیست مقاله تقی زاده صفحات ۲۸ و ۲۹)

انوشیروان در سال ۵۳۱ میلادی بر تخت سلطنت نشست پس بیست و پنجمین سال سلطنت وی مقارن با سال ۵۵۵ میلادی / ۲۲۸۰ رص و برابر با سال ۸۹۱ اسکندری بوده^۱ و همین رقم است که به سال ۸۵۱ هزاره چهارم تصحیف شده است. در سال ۲۲۸۰ رص، نوبت اجرای هفتمین کیسه ۱۲۰ سالی از دومین دور بزرگ ۱۴۴۰ سالی بوده و چنین پیدا است که در سر آغاز سال ۵۵۶ میلادی / ۲۲۸۱ رص، اورمزد روز آبان ماه سیار با اورمزد روز فروردین ماه ثابت مقارن شده و در این سال، پنج گاه را در آخر مهر ماه سیار قرار داده اند.

کیسه هارون الرشید:

در فصل نهم از کتاب آثارالباقیه درباره اعیاد ماه های پارسیان چنین نقل شده: «ایرانیان وقتی که سال های خود را کیسه می کردند، فصول چهار گانه را با ماه های خود علامت می گذاشتند زیرا این دو بهم نزدیک بودند و فروردین ماه اول تابستان و تیر ماه اول پائیز و مهر ماه اول زمستان و دی ماه اول بهار بود و روزهایی خاص در این فصول داشتند که بر حسب فصول چهار گانه بکار می بستند چون کیسه اهمال شد، اوقات آنها بهم خورد.»

(صفحات ۳۲۳ و ۳۲۴)

نظیر روایت فوق عیناً در صفحات ۳۶۱ و ۳۶۵ همان مأخذ درباره اعیاد و ماه های سفدیان و اهل خوارزم دیده می شود.

برای آنکه آغاز فروردین ماه سیار در اول تابستان قرار گرفته باشد می بایست در سال ۱۷۴ ه. ش / ۷۹۵ میلادی / ۲۵۲۰ (= ۱۲۰ × ۹ + ۱۴۴۰) رص، نهمین کیسه ۱۲۰ سال از دومین دور بزرگ ۱۴۴۰ سالی اجرا شده باشد و این تاریخ مقارن با

(۱) - ۲۲۸۰ رص = ۱۸۹۱ - ۱۳۹۰

دوران خلافت هارون الرشید خلیفه عباسی^۱ بوده است. معهذ در فقره زیر، اجرای کیسه فوق، منتفی قلمداد شده:

«و چون روزگار هارون الرشید رسید نیز مردم به درگاه یحیا بن خالد بن برمک جمع شدند و از او درخواست کردند که دو ماه نوروز را عقب بیندازد و یحیا تصمیم گرفت که حاجت ایشان را بر آورد ولی دشمنان برامکه محافلی تشکیل دادند و گفتند که یحیا برای مجوسیت که کیش پدرانش بوده، تعصب خرج می دهد، این بود که یحیا نیز از این کار صرف نظر کرد و همینطور امر کیسه بماند.»

(آثارالباقیه صفحه ۵۲)

ولی در تعدادی از آثار گذشتگان، تیرماه به عنوان ماه آغاز پائیز معرفی شده و این امر می رساند که کیسه هارون الرشید، در موقعیت زمانی خود، به موقع اجرا در آمده چنانچه جاحظ در کتاب «التاج» گفته است:

«نوروز و مهرگان دو فصل هستند، مهرگان آغاز سرما و زمستان است و نوروز آغاز گرما. هرگاه فروردین آغاز تابستان بوده باشد، تیرماه آغاز پائیز شمرده می شده.»

(نقل از کتاب گاه شماری و جشن های ایران باستان صفحه ۴۷)

فردوسی ضمن سخن از پادشاهی هرمز چنین می سراید:

بهار و تموز و زمستان و تیر نیاسود هرگز یل شیرگیر
عنصری نیز در وصف تیرماه می گوید:

تا به نوروز اندرون باشد نشان نوبهار تا سپاه تیرماه آرد نشان مهرگان
از زمان رصد اصلاحی زرتشت در سال ۹۶۱ رصد که پنج گاه در پایان آبان ماه قرار گرفت تا نهمین کیسه ۱۲۰ سالی از دومین دور بزرگ ۱۴۴۰ سالی که در زمان هارون الرشید اجرا گردید، دو گونه گاه شمار سیار، ولی با تفاوتی جزئی وجود داشته که کتاب آثارالباقیه، در موارد عدیده به شرح زیر، به تفاوت آنها اشاره کرده است:

«درپیش گفتیم، سال حقیقی سیصد و شصت و پنج روز و ربع روز است،

۱ - هارون الرشید ۱۹۳ - ۱۷۰ ه. ق / ۷۸۶ - ۸۰۹ میلادی

پارسیان پنج روز دیگر سال را پنجی و اندرگاه گویند سپس این نام تعریب شد و اندرگاه گفته شد و نیز این پنج روز دیگر را ایام مسروقه و یا مسترقه می نامند زیرا که در شمار هیچیک از شهور محسوب نمی شود، پارسیان این پنجه دزدیده شده را میان آبان ماه و آذر ماه قرار دادند.»

(صفحه ۶۹)

«سبب اینکه پنج روز زاید را به آخر آبان ماه و میان آذر ماه قرار می دادند این بود که فارسیان چنین گمان می کردند مبداء سال های ایشان از آفرینش نخستین انسان است و آن روز هر مزد در ماه فروردین بود که آفتاب در نقطه اعتدال ربیعی و در میان آسمان بود.»

(صفحه ۷۱)

«فارسیان گفته اند که چون زرتشت آمد و سال ها را به ماه هایی که از این چهار یک ها درست شده بود کیسه کرد زمان به نخستین حال خود گشت و زرتشت ایشان را امر کرد که پس از او نیز چنین کنند و آن ماه را که کیسه می شود بنام دیگری جدا گانه نخوانند و اسم ماهی را هم تکرار نکنند و فارسیان فرموده او را نوبت ها و دفعاتی پی در پی بکار بستند و هر وقت که موقع کیسه می شد از اشتباه این امر می ترسیدند.»

(صفحه ۷۲)

«پس از ماه های فارسیان، شهور مجوس ماورالنهر که اهل خوارزم و سغد باشند یاد آوری می کنیم و ماه های این قوم نیز در عده و کمیت ایام مانند ماه های پارسیان بود جز اینکه میان برخی از اوایل شهور خوارزمیان و مبادی شهور فارسیان جزیی خلافی است و بیان مطلب آن است که خوارزمیان ایام خمرسه زایده را به آخر سال خویش ملحق می کردند.»

(صفحه ۷۳)

از فقرات فوق چنین مستفاد می شود که فارسیان زرتشتی، پنج گاه را در آخر آبان ماه ثابت نگه می داشتند، ولی اهالی سغد و خوارزمیان مجوس، پنج گاه را در هر ۱۲۰ سال یک ماه به جلو می کشیدند و در پایان سال قرار می دادند و ما در تشریح

سال‌های تاریخی-نجومی، به شیوه کیسه کردن آنها آشنا شدیم.

جشن‌های منسوخ و فراموش شده

در ایران باستان جشن‌های سالیانه، هریک با مراسم ویژه‌ای برگزار می‌شده که کلیه اقوام مختلفه ایرانی آن مراسم را بجا می‌آورده‌اند ولی پس از گرویدن مردم به آئین مبین اسلام، و از بین رفتن گاه‌شماری سیار مذهبی، علت وجودی اکثر آن جشن‌ها از میان رفت و برگذاری مراسم آن اعیاد منسوخ شد، در نتیجه دلیل انجام دادن آنها نامشخص گردید چنانچه موجبات برپائی اعیاد و روزهای مذهبی زیر از جمله فراموش شده‌ها هستند:

۱- جشن‌های سده و نوسده

در عهد باستان، نخستین ماه اهالی سغد بنام نوسرده نامیده می‌شد و از روز ششم ماه نوسرده، فروردین ماه سیار پارسی شروع می‌گردید که پنج روز تفاوت آنها در اثر سیار بودن پنج‌گاه، در گاه‌شماری سغدی، پدید آمده بود. در روز یکم ماه نوسرده سغدی و یکم فروردین ماه سیار پارسی جشن‌های نوسرده و سدرده و یا نوروزهای دوم سغدی و ایرانیان آغاز می‌شد و به مناسبت رسیدن سال نو، جشن‌های بزرگی برگزار می‌گردید.

جشن‌های نوسرده و سدرده در شمار دو جشن بزرگ ایرانیان بوده که در دوران حکومت اسلامی و شاید تا زمان حمله مغول دوام آورده‌اند و از آنجائی که ماه‌های سیار، در دوران رونق خود، بر اساس نگهداری حساب جشن‌ها و انجام مراسم آئین مذهبی استوار شده بود، در بین عامه مردم، شاید اهمیت نوروز سیار بیشتر از نوروز ثابت بوده چنانچه در آثارالباقیه، از نوروز دوم سغدی، بنام نوروز بزرگ یاد شده.

با منسوخ شدن سال سیار مذهبی ۳۶۵ روزی، جشن‌های تاریخی و مذهبی، و از آن جمله جشن‌های نوسرده و سدرده، از ماه‌های سیار به ماه‌های ثابت منتقل شدند و در این جریان، جشن سدرده را در روز مهر از بهمن ماه ثابت یعنی در سردترین روز سال یا در نیمه زمستان تثبیت کرده‌اند که این تاریخ، با رعایت پنج روز اندرگاه، در پنجاه

روز پیش از آغاز بهار قرار گرفته است.

واژه سرد sareda در اوستا به معنی سال و پائیز، یا آخر پائیز و سرد آمده است. در کتیبه‌های داریوش نیز (ثرد thard) به معنی سال و در سانسکریت نیز واژه Sareda هم به معنی سال و هم به معنی سرد است.

واژه سال در فارس باستان مشتق از کلمه sareda به معنی سرد است چنانکه بعدها در لهجه‌های جنوبی ایران نوروز نیز به Now-Sard و نوسرد Navasard مشهور شد.^۱ ولی چنانچه پیداست واژه‌های سرد، سده و نوسده، بهمان گونه که اکنون مصلح است، از واژه سرده به معنای سال گرفته شده است.

منوچهری در شعر زیبای زیر، روز برگذاری جشن سده را چنین مشخص نموده:
 بر لشکر زمستان نوروز نامدار کردست رای تاختن و قصد کارزار
 و ینک بیامدت به پنجاه روز پیش جشن سده طلایه نوروز و نوبهار

۲- روز دی به مهر از ماه آذر

در نزد ایرانیان زرتشتی، روز دی به مهر از آذرماه سیار، از خجستگی و میمنت خاصی برخوردار بوده، چنین پیداست که به جهت فرخندگی این روز، مردم مراسم جشن‌های خصوصی خود را در این روز از سال، برگزار می‌کرده‌اند. مراسم متبرکی که در زیر نقل می‌شوند، از جمله روزهای خجسته فوق به حساب آمده‌اند:

پایان سلطنت گشتاسب و آغاز سلطنت بهمن

نقل از کتاب «الرسال و الملوک طبری»

«.....همین گوینده بر آن است که: مدت سلطنت گشتاسب یکصد و پنجاه سال بوده..... و بعضی دیگر گفته‌اند: گشتاسب مدت یکصد و بیست سال جهاننداری نموده است.»

(صفحه ۸۳)

چنانچه دوران جهاننداری گشتاسب، یکصد و بیست سال گرفته شود، آغاز

سلطنت بهمن در روز دی به مهر از آذرماه سیار معادل با اورمزد روز از فروردین ماه ثابت بوده است زیرا:

$$۷۰۶ \text{ ق.م.} / ۱۰۲۰ \text{ رصد } (۱۲۰ \times ۸ + ۱۵ \times ۴) = ۹۰۰ + ۱۲۰$$

و چنین روز بزرگی، در مسیر گردش ۱۴۴۰ سالی، برای یک مرتبه اتفاق می افتاده است.

- در منظومه «ویس و رامین»، سروده فخرالدین اسعد گرگانی، مادر ویس تاریخی را جهت ازدواج وی با رامین برگزیده که با سر آغاز سلطنت بهمن برابر است: همه اخترشناسان زیج بردند شمار اختران یک یک بکردند
چو گردش های گردون را بدیدند ز آذرماه روزی برگزیدند
کجا آنکه ز گشت روزگاران در آذرماه بودی نوبهاران
چو آذرماه روز دی در آمد همان از روز شش ساعت برآمد
- فردوسی در شاهنامه، آغاز سلطنت شیرویه را در چنین روزی از سال آورده است.

کجا ماه آذر بدی روز دی گه آتش و مرغ بریان و می
قباد آمد و تاج بر سر نهاد به آرام بر تخت بنشست شاد
توضیح آنکه دوران ۷ ماهه سلطنت قباد در دور ۱۲۰ ساله ای قرار داشته که آغاز بهار مقارن با آبان ماه سیار بوده است لذا روز دی از آذر ماه آن سال نمی تواند مقارن با اورمزد روز از فروردین ماه ثابت باشد.

ارتباط سال های ثابت و سیار

با توجه به آنچه در مورد ادوار ۱۲۰ سالی گذشت، ارتباط سر آغاز سال های ۳۶۵ روز و ربعی ثابت و ۳۶۵ روزی سیار با کیسه را از طریق زیر می توان محاسبه کرد:

- اگر سال رصد بزرگتر از یک دور نجومی ۱۴۴۰ سالی باشد، دور نجومی فوق را از سال رصد کسر نموده و باقیمانده آن سال را بر عدد ۱۲۰ تقسیم می کنیم تا خارج قسمت تقسیم فوق، شماره ماه سیار را بدست دهد.

- اگر تقسیم فوق دارای باقیمانده باشد، با افزودن یک شماره بر خارج قسمت فوق شماره ماه سیار بدست می آید.

- از تقسیم مجدد باقیمانده فوق بر عدد چهار شماره روز سیار حاصل می شود.
 - در تقسیم اخیر اگر باقیمانده ای وجود داشت یک رقم بر عدد روز سیار افزوده می شود. بطور مثال در مورد سال ۲۸۱۸ رصد:

$$2818 = 1440 + 1378$$

$$1378 = 120 \times 11 + 58 \quad \text{ماه دوازدهم (} 11+1 = \text{)}$$

$$58 = 14 \times 4 + 2 \quad \text{روز پانزدهم (} 14+1 = \text{)}$$

پس در سال ۲۸۱۸ رصد روز یکم فروردین ماه ثابت مقارن با روز پانزدهم اسفند ماه سیار بوده است.

محاسبه روزهای هفته

تقسیم بندی تعداد روزها به ایام هفته، روش بسیار جالبی در تنظیم ادوار روزانه است زیرا تعداد روزهای ماه یا سال به عدد هفت قابل قسمت نیستند و این ویژگی امکان می دهد تا به منظور واریسی در درستی تواریخی که از راه محاسبه بدست می آیند - همزمان با محاسبات ادواری - از دور هفته ای نیز استفاده گردد و به کمک این واریسی، از پیدایش اشتباهات محاسباتی جلوگیری شود.

مبداء و آغاز پیدایش تاریخ هفتگی به روشنی مشخص نیست، در این صورت بایستی روز هفتگی یکی از مبادی تاریخی را از طریق تفحص و جست و جو شناخت و سایر مبادی ادواری را نسبت به آن تاریخ تنظیم نمود.

از آنجائی که محاسبات سال ادواری بر اساس مبداء تاریخ رصد صورت می گیرد، رجحان دارد که روز هفتگی سر آغاز تاریخ رصد، از طریق محاسبه، شناخته شود تا روزهای هفتگی سایر تواریخ، نسبت به این مبداء مشخص شوند.

قریباً خواهیم دید که اشو زرتشت در سال ۸۰۸ ق.م / ۹۱۸ رصد به پیغمبری مبعوث گردید، در محاسبات ادواری تقویم جلالی نیز مشخص می شود که سر آغاز سال بعثت زرتشت روز یکشنبه (خورشید روز Sunday) بوده است و این روز هفتگی که برپایه طول سال شمسی حقیقی محاسبه شده، دارای اساس محکم و قابل اطمینانی است.

چنانچه مبداء سال بعثت زرتشت را روز یکشنبه قرار دهیم، سر آغاز تاریخ رصد

برابر با روز چهارشنبه می‌شود، محتملاً جشن چهارشنبه‌سوری نیز بهمین مناسبت برگزار می‌گردد.

در کتاب «تقویم و تاریخ در ایران» به نقل از بیرونی چنین آمده:

«روز مبداء این تاریخ مجوسی بر حسب تصریح بیرونی پنجشنبه است.»

(صفحه ۵۴)

تاریخ مجوسی برابر با سال ۶۵۲ میلادی / ۲۳۷۷ رصد بوده است و چنانچه از روی این تاریخ سرآغاز تاریخ رصد محاسبه شود، برای آن روز، چهارشنبه بدست می‌آید.

در کتاب «تقویم و تقویم نگاری در تاریخ» چنین نقل شده:

مبداء «تقویم مصریان بنا به استناد بطلمیوس در کتاب مجسطی، سال تسلط بخت‌النصر به سرزمین مغرب است که اولین روز آن چهارشنبه بوده است.»

(صفحه ۱۷۴)

تاریخ یهود نشان می‌دهد که سال مبداء تاریخ بخت‌النصری در سه مرحله تغییر پیدا کرده ولی سرآغاز هیچ‌یک از سه تاریخ فوق روز چهارشنبه نبوده است پس محتمل است که چهارشنبه آمده در فقره فوق در اصل منسوب به سرآغاز تاریخ رصد باشد.

برای محاسبه روز هفته، در سرآغاز سال‌های ثابت، از تقویم دائمی^۱ استفاده می‌شود بدین طریق که از سال رصد یک عدد کسر نموده (جهت سال مبداء) و مانده آن را در رقم ۳۶۵/۲۵ روز ضرب می‌نمائیم، پس چنانچه حاصل ضرب بر رقم هفت تقسیم شود، باقیمانده عملیات تقسیم، پس از حذف کسور اعشاری، معرف روز هفته می‌باشد با این فرض که چهارشنبه یک، پنجشنبه دو، جمعه سه، دوشنبه شش و سه‌شنبه صفر گرفته شود. جهت سهولت در امر محاسبه، ابتدا سال رصد منهای یک را بر رقم ۲۸ تقسیم نموده و از خارج قسمت صرفنظر می‌کنیم، تا مضارب از هفت روز هفته از مسیر محاسبه خارج شوند^۲ و سپس رقم باقیمانده را در عدد:

۱ - تقویم‌های سالیانه روز هفته، روز ماه و ماه را نشان می‌دهند، تقویم دائمی رابطه روز هفته، روز ماه، ماه و سال را برای مدت خیلی طولانی تعیین می‌نماید. قدما مسأله تقویم دائمی را بنام تعیین مدخل می‌خواندند و از محاسبه تعداد روزها، روز هفته را پیدا می‌کردند.

$$۲ - ۱۰۲۲۷ = ۱۶۱ \times ۷ + ۰ = ۳۶۵/۲۵ \times ۲۸ = \text{روز}$$

۱/۲۵ (= ۵۲×۷-۳۶۵/۲۵) ضرب می‌کنیم، حاصلضرب روز هفته را مشخص می‌سازد.

پس از پیدایش روز هفته سرآغاز هر سال، محاسبه روز هفته سایر ایام آن سال، از جمله سرآغاز سال‌های سیار، به‌سہولت امکان‌پذیر می‌باشد.

بابلی‌ها، هریک از روزهای هفته را بنام یکی از ستارگان نام‌گذاری کرده بودند و این‌ندیم، چگونگی این نام‌گذاری را به شرح زیر در کتاب الفهرست آورده‌است:

«رونوشت چیزی که به خط ابوسعید و هب بن ابراهیم از قربانی‌های آنان (حرانیان کلدانی معروف به صابئه) خوانده‌ام:

روز یکشنبه برای آفتاب، که نامش -ایلیوس- است. دوشنبه برای ماه، که نامش -سین- است. سه‌شنبه برای مریخ، که نامش -آریس- است. چهارشنبه برای عطارد، که نامش -نابق- است. پنجشنبه برای مشتری، که نامش -یال- است. جمعه برای زهره، که نامش -بلثا- است. شنبه برای زحل، که نامش -قرنس- است.»

(صفحه ۵۷۱)

سران قوم یهود، در اسارت بابل، شمارش و تقسیم‌بندی ایام هفته را از حرانیان پذیرفته و حتی به آن اهمیت مذهبی بخشیدند.

گفته می‌شود که: گنستانتین -اولین امپراتور روم که به مسیحیت روی آورد باعث شد تا دور هفته‌ای، در تقویم رومیان جای خود را باز کند، ولی گفته فوق ادعای درستی نیست زیرا اسامی روزهای هفته رومی‌ها، بصورت زیر، از اسامی غیردینی و حتی کفرآمیز حرانیان کلدانی گرفته شده و اقتباس دور هفتگی اهالی روم به دوران مهرپرستی آنان مرتبط می‌شود:

یکشنبه، روز خورشید Sun's day - در زبان انگلیسی Sunday

دوشنبه، روز ماه Moon's day - در زبان انگلیسی Moonday

سه‌شنبه، روز مریخ Mars's day - در زبان فرانسوی Mardi

چهارشنبه، روز عطارد Mercury's day - در زبان فرانسوی mercredi

پنجشنبه، روز مشتری Jupiter's day - در زبان فرانسوی Jeudi

جمعه، روز زهره Venus' day - در زبان فرانسوی Vendredi

شنبه، روز زحل Saturn's day - در زبان انگلیسی Saturday

بخش دوم

مبادی تاریخی در ایران کهن

الف - اشو زرتشت

دوران زندگی زرتشت متشکل از چند تاریخ نجومی است که هر یک از آن تواریخ، مبداء یک یا چند گاه شماری و یا تاریخ گذاری قرار گرفته اند، و تشخیص آن مبادی تاریخی نسبت به درک درست گاه شماری ها اطمینان خاطر می بخشد. چون هر یک از گاه شماری ها به طور جدا گانه، مورد بررسی قرار خواهند گرفت لذا از سال های یاد شده، کلیاتی در این بخش آورده می شود تا از پیش، نسبت به آن تواریخ، آشنایی های لازم پیدا شده باشد.

۱- تاریخ ظهور زرتشت

به نقل از کتاب «تاریخ پیامبران و شاهان»:

«کی گشتاسب: به سال سی ام از پادشاهی خود، پنجاه ساله بود، زردشت که از آذربایجان برخاسته بود، نزد او آمد و گشتاسب دین وی را پذیرفت. آنگاه گروهی را برای دعوت مردم روم به دین زردشت به آنجا فرستاد، اما مردم روم به استناد پیمان صلحی که با فریدون بسته بودند و به موجب آن، در اعتقاد به دین دلخواه خود آزادی داشتند، دعوت را نپذیرفتند وی نیز، برای رعایت پیمان، آنان را به حال خود گذاشت.»

در بخش یکم تا بدینجا رسیدیم که گشتاسب در آبان گان سال:
 ۸۴۶ ق. م. / ۸۸۰ رصد، متولد شده لذا با توجه به روایت فوق، گشتاسب در سال:
 ۷۹۶ ق. م. / ۹۳۰ رصد، (= ۵۰ + ۸۸۰) به آئین زردشت در آمده است.
 سالی که زرتشت موفق گردید تا گشتاسب را به آئین یزدان پرستی هدایت کند،
 به نام تاریخ ظهور زرتشت خوانده شده پس تاریخ ظهور زرتشت در سال ۹۳۰ بوده و
 میان سال های تاریخ ظهور زرتشت و تاریخ انقراض سلسله کیانیان، ۲۵۸ سال
 می باشد.^۱

در کتاب «نوروزنامه منسوب به عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری» به گونه زیر
 روایتی نقل شده که دارای ۱۰ سال دست بردگی در تاریخ، توسط دیگران است:
 «چون از پادشاهی گشتاسب سی سال بگذشت، زردشت آمد و دین گیری آورد
 و گشتاسب دین او پذیرفت و بر آن می رفت و از گاه جشن آفریدون تا این وقت،
 نهصد و چهل سال گذشته بود و آفتاب نوبت خویش به عقرب آورده.»
 (صفحات ۱۹ و ۲۰)

۲- سال های تولد و بعثت زرتشت

در نقل روایاتی از زندگی زرتشت، به درستی گفته می شود که:
 زرتشت بیست ساله بود که گوشه گیری شیوه خود ساخت و به اندیشه و نیایش
 پرداخت و در ۳۰ سالگی، اهورا مزدا بر وی ظاهر گشت. گشتاسب در سی امین سال
 پادشاهی خود به آئین زرتشت گروید و در این هنگام پیغمبر چهل و دو ساله بود پس
 فقرات فوق مبین آنند که زرتشت در سال ۸۳۷ ق. م. / ۸۸۹ رصد (= ۴۲ + ۹۳۰)
 متولد شده، در سال ۸۰۸ ق. م. / ۹۱۸ رصد، به پیغمبری مبعوث شده و میان
 سال های تاریخ انقراض سلسله کیانی و تاریخ بعثت زرتشت ۲۷۰ سال بوده است.
 زرتشتیان از همان آغاز کار، سال بعثت زرتشت را مبداء تاریخ ایزد گردی قرار

۱ - ۲۵۸ = ۹۳۰ - ۱۱۸۸ رصد

۲ - ۲۷۰ = ۹۱۸ - ۱۱۸۸

داده بودند چون این تاریخ، علاوه بر سال بعثت زرتشت، دارای موقعیت نجومی خاص بوده، چنانچه مبداء گاه شماری شمسی حقیقی نیز از این سال آغاز شده است.

گاه شماری مذهبی پارسیان براساس سال سیار ۳۶۵ روزی تنظیم شده است که در این گاه شماری یک دور بزرگ ۱۴۴۰ سالی، به میزان ۵ روز بیشتر از تعداد ۱۴۳۹ سال ثابت ۳۶۵/۲۵ روزی می باشد.^۱

حساب توالی سال ها نشان می دهد که زرتشتیان، پس از پایان یک دور بزرگ ۱۴۴۰ سالی سیار، شمارش تاریخی ایزد گردی را مجدداً از سال ۱ آغاز کرده اند.^۲ و این امر می رساند که تاریخ یزد گردی کنونی ادامه تاریخ ایزد گردی باستانی بوده و هیچ گونه ارتباطی با آغاز سلطنت یزد گرد پسر شهریار ندارد.

۵ روز تفاوت پدید آمده در پایان یک دور بزرگ ۱۴۴۰ سالی موجب شده تا گاه شماری ایزد گردی، در آغاز دور دوم، از روز ششم فروردین ماه شروع گردد.

۳- زاد روز و تاریخ در گذشت زرتشت

در بخش بیست و پنجم کتاب زات سپرم، از روز و ماه در گذشت زرتشت یاد شده که قسمت هایی از آن فقره را، به شرح زیر، مورد مذاقه قرار می دهیم:

«چون چهل و هفت سال از دین بگذشت، زردشت بمرد که هفتاد و هفت سال و چهل روز داشت. مردن زرتشت در خور روز (روز یازدهم) از ماه اردیبهشت بود اما با نه ماه بهیز کی به خور روز از دی ماه برده شده است، اما آئین یزشن و دعا و نماز در همان اردیبهشت ماه باید انجام گیرد و در سه صد سالگی دین، در روز آسمان چون شب شود و در دین خلل شود و پادشاهی بلرزد.»

(نقل از کتاب گاه شماری و جشن های ایران باستان صفحه ۱۹)

فقره فوق مبین آنست که تاریخ در گذشت زرتشت در سال:

۷۶۲ ق.م / ۹۶۴ رصد (= ۴۷ + ۹۱۸ - ۱) بوده است، چون در سر آغاز سال فوق،

$$۱۴۴۰ \times ۳۶۵ = ۵۲۵۶۰۰ - ۱$$

$$۱۴۳۹ \times ۳۶۵/۲۵ = ۵۲۵۵۹۵$$

$$۹۱۸ + ۱۴۳۹ = ۹۱۸ + ۱۴۴۰ - ۱ = \text{رصد } ۲۳۵۷ / \text{میلادی } ۶۳۲ / \text{ش.ه } ۱۱ - ۲$$

بر طبق رابطه $۴ \times ۱ + ۱۲۰ \times ۸ = ۹۶۴$ رصد، اورمزد روز از فروردین ماه ثابت برابر با اورمزد روز از آذرماه سیار بوده و در نتیجه خور روز از اردیبهشت ماه ثابت مقارن با خور روز از دی ماه سیار شده است، توضیح آنکه این ویژگی اختصاص به سال فوق داشته و در سال‌های دیگر آن دور، چنین روزی وجود ندارد.

تاریخ تولد زرتشت در سال ۸۳۷ ق.م/ ۸۸۹ رصد نشان می‌دهد که زرتشت، در تاریخ درگذشت، ۷۵ سال و ۴۰ روز داشته است^۱ که با فقره آمده در کتاب زات سپرم قریب به ۲ سال تفاوت دارد و ما در سال شماری یهود، از سبب پیدایش این ۲ سال اختلاف و اثرات آن در تواریخ ایران، آگاهی خواهیم یافت.

چنانچه دوران حیات اشو زرتشت، ۷۵ سال و ۴۰ روز گرفته شود، زاد روز تولد آن حضرت مقارن با اورمزد روز از فروردین ماه ثابت قرار می‌گیرد ولی زرتشتیان امروزی، زاد روز زرتشت را در روز ششم فروردین ماه جشن می‌گیرند که با سر آغاز سال‌های ثابت ۵ روز تفاوت دارد و این ۵ روز اختلاف مربوط به تفاوت سال‌های سیار ۳۶۵ روزی بی کیسه پارسیان نسبت به سال‌های سیار ۳۶۵ روزی با کیسه و یا سال‌های ثابت ۳۶۵/۲۵ روزی بوده که پس از پایان یک دور ناقص ۱۴۴۰ سالی، نسبت به مبداء تاریخ بعثت زرتشت، به وجود آمده و چگونگی آن درپیش بیان شد.

از متن روایت به سادگی استنباط می‌شود که، از خور روز اردیبهشت ماه تا خور روز دی ماه، هشت ماه کیسه انجام گرفته، مربوط به ۸ دور کیسه ۱۲۰ سالی است که در تاریخ اصلاح رصد کیانیان، توسط زرتشت اجرا شده است. پس نه ماه بهیز کی آمده در روایت فوق، با اشتباه محاسباتی، و یا تحریف تعمدی مرتبط می‌باشد.

سه صد سالگی دین که در آئین زرتشتی خلل وارد شده در ارتباط به سال تولد زرتشت تا انقراض سلسله کیان در سال ۵۳۸ ق.م/ ۱۱۸۸ رصد به دست کورش بزرگ بوده است زیرا:

$$۵۳۸ \text{ ق.م.} / ۱۱۸۸ \text{ رصد} = ۱ + ۳۰۰ - ۸۸۹$$

۴- تاریخ بخت نرسی

زردشت در سال ۷۶۵ ق. م / ۹۶۱ رصد، گاه شماری کیانیان را اصلاح کرد و سال های تاریخی و نجومی را ابداع نمود. در دوران های بعد، این مبداء تاریخی به نام «تاریخ بخت نرسی» خوانده شد و به جهت اهمیتی که در برداشت - مبداء گاه شماری سایر اقوام و ملل گیتی، و از جمله قوم یهود، قرار گرفت.

مورخین کلیسا به سبب ضروریاتی که در ابداع تاریخ میلادی پیدا نمودند، در مرحله یکم، مبداء تاریخ بخت نرسی را تغییر داده و آن را به سال در گذشت زرتشت در سال ۷۶۲ ق. م / ۹۶۴ رصد تبدیل نموده و نام بخت نرسی را به بختنصری مبدل کردند تا مبداء گاه شماری مشخص نباشد ولی اکنون مبداء تاریخ بختنصری را در سال:

۷۴۷ ق. م / ۹۷۹ رصد می دانند و ما در بخش مربوط به تاریخ های جابجا شده از چگونگی پیدایش مبداء اخیر آگاهی خواهیم یافت.

ب - تواریخ سلسله‌های اشکانی و مهر اشکانی

در مبحث سال‌های تاریخی- نجومی آگاهی یافتیم که نخستین رصد شناخته شده در جهان توسط فریدن- بنیانگذار حکومت کاسی‌ها در ایران زمین- انجام گرفت، آن گونه رصد که زمانی سر آغاز تاریخ شناخته شده جهان محسوب می‌گردید .
فریدون، در شاهنامه، از نیایش گران مهر معرفی شده:

فریدون چو شد بر جهان کامگار	بدو شاد شد گردش روزگار
برسم کیان تاج و تخت مهی	بیاراست با کاخ شاهنشهی
به روز خجسته سر مهر ماه	بسر بر نهاد آن کیانی کلاه
بفرمود تا آتش افروختند	همه عنبر و زعفران سوختند
پرستیدن مهرگان دین اوست	تن آسانی و خوردن آئین اوست
اگر یادگار است از او ماه مهر	بکوش و برنج هیچ منمای چهر

پیداست که تاریخ رصد، سر آغاز تاریخ مدون نیایش گران مهر بوده است.

در سال ۱۰۰۵ ق. م / ۷۲۱ رصد - درست ۶ دور ۱۲۰ سالی پس از تاریخ فریدون - کیخسرو به شهریاری ایران منصوب می‌شود .

کیخسرو مظهر ایزدمهر در بین مردم شناخته می‌شد و مورخین یهود - به جهت جنبه مذهبی تاریخ کیخسرو - آن سال را تاریخ ساختمان معبد یهود قرار دادند .
در سال ۲۸۵ ق. م / ۱۴۴۱ رصد - و درست ۶ دور ۱۲۰ سالی یا ۷۲۰ سال پس

از آغاز شهریار کیخسرو- شخصیت دیگری به نام مهر متولد شد و در سال ۲۵۸ ق.م/ ۱۴۶۸ ر.صد خود را مظهر ایزد مهر در روی زمین معرفی کرد. در نوشته‌های مانوی که در غار «تورفان» پیدا شده، مانی، مهر را این چنین برگزیده‌ای معرفی می‌کند:

«مهر فرستاده بزرگ ایزدان، آورنده کیش بر گزیدگان بود.»

(نقل از کتاب بغ مهر صفحه ۷)

مهر به معنای آفتاب، دوستی، محبت و پیمان است بدین سبب تاریخ ظهور یا سال تجلی نور بر مهر، به نام تاریخ پیمان‌ها نامیده شده و چون آن تاریخ بر مبنای معتقدات مذهبی عامه مردم قرار گرفته بود، سلاطین اشکانی آن مبداء را تاریخ مذهبی کشور ایران قرار دادند و نیایشگران مهر- در تاریخ گذاری‌های خود- آن مبداء مذهبی را به کار می‌بردند.

در کتاب «تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله هجری قمری و میلادی» نوشته شده: «تاریخ سلوکی که مبناء آن، ورود سلوکوس نیکاتور سردار اسکندر مقدونی و سر سلسله سلوکیان به شهر بابل است که دوازده سال پس از مرگ اسکندر اتفاق افتد، یهودیان و آشوریان نیز آن را به کار بردند. این تاریخ به نام تاریخ پیمان‌ها نیز معروف است. تولد پیغمبر اسلام حضرت محمد بن عبدالله (ص) در سال ۸۲۲ این تاریخ به وقوع پیوست.»

(صفحات بیست و بیست و یک)

و در زیرنویس صفحه بیست و یک همان کتاب، شرح داده شده: «توضیح اینکه در اصل دائره المعارف اسلام (انگلیسی) سال مذکور ۸۱۲ ذکر شده.»

در نوشته‌های یاد شده چند اشتباه تاریخی زیر وجود دارد:

اولاً تاریخ پیمان‌ها با تاریخ سلوکی یکی دانسته شده که خلاف واقعیت است ثانیاً- ولادت حضرت رسول اکرم در سال ۸۸۲ سلوکی بوده است و نه در سال ۸۲۲ سلوکی.

ثالثاً - حضرت محمد بن عبدالله (ص) در سال ۸۲۹ پیمان‌ها تولد یافته‌اند زیرا:
 مبداء تاریخ پیمان ۲۵۸ ق.م. / ۱۴۶۸ رصد
 سال ولادت حضرت رسول اکرم ۵۷۱ میلادی / ۲۲۹۶ رصد
 سال ولادت حضرت رسول اکرم (ص) بر حسب تاریخ پیمان‌ها :

$$۲۲۹۶ - ۱۴۶۸ + ۱ = ۸۲۹$$

تاریخ پیمان در کتاب «تقویم و تاریخ در ایران» به گونه زیر شناسائی شده:
 «عدد ۲۴۶۸ عدد مشهور بدوح می‌باشد که روی کاغذها برای زود رسیدن و تبرک می‌نویسند. طلسم این عدد مرموز خواص عجیبی دارد. این عدد از اعداد زوج دهه اول که به ترتیب پشت سر هم آمده - و هر یک خواص توهمی جداگانه‌ای دارد - ساخته شده است. اگر مبداء این عدد سال رصد باشد، سال ۲۴۶۸ مطابق سال ۱۲۶ هجری می‌شود و این سال سالی است که علناً دعوت‌ها و خروج‌ها در خراسان شده است.

عدد ۱۴۶۸ در کتب تاریخی و همچنین در نوشته‌های تورفانی دیده می‌شود. نوشته‌اند پس از ۱۴۶۸ سال، نور از ظلمت جدا می‌شود. به حساب تاریخ رصد، این سال سالی است که نور بر مهر فرود آمده و روشن شده و در این سال از سنش چهارده سال می‌گذشته است.»

(صفحه ۱۱۷).

یکم- تاریخ ولادت مهراشکانی

و اما در مورد سال تولد مهر، در این باره ابن خلدون از طبری نقل کرده است:
 «در ایام ملوک الطوائف، ولادت عیسی صلوات الله علیه بود. این ولادت در سال ۶۵ غلبه الاسکندر بر سرزمین بابل در سال ۵۱ اشکالی بود. نصاری گمان می‌کنند آن ولادت پس از گذشتن ۳۶۳ سال از غلبه الاسکندر بر سرزمین بابل بود.» و در زیرنویس همان صفحه توضیح داده شده که: «واضح است که سال ۳۶۳ دورقمش مقلوب و باید ۳۳۶ باشد.»

(تقویم و تاریخ در ایران صفحه ۱۰۳)

در روایت فوق از دو مسیح نام برده شده که یکی متولد سال:

۲۷۲ ق.م. / ۱۴۵۴ رص (= ۱ + ۶۵ - ۱۳۹۰) و دیگری متولد سال:

۱ مبداء میلادی / ۱۷۲۵ رص (= ۱ + ۳۳۶ - ۱۳۹۰) بوده اند پس به جهت متمایز ساختن دو شخصیت فوق از یکدیگر، در این کتاب از مسیح یکم به نام مهر اشکالی و از مسیح دوم به نام عیسای ناصری (ع) نام برده می شود.

در روایت فوق، ۳ سال تاریخی نسبت به مبداء اسکندری معین شده که اکنون ۲ سال تاریخی، از آن تواریخ، مورد نظر است:

تاریخ ۳۳۶ آمده در روایت طبری مشخص می سازد که منظور از سال غلبه الاسکندر بر سرزمین بابل، تاریخ ۳۳۶ ق.م. / ۱۳۹۰ رص می باشد، پس بر طبق روایت طبری، مهر اشکانی در سال ۲۷۲ ق.م. / ۱۴۵۴ رص (= ۱ + ۶۵ - ۱۳۹۰) متولد شده است. ولی آثار موجود نشان می دهند که نیایشگران مهر، تاریخ ولادت وی را در او رمزدگان سال ۲۸۵ ق.م. / ۱۴۴۱ رص می دانسته اند، چون در سال فوق، او رمزد روز فروردین ماه سیار بی کیسه مقارن با او رمزد روز فروردین ماه ثابت شده و در نتیجه روزها و ماه های دو گونه گاه شماری فوق با هم برابر و برهم منطبق شده بودند.

در بخش مربوط به «تاریخ های جابجا شده» از این واقعیت آگاه می شویم که مورخین کلیسا، جهت جایگزین ساختن تاریخ میلاد عیسای ناصری (ع) به جای تاریخ ولادت مهر اشکانی، کلیه مبادی تاریخی بنیادی را درهم ریخته و از آن جمله سال های تعدادی از مبادی تاریخی را ۱۳ سال به جلو کشیده اند پس با توجه به این برداشت تجربی، مشکل به نظر می رسد که سال ولادت مهر اشکانی از چنین آفتی برکنار مانده باشد و چنانچه از تاریخ ۱۴۵۴ رص، ۱۳ سال کم کنیم به سال ۲۸۵ ق.م. / ۱۴۴۱ رص می رسیم که سال او رمزدگان و مقارن با آغاز یکمین سال از دور ۷۲۰ سالی سوم می باشد. به نظر می رسد که در آغاز کار، سال ولادت مهر اشکانی در همین سال تعیین شده است چون در نظر نیایشگران مهر، ۶ دور ۱۲۰ سالی و یا یک دور ۷۲۰ سالی از قداست خاصی برخوردار بوده و در نتیجه تواریخ پیدایش مظاهر مهر می بایستی در سر آغاز چنین مبادی تاریخی اتفاق افتاده باشد. چنانچه کشتی ای

که زرتشتیان بر کمر می‌بندند^۱ و زناری که نصرانیان مشرق زمین بر کمر می‌بسته‌اند می‌بایست در ارتباط با دور ۷۲۰ سالی فوق باشد

دوم - سال تأسیس دولت اشکانی

بنا به روایت تاریخ طبری، سلسله سلاطین اشکانی در سال ۳۲۲ ق. م / ۱۴۰۴ رصد (= ۵۱ + ۱۴۵۴) تشکیل یافته، پس با این حساب، تأسیس سلسله اشکانی ۱۴ سال، (= ۱۳۹۰ - ۱۴۰۴) پس از آغاز سلطنت اسکندر بوده است.

در کتاب آثارالباقیه، تاریخ سلسله اشکانی با ۵ روایت نقل شده که در ۴ روایت، آغاز تاریخ اشکانی ۱۴ سال پس از تاریخ اسکندری بوده و تنها یک مورد آن، دوران تاریخ اسکندری ۱۳ سال دانسته شده است - که آن هم ممکن است اشتباه چاپی یا نوشتنی باشد - و این تواریخ می‌رسانند که در تواریخ گذشته ایران، مبداء تاریخ اسکندری در سال ۱۳۹۰ رصد منظور شده و آغاز سلطنت اشک بن دارا در سال: ۳۲۲ ق. م / ۱۴۰۴ رصد به حساب آمده است.

اسناد به دست آمده نشان می‌دهند که در دوران سلاطین اشکانی از تاریخ رسمی اشکانی با مبداء سال ۱۴۰۴ رصد و تاریخ مذهبی پیمان با مبداء سال ۱۴۶۸ رصد، توأم استفاده می‌شده.

از تاریخ غلبه اسکندر بر بابل تا سده‌ها پس از تاریخ ظهور اسلام، یکی از مبداءهای تاریخی یونانی‌ها و سپس رومی‌ها مبدأ تاریخ اسکندری بوده است، ولی به دلایلی که در بخش‌های دیگر کتاب با آنها آشنا خواهیم شد، مورخین کلیسا لازم دانستند تا تاریخ سلوکی را به جای تاریخ اسکندری قرار دهند و برای پوشیده نگهداشتن این واقعیت تاریخ سلوکی را به نام تاریخ اسکندری خواندند.

کتاب «تقویم و تاریخ در ایران»، درباره زمان تعویض تاریخ اسکندری به تاریخ

۱ - زرتشتیان بندی باریک و بلند را که از ۷۲ نخ پشم گوسفند درست شده باشد بر میان می‌بندند و آن را کشتی (KOSHTI) می‌نامند. این ۷۲ نخ را هنگام بافتن به ۶ قسمت که هر یک دارای ۱۲ نخ باشد تقسیم می‌کنند و بهم می‌بافند و در دو انتهای کشتی هنگام بافتن، گره‌هایی به آن داده می‌شود.

سلوکی، نوشته جالبی دارد:

«در قرن هفتم هجری که نفوذ زندیقان در دستگاه مغولان بوده، دیده می شود که برای مرتبه اول گفته اند، بهتر این است که این تاریخ را سلوکی بنامیم. تا کنون مدرک قدیمی که از چگونگی تاریخ سلوکی بحث کرده باشد به دست ما نرسیده است. آنچه در کتب تاریخ و نجوم تصریح شده این است که این تاریخ اصلاً روی فرض هزاره موسی (ع) وضع شده است و ارتباطی با سلوکی و اسکندر رومی ندارد.»

(صفحه ۷۷)

ولی اکنون هر سندی که از دوران سلاطین اشکانی به دست می آید - که با مبادی تاریخی اشکانیان تاریخ گذاری شده - مورخین کلیسا، تاریخ آن سند را با مبداء تاریخ سلوکی مشتبّه می سازند و در هر جا که از تطبیق تواریخ اسناد با تاریخ سلوکی عاجز بمانند به تخطئه تاریخ اشکانیان می پردازند. جهت آشنایی بیشتر به شیوه برخورد مورخین کلیسا با اسناد دوران اشکانیان، قسمتی از کتاب «پارتیان، نوشته آقای فالكوم کالج» در زیر نقل می شود:

«روش های تاریخ گذاری پارتیان بی هیچ ضرورتی دشوار بود، سال شماری معمولی سلوکیان را که از پائیز ۳۱۲ پ. م. آغاز می شد و بسیار رواج یافته بود برای تاریخ گذاری بر سکه ها پذیرفتند. در بابل از این روش دوری جستند و آغاز سال را به بهار (اول نisan) انداختند و سال شماری سلوکی را از ۳۱۱ پ. م گرفتند، سپس یک سال شمار شاهی اشکانی توسط شاه به کار برده شد که گویا از بهار شروع می شد. چون جامعه از پذیرش گاه شماری اخیر خودداری کردند، این اسناد را با دو تاریخ صادر کرده اند، بدین شیوه، پیمانی پیدا شده در «دورا»، را می بینیم که چنین آغاز گشته است (در زمان سلطنت اشک شاهنشاه... به سال ۳۶۸ سال شماری شاهنشاهی و برابر با سال شماری کهن ۴۳۲، در روز بیست و ششم ماه داتی موس) ... قدیمی ترین سندی که در آن سال شماری اشکانی در کنار سلوکی آمده است، مورخ ۱۴۱ پ. م است، از این گذشته، تقویم قمری که با سال های مقدونی و یونانی و بابلی و آرامی و ایرانی و زرتشتی به کار می رفت، مسأله را بس بغرنج کرده بود. بازشناختن تاریخ

سندی که به شیوه پارتی تاریخ گذاری شده و در کنارش تاریخ دیگری گذاشته نشده باشد، بسی دشوار است.»

(صفحه ۶۳)

ولی برخلاف نظر آقای مالکوم کالج، از دو تاریخ مندرج در سند «دورا»، تاریخ ۴۳۲ با مبداء تاریخ شاهنشاهی و تاریخ ۳۶۸ با مبداء تاریخ پیمان بیان شده و مربوط به سال ۱۱۰ میلادی می باشند چون:

با مبداء تاریخ اشکانی $۱۱۰ \text{ میلادی} / ۱۸۳۵ \text{ رص} = ۴۳۲ + ۱ - ۱۴۰۴$

با مبداء تاریخ پیمان $۱۱۰ \text{ میلادی} / ۱۸۳۵ \text{ رص} = ۳۶۸ + ۱ - ۱۴۶۸$

کتاب «تاریخ تاریخ در ایران» به سند تاریخ دار دیگری مربوط به دوران سلاطین اشکانی، به شرح زیر، اشاره می کند:

«قدیمی ترین تاریخ که با مبداء اشکانی برجای مانده است بر روی یک سند بابلی است که به سال شصت و هشتم از مبداء اشکانی و یکصد و سی و دومین سال از مبداء سلوکی تاریخ گذاری شده است.»

(صفحه ۱۵۳)

روابط زیر نشان می دهند که سند فوق نیز با مبداء تاریخی اشکانیان تاریخ گذاری شده و سال های آمده در سند مذکور ارتباطی با تاریخ سلوکی ندارند:

با مبداء تاریخ اشکانی $۱۹۱ \text{ ق. م} / ۱۵۳۵ \text{ رص} = ۱۳۲ + ۱ - ۱۴۰۴$

با مبداء تاریخ پیمان $۱۹۱ \text{ ق. م} / ۱۵۳۵ \text{ رص} = ۶۸ + ۱ - ۱۴۶۸$

ج - تاریخ‌های مانویان

در سده‌های اولیه صدر اسلام، موقعیت زمانی تعدادی از موضوعات تاریخی با مبادی تاریخ مانویان مشخص شده بودند، بدین سبب مورخین کلیسا مبادی تاریخی مانویان را نیز تحریف نمودند تا از این طریق نیز رشته ارتباطی تواریخ ادوار کهن از هم گسیخته شده باشد. خوشبختانه در نیمه اول قرن بیستم، آثار و نوشته‌های بسیاری به خط گشته دبیره در تورفان (مشرق فلات ایران) پیدا شد که در آن نوشته‌ها، مبادی تاریخی ولادت، دعوت و درگذشت مانی در تقاویم گنج‌نایده شده و اگر آن نوشته‌ها به دست نیامده بود، شاید در هیچ زمان تاریخ‌های فوق، به درستی شناخته نمی‌شدند.

در کتاب «بیست مقاله تقی زاده» مقاله‌ای تحت عنوان «روزه‌های مانوی به قلم و. ب. - هنینگ» درج شده است. این مقاله ترجمه‌ای از مقاله انگلیسی مندرج در مجله انجمن همایونی آسیایی «لندن اکتوبر ۱۹۴۵» می‌باشد. در این مقاله چند تقویم از اسناد تورفانی نقل شده است که تقویم شماره ۱ آن به علامت M148 نمایانده شده و دارای تواریخی است که به شرح زیر با مبداء‌های تواریخ مانویان مشخص شده‌اند:

(۱) و سه پنجم، نوگروچ در سه شنبه خومن

(۲) ۱ (از ماه سغدی)، سه‌شنبه (روز اول هفته) ۱ - ۱۰ (در ماه سغدی) - پنجشنبه (روز هفته) ۲.

(۲۱) ۴۱۳

(۲۲) و نهم ۳۸۸ یزدگردی

(۲۴)خومن روچ و میشی روچ (پنجشنبه‌اند)

درباره تاریخ‌های ذکر شده در تقویم فوق، آقای «و.ب. هنینگ» چنین زیرنویسی کرده است:

«۲- منظور از عدد ۴۱۳ که با خط دیگری نوشته شده است روشن نیست، ممکن است مبداء تاریخی باشد.

۳- ممکن است فرض شود ۳۸۸، سالی از یک مبداء تاریخ است که متأسفانه از میان رفته.»

۶- و در مورد ردیف (۲۴) زیرنویس شده: «چنین اصلاح شود: چندپنجم، نوکروچ در چهارشنبه»

توضیح آنکه: روز هفته در ردیف (۲) تقویم نسبت به ردیف (۲۴) تقویم و ردیف (۶) زیرنویس یک روز اختلاف دارد.

(از صفحات ۳۵۶ تا ۳۵۸)

آقای تقی‌زاده نیز در صفحات ۳۶۶ تا ۳۷۷ همان کتاب یادداشت‌هایی در تفسیر تقویم عنوان شده به قلم آورده، ایشان در مورد دو تاریخ فوق متذکر شده‌اند که: «در مورد هیچ یک از دو عدد ۴۱۳ یا ۳۸۸ نیز نمی‌توانم توضیحی بدهم.»

در ردیف (۲۲) تقویم فوق، تاریخ «نهم... یزدگردی» نیز آمده ولی مفهوم این تاریخ نظر آقایان و.ب. هنینگ و تقی‌زاده را به خود جلب نکرده است، در حالی که «تاریخ ۹ یزدگردی» آمده در تقویم، مشخصات تقویم شماره ۱ تورفانی و مبادی سال‌های ۴۱۳ و ۳۸۸ مانوی را روشن می‌سازد بدین سبب تقویم شماره ۱ تورفانی، با توجه به تاریخ ۹ یزدگردی را از این پس مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱ - در سال شمسی

۲ - در سال قمری

۱- مشخصات تقویم شماره M148 تورفانی

تطبیق سال‌ها در تاریخ یکم یزدگردی:

$$۲۳۵۷ \text{ رصد} = ۶۳۲ \text{ میلادی} = ۱۱ \text{ هجری} = ۱ \text{ یزدگردی}$$

- تطبیق سال‌ها در تاریخ نهم یزدگردی:

$$۲۳۶۵ \text{ رصد} = ۶۴۰ \text{ میلادی} = ۱۹ \text{ هجری} = ۹ \text{ یزدگردی}$$

- نوروز ثابت سال نهم یزدگردی، روز چهارشنبه بوده است زیرا:

$$۲۳۶۵ - ۱ = ۸۴ \times ۲۸ + ۱۲$$

$$۱۲ \times ۱ / ۲۵ = ۷ \times ۲ + ۱ \text{ روز } ۱۵$$

ردیف‌های (۲۴) و (۶) زیرنویس) نیز نشان می‌دهند که سال مورد جستار از روز چهارشنبه آغاز شده است.

- ردیف (۲) تقویم، مبین آنست که آغاز سال ۲۳۶۵ رصد، روز سه‌شنبه به حساب آمده، روابط زیر می‌رسانند که نوروز سیار سال نهم یزدگردی نیز روز سه‌شنبه بوده است:

$$۲۳۶۵ - ۱۴۴۰ = ۹۲۵ \text{ سال} = ۱۲۰ \times ۷ + ۸۵ \text{ ماه هشتم} (= ۷ + ۱)$$

$$۸۵ = ۲۱ \times ۴ + ۱ \text{ روز بیست و دوم} (= ۲۱ + ۱)$$

پس در سال ۲۳۶۵ رصد، روز چهارشنبه یکم فروردین ماه ثابت معادل با روز ۲۲ آبان ماه سیار بوده و در این صورت سرآغاز نوروز سیار پس از ۱۴۰ از مبدأ فوق، از روز سه‌شنبه یکم فروردین ماه شروع شده است زیرا:

$$۹ + ۵ + ۳۰ \times ۴ + ۶ = ۱۴۰ = ۲۰ \times ۷ + ۰$$

در رابطه فوق رقم مربوط به پنج روز اندرگاه و رقم ۶ در ارتباط به سرآغاز سال‌های ثابت بی‌کیسه پاریسی می‌باشد، پس سرآغاز سال، در تقویم مورد جستار، از روز یکم فروردین ماه سیار بی‌کیسه پاریسی شروع شده و این ویژگی می‌رساند که زرتشتیان و مانویان دارای گاه‌شماری مشترکی بوده‌اند.

در تقویم فوق، روز پنجشنبه دهم فروردین ماه با روز یکم ماه شعبان برابر بوده (چون در سال ۶۴۰ میلادی / ۱۹ هجری تنها سرآغاز ماهی که روز پنجشنبه بوده ماه شعبان بوده است) و در نتیجه آن تقویم، ارتباط بین گاه‌شماری شمسی و قمری

مربوط به سال ۱۹ هجری را مشخص می‌سازد.

در تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله هجری قمری و میلادی، روز پنجشنبه یکم شعبان معادل با ۲۷ ژوئن گرفته شده در این صورت روز یک فروردین ماه ثابت را معادل با روز یکم ماه مارس می‌یابیم. پی بردن به چنین ارتباط پراهمیتی به ما امکان می‌دهد تا جداول تطبیقی سال‌های هجری قمری و میلادی را، که تا کنون تنظیم شده‌اند، بسادگی واریسی کرده و اشتباهات محاسباتی وارده بر آن جداول را اصلاح نماییم.

۲- تاریخ ولادت و ظهور مانی

تاریخ ۴۱۳ - که در تقویم شماره ۱ تورفانی آمده - سال مبداء آن برابر است با:

$$۲۲۸ \text{ میلادی} / ۱۹۵۳ \text{ رص} = ۱ + ۴۱۳ - ۲۳۶۵$$

و این تاریخ سال ولادت مانی است

درباره تاریخ ولادت مانی، نوشته‌ای از کتاب شاپورگان مانی در کتاب

آثارالباقیه نقل شده که آن را به گونه زیر تحریف کرده‌اند:

«استخراج تاریخ اشکانی از کتاب شاپورگان مانی: همه این اقوال را بکلی ترک

می‌کنیم و در تصحیح آن از کتاب مانی که به شاپورگان معروف است بکوشیم زیرا این

کتاب از میان کتاب‌های ایرانیان، پس از قیام اردشیر بابکان، نوشته شده و مانی از

کسانی است که دروغ را حرام می‌داند و به تاریخ ساختن هم نیازی نداشته.

مانی در کتاب شاپورگان در باب آمدن رسول می‌گوید که در بابل در سال

۵۲۷ از تاریخ منجمان بابل که عبارت از تاریخ اسکندر باشد متولد شد که در آن وقت

چهار سال از سلطنت آذربان ملک، که به گمان من اردوان اخیر است، گذشته بود و

مانی در این باب می‌گوید که هنگامی که سیزده سال از عمرش گذشته بود، یعنی در

سال ۵۳۹ از تاریخ منجمان بابل، وحی بر او نازل و در آن وقت دوسال از پادشاهی

اردشیر می‌گذشت.

پس مانی تنصیص نمود که فاصله میان اسکندر و اردشیر ۵۳۷ سال است

و نیز مدت میان اردشیر و پادشاهی یزدگرد ۴۰۶ سال می‌باشد و این تاریخ به

گواهی کتابی جاویدان که محل اعتقاد جمعی است قابل قبول است و نه تواریخ

دیگر...»

(صفحه ۱۶۱)

از ارقام داده شده در روایت فوق، سال ۵۳۹ مربوط به سال ولادت مانی است و نه سال ۵۲۷ - و آن هم با مبداء تاریخ سلوکی و نه با مبداء تاریخ اسکندری - و مادر بخش «تاریخ‌های جابجا شده» خواهیم دید که تاریخ ۵۲۷ چگونه و به چه سبب درست شده است. پس با در نظر گرفتن اینکه مبداء تاریخ سلوکی در سال:

۳۱۱ ق. م / ۱۴۱۵ ر. ص. بوده، سال ولادت مانی را می‌توان محاسبه نمود:

$$۲۲۸ \text{ میلادی} / ۱۹۵۳ \text{ ر. ص.} = ۵۳۹ + ۱ - ۱۴۱۵$$

سال ۱۹۵۳ ر. ص. با تاریخ به دست آمده، از تقویم شماره ۱ تورفانی، برابر است.

بر حسب روابط زیر:

$$۱۹۵۳ - ۱ = ۶۹ \times ۲۸ + ۲۰$$

$$۲۰ \times ۱/۲۵ = ۲۵ \text{ روز} = ۳ \times ۷ + ۴$$

سر آغاز سال ولادت مانی روز شنبه بوده است.

تقویم شماره ۱ تورفانی حاکی است که مانی در خومن روز (بهمن روز) متولد شده (ردیف ۱)، پس مانی در روز یکشنبه دوم فروردین ماه ثابت سال: ۲۲۸ میلادی/ ۱۹۵۳ ر. ص.، تولد یافته است.

با توجه به اینکه میان سال‌های تواریخ ۳۸۸ و ۴۱۳ - آمده در تقویم تورفانی - برابر با ۲۵ سال است، چنین برمی‌آید که تاریخ ۳۸۸ مربوط به سال دعوت مانی بوده و وی در سال:

$$۲۵۳ \text{ میلادی} / ۱۹۷۸ \text{ ر. ص.} (= ۳۸۸ - ۲۳۶۵ \text{ ر. ص.})$$

مردم را به آئین خود خوانده است.

بر حسب روابط:

$$۱۹۷۸ - ۱ = ۲۸ \times ۷۰ + ۱۷$$

$$۱۷ \times ۱/۲۵ = ۲۱/۲۵ = ۷ \times ۳ + ۰ \text{ و}$$

سر آغاز سال ظهور مانی روز سه شنبه بوده است.

ابن ندیم تاریخ میلاد مانی را روز یکشنبه یکم فروردین ماه سال ۲۲۹ میلادی

می دانسته که این تاریخ با اسناد بدست آمده در تورفان یک سال اختلاف دارد:

«..... مانی در همان کودکی سخنان حکیمانه می گفت و دوازدهمین سالش که تمام شد، چنانکه گویند، از فرشته - جنان النور - که خداست - خدا بالاتر از این سخنان است - وحی براو نازل گردید، و فرشته ای که این وحی را آورد، توم، نامیده می شد و در زبان ببطی معنایش، قرین، است و به وی گفت، از این ملت کناره گیری کن که تو از آنان نیستی و بر تو است که پرهیزگاری و ترک شهوترانی نمائی و هنوز هنگام ظهور تو نرسیده، برای آنکه خردسال هستی و همین که بیست و چهار سالش به پایان رسید، توم آمده و به وی گفت، آن هنگام رسیده است که ظاهر شوی، و کار خود را برملا سازی.»

(الفهرست صفحات ۵۸۲ و ۵۸۳)

۳ - آغاز سلطنت اردشیر بابکان

به نوشته کتاب شاپورگان، مانی آغاز سلطنت اردشیر بابکان را ۲ سال پیش از سال وحی می دانسته ولی چنانچه آن تاریخ به ستال ولادت تبدیل شود اردشیر بابکان در سال:

۲۲۶ میلادی / ۱۹۵۱ - ۲ = ۱۹۵۳

تاج گذاری کرده و این تاریخ مورد تأیید همگان می باشد.

۴ - تاریخ در گذشت مانی

مفاد دو فقره اسناد زیر، سال در گذشت مانی را مشخص می سازند:

یکم - سند شماره T11 D79 از اسناد تورفانی:

«... بی کس و سوگوار کرد رم راستان را چه کدخدای در گذشت... در هنگام... و در شهر یاری اختر پد... در شهریور ماه شهریور روز دوشنبه جام یازده به سوی پدر روشن به کردگاری سوی میهن روشن....»

(نقل از کتاب تقویم و تاریخ در ایران صفحه ۱۰۶)

دوم - به نقل از کتاب (مجمل):

«مانی در حدود سال ۲۰۱۳ رصد، ۳۵ سال پیش از امپراطور شدن قسطنطین، بانی شهر قسطنطنیه و در حدود ۲۸۹ میلادی در چین بوده است.»

(کتاب تقویم و تاریخ در ایران صفحه ۱۱۲)

سال ۲۹۲ ق.م / ۲۰۱۷ رصد هر دو شرائط فوق را داراست و علاوه بر آنها:

- سر آغاز سال ۲۰۱۷ رصد روز سه شنبه بوده:

$$۲۰۱۷ - ۱ = ۷۲ \times ۲۸ + ۰$$

چنانچه سر آغاز سال، روز سه شنبه محسوب شود، تاریخ کشته شدن مانی معادل با

روز دوشنبه چهارم شهریور ماه سال ۲۰۱۷ رصد می گردد زیرا:

$$۳۰ \times ۵ + ۴ = ۱۵۴ \text{ روز} = ۲۲ \times ۷ \text{ هفته}$$

به نوشته کتاب الفهرست:

«روزهای یکشنبه را همه مانویان و روزهای دوشنبه را خواص مانویان به امر مانی

گرامی دارند.»

(صفحه ۵۹۴)

- چون مانی در روز یکشنبه متولد شده و در روز دوشنبه کشته شده است.

۵ - تواریخی دیگر از مانویان

- به نوشته کتاب الفهرست

«مانویان گویند: روزی که شاپور پسر اردشیر به تخت نشست، او بروی در آمد

و تاج را بر سرش گذاشت و آن روز یکشنبه اول ماه نیشان و آفتاب در برج حمل بود

و دو نفر که از مذهبش پیروی داشتند بنام شمعون و ذکوان همراهش بودند و پدرش

نیز آمده بود.»

(صفحه ۵۸۳)

پس بروقی روابط زیر:

$$۱۹۶۵ - ۱ = ۷۰ \times ۲۸ + ۴$$

$$۴ \times ۱ / ۲۵ = ۵$$

شاپور پسر اردشیر در روز یکشنبه یکم فروردین ماه سال:

۱۹۶۵ رصد / ۲۴۰ میلادی تاج گذاری کرده است.

شهرستانی در کتاب «ملل و النحل» نقل کرده است:

«ابوسعید مانوی که یکی از رؤسای آنها می باشد گمان کرده آنچه گذشته است از مزاج عالم (دوران عالم) تا وقتی که او در آن بوده و آن سال ۲۷۱ هجری است یازده هزار و هفتصد سال می شود و آنچه مانده است تا وقت خلاص (فناي عالم) سیصد سال، پس به مذهب او، مدت مزاج دوازده هزار سال است و آنچه باقی مانده است از این مدت مزاج پنجاه سال می باشد از زمان ما، که سال پانصد و پنجاه و یک هجری است.»

(ترجمه از چاپ سنگی تهران سنه ۱۲۸۸ هجری، نقل از کتاب تقویم و تاریخ در ایران صفحه ۱۳۲)

در زیرنویس صفحه ۵۴ مأخذ فوق نوشته شده: «در نسخه ملل و نحل چاپ سنگی تهران، مجموع ارقام را ۶۰۱ داده»

از نوشته ابوسعید مشخص می شود که مانویان سال کشته شدن مانی را در پایان هزاره یازدهم دوران عالم قرار داده و هزاره گرد آن تاریخ را پایان دوران زندگی دانسته اند پس با در نظر گرفتن اینکه مانی در سال ۲۰۱۷ رصد کشته شده تاریخ پایان زندگی در سال ۶۷۱ هـ. ش / ۳۰۱۷ رصد قرار می گیرد. با توجه به تاریخ هزاره گرد سال در گذشت مانی چنین پیدا است که در کتاب شهرستانی به تاریخ دوران عالم ۱۰۰ سال اضافه شده و در نسخه چاپ سنگی همان کتاب، رقم ۷ دهگان را از تاریخ ۶۷۱ حذف کرده اند و در نتیجه ارقام تاریخ هر دو کتاب تصحیف و مخدوش شده اند.

اسناد تورفانی منتشر شده در «بیست مقاله تقی زاده» نشان می دهند که در گاه شماری اهالی سغد، اندرگاه به طور ثابت در پایان اسفند ماه سیار به حساب می آمده و این ویژگی وجه تمایز گاه شماری مانویان از گاه شماری اهالی پارس بوده است.

د- آغاز شهریاری کیخسرو یا سال بنای معبد یهود .

کیکاووس دو پسر بنام‌های سیاوش و فریبرز داشت. سیاوش با افراسیاب جنگ کرد و به خیانت زن کیکاووس، دیگر به ایرانشهر نیامد و افراسیاب، او را پیش خود بزینهار پذیرفت.

سیاوش دخت افراسیاب را بزنی گرفت تا «گرسیوز» بر او رشک برد و افراسیاب را به کشتن او برانگیخت.

پس از کشته شدن سیاوش، زن او پسری آورد بنام کیخسرو و افراسیاب فرمان داد که وی را نزدیک شبانان به کوه فرستند تا از نژاد خویش آگاه نباشد ولی سرانجام، گیو پس از هفت سال جست و جو، در توران وی را بیافت و با مادرش فرنگیس به ایران آورد، آنگاه کیخسرو به خونخواهی پدرش برخاست و پس از قتل افراسیاب، کیکاووس سلطنت را به نواده اش کیخسرو پورسیاوش داد.

کیخسرو پس از تسلط بر قاتلین پدرش، پارسایی پیشه گرفت و بالاخره ترک سلطنت کرد و به عبادت پرداخت و هرچه مردم به او متوسل شدند که بسطنت پردازد، قبول نکرد و گفت با دیگری در این باب گفتگو کنند و مردم ناچار به لهراسب گرویدند که پسرعم او بود.

کیخسرو، با طوس و گودرز و فریبرز، به کوه بلندی رفت و در چشمه‌ای

شست و شو کرد و از دیده‌ها ناپدید شد و همراهان او که می‌خواستند با او باشند در زیر برف زیادی مانده، مردند و در آسمان به او ملحق شدند.

به‌نوشته کتاب «تاریخ پیامبران و شاهان»:

«کیخسرو: ایرانیان چنین پندارند که وی پیامبر بود، گفته‌اند او به بلخ

می‌نشست.»

(صفحه ۳۶)

و آثارالباقیه، درباره روز عروج کیخسرو چنین نوشته‌است:

«در روز ششم این ماه (فروردین ماه) نوروز بزرگ است که نزد ایرانیان عید بزرگی است. زرتشتیان می‌گویند که در این روز زردشت توفیق یافت که با خداوند مناجات کند و کیخسرو برهوا در این روز عروج کرد.»

(صفحه ۳۲۹)

در سال‌های تاریخی-نجومی دیده شد که آغاز سلطنت کیخسرو در اورمزدگان سال ۱۰۰۵ ق.م/۷۲۱ رصد بوده‌است.

آغاز شهریار کیخسرو ۶ دور ۱۲۰ سالی پس از رصد فریدون و ۷۴۷ سال (= ۱۴۶۸-۷۲۱) پیش از تاریخ بعثت مهر اشکانی قرار داشته و تواریخ فوق، مبادی تاریخی نیایشگران مهر را تشکیل می‌داده‌اند.

نوشته زیر از «قاموس کتاب مقدس» مدلل می‌دارد که مورخین یهود نیز اتمام بنای هیکل اورشلیم را مقارن با آغاز سلطنت کیخسرو قرار داده بودند:

«هیکل:..... اما سلیمان در سال چهارم سلطنت خود، بنای هیکل را شروع نمود. و چون مدت ۷ سال و نیم برای بگذشت، بنای مرقوم در سال ۱۰۰۵ قبل از مسیح انجام یافته، نیکوترین بنای دنیا و فخر اورشلیم گردید.» (صفحه ۹۳۱)

در روایت فوق، اتمام بنای معبد یهود در سال ۱۰۰۵ ق.م/۷۲۱ رصد و آغاز بنای آن معبد در سال ۱۰۱۱ ق.م/۷۱۵ رصد، (= ۷۲۱-۷+۱) گرفته شده (جدول شماره ۸) ولی تاریخ اخیر در واقع سال کشته شدن سیاوش بدست تورانیان بوده و میان سال‌های تواریخ فوق و تاریخ تجلی نور بر مهر برابر با ۷۴۷ سال (= ۱۴۶۸-۷۲۱) و ۷۵۳ سال (= ۱۴۶۸-۷۱۵) به حساب آمده‌اند.

بخش سوم

تاریخ جلالی و گاه شماری های زرتشتی

الف - گاه شماری جلالی

در زمان معاصر، بصیرت همگان نسبت به تاریخ جلالی - و کیبسه های منبعث از آن گاه شماری - اندک و در عین حال غیرواقعی است چون قریب به مجموع مآخذی که در این باره وجود داشته، بصورتی مخدوش و گمراه کننده درآمده اند، بدین جهت هر بررسی که صرفاً با اتکاء براین منابع بعمل آید گره ای از معضلات تاریخ جلالی نگشوده بلکه گره ای دیگر بر تعداد گره های از پیش زده شده می افزاید پس به منظور حل مشکل فوق، بایستی موضوع را از نظر گاهی دیگر نظاره کرد و راه حل دیگری جست و جو نمود.

در کتاب «تقویم و تاریخ در ایران»، جدولی به عنوان «جدول خیامی» نقل شده (جدول شماره ۱)، این جدول دارای ویژگی هایی است که می تواند اساس و مبنای بررسی قرار گیرد چون سال های کیبسه دار، آمده در آن جدول، از نظم و آهنگ خاصی برخوردار است، نزدیک به آنچه در دوران معاصر اتفاق می افتد.

در بررسی هایی که از این پس انجام می گیرد کوشش شده تا اشکالات موجود در جدول خیامی شناسایی و مرتفع شود و سپس با توجه به جدول اصلاح شده، معضلات پدید آمده در تاریخ جلالی نیز مشخص و برطرف گردد.

جدول خیامی

چهار سالی							
پنج سالی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۵	۶	۱۳	۱۷	۲۱	۲۵	۲۹	۱۵
۳۴	۷۴	۱۰۱	۱۱۱	۱۱۲	۱۲۰	۱۲۴	۶۲
۸۶	۱۸	۵۸	۶۹	۸۳	۸۷	۹۱	۹۵
۰۰۱	۳۰۱	۷۰۱	۱۱۲	۱۱۶	۱۲۰	۱۲۴	صفر

(جدول شماره ۱)

باتوجه به داده های زیر ، سال های کیسه دار مربوط به یک دور تاریخ جلالی یا گردش سال های شمسی حقیقی را ، از طریق محاسبه ، می توان تشخیص داد :

- منجم آمریکایی نیو کمب Newcomb در سال ۱۲۷۹ هـ .ش / ۱۹۰۰ میلادی ، طول متوسط سال شمسی را مساوی $۳۶۵/۲۴۲۱۹۸۷۹$ روز یا ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و $۴۵/۹۷۵۴۵۶$ ثانیه حساب کرده است .

- منجمان دوره ملک شاه ، لحظه عبور خورشید از نصف النهار محل را به عنوان لحظه آغاز محاسبات نجومی و لحظه آغاز شبانه روز به حساب آورده اند .

- نصیرالدین طوسی و الغبیک و بسیاری دیگر از منجمان گفته اند که : نوروز جلالی یا اولین روز سال در گاه شماری جلالی روزیست که تا ظهر آن روز ، خورشید به اولین درجه برج حمل وارد شده باشد .

(تاریخ تاریخ در ایران صفحه ۳۰۵)

فرض می کنیم سال A_1 ، کیسه خماسی بوده و در این سال خورشید ، چند لحظه پیش از ورود به نصف النهار محل ، به نقطه اعتدال ربیعی رسیده باشد دراین صورت در سر آغاز سال A_2 ، خورشید در ساعت $۰/۲۴۲۱۹۸۷۹$ بعد از ظهر به نقطه اعتدال ربیعی رسیده و سر آغاز آن سال ، روز پس از رسیدن خورشید به برج حمل می باشد و بهمین ترتیب ، در سال A_3 خورشید در ساعت $۰/۴۸۴۳۹۷۵۸$ بعد از ظهر به نقطه اعتدال ربیعی خواهد رسید و چنانچه این رشته عملیات ، تارسیدن به نتیجه نهایی ادامه یابد ، یک دور گردش سال شمسی حقیقی مشخص شده (جدول شماره ۲) و نتایج زیر از آن حاصل می گردد :

- گاه شماری خورشیدی حقیقی ، متشکل از گردش های ۱۶۱ سالی می باشد چون خورشید ، پس از انقضای مدت فوق ، به موقعیت زمانی اولیه برمی گردد .

- گردش ۱۶۱ سالی از ۴ دور ۳۳ سالی شروع شده و به یک دور ۲۹ سالی پایان می یابد .

- سر آغاز هریک از دوره های ۳۳ سالی و یا ۲۹ سالی ، از کیسه پنج تایی شروع می گردد .

- اختلاف یک گردش ۱۶۱ سالی جدول خیامی نسبت به طول مدت ۱۶۱ سال

محاسبه گردش ۱۶۱ سالی شمسی حقیقی

شماره سال مبداء	ساعت تحویل سال بر حسب روز
(سال کیسه خماسی) A_1	یک لحظه پیش از ظهر
(سال بسیط یکم) A_2	۰/۲۴۲ ۱۹۸ ۷۹
(سال بسیط دوم) A_3	۰/۴۸۴ ۳۹۷ ۵۸
(سال بسیط سوم) A_4	۰/۷۲۶ ۵۹۶ ۳۷
(سال کیسه رباعی یکم) A_5	۰/۹۶۸ ۷۹۵ ۱۶
(سال کیسه رباعی دوم) A_6	۰/۱۲۰ ۹۹۴ ۳۲
(سال کیسه رباعی سوم) A_{13}	۰/۱۶۲ ۱۹۳ ۴۸
(سال کیسه رباعی چهارم) A_{17}	۰/۲۰۴ ۳۹۲ ۶۴
(سال کیسه رباعی پنجم) A_{21}	۰/۲۴۶ ۵۹۱ ۸۰
(سال کیسه رباعی ششم) A_{25}	۰/۲۸۸ ۷۹۰ ۹۶
(سال کیسه رباعی هفتم) A_{29}	۰/۳۳۰ ۹۸۹ ۱۲
(سال بسیط) A_{33}	۰/۳۷۲ ۱۸۸ ۲۸
(سال کیسه خماسی یکم) A_{34}/B_1	۰/۴۱۴ ۳۸۷ ۰۷
(سال کیسه خماسی دوم) $A_{37}/B_{34}/C_1$	۰/۴۵۶ ۵۸۶ ۱۲۰
(سال کیسه خماسی سوم) $A_{100}/C_{34}/D_1$	۰/۴۹۸ ۷۸۵ ۲۸۰
(سال کیسه خماسی چهارم) $A_{133}/D_{34}/E_1$	۰/۵۴۰ ۹۸۴ ۴۴۰
(سال کیسه خماسی پنجم) A_{166}/E_{30}	۰/۵۸۲ ۱۸۳ ۰۰۵

(جدول شماره ۲)

شمسی حقیقی کمتر از یک روز در ۲۹ هزار سال، بوده و میزان دقت آن نه برابر بیش از تقویم گریگورین می باشد.

با توجه به نتایج بدست آمده، اشکالات جدول خیامی به گونه زیر تشخیص داده شد:
- سر آغاز هریک از ادوار ۲۹ سالی و یا ۳۳ سالی، از کیسه پنج تایی شروع شده اند در صورتیکه سر آغاز دوره های جدول خیامی سال های بسیط هستند
- چهارمین ردیف مربوط به دور ۳۳ سالی و یا ردیف پایانی جدول خیامی از جدول شماره ۱ حذف شده ولی در جدول خواجه نصیرالدین طوسی آن را می توان یافت.

در جدول خواجه نصیرالدین طوسی، چهارمین دور ۳۳ سالی از گردش ۱۶۱ سالی به شرح زیر نمایانده شده:

« کیسه های خماسی نخستین دویست و نود و پنج سال گاه شماری جلالی، در جدول طوسی، به ترتیب سال های ۳۱، ۶۴، ۹۷، ۱۳۰، ۱۶۳، ۱۹۲، ۲۲۵، ۲۵۸، ۲۹۱، ضبط شده است. با شمارش از نخستین سال کیسه خماسی جدول - یعنی سال های ۳۱، ۶۴، ۹۷، ۱۳۰، ۱۶۳ - هریک ۳۳ سال است. کیسه خماسی بعد از ۱۶۳، سال ۱۹۲ جلالی است که بعد از ۲۹ سال برقرار شده است. کیسه های خماسی بعد از ۱۹۲، با فاصله سی و سه سال، همانند نخستین پنج کیسه خماسی برقرار شده است.

حسن بن حسین بن حسن شاهنشاه سمنانی، در شرحی که در سال ۷۹۵، هجری قمری (۱۳۹۳ مسیحی) برزیج ایلخانی نوشته، سال های کیسه رباعی و خماسی گاه شماری جلالی را تا سال ۴۴۳ ضبط کرده است. در جدول مذکور، نخستین دویست و نود و پنج سال گاه شماری جلالی، بدون تغییر، از جدول طوسی نقل شده است و حروف ابجد پنجمین سال کیسه خماسی نیز، همانند زیج ایلخانی، فسخ (= فسخ = ۱۶۳) است. منجم مذکور، در ادامه جدول طوسی، سال های ۳۲۰، ۳۵۳، ۳۶۸، ۴۱۵ را بعنوان سال های کیسه خماسی ثبت کرده است.

(تاریخ تاریخ در ایران صفحات ۳۱۰ و ۳۱۴)

و اما در تعیین سر آغاز ادوار ۱۶۱ سالی شمسی حقیقی:

- کتاب «مسئله کیسه های جلالی» نشان می دهد که در سال:

۱۳۰۹ هـ. ش. / ۱۹۳۰ میلادی، در ساعت ۱۱ و ۵۹ دقیقه و ۵۹ ثانیه به افق تهران، خورشید به نقطه اعتدال ربیعی رسیده است (جدول صفحه ۴۸)، پس این سال بدون تردید، سر آغاز دور ۱۶۱ سالی شمسی حقیقی در دور پایانی آن بوده است.

- چنانچه سر آغاز گردش های ۱۶۱ سالی گذشته، بر مبنای سال ۱۳۰۹ شمسی، ردیابی و شناسایی شود، سرانجام به سال ۸۰۸ ق. م. / ۹۱۸ رصد فریدون می رسیم و در پیش نیز دیده شده بود که پیشینیان، سال ۹۱۸ رصد فریدون را تاریخ بعثت زرتشت می دانسته اند.

در بخش دوم، در قسمت مربوط به «دوران حیات اشوزرتشت»، به اینجا رسیدیم که سر آغاز سال بعثت زرتشت روز یکشنبه بوده است، اکنون با اطلاع جدیدی که از آن سال تاریخی بدست آورده ایم این امکان بوجود آمده تا روز هفته سر آغاز سال های شمسی حقیقی را، نسبت به آن سال تاریخی- نجومی، محاسبه و مشخص سازیم و در این راستا، جدول های شماره ۳ و ۴ تنظیم یافته اند که به کمک آن دو جدول، محاسبه روز هفته مربوط به سر آغاز هر سال امکان پذیر می باشد.

- نخستین نتیجه پراهمیتی که از تنظیم جدول ۳ بدست آمد، تشخیص موقعیت ادواری است که در سال ۴۷۵ هـ. ش. / ۱۰۹۶ میلادی / ۲۸۲۱ رصد فریدون می باشد چون این سال در سر آغاز دور ۲۹ سالی از گردش ۱۶۱ سالی دوازدهم قرار گرفته است - روابط زیر مبین آنند که در سال ۴۷۵ هـ. ش. / ۱۰۹۶ میلادی / ۲۸۲۱ رصد، روز یکم فروردین ماه سال ثابت با روز شنبه شانزدهم اسفند ماه سیار با کیسه مقارن بوده و در نتیجه روز یکم اسفند ماه سیار با کیسه فوق، مقارن با روز جمعه بوده است:

$$۲۸۲۱ = ۱۲ \times ۱۱ + ۶۱ \quad \text{رصد فریدون}$$

$$۶۱ = ۱۵ \times ۴ + ۱$$

$$\text{روز شانزدهم} (= ۱۵ + ۱)$$

$$۲۸۲۱ - ۱ = ۱۰۰ \times ۲۸ + ۲۰$$

$$۲۰ \times ۱ / ۲۵ = ۲۵ = ۷ \times ۳ + ۴$$

روز شنبه

- جدول شماره ۳ نشان می دهد که سال ۲۸۲۱ رصد فریدون مقارن با سال ۱۹۰۴ شمسی حقیقی (از مبداء بعثت زرتشت) بوده و سر آغاز سال شمسی ثابت روز جمعه

اصلاح و تعمیم جدول خیامی
(دور ۱۶۱ سالی یکم-۹۱۸ تا ۱۰۷۹ رصد)

کیسه های چهار سالی															سال های بسط																									
۱ / ۱ یکشنبه	۲ / ۵ جمعه	۳ / ۳ جمعه	۴ / ۹ چهارشنبه	۵ / ۱۳ دوشنبه	۶ / ۱۷ شنبه	۷ / ۲۱ پنجشنبه	۸ / ۲۵ سه شنبه	۹ / ۲۹ یکشنبه	۱۰ / ۳۴ شنبه	۱۱ / ۳۸ پنجشنبه	۱۲ / ۴۲ سه شنبه	۱۳ / ۴۶ یکشنبه	۱۴ / ۵۰ جمعه	۱۵ / ۵۴ چهارشنبه	۱۶ / ۵۸ دوشنبه	۱۷ / ۶۲ شنبه	۱۸ / ۶۶ پنجشنبه	۱۹ / ۷۱ چهارشنبه	۲۰ / ۷۵ دوشنبه	۲۱ / ۷۹ شنبه	۲۲ / ۸۳ پنجشنبه	۲۳ / ۸۷ سه شنبه	۲۴ / ۹۱ یکشنبه	۲۵ / ۹۵ جمعه	۲۶ / ۹۹ چهارشنبه	۲۷ / ۱۰۴ سه شنبه	۲۸ / ۱۰۸ یکشنبه	۲۹ / ۱۱۲ جمعه	۳۰ / ۱۱۶ چهارشنبه	۳۱ / ۱۲۰ دوشنبه	۳۲ / ۱۲۴ شنبه	۳۳ / ۱۲۸ پنجشنبه	۳۴ / ۱۳۲ سه شنبه	۳۵ / ۱۳۷ دوشنبه	۳۶ / ۱۴۱ شنبه	۳۷ / ۱۴۵ پنجشنبه	۳۸ / ۱۴۹ سه شنبه	۳۹ / ۱۵۳ یکشنبه	۴۰ / ۱۵۷ جمعه	۴۱ / ۱۶۱ چهارشنبه

(جدول شماره ۳)

منضم به جدول «اصلاح و تعميم جدول خيامی»

شماره ردیف	هجری شمسی	تاریخ جلالی	شماره گردش	روز هفته	رصد فریدون	رصد زرتشت	میلادی
۱	-	-	یکم	یکشنبه	۹۱۸	۱	۸۰۸ ق م
۲	-	-	هشتم	یکشنبه	۲۰۴۵	۱۱۲۸	۳۲۰ م
۳	-	-	نهم	پنجشنبه	۲۲۰۶	۱۲۸۹	۴۸۱
۴	۲۱	-	دهم	دوشنبه	۲۳۶۷	۱۴۵۰	۶۴۲
۵	۱۸۲	-	یازدهم	جمعه	۲۵۲۸	۱۶۱۱	۸۰۳
۶	۳۴۳	-	دوازدهم	سه‌شنبه	۲۶۸۹	۱۷۷۲	۹۶۴
۷	۴۷۵	۱	سرآغاز				
		میداء	دور ۲۹ سالی	جمعه	۲۸۲۱	۱۹۰۴	۱۰۹۶
۸	۵۰۴	۳۰	سیزدهم	شنبه	۲۸۵۰	۱۹۳۳	۱۱۲۵
۹	۶۶۵	۱۹۱	چهاردهم	چهارشنبه	۳۰۱۱	۲۰۹۴	۱۲۸۶
۱۰	۸۲۶	۳۵۲	پانزدهم	یکشنبه	۳۱۷۲	۲۲۵۵	۱۴۴۷
۱۱	۹۸۷	۵۱۳	شانزدهم	پنجشنبه	۳۳۳۳	۲۴۱۶	۱۶۰۸
۱۲	۱۱۴۸	۶۷۴	هفدهم	دوشنبه	۳۴۹۴	۲۵۷۷	۱۷۶۹
۱۳	۱۳۰۹	۸۳۵	هیجدهم	جمعه	۳۶۵۵	۲۷۳۸	۱۹۳۰

(جدول شماره ۴)

بوده است.

- طول سال شمسی حقیقی به میزان $۰/۰۰۷۸$ روز در سال کوتاهتر از طول سال شمسی ثابت می باشد و این تفاوت سالیانه در مدت ۱۹۰۴ سال بالغ بر ۱۵ روز می شود:

$$۱۵ = ۱۴/۸۵ = ۱۹۰۴ \times ۰/۰۰۷۸ \quad (= ۱۹۱۸ - ۲۸۲۱)$$

تفاوت فوق می رساند که روزیکم فروردین ماه سال ثابت فوق منطبق با روز ۱۶ فروردین ماه شمسی حقیقی بوده است.

- برابری های فوق سبب شده تا در سال ۴۷۵ ه.ش ۱۰۹۶ میلادی روز جمعه یکم اسفند ماه سال سیار با کیسه، بعنوان روز یکم فروردین ماه جلالی گزیده شود و این گزینش همانند کیسه ۱۵ روزه ای بوده که در گاه شماری سال ثابت اجرا شده و یا کیسه یک ماهه ای که در سال سیار با کیسه، اعمال شده باشد: $(۱۵ + ۱۶ = ۳۰ + ۱)$ تبدیل روز یکم اسفند ماه سیار به روز یکم فروردین ماه جلالی موجب شده تا دو گونه گاه شماری، با اختلاف یک ماه، در بین دو گروه زرتشتیان شهنشاهی و قدیمی پدید آید.

- کتاب «تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله هجری قمری و میلادی نشان می دهد که سر آغاز گاه شماری جلالی سال ۴۷۵ ه.ش مقارن با روز جمعه ششم ماه مارس و برابر با روز ۱۹ ، ربیع الاول بوده است.

در مورد گردش ۱۶۱ سالی گاه شماری شمسی غیر از اطلاعاتی که از راه محاسبه بدست آمد، آگاهی دیگری در دست نیست چون در کتاب آثارالباقیه، هر جا که موضوع گردش ۱۶۱ سالی مطرح بوده این موضوع از آن کتاب حذف شده و یا ارقام یکان و دهگان عدد فوق مغلوب گشته و به گردش ۱۱۶ سالی تبدیل شده اند و قهراً در چنین دوری، کسور سالیانه کمتر از ۶ ساعت، به اضافات وارده بر ۶ ساعت، مبدل شده است و در این باره نوشته های زیر که از کتاب آثارالباقیه نقل شده باز گو کننده واقعیاتی است، که در آن مأخذ نسبت به کسور سالیانه فوق اعمال شده:

«اما ایرانیان هم در ایام دولت خود، سال شمسی را برگزیده بودند و سال را سیصد و شصت و پنج روز قرارداد داده بودند و کسور را حذف می نمودند تا اینکه از چهار یک ها در ۱۲۰ سال یک ماه و از پنج یک ساعات یک روز درست شود و در هر

۱۱۶ سال به یک ماه تمام، به علتی که بعداً شرح خواهیم داد، می‌افزودند.»

(صفحه ۱۴)

«حمزة بن حسن اصفهانی، در رساله‌ای که در نوروز نوشته و برای ایرانیها تعصب خرج داده، به همین خطا برخورد و گفته است سال خورشیدی ایرانیها ۳۶۵ روز و یک (شش) ساعت و جزئی از چهارصد جزء ساعت است و رومیان آنکه را که از شش ساعت زیادتر است در کبس اهمال نمودند و اینطور برگفته‌ی خود استدلال نموده که محمد بن موسی بن شا کر منجم، در کتابی که در سال خورشیدی نوشته، این سخن را بطور مشروح بیان کرده و براهین براین عقیده اقامه نموده و اشتباه آن دسته از قدما را که برخلاف این قول بودند آشکار ساخته ولی ما آنچه را که از ارساد محمد بن موسی و برادر او احمد تفحص نمودیم، ارساد ایشان به نقصان این کسور از شش ساعت ناطق بوده اما کتابی را که حمزه بن حسن بدان اشاره نموده به ثابت بن قره که از تربیت شدگان بنی موسی است، که علوم را برای ایشان تهذیب نموده، منسوب است.»

(صفحات ۷۹ و ۸۰)

برخی از دانستنیها

در تقویم جلالی، منظور از ظهر: عبور خورشید از نصف النهار محل است و حال آنکه در تقویم هجری شمسی منظور از ظهر: ساعت ۱۲ محل وابسته به ساعت بین‌المللی است.

طول جغرافیایی دقیق تهران (مرکز میدان سپه) نسبت به گرینویچ مساویست با:

۳ ساعت و ۲۵ دقیقه و ۴۰/۳ ثانیه

طول جغرافیایی اصفهان - که تقویم جلالی در آنجا ایجاد شده - مساویست با:

۳ ساعت و ۲۶ دقیقه و ۴۶ ثانیه

در کشور ما فقط در امتداد نصف النهار مینا - که بطول ۳ ساعت و ۳۰ دقیقه است و از مشرق تهران به فاصله تقریبی ۹۳۰۲ متری محور شمالی - جنوبی میدان سپه می‌گذرد - ساعت رسمی و ساعت حقیقی منطبق اند.

اگر از روی ساعت تحویل، طول حقیقی سال‌های شمسی را محاسبه کنیم می‌بینیم

که طول سال شمسی حقیقی نسبت به طول سال شمسی متوسط تا حداکثر ± 9 دقیقه نوسان دارد.

دو رشته علل، نوسانات طول سال شمسی را ایجاد می نمایند، عاملی که در این اختلالات از همه مؤثرتر می باشد کره ماه است که مهمترین اثر نوسانی آن، دوره ای مساوی با $18/6$ سال دارد.

محاسبات زیر نشان می دهند که در سال 1370 شمسی، تحویل سال به مدت 2 دقیقه و 47 ثانیه زودتر از موعدی انجام گرفت که از طریق ادوار 161 سالی، محاسبه نشان می داد:

میان سال های مبداء دور 161 سالی

و سال 1370 سال $61 = 1309 - 1370$

مجموع کسور میان سال های فوق روز $14/7742 = 61 \times 0/2422$

کسر روز $4/5 = 0/2742$

$14/7742 - 1$

ثانیه	دقیقه	ساعت	کسر روز
51	34	6	$0/2742 =$

ولی بر حسب استخراج مرکز تقویم مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، تحویل

سال در روز پنجشنبه یکم فروردین ماه سال 1370 هجری شمسی در ساعت 6 و 32 دقیقه و 4 ثانیه حادث شده است.

(صفحات 79 و 80)

ب- تاریخ جلالی

دوران سلطنت جلال الدین ابوالفتح ملک‌شاه اول مقارن با سال‌های ۴۵۱-۴۷۱ هـ.ش/ ۱۰۷۲-۱۰۹۲ میلادی بوده بنابراین زمان اجرای نخستین کبیسه خماسی گاه‌شماری جلالی، ۴ سال پس از پایان زندگی آن پادشاه فرارسیده است. در کتاب «نوروزنامه» منسوب به حکیم عمر بن ابراهیم خیام، رویداد فوق با عبارات زیر بیان شده:

«... و سلطان سعید معین‌الدین ملک‌شاه را انارالله برهانه از این حال معلوم کردند بفرمود تا کبیسه کنند و سال را به جایگاه خویش باز آرند. حکماء عصر از خراسان بیاوردند و هر آلتی که رصد را به کار آید بساختند، از دیوار و ذات الحلق و مانند این و نوروز را به فروردین بردند و لیکن پادشاه را زمانه زمان نداد و کبیسه تمام ناکرده بماند.»

(صفحه ۲۱)

کتاب «تاریخ تاریخ در ایران»، جمله زیر را نیز از کتاب «نوروزنامه» نقل کرده و مأخذ آن را ورق الف-ب ۴۸۹ Add. 23565 عنوان نموده است:

«رصد تا پس از مرگ ملک‌شاه نیز ادامه یافت.»

ولی در چاپ‌های مختلفه کتاب «نوروزنامه»، که در ایران انتشار یافته، عبارت پراهمیت فوق از آن کتاب حذف شده است.

مرگ نابهنگام جلال الدین ملک‌شاه سلجوقی موجب گردید تا جهت تاریخ جلالی چند مبداء مختلف عنوان شود و این تنوع مبداء تاریخی، داعیان علم نجوم را در برابر هم قرار داده و در اثر لجاجت آنان، اصل موضوع به انحراف و کژروی کشانیده شده. در کتب تاریخی، سال‌های زیر بعنوان مبداء تاریخ جلالی گزیده شده‌اند:

۱- سال ۴۸۹ هـ. ق. / ۴۷۵ هـ. ش. / ۱۰۹۶ میلادی / ۲۸۲۱ رصد فریدون.

ملاّ مظفر گنابادی و بسیاری دیگر از منجمان مقدم: «مبداء گاه‌شماری جلالی را نخستین نوروزی دانسته‌اند که نوروز از نیمه برج حوت به اولین درجه برج حمل انتقال داده شده‌است.»

(تاریخ تاریخ در ایران صفحه ۳۰۳)

و این تاریخ بجز نوروز سال ۴۷۵ هجری شمسی تاریخ دیگری نمی‌تواند باشد.

۲- سال ۴۸۱ هـ. ق. / ۴۶۷ هـ. ش. / ۱۰۸۸ میلادی / ۲۸۱۳ رصد

ابن اثیر در حوادث سال ۴۶۷ هجری قمری می‌نویسد:

«در این سال نظام‌الملک و سلطان ملک‌شاه، جماعتی از بزرگان منجمان را گرد آوردند تا نوروز را در اول حمل مستقر سازند و پیش از این، نوروز در نیمه برج حوت واقع بود و این عمل سلطان مبداء تقویمها شد. در همین سال رصدی برای سلطان ملک‌شاه ترتیب یافت و جماعتی از بزرگان منجمان در عمل آن شرکت کردند و از آن جمله بودند عمر بن ابراهیم خیامی و ابوالمظفر اسفزاری و میمون بن نجیب واسطی و جز آنان.»

«خازنی (= ابوالفتح عبدالرحمن - المنصور الخازنی) مؤلف زیج سنجر، که همزمان با تأسیس مبداء جلالی می‌زیسته نیز سال ۴۶۷ هجری قمری را سال صدور دستور سلطان برای رصد ذکر می‌کند.»

(تاریخ تاریخ در ایران صفحه ۳۰۲)

سال ۴۶۷ هجری قمری، آمده در مآخذ فوق، در اصل برحسب گاه‌شماری شمسی بیان شده بودند چون سرآغاز سال ۴۸۱ هجری قمری / ۴۶۷ هجری شمسی، روز دوشنبه یکم ماه محرم مقارن با دهم فروردین ماه سال سیار و روز ۲۷ مارس بوده پس در طی سال ۴۸۱ هجری قمری نوروز واقع نشده و این تاریخ یکی از سال‌های

جهش مالیاتی و از دلاق بوده است و شاید به همین مناسبت ملک‌شاه به این امر توجه پیدا کرده و دستور داده است تا درگاه شماری اصلاح بعمل آید و علاوه بر از دلاق، سال فوق را کیسه کنند و سرآغاز سال را به جایگاه خویش باز آرند.

۳- سال ۴۸۵ هـ. ق. / ۴۷۱ هـ. ش. / ۱۰۹۲ میلادی / ۲۸۱۷ رصد فریدون

سال ۴۷۱ هـ. ش. تاریخ درگذشت ملک‌شاه سلجوقی است و چنانچه در پیش دیده شد، جدول خیامی با رعایت سال ۴۷۱ هـ. ش. بعنوان مبداء تاریخ جلالی تنظیم شده است. با وجود براین سال ۴۷۱ هـ. ش. نیز با شگردهایی، خاص، به سال: ۴۷۱ هـ. ق. تبدیل یافته است.

۴- سال ۴۸۳ هـ. ق. / ۴۶۹ هـ. ش. / ۱۰۹۰ میلادی / ۲۸۱۵ رصد فریدون

تاریخ ۴۶۹ هـ. ش. در حدفاصل بین سال‌های ۴۶۷ و ۴۷۱ هـ. ش. قرار گرفته و در جدول خواجه نصیرالدین طوسی، این سال بعنوان مبداء تاریخ جلالی انتخاب شده است. در مورد ۲ سال تغییر در مبداء فوق، کتاب «تقویم و تاریخ در ایران» فقره‌ای را از «زیج علی‌شاه بخارایی» نقل کرده است. مندرجات آن فقره می‌تواند مسیر کاوش و تفحص در این باره را به پویندگان نشان دهد:

«..... در زیج علی‌شاه بخارایی، شرح تغییراتی را که در سال مبداء تاریخ ملکی، از راه حسد داده‌اند و او از نظر خود بیان نموده است قابل توجه می‌باشد. منجم نامبرده، راجع به دست‌بردن در تاریخ سلطانی، اینطور نوشته است: در زیج عبدالرحمن رحمة الله علیه که اوساط او بر تاریخ عرب نهاده است یکی زیج معتبر سنجرى و دوم وجیز معتبر بدین معنی ناطق‌اند.

اما کسانی که با او تعصب کردند و حسد بردند، تغییر زیج او نتوانستند کرد، تغییر تاریخ کردند، به خود اضافت کردند و به نقصان دو سال در زیج خود بنهادند و چون در آن روزگار معروف نشده بود بعضی کسان چنان قبول کردند.» (صفحه ۶۰ نقل شده از تاریخ بخارایی)

ج- تاریخ خراجی

ایرانیان در عهدی که زرتشتی بودند، به قیام هر پادشاهی تاریخ می گذاشتند و چون هر پادشاهی می مرد، تاریخ او را ترک می نمودند و از نو، به آغاز پادشاهی دیگر که جانشین او بود، آغاز می کردند^۱ و دفاتر دیوانی و اخذ خراج دوران سلطنت آن پادشاه، بر مبنای مبداء جدید تنظیم و نگهداری می شد.

خسرو پرویز در سال ۵۹۱ میلادی، برای مرتبه دوم، به تخت نشست و پس از ۳۸ سال سلطنت، در سال ۷ هـ.ش/ ۶۲۸ میلادی، به دستور جانشین و فرزندش قباد دوم به قتل رسید.

پس از مرگ خسرو پرویز، اوضاع کشور ایران دیگر وضع ثابتی بخود نگرفت چون در مدت ۴ سال، دوازده پادشاه بر تخت سلطنت نشستند که همگی آنها بازیچه‌هایی در دست سرداران بودند، آنان تاج بر سر می گذاشتند و چند ماه بعد کشته می شدند بدین سبب مبداء تاریخی مرگ خسرو پرویز- یا آغاز سلطنت قباد دوم- تا پایان حکومت ساسانیان تغییر پیدا نمود.

پس از انقراض سلسله ساسانی، سال مبداء فوق، بنام تاریخ خراجی نامیده شد و متقارن با گاه شماری‌های هجری قمری و سال سیار یزدگردی مورد عملکرد همگان

قرار گرفت چون گاه شماری خراجی-سوی دو گاه شماری فوق-دارای طول سال ثابت بوده است

و به نوشته زیج ممتحن:

«ماه های گاه شماری خراجی با ماه های گاه شماری ایرانی یکسان است و آغاز سال گاه شماری خراجی نیز مقارن با ورود خورشید به برج حمل می باشد.»

(تاریخ تاریخ در ایران صفحه ۲۸۸)

ضرورت وجودی تاریخ خراجی موجب گردید که در کنار تاریخ هجری قمری- حدافل تا اشاعه تاریخ جلالی- این گاه شماری استمرار یابد چون از مقایسه گاه شماری فوق با تاریخ هجری قمری، سال های ازدلاق مشخص می شده است. جهت تطبیق سال های خراجی با گاه شماری های دیگر، چند فقره زیر از کتاب «بیست مقاله تقی زاده» نقل می شود:

۱- به نوشته زیج اشرفی که در تاریخ ۷۰۲ هجری تألیف شده:

«تاریخ های خراجی را می توان به تاریخ جلالی تبدیل کرد و این کار با کاستن عدد ۴۶۸ از سال خراجی میسر می باشد.»

(صفحه ۱۷۲)

رقم ۴۶۸ برابر با میان سال مبادی تاریخ جلالی واقعی و تاریخ خراجی می باشد.

۷ هـ.ش = ۴۶۸-۴۷۵ هـ.ش

۶۲۸ میلادی = ۴۶۸-۱۰۹۶ میلادی

۲- «در زایچه ای که ظاهراً یکی از مالکان کتاب زیج المفرد بורך ۷۷ نسخه

خطی آن الحاق کرده، تاریخ تولدی را جمادی الاخر سال ۶۰۴ هجری مطابق با ۲ بهمن ماه جلالی سال ۵۹۷ خراجی نوشته است.» (صفحه ۱۷۳)

رابطه زیر ارتباط دو تاریخ فوق را نشان می دهد:

۶۰۴ هـ.ش = ۵۹۷ (سال خراجی) + ۷ (مبداء تاریخ خراجی)

۳- «سال خراجی که در زمان مؤلف (زیج اشرفی) در ایالت فارس رایج بوده،

از سال ۳۷۱۴ پس از طوفان و زمان سلطنت خسرو پرویز آغاز می شده است. شرف الدین علی یزدی در مقدمه کتاب «ظفرنامه»، آغاز سال خراجی را زمان

سلطنت قباد اول پادشاه ساسانی نوشته است.»

(صفحه ۱۶۶)

قرباً در تاریخ یهود خواهیم دید که بنظر مورخین آن قوم، توفان نوح در سال ۳۱۶۶ قبل از میلاد اتفاق افتاده پس فاصله زمانی توفان تا سال کشته شدن خسرو پرویز، برطبق تاریخ یهود، برابر با ۳۷۹۴ سال (= ۳۱۶۶+۶۲۸) بوده و پیداست که رقم ۳۷۱۴ آمده در زیج اشرفی تحریف شده سال ۳۷۹۴ تاریخ توفان می باشد و نیز نوشته شرف الدین علی یزدی در اصل «آغاز سلطنت قباد دوم» بوده که به «زمان سلطنت قباد اول» تبدیل یافته است.

تحریفات اعمال شده در تاریخ خراجی:

۱- در تنظیم سال های کیسه خماسی در زیج طوسی، مبداء گاه شماری خراجی برابر با مبداء تاریخ هجری گرفته شده زیرا:

۱ هـ.ش = ۴۶۸-۴۶۹ هـ.ش

ولی چنین تحریفی نمی تواند از خواجه نصیرالدین طوسی باشد چون وی درباره مبداء تاریخ جلالی نوشته است:

«..... ابتدای این تاریخ (گاه شماری جلالی) از کیسه ملک شاه گیرند.»^۱ و چنانچه دانسته شد کیسه خماسی ملک شاه در سال ۴۷۵ هـ.ش اجرا شده است.

۲- در کتاب «تاریخ پیامبران و شاهان» زیر عنوان «در بیان نوروژها به سال هجری» سی و چهارمین سال سلطنت پادشاهی خسرو پرویز (۳ هـ.ش/ ۶۲۴ میلادی) مبداء تاریخ خراجی به حساب آمده و این تحریف، سال ۴۷۱ هـ.ش را به عنوان مبداء گاه شماری جلالی توجیه می کند (صفحه ۱۶۶). زیرا:

۳ هـ.ش = ۴۶۸-۴۷۱ هـ.ش

۳- به نوشته کتاب آثارالباقیه:

«... شعبی روایت می کند که ابو موسی اشعری به عمر بن خطاب نوشت که از شما به ما نامه هایی می آید که بدون تاریخ است و عمر دیوان ها و دفترهایی ترتیب داده بود

اهالی غیر زرتشتی ماورالنهر که مجوس های خوارزم و سغد بود نوبت کیسه ۱۲۰ سالی می رسید. پنج روز اندر گاه را در آخر مه بدان رسیده بود نقل می دادند و این امر موجب گردید تا گاه شما سیار با کیسه در آید و در یک دور بزرگ ۱۴۴۰ سالی، گاه شماری با روزهای سال ثابت شمسی برابر شود:

۵۲۵۹۶۰ روز = ۰

۵۲۵۹۶۰ روز

- روابط زیر مبین آنند که در پایان یک دور بزرگ ۱۴۴۰ - فروردین ماه سیار بی کیسه - با تفاوت اضافی یک سال - با روز یکم کیسه برابر شده اند:

۲۵۹۶۵

در سال های سیار بی کیسه

۵۲۵۹۶۰ روز = ۰

در سال های سیار با کیسه

ناهماهنگی، در اجزای کیسه در دو گاه شماری سیار فوق، پایان یک دور بزرگ ۱۴۴۰ سالی از مبداء بعثت زرتشت:

اولاً مبداء تاریخ بزد گردی در سال ثابت ۱۱ ه.ش/ ۶۳۲ م قرار گیرد ثانیاً زادروز زرتشت از روز یکم فروردین ماه سیار بی فروردین ماه سال های ثابت و سیار با کیسه، مقارن شود.

- در گاه شماری جلالی دانسته شد که در سر آغاز تاریخ یعنی ۸۰۸ ق.م/ ۹۱۸ رصد، خورشید در فاصله زمانی کوتاهی پیش از نیمروز، به نقطه اعتدال ربیعی رسیده بود و بدین سبب این سال را، شمسی حقیقی با ادوار ۹۶۱ سالی قرار داده اند.

گاه شماری زرتشتیان - طی سده پنجم و اوائل سده ششم هجر پیدا کرد و در نتیجه به چند گروه تقسیم گردید. در کتاب «گاهنه مؤید آذر گشسب» در باره این گروه بندی ها، نوشته شده:

«پارسیان: - ما اول از هندوستان و پاکستان آغاز می کنیم زرتشتیان، در این دو کشور پهناور زندگی می کنند که بنام پارسیان

که خراج مملکت را در آنجا ضبط می کرد و به تار نمی داشت، در این هنگام بود که اصحاب را به دور کرد و چون یگانه زمانی که از هر شبهه دور بود رسید و آن روز دوشنبه ی هشتم ربیع الاول بود که عمر آن را مبداء تاریخ دانست و هر چه را که نیازمند می نمود و این واقعه در هفدهمین سال هجرت بود.»

سال ۱۷ هجری، آمده در روایت فوق، از اله است. این سال را به چند منظور بر کتاب آثارالباقیه تاریخ فوق، سال ۴۷۱ ه.ش - بعنوان مبداء تاریخ جلا

۱

توضیح آنکه در رابطه فوق، ۴۶۸ سال شمسی به ۴ - در کتاب «تاریخ الرسل والملوک طبری مبداء تاریخ خراجی، بدین گونه داده شده:

«واقعی گوید: شیرویه پدر خود خسرو پرو سه شنبه دهم جمادی الاولی به سال هفتم به قتل رسانید. (صفحه ۲۶۰)

ولی از ۱۲ ماه سال هفتم هجری، تنها روز دهم

پارسیان ساکن هندوستان و پاکستان با زرتشتیانی که در ایران یا سایر نقاط دنیا زندگی می‌کنند از حیث اعتقادات مذهبی و اجرای مراسم دینی مانند آئین سدره پوشی، زناشوئی و غیره بهم نزدیک و شبیه می‌باشند. تنها اختلافی که بین آنها وجود دارد موضوع تقویم است و نگهداشتن روز و ماه، در بین زرتشتیان رسم است که پس از پایان اوستای روزانه هنگام تحویل دادن آن به درگاه اهورامزدا - همانطور که اشاره شد نام روز و ماه و گاه اوستا خواندن را بزبان می‌آورند، حالا اگر یک نفر ایرانی در هنگام اوستا خواندن به روز و همین امشاسپندان و ماه آبان، اوستایش را تحویل دهد و در همان روز یک نفر پارسی بخواند اوستایش را تحویل دهد او خواهد گفت (روز و همین امشاسپند از ماه مهر) یعنی ایرانیان و پارسیان درست یک ماه ازهم فاصله دارند ولی این اختلاف روز و ماه تا حدود ۳۵۰ سال پیش ناشناخته بود.

در سال ۱۰۰۵ یزدگردی (۱۰۱۵ خورشیدی) دستور بهرام اردشیر ترک آبادی در نامه‌ای که به دستور کامدین، ساکن بروچ گجرات، می‌نویسد بوجود اختلاف مذکور بین تقویم زرتشتیان ایران و هند اشاره می‌کند، این اختلاف همین طور می‌ماند تا سال ۱۰۹۰ یزدگردی (۱۱۰۰ خورشیدی) که دستور جاماسب حکیم ولایتی از ایران به سورت مسافرت می‌کند و در آنجا به اختلاف یک ماه تقویم بین زرتشتیان ایران و پارسیان هند متوجه می‌شود.

بهرام گور آنکلساریا در این مورد می‌نویسد: (دستور جاماسب حکیم در سال ۱۰۹۰ یزدگردی به سورت وارد شد و به اختلاف یک ماه در روز و ماه پارسیان و ایرانیان پی برد. او موقعی که در سورت بود سه شاگرد تربیت کرد. ۱- دستور داراب کومانا از سورت. ۲- دستور جاماسب جاماسب آسا از نوساری. ۳- یکی از اجداد دستور کامدین از بروچ.

در سال ۱۱۰۴ یزدگردی (۱۱۱۴ خورشیدی) یک نفر ایرانی به نام جمشید منجم از ایران به سورت وارد می‌شود و او یک نفر پارسی را بنام کاوس فریدون که بعدها بنام کاوس منجم معروف می‌شود - به شاگردی خود می‌پذیرد و به او ستاره‌شناسی و تقویم ایرانی می‌آموزد و کاوس منجم پس از چندی در اثبات گفته جاماسب ولایتی کوشش می‌نماید و در اثر فعالیت او در آن زمان بسیاری از زرتشتیان مهاجر، تقویم

زرتشتیان ایرانی را پذیرفته و مراسم پنجه‌وه را «طبق ایران» یک ماه زودتر انجام می‌دهند.

رشیدشهمردان، در دنبال مطالب بالا، چنین می‌نویسد: «موبد کاوس رستم جلال- که بعدها به ملاکاوس معروف گشت- در شهریور ماه ۱۱۳۷ یزدگردی (۱۱۴۷ خورشیدی) به اتفاق پسرش ملافیروز از سورت رهسپار ایران شد و ۱۲ سال در ایران به پژوهش پرداخت و در رشته اخترشناسی استاد گشت و در دربار کریم‌خان زند در شیراز طرف توجه پادشاه واقع و مهمان او بود و در امرداد سال ۱۱۴۹ یزدگردی (۱۱۵۹ خورشیدی) به سورت بازگشت و رسالات چندی در مورد تقویم نگاشت و سخنرانی‌ها ایراد نمود. مخالفان او نیز بیکار نشستند و به نشر رسالات برخلاف سخنان او پرداختند. پیروان تقویم قدیم ایرانی رو به افزونی گذاشت و آنها در روز سروش ایزد و فروردین ماه ۱۱۵۴ یزدگردی (۱۱۶۴ خورشیدی) نخستین آتش وهرام را در شهر بمبئی بنا نهادند. پس در این سال پارسیان از حیث تقویم به دودسته تقسیم شدند: دسته اول بنام شهنشاهی و دسته دوم که روز و ماه ایرانی را پذیرفته بودند بنام قدیمی و اینها همانطور که اشاره شد اختلافشان تنها در باره روز و ماه بود و در سایر موارد با هم اختلافی نداشتند.

در حال حاضر اکثریت پارسیان هندوستان و پاکستان شهنشاهی هستند که برسم پیشین خودشان پای بندند بعد قدیمی‌ها هستند که روز و ماه قدیم ایرانی را قبول کرده‌اند و دسته سوم که روز اورمزد و فروردین ماه یعنی روز اول سالشان با اول نوروز ایرانی و روز ۲۱ مارس عیسوی هم‌راه است و سالشان سال کامل خورشیدی است، جشن‌هایشان، همیشه با فصول چهارگانه سال مطابقت دارد. این دسته اخیر بنام فصلی مشهوراند.

نوروز امسال (۱۳۵۹ خورشیدی) که با روز اورمزد و فرودین ماه سال (۱۳۴۹ یزدگردی) فصلی آغاز شد با روز زامیاد و آبان ماه زرتشتیان قدیمی برابر بود یعنی قدیمی‌ها ۷ ماه (از فروردین تا مهر) و ۲۷ روز (زامیاد روز بیست و هشتم است) یا جمعا ۲۳۷ روز از سال درست شمسی جلو هستند».

(صفحات ۱۴ تا ۱۹ و ۵۳)

و اما چگونگی آنچه که به وقوع پیوسته:

در مبحث گاه شماری جلالی دیده شد که در سال ۱۱۲۴ میلادی/۵۰۳ هـ.ش دوازدهمین گردش ۱۶۱ سالی گاه شماری حقیقی پایان رسیده و سیزدهمین گردش ۱۶۱ سالی - نسبت به مبداء بعثت زرتشت - در سال ۱۹۳۳ شمسی حقیقی/۲۸۵۰ رصد ۱۱۲۵/ میلادی/۵۰۴ هـ.ش/۳۰ جلالی آغاز گردید (جدول شاره ۳).

سال ۱۱۲۵ میلادی/۵۰۴ هـ.ش، هموزن مبداء تاریخ یزد گردی است. چون پس از پایان دوازدهمین گردش ۱۶۱ سالی خورشیدی، گروه شهنشاهی زرتشتی، گاه شماری جدیدی را از سیزدهمین گردش ۱۶۱ سالی شروع کرده و سرآغاز آن گاه شماری را با روز ورود خورشید به برج حمل مطابقت داده اند. پس در این صورت گاه شماری گروه های شهنشاهی و فصلی، در جوار هم، از سرآغاز سیزدهمین گردش ۱۶۱ سالی شمسی حقیقی شروع شده اند. ولی چون گاه شماری گروه شهنشاهی، گاه شماری سیار و بی کیسه می باشد. لذا بسبب کیسه هایی که در گاه شماری فصلی اجرا شده، سرآغاز سال های شهنشاهی، به مرور زمان، از سرآغاز سال های فصلی پیشی گرفته و این تفاوت تا سال ۱۳۵۹ هـ.ش به شرح زیر به ۲۰۸ روز رسیده است:

سال مورد محاسبه کتاب «گاهنمای زرتشتی» - ۱۳۵۹ هـ.ش.
پایان گردش دوازدهم از ادوار ۱۶۱ سالی (سال مبدأ محاسبه) ۵۰۳ هـ.ش.

۸۵۶

میان سال های دو تاریخ فوق

رابطه زیر:

$$۸۵۶ = ۱۶۱ \times ۵ + ۳۳ \times ۱ + ۴ \times ۴ + ۲$$

نشان می دهد که در فاصله زمانی ۸۵۶ سال فوق، ۵ گردش ۱۶۱ سالی، یک دور ۳۳ سالی، و ۴ کیسه چهار سالی از دور ۳۳ سالی دوم، اجرا شده و مجموع کیسه های طی شده در طول مدت فوق برابر با ۲۰۷ روز است:

$$۵ \times ۳۹ = ۱۹۵ \text{ روز}$$

$$۱ \times ۸ = ۸ \text{ روز}$$

$$۴ \times ۱ = ۴ \text{ روز}$$

$$۲۰۷ \text{ روز}$$

۲۰۷ دور کبیسه فوق موجب شده تا بین گاه شماری سیار زرتشتیان شهنشاهی با گاه شماری شمسی حقیقی، تا سال ۱۳۵۹ هـ. ش، ۶ ماه و ۲۷ روز تفاوت پیدا شود زیرا:

$$۲۰۷ = ۳۰ \times ۶ + ۲۷$$

و اما در مورد زرتشتیان قدیمی، به نوشته کتاب «گاه‌نمای زرتشتی»:
 «بهرام گور انکلساریا می‌نویسد: در سال ۱۹۰۷ میلادی یک شخص پارسی به نام دکتر مانگجی بهمن جی داور - در رساله‌ای که به خط گجراتی نوشته و انتشار داده بود - برای اولین بار مطلبی راجع به کبیسه را از کتاب ابوالحسن کوشیار، که در سال ۱۰۶۰ میلادی (۴۳۹ خورشیدی) نوشته شده، به این شرح بازگو می‌کند که در سال ۳۷۵ یزدگردی وقتی که اورمزد و فروردین ماه با پانزدهم مارس ۱۰۰۶ میلادی برابر و به نقطه اعتدال بهاری نزدیک بود، و گردش بزرگ ۱۴۴۰ سالی به پایان دوره خود می‌رسید و نوبه گردش دوم آغاز می‌شد، زرتشتیان پنج روز پنجه را از پایان آبان ماه - که بعد از اجرای آخرین کبیسه در دوره ساسانی مانده بود - به آخر اسفند ماه بردند.»

(صفحه ۲۶)

میان سال‌های مبادی گاه شماری زرتشتیان شهنشاهی و زرتشتیان قدیمی، بنا به روایت فوق، برابر با ۱۱۹ سال (= ۳۸۵ - ۵۰۴) است، و عدد ۱۱۹ سال از آن جهت گزیده شده تا کسر روز از ۶ ساعت در سال کمی بیشتر شود. در روایت فوق کوشش شده تا تفاوت یک ماهه‌ای که بین گاه شماری دو گروه زرتشتی وجود دارد، اساس آن بر کبیسه یک ماه در ۱۱۹ سال و یا به طور کلی در ۱۲۰ سال - متکی گردد در صورتی که ادوار ۱۲۰ سالی با ادوار ۱۶۱ سالی شمسی حقیقی دو شاخه مختلف از گاه شماری را تشکیل می‌دهند که قابل انطباق نمی‌باشند پیداست که مبداء سال ۳۷۵ هـ. ش. یک مبداء تحریفی است که به منظور نامشخص ساختن تاریخ پراهمیت ۵۰۴ هـ. ش. جعل شده است.

کتاب «تاریخ تاریخ در ایران» درباره اساس گاه شماری زرتشتیان قدیمی، و شیوه انتشار آن در بین پارسیان فوق، چنین شرح می‌دهد:

«قدیم ترین کتابی که به زبان فارسی نوشته شده است، رساله (شواهد النفیسه فی اثبات الکیسه) تألیف حاج محمد هاشم اصفهانی است که در سال ۱۲۴۲ هجری قمری ۱۸۲۷ مسیحی در بمبئی، ظاهراً در ۷۰۰ نسخه، به طبع رسیده است. متأسفانه کوشش نگارنده برای دست یافتن بر این کتاب به جایی نرسید.

آگاهی ما از رساله مذکور از طریق کتاب دیگری به دست می آید که فیروز بن ملاکاوس (زرتشتی) در سال ۱۱۹۷ یزدگردی ۱۸۲۷ مسیحی در رد آن کتاب تحت عنوان رساله موسومه به (ادله قویه بر عدم جواز کیسه در شریعت زرتشتیه) نوشته است. نکته گفتنی درباره این دو کتاب آنکه ملافیروز برای پیروزی یافتن بر حریف خود، حاجی محمد هاشم اصفهانی، به برانگیختن احساسات مسلمان - به زبان همکیشان زرتشتی خویش - بیشتر بر اقوال ملامحمد باقر مجلسی و برخی دیگر از علمای شیعه - با برداشت هایی به میل خود و گاه با جعل اقوالی از آنان تکیه کرده و حتی برخی مطالب آلائار الباقیه ابوریحان بیرونی را نیز با استناد به نوشته های مجلسی ذکر کرده است. ظاهراً با این چاره اندیشی به مقصود خود رسیده و در مناظره حضوری با حاج محمد هاشم اصفهانی، به سبب برخورداری از احساسات موافق شاهدان مسلمان مناظره، بر حریف پیروز گشته است.»

(صفحات ۲۰ و ۲۱)

ملافیروز علاوه بر اشاعه گونه ای از گاه شماری مجعول در بین گروهی از زرتشتیان ایران و هند و ایجاد نفاق و دوئیت در بین پیروان آن آئین - با انتشار و ترویج کتاب دساتیر ضربات مهلک و غیرقابل ترمیم دیگری بر تاریخ و ادبیات فارسی وارد نموده که از موضوع این کتاب خارج و شرح تفصیلی آن در کتاب «فرهنگ ایران باستان» آمده است.

بخش چهارم

تاریخ گذاری های ادواری

تاریخ باستانی ایران، با سه روایت در آثارالباقیه نقل شده و در جدول شماره ۵ این کتاب، فقرات فوق منتقل شده اند، در روایات یادشده، تاریخ کهن ایران، از سال پیدایش کیومرث آغاز می شود و به انقراض سلسه کیانیان در سال : ۵۳۸ ق.م / ۱۱۸۸ رصد، پایان می پذیرد .

فقرات یادشده دارای ویژگی های زیر می باشند :

- روایت یکم: اساس سال شماری بر تاریخ بعثت زرتشت در سال :

۸۰۸ ق.م / ۹۱۸ رصد، گذارده شده .

- روایت دوم: تاریخ ظهور زرتشت در سال ۷۹۶ ق.م / ۹۳۰ رصد، مبنای

تاریخ گذاری قرار گرفته .

- روایت سوم شاخه ای از تاریخ یهود است که بر اساس ادوار هزاره تنظیم شده

ولی سال شماری یهود خود به گونه دیگریست که با روایت سوم قریباً مورد شناسایی

قرار خواهد گرفت .

به نوشته کتاب آثارالباقیه، روایت یکم را حمزة بن حسن اصفهانی در اوستای

نسخه موبد یافته و روایت سوم را از کتاب اوستا گرفته و اخبار آن را تصحیح

کرده است .

تاریخ پیدایش

(از کیومرث تا انقراض سلسله کیانیان)

ردیف	شرح وقایع	القاب	روایت یکم	روایت دوم	روایت سوم
الف- مردم آغاز خلقت					
۱	کیومرث		۳۰	۳۰	۴۰
۲	پیدایش میشی و میشانه			۷۰	
۳	ازدواج میشی و میشانه			۱۲۰	
۴	پیدایش اولاد از میشی و میشانه		۸۰		
۵	مرگ میشی و میشانه		۱۳۰		
۶	مدتی که زمین بدون پادشاه ماند		فترت		فترتی بمدت ۱۷۰ سال
۷	تا هوشنگ		۲۲۴	۲۱۳	
ب- ملوک پیشدادی					
۱	پایان هوشنگ	صبح	۲۶۴	۲۵۳	۸۰
۲	ظهور بوداسف	زیباوند		۲۵۴	
۳	پایان تهمورث	پیشداد	۲۹۴	۲۸۳	۱۱۰
۴	متواری شدن جم	شید	۹۱۰	۸۹۹	
۵	پایان جم		۱۰۱۰	۹۹۹	۷۲۶
۶	پایان ضحاک	اژدهاک	۲۰۱۰	۱۹۹۹	۱۷۲۶
۷	پایان فریدون (کشته شده ایرج)	مؤید		۲۱۹۹	

ج- ملوک ایلان			
۲۲۲۶	۲۴۹۹	۲۵۱۰	۱ آغاز سلطنت منوچهر
	۲۵۱۹		۲ کشته شدن سلم و تور پیروز
	۲۵۷۹		۳ چیرگی پسر توج بر ایران شهر
	۲۵۹۱		۴ حصول سازش بین منوچهر و افراسیاب
۲۳۴۶	۲۶۱۹	۲۶۳۰	۵ مرگ منوچهر برگزیده
۲۳۵۸	۲۶۳۱		۶ پایان توژ ترک که بر عراق غالب شد فراسیاب
فترتی است			
نامعلوم			
۲۳۶۷			۷ زاب
۲۳۷۰	۲۶۳۶	۲۶۳۴	۸ پایان زاب و گرشاسب
فترتی است			
د- ملوک کیانی			
۲۴۹۶	۲۷۳۶	۲۷۳۴	۱ پایان کیقباد اول
۲۶۴۶	۲۸۸۶	۲۸۸۴	۲ پایان کیکاووس نمرود
۲۷۲۶	۲۹۴۶	۲۹۴۴	۳ پایان کیخسرو همایون
	۳۰۰۶		۴ اعزام بختنصر به بیت المقدس
۲۸۴۶	۳۰۶۶	۳۰۶۴	۵ پایان لهراسب بلخی
	۳۰۹۶		۶ ظهور زرتشت
۲۹۶۶	۳۱۸۶	۳۱۸۴	۷ پایان بشتاسب هربذ
۳۰۷۸	۳۲۹۸	۳۲۹۶	۸ پایان بهمن درازدست
۳۱۰۸	۳۳۲۸	۳۳۲۶	۹ پایان خمانی چهر آزاد
۳۱۲۰	۳۳۴۰	۳۳۳۸	۱۰ پایان دارا پسر بهمن بزرگ
۳۱۴۳	۳۳۵۴	۳۳۵۲	۱۱ پایان دارا پسر دارا دوم

الف - تاریخ دیرینه ی ایران

نوزدهمین یشت اوستا را «زامیاد یشت» یا «کیانی یشت» نامند زیرا در این یشت گفتگو از «فرکیانی» می باشد، ولی بجزاز «فرکیانی»، از «فرپادشاهی» نیز سخن رفته است.

«کیان یشت» ۹۶ بند دارد، در بندهای ۲۵ و ۲۶ از «فرهوشنگ»، نخستین پادشاه پیشدادی، سخن رفته و در بندهای ۲۷ تا ۲۹ از «فرتهمورث» گفتگو شده و در بندهای ۳۰ تا ۴۰، از «فرجمشید» سخن به میان آمده است.

در اوستا، هوشنگ با صفت «پرذاته Paradhata» پیشداد آمده که به معنی قانونگذار نخستین می باشد و کتاب «تاریخ پیامبران و شاهان» درباره آن چنین شرح می دهد:

«هوشنگ پیشداد، نخستین پادشاه ایران بوده و پیشداد یعنی نخستین فرمانروا، چه اولین کسی بود که به پادشاهی برخاست و در اصطخر بر تخت نشست و از این رو اصطخر را بوم شاه، یعنی سرزمین شاه، خواندند. ایرانیان چنین می پندارند که وی و برادرش (ویکرت) هردو پیامبران.»

(صفحه ۳۰)

و نیز در مأخذ فوق مشخص شده که در کتاب های «خدای نامه ابن مقفع و ابن جهم» تاریخ باستانی ایران از هوشنگ شروع شده اند.

بیگانگان، شاید در سده سوم هجری، ۲۱۶ سال بنام «تاریخ مردم آغاز خلقت»، به مبدأ تاریخ هوشنگ افزوده، و با انگیزه‌های شناخته شده‌ای، تاریخ کیومرث تا هوشنگ را به تاریخ دیرینه ایران تعلیق کرده‌اند.

در پایان نخستین گردش ۱۴۴۰ سالی از مبدأ هوشنگ و سال ۱۶۵۶ از تاریخ کیومرث، جمشید بدست ضحاک کشته می‌شود و در اثر آن حادثه، توفان جم فرامی‌رسد. (حدول شماره ۶)

در حدول شماره ۸ «نقل شده از قاموس کتاب مقدس» و جدول صفحه ۱۰۹ از کتاب آثارالباقیه «در ستون مربوط به: مجموع سال‌های تاریخ بنا به گفته یهود» توفان نوح مقارن با سال ۱۶۵۶ از مبدأ پیدایش دانسته شده و این حادثه تاریخی، همزمان با توفان جم است که به تاریخ یهود راه یافته است.

در سرآغاز سومین گردش ۱۴۴۰ سالی در تاریخ:

۳۰۹۷ کیومرث / ۲۸۸۱ هوشنگ ($1 + 2 \times 1440$) زرتشت به پیغمبری مبعوث می‌شود و از پیش می‌دانیم که این تاریخ برابر با سال ۸۰۸ ق.م / ۹۱۸ رصد فریدون می‌باشد.

تاریخ بعثت زرتشت خود مبدأ دو گونه گاه شماری مغایر قرار گرفته است: گونه یکم: گاه شماری سیار بی کیسه ۳۶۵ روزی یا گاه شماری ایزد گردی است، این گاه شماری از سال بعثت زرتشت شروع شده و نخستین گردش ۱۴۴۰ سالی از آن تاریخ و سومین گردش از مبدأ هوشنگ از سال ۶۳۲ میلادی / ۲۳۵۷ تاریخ رصد / ۴۳۲۰ هوشنگ / ۴۵۳۶ کیومرث - و به نام تاریخ یزد گردی - شروع شده است

گونه دوم: گاه شماری شمسی حقیقی با ادوار ۱۶۱ سالی است، این گاه شماری نیز از سال بعثت زرتشت شروع شده و در سال ۵۰۳ هجری شمسی، نخستین گردش ۱۹۳ سالی (12×161) آن به پایان رسیده و سیزدهمین دور ۱۶۱ سالی از تاریخ:

۱۱۲۵ میلادی / ۵۰۴ ه.ش / ۲۸۵۰ رصد فریدون / ۱۹۳۳ بعثت ($1 + 12 \times 161$) آغاز شده است و درپیش دیده شد که سرآغاز گاه شماری زرتشتیان شهنشاهی از این مبداء تاریخی می‌باشد.

تا کنون بدینجا رسیده ایم که درخت کهنسال تاریخ دیرینه‌ی ایران از پیوند و

تاریخ دیرینه ایران

شماره	شرح	رصد	رصد	تاریخ	تاریخ	تاریخ
ردیف	وقایع	زرتشت	فریدون	هوشنگ	کیومرث	میلادی
۱	پیدایش کیومرث	-	-	-	۱	۳۹۰۴ ق.م
۲	تا هوشنگ	-	-	۰	۲۱۶	۳۶۸۹
					(۲۲۴)	
۳	هوشنگ	-	-	۱	۲۱۷	۳۶۸۸
۴	پایان جم-توفان جم	-	-	۱۴۴۰	۱۶۵۶	۲۲۴۹
۵	پیدایش ضحاک	-	-	۱۴۴۱	۱۶۵۷	۲۲۴۸
۶	پایان ضحاک-انقراض حکومت سومری‌ها	-	-	۱۹۶۳	۲۱۷۹	۱۷۲۶
۷	اورمزدگان-پیدایش فریدون-تاریخ رصد	-	۱	۱۹۶۴	۲۱۸۰	۱۷۲۵
۸	فروردین‌گان-کشته شدن ایرج	-	۷۶	۲۰۳۹	۲۲۵۵	۱۶۵۰
۹	اردیبهشت‌گان-کشته شدن سلم و تور	-	۱۳۲	۲۰۹۵	۲۳۱۱	۱۵۹۴
۱۰	خردادگان-آغاز سلطنت منوچهر	-	۲۸۴	۲۲۴۷	۲۴۶۳	۱۴۴۲
۱۱	آغاز سلطنت منوچهر در دور هزاره‌ای	-	۳۳۱	۲۲۹۴	۲۵۱۰	۱۳۹۵
۱۲	خروج قوم یهود از مصر در دور هزاره‌ای	-	۳۹۰	۲۳۵۳	۲۵۶۹	۱۳۳۶
۱۳	تیرگان-آغاز سلطنت زاب-آغاز بنای خوارزم	-	۴۱۲	۲۳۷۵	۲۵۹۱	۱۳۱۴
۱۴	آغاز سلطنت کیکاوود در					

۱۲۷۱	۲۶۳۴	۲۴۱۸	۴۵۵	-	دور هزاره ای
				-	۱۵ امردادگان - آغاز
۱۲۱۸	۲۶۸۷	۲۴۷۱	۵۰۸	-	سلطنت کیکاووس
				-	۱۶ شهریورگان - آغاز سلطنت
۱۱۱۰	۲۷۹۵	۲۵۷۹	۶۱۶	-	کیکاووس
				-	۱۷ اورمزدگان - آغاز
۱۰۰۵	۲۹۰۰	۲۶۸۴	۷۲۱	-	سلطنت کیخسرو
۱۰۰۰	۲۹۰۵	۲۶۸۹	۷۲۶	-	۱۸ بنای میکیل سلیمان در تاریخ یهود
				-	۱۹ مهرگان - آغاز سلطنت
۹۴۲	۲۹۶۳	۲۷۴۷	۷۸۴	-	لهراسب
				-	۲۰ آبانگان تولد و یا احیاناً
۸۴۶	۳۰۵۹	۲۸۴۳	۸۸۰	-	آغاز سلطنت گشتاسب
۸۲۶	۳۰۷۹	۲۸۶۳	۹۰۰	-	۲۱ آغاز سلطنت گشتاسب
				-	۲۲ بعثت زرتشت - مبداء
۸۰۸	۳۰۹۷	۲۸۸۱	۹۱۸	۱	تاریخ ایزدگردی
۷۹۶	۳۱۰۹	۲۸۹۳	۹۳۰	۱۳	۲۳ ظهور زرتشت
				-	۲۴ اصلاح گاه شماری کیانیان
۷۶۵	۳۱۴۰	۲۹۲۴	۹۶۱	۴۴	مبداء تاریخ بخت نرسی
۷۶۲	۳۱۴۳	۲۹۲۷	۹۶۴	۴۷	۲۵ درگذشت زرتشت
۷۶۰	۳۱۴۵	۲۹۲۹	۹۶۶	۴۹	۲۶ درگذشت زرتشت (تاریخ تحریف شده)
۷۳۰	۳۱۷۵	۲۹۵۹	۹۹۶	۸۵	۲۷ آذرگان - انقراض دولت اسرائیل
۵۸۶	۳۳۱۹	۳۱۰۳	۱۱۴۰	۲۲۳	۲۸ دیگان - انهدام معبد یهود
				-	۲۹ انقراض سلسله سلاطین
۵۳۸	۳۳۶۷	۳۱۵۱	۱۱۸۸	۲۷۱	کلدانی و کیانی
۲۵۶	۳۵۴۹	۳۳۳۳	۱۳۷۰	۴۵۳	۳۰ تولد اسکندر
				-	۳۱ کشته شدن فیلیپ
				-	مبداء تاریخ اسکندری - هزاره
				-	گرد خروج قوم یهود از مصر
۳۳۶	۳۵۶۹	۳۳۵۳	۱۳۹۰	۴۷۳	در دور هزاره ای

۳۲	مبداء تاریخ اسکندری از	۴۷۵	۱۳۹۲	۳۳۵۵	۳۵۷۱	۳۳۴
	نظرگاه مورخین نصرانی					
۳۳	درگذشت اسکندر مقدونی	۴۸۴	۱۴۰۱	۳۳۶۴	۳۵۸۰	۳۲۵
۳۴	تشکیل دولت اشکانی	۴۸۷	۱۴۰۴	۳۳۶۷	۳۵۸۳	۳۲۲
۳۵	هزاره گرد تیرگان-هزاره					
	گردسال خروج قوم یهود از مصر	۴۹۵	۱۴۱۲	۳۳۷۵	۳۵۹۱	۳۱۴
۳۶	میلاد مهراشکانی-	۵۲۴	۱۴۴۱	۳۴۰۴	۳۶۲۰	۲۸۵
۳۷	بعثت مهراشکانی-					
	مبداء تاریخ پیمان	۵۵۱	۱۴۶۸	۳۴۳۱	۳۶۴۷	۲۵۸
۳۸	درگذشت مهراشکانی	۵۹۱	۱۵۰۸	۳۴۷۱	۳۶۸۷	۲۱۸
۳۹	خردادگان در دومین دوربزرگ					
	۱۴۴۰ سالی	۸۰۷	۱۷۲۴	۳۶۸۷	۳۹۰۳	۲
۴۰	مبداء تاریخ میلادی (سال					
	صفر نسبت به تواریخ قبل از					
	میلاد)	۸۰۹	۱۷۲۶	۳۶۸۹	۳۹۰۵	

(جدول شماره ۶)

التیام دو شاخه مغایر و جدا گانه زیر تشکیل یافته است:

در شاخه یکم که از رصد فریدون شروع شده، زمان هریک از رویدادهای مهم تاریخی دارای مشخصات حساب شده ایست و موضوعات مطروحه در این دوران، جریانات واقعی تاریخ ایران را تشکیل می دهند.

شاخه دوم شامل جریانات تاریخی پیش از رصد فریدون بوده و بر حسب ادوار ۱۴۴۰ سالی و از مبداء هوشنگ تعیین شده اند. در این دوره از زمان به درستی روشن نیست که وقایع مهم تاریخی، چگونه و در چه زمان روی داده اند مع هذا مبداء تاریخ دیرینه ی ایران بر پایه این ادوار ۱۴۴۰ سالی گذارده شده و سال های تاریخی - نجومی بر روی این مبادی اسطوره ای پیاده شده اند.

در روایت یکم، علاوه بر سال های تاریخی فوق، به یک سری سال های الحاقی می رسمیم که بر مبنای ادوار هزاره ای زیر تشکیل یافته اند:

پایان جم سال ۱۰۱۰

پیدایش فریدون سال ۲۰۱۰

آغاز سلطنت منوچهر سال ۲۵۱۰

این ادوار مجعول به منظور بر هم زدن گردش نجومی ۱۴۴۰ سال و دوره های شمسی ۱۲۰ سالی - و در نتیجه، سال های تاریخی - نجومی منبعث از آن ادوار - پرداخته شده و بر مبنای آن ادوار، تعدادی از سال های تاریخی - نجومی، به گونه ای دیگر، تبدیل یافته اند.

علاوه بر دخالت های فوق، ۲ واحد از تاریخ های کیومرث تا پایان منوچهر و ۱۳ واحد از پایان منوچهر تا انقراض سلسله کیانیان، از سال های تاریخی کاسته شده تا ارتباط این گاه شماری با گاه شماری روایت دوم از جدول ۵، ناشناخته بماند.

تقویم تطبیقی سال‌های تاریخی

«از مبداء میلادی تا سال ۱۵۸۲ مسیحی»

شماره ردیف	شرح وقایع	رصد	تاریخ	تاریخ	تاریخ	تاریخ	هجری
		فریدون	ایزدگردی	اسکندری	سلوکی	میلادی	شمسی
۱	تاریخ میلادی	۱۷۲۶	۸۰۹	۳۳۷	۳۱۱	۱	-
۲	کیسه ۱۲۰ سالی چهارم ازدور بزرگ ۱۴۴۰ سالی دوم اجرا شده	۱۹۲۰	۱۰۰۳	۵۳۱	۵۰۵	۱۹۵	-
	توسط اردشیر بابکان	۱۹۵۱	۱۰۳۴	۵۶۲	۵۳۶	۲۲۶	-
۳	تاج گذاری اردشیر بابکان	۱۹۵۳	۱۰۳۶	۵۶۴	۵۳۸	۲۲۸	-
۴	ولادت مانی	۱۹۷۸	۱۰۶۱	۵۸۹	۵۶۳	۲۵۳	-
۵	دعوت مانی	۲۰۰۹	۱۰۹۲	۶۲۰	۵۹۴	۲۸۴	-
۶	تاریخ شهداء	۲۰۱۷	۱۱۰۰	۶۲۸	۶۰۰۲	۲۹۲	-
۷	کشته شدن مانی						
۸	کیسه ۱۲۰ سالی هفتم از دور بزرگ ۱۴۴۰ سالی دوم اجرا شده						
	در بیست و پنجمین سال سلطنت						
	انوشروان	۲۲۸۰	۱۳۶۳	۸۹۱	۸۶۵	۵۵۵	-
۹	مبداء تاریخ هجری	۲۳۴۷	۱۴۳۰	۹۵۸	۹۳۲	۶۲۲	۱
۱۰	مبداء تاریخ یزدگردی	۲۳۵۷	۱	۹۶۸	۹۴۲	۶۳۲	۱۱
۱۱	آغاز دهمین دور ۱۶۱ سالی	۲۳۶۷	۱۱	۹۷۸	۹۵۲	۶۴۲	۲۱
۱۲	تاریخ یزدگردی رحلت	۲۳۷۷	۲۱	۹۸۸	۹۶۲	۶۵۲	۳۱
۱۳	هزاره گرد بعثت مسیح اشکانی	۲۴۶۸	۱۱۲	۱۰۷۹	۱۰۵۳	۷۴۳	۱۲۲
۱۴	کیسه ۱۲۰ سالی نهم از دور بزرگ ۱۴۴۰ سالی دوم اجرا شده						
	در دوران خلافت هارون الرشید	۲۵۲۰	۱۶۴	۱۱۳۱	۱۱۰۵	۷۹۵	۱۷۴
۱۵	کیسه غیر واقعی منتسب به متوکل علی الله خلیفه عباسی	۲۵۸۰	۲۲۴	۱۱۹۱	۱۱۶۵	۸۵۵	۲۳۴
۱۶	کیسه غیر واقعی منتسب به						

۲۷۴	۸۹۵	۱۲۰۵	۱۲۳۱	۲۶۴	۲۶۲۰	معتضد علی الله خلیفه عباسی	
						آغاز دوازدهمین دور	۱۷
۳۴۳	۹۶۴	۱۲۷۴	۱۳۰۰	۳۳۳	۲۶۸۹	۱۶۱ سالی	
						کیسه غیر واقعی منتسب	۱۸
۳۷۸	۹۹۹	۱۳۰۹	۱۳۳۵	۳۶۸	۲۷۲۴	به خلف ابن احمد امیر سیستان	
						پایان چهارمین نوبت ۳۳	۱۹
						سالی از دوازدهمین دور	
۴۷۴	۱۰۹۵	۱۴۰۵	۱۴۳۱	۴۶۴	۲۸۲۰	۱۶۱ سالی	
						اصلاح تاریخ میلادی	۲۰
۹۶۱	۱۵۸۲	۱۸۹۲	۱۹۱۸	۹۵۱	۳۳۰۷	به دستور پاپ گرگوار سیزدهم	

(جدول شماره ۷)

ب - سال شماری یهود

- گاه شناسی قوم یهود در ازمنه پیش از اسارت بابل - در «قاموس کتاب مقدس» چنین توصیف شده:

« زمان: بدان که قوم یهود، همواره در پی تغییر اوقات و ازمنه بوده اند لکن معرفت و دانش ایشان در این مسئله، قبل از اسیری بابل، از روی علم و فهم نبود و ساعت در نزد ایشان، کمترین قسمت اوقات بود از قراری که معلوم است آن را هم بواسطه آلت و اسباب شمسی که آن را درجات می گفتند تعیین نموده بودند (کتاب دوم پادشاهان ۱۱:۲۰). غروب آفتاب را ابتدای روز مدنی و طلوع آن را ابتدای روز طبیعی می دانستند و شب را نیز به سه پاس منقسم نموده بودند چنانکه پاس دوم در سفر داوران (۱۹:۷) و پاس صبحش در سفر خروج (۲۴:۱۴)، کتاب اول سموئیل (۱۱:۱۱) مذکور است (انجیل مرقس ۱۳: ۳۵) و از این قرار می باشد: مغرب، نصف شب، خروس خوان، صبح. و هفته عبرانیان عبارت از هفت روز بود که به سبت منتهی می شد اما ماه های عبرانیان عبارت از ماه قمری بوده روز اول ماه را هلال می گفتند و عید نگاه می داشتند و از اسفار خمسه موسی و کتاب یوشع و داوران و راعوت بجز «آیب» اسم ماه دیگری مذکور نیست و ماه بعد آن دوم و سوم، چهارم خوانده شده است. لکن در کتاب پادشاهان اول، اسم سه ماه مذکور است. اولی «زیوپازیف» است (کتاب اول پادشاهان ۱:۶) و «ایشانیم هفتم» (کتاب اول

پادشاهان) و (پول هشتم) می باشد (کتاب اول پادشاهان ۶: ۳۸) و بغیر از اینها، در اسفاری که قبل از اسیری تألیف گشته، اسم ماه یافت نمی شود.

اما سال عبارت از ۱۲ ماه قمری که با اول نیسان شروع می نمود و چون ماه دوازدهم گاهی قبل از اعتدال شب و روز به اتمام می رسید و باعث تأخیر نوبر جو و گندم و سایر تقدّمات در اوقات خودشان می بود لهذا ماه سیزدهمی نیز قرار دارند. و یهودیان متأخرین را دو اول سال بود زیرا که ماه هفتم مدنی اول سال مقدس بود و سال های هفتم و یوبیل نیز در ماه هفتم شروع می نمود لکن فصول ایشان بطور حالیه ترتیب نیافته بود و در کتاب مقدس بجز تابستان و زمستان و زرع و درو که تقسیمات طبیعی می باشد، چیز دیگر مسموع نیست.....

و زمان کتاب مقدس از این سه قسم خارج نیست یا طولانی یا کوتاه یا حاخامی می باشد و از قراری است که در جدول ذیل مذکور است. (جدول شماره ۸) «.

(صفحات ۴۴۶ تا ۴۴۸)

کتاب دانیال نبی حاکی است که شاهزادگان یهود در بابل، تحت تعلیم و تربیت مخصوص قرار گرفته و به آنان زبان و علوم بابلی می آموخته اند:

«در سال سوم سلطنت یهود یا قیم پادشاه یهودا، نبوکد نصر پادشاه بابل به اورشلیم آمده آن را محاصره نمود. و خداوند یهود یا قیم پادشاه یهودا را با بعضی از ظروف خانه خدا بدست او تسلیم نمود و او آنها را بزمین شعاربه خانه خدای آورد و ظروف را بیت المال خدای خویش گذاشت. و پادشاه اشفناز رئیس خواجه سرایان خویش را امر فرمود که بعضی از بنی اسرائیل و از اولاد پادشاهان و از شرفاء را بیاورد. جوانانی که هیچ عیبی نداشته باشند و نیکو منظر و در هر گونه حکمت ماهر و به علم دانا و به فنون فهیم باشند که قابلیت برای ایستادن در قصر پادشاه داشته باشند و علم و زبان کلدانیان را به ایشان تعلیم دهند.» (۱: ۴)

و هنوز اثرات تعلیم و تربیت بابلی در کلیه مراتب مذهبی و فرهنگی یهود آشکار است ولی آنچه مورد بحث این بخش است، سال های تاریخی - نجومی زیر است که به صورت سال های تاریخی یهود در آمده اند (جدول شماره ۹):

- اورمزدگان سال ۱۷۲۵ ق.م / ارسد یا تاریخ پیدایش فریدون: منتسب به میلاد

تواریخ و ازمئه یهود

ردیف شرح وقایع	هیلز ق.م	پول ق.م	پلمر	اشیر
۱ پیدایش	۵۴۱۱ یا	۵۳۶۱ یا ۵۳۶۲	۵۳۶۲	۴۰۰۴
	۵۴۲۱	۵۴۲۱		
۲ طوفان	۳۱۵۵	۳۱۰۰ یا ۳۱۰۰	۳۱۰۰	۲۳۴۸
		۳۱۶۰		
۳ کوچ کردن ابرام از حادان	۲۰۷۸	۲۰۸۲	۲۰۸۴	۱۹۲۱
۴ خروج	۱۶۴۸	۱۶۵۲	۱۶۵۴	۱۴۹۱
۵ بنای هیکل سلیمان	۱۰۲۷	۱۰۱۰	۱۰۱۴	۱۰۱۲
۶ انهدام هیکل سلیمان	۵۸۶	۵۸۶	۵۸۷	۵۸۷

(جدول شماره ۸)

حضرت ابراهیم.

- فروردین گان سال ۱۶۵۰ ق.م / ۷۶ رصد: منتسب به سال خروج حضرت ابراهیم از حران.

به نوشته سفر پیدایش: «... و ابرام هفتاد و پنج ساله بود، هنگامی از حران بیرون آمد.» (۴: ۱۲)

- هزاره گرد اردیبهشت گان یا سال ۵۹۴ ق.م / ۱۱۳۲ رصد: انقراض دولت یهود (بخش های پایانی کتاب های دوم پادشاهان و تواریخ ایام)

- خرداد گان سال ۱۴۴۲ ق.م / ۲۸۴ رصد یا آغاز شهریاری منوچهر: از نظر گاه مورخین نصرانی بعنوان خروج قوم یهود از مصر در خرداد گان سال ۲۸۴ رصد انجام گرفته و در سال ۱۷۲۴ رصد (= ۱۴۴۰ + ۲۸۴) عیسای ناصری (ع) متولد شده است.
- تیر گان سال ۱۳۱۴ ق.م رصد: منتسب به سال خروج قوم یهود از مصر از نظر گاه مورخین آن قوم.

- هزاره گرد تیر گان در سال ۳۱۴ ق.م / ۱۴۱۲ رصد به عنوان مبداء تاریخ سلوکی گزیده شده.

- آغاز شهریاری کیخسرو در اورمزد گان سال ۱۰۰۵ ق.م / ۷۲۱ رصد: منتسب به تاریخ بنای معبد یهود.

به نوشته قاموس کتاب مقدس: «بنای هیکل سلیمان در سال ۱۰۰۵ قبل از مسیح انجام یافت.»

(صفحه ۹۳۱)

- آذر گان سال ۷۳۰ ق.م / ۹۶۶ رصد: منتسب به سال انقراض دولت اسرائیل.

- دی گان سال ۵۸۶ ق.م / ۱۱۴۰ رصد: منتسب به سال انهدام معبد یهود.

به منظور قدمت بخشیدن به تاریخ یهود، تغییرات زیر در مبداء سال شماری آن قوم داده شده:

- تاریخ توفان را ۱۴۴۰ سال پیش از میلاد حضرت ابراهیم دانسته اند.

- مبداء آفرینش شیث را در ۶۰۰ سال پیش از تاریخ توفان قرار داده اند و در

نتیجه تاریخ اصلاح گاه شماری توسط زرتشت، در سال:

سال شماری یهود

تولد شیث یا تاریخ پیدایش

شماره شرح وقایع	تاریخ رصد	توفان	یکمین	دومین	سومین	ردیف
	بخت‌نرسی فریدون	نوح	مرحله	مرحله	مرحله	
۱	-	-	۱			تولد نوح
۲	-	۰	۶۰۱	۵۹۸	۵۹۶	توفان جم-توفان نوح
۳	۱	۱۴۴۱	۲۰۴۱	۲۰۳۸	۲۰۳۶	پیدایش فریدون-تولد حضرت ابراهیم
۴	-					فروردین گان-خروج حضرت
	۷۶	۱۵۱۶	۲۱۱۶	۲۱۱۳	۲۱۱۱	ابراهیم از حران
۵	۴۱۲	۱۸۵۲	۲۴۵۲	۲۴۴۹	۲۴۴۷	تیرگان-خروج قوم یهود از مصر
۶	-					خردادگان-تاریخ
	۴۱۵	۱۸۵۵	۲۴۵۵	۲۴۵۲	۲۴۵۰	جایجا شده از تاریخ دیرینه ایران
۷	-	۷۲۱	۲۱۶۱	۲۷۵۸	۲۷۵۶	اورمزدگان
۸	-					آغاز سلطنت کیخسرو-بنای
	۷۲۶	۲۱۶۶	۲۷۶۶	۲۷۶۳	۲۷۶۱	هیکل سلیمان
۹	۱	۹۶۱	۳۰۰۱	۲۹۹۸	۲۹۹۶	اصلاح گاه شماری کیانیان
۱۰	۴	۹۶۴	۳۰۰۴	۳۰۰۱	۲۹۹۹	درگذشت زرتشت
۱۱	۶	۹۶۶	۳۰۰۶	۳۰۰۳	۳۰۰۱	درگذشت زرتشت از نظر گاه تاریخ یهود
۱۲	۱۷۲	۱۱۳۲	۳۱۷۲	۳۱۶۹	۳۱۶۷	اسارت صدقیا پادشاه یهودا
۱۳	۱۸۰	۱۱۴۰	۳۱۸۰	۳۱۷۷	۳۱۷۵	دی گان - انهدام معبد یهود
۱۴	-					انقراض سلسله سلاطین کیانی
	۲۲۸	۱۱۸۸	۲۶۲۸	۳۲۲۸	۳۲۲۳	و کلدانی
۱۵	۴۱۰	۱۳۷۰	۲۸۱۰	۳۴۱۰	۳۴۰۵	تولد اسکندر مقدونی
۱۶	۴۴۱	۱۴۰۱	۲۸۴۱	۳۴۴۱	۳۴۳۶	درگذشت اسکندر مقدونی

۳۴۳۸	۳۴۴۰	۳۴۴۳	۲۸۴۳	۱۴۰۳	۴۴۳	۱۷ تاریخ جابجا شده مبداء اسکندری
۳۴۳۹	۳۴۴۱	۳۴۴۴	۲۸۴۴	۱۴۰۴	۴۴۴	- تاریخ فیلفوس
						۱۸ تشکیل دولت اشکانی
۳۴۴۷	۳۴۴۹	۳۴۵۲	۲۸۵۲	۱۴۱۲	۴۵۲	۱۹ هزاره گرد تیرگان- هزاره گرد
						سال خروج قوم یهود از مصر
۳۴۴۹	۳۴۵۱	۳۴۵۴	۲۸۵۴	۱۴۱۴	۴۵۴	۲۰ تاریخ جابجا شده مرگ اسکندر
						- مبداء تاریخ سلوکی (۳۱۲ ق.م)
						۲۱ هزاره گرد تاریخ جابجا شده
						خردادگان- مبداء تاریخ سلوکی
۳۴۵۰	۳۴۵۲	۳۴۵۵	۲۸۵۵	۱۴۱۵	۴۵۵	(۳۱۱ ق.م)
۳۴۷۶	۳۴۷۸	۳۴۸۱	۲۸۸۱	۱۴۴۱	۴۸۱	۲۲ تولد مهر اشکانی
۳۵۰۳	۳۵۰۵	۳۵۰۸	۲۹۰۸	۱۴۶۸	۵۰۸	۲۳ بعثت مهر اشکانی- مبداء تاریخ پیمان
						۲۴ خردادگان در دومین دور
۳۷۵۹	۳۷۶۱	۳۷۶۴	۳۱۶۴	۱۷۲۴	۷۶۴	بزرگ ۱۴۴۰ سالی
۳۷۶۱	۳۷۶۳	۳۷۶۶	۳۱۶۶	۱۷۲۶	۷۶۶	۲۵ مبداء تاریخ میلادی

(جدول شماره ۹)

۷۶۵ ق.م / ۳۰۰۱ (= ۶۰۰ + ۱۴۴۰ + ۹۶۱) از تاریخ شیت جای گرفته است.
 سال شماری یهود در دونوبت زیر تغییر یافته (جدول شماره ۹) و همگام با این تغییرات، سال‌های اقتباس شده از تاریخ - نجوم ایران نیز تغییر یافته‌اند:
 نوبت یکم: از سال‌های تاریخی یهود ۳ سال کسر شده و در نتیجه سال ۳۰۰۱ شیت در برابر سال ۷۶۲ ق.م / ۹۶۴ رصد قرار گرفته است و همانطور که از پیش می‌دانیم، این تاریخ برابر با سال در گذشت زرتشت می‌باشد.

- در تاریخ «الرسال و الملوک» طبری، مدت سلطنت کیخسرو شصت سال آمده (صفحه ۷۵) و این امر مستلزم آنست که آغاز سلطنت کیخسرو در سال ۱۰۰۲ ق.م / ۷۲۴ رصد انتخاب شود. زیرا پایان سلطنت آن شهریار، بطور مشخص، در مهرگان سال ۹۴۲ ق.م / ۷۸۴ رصد، می‌باشد.

چنانچه پایان بنای هیکل همزمان با آغاز سلطنت کیخسرو در سال ۷۲۴ رصد گرفته شود، ۳ سال با تاریخ اولیه آن تفاوت پیدا می‌کند و این ۳ سال اختلاف مربوط به ۳ سال تغییر است که در تاریخ یهود داده شده.

در آغاز، تاریخ ۱۷۲۴ رصد را به عنوان میلاد عیسای ناصری (ع) گزیده‌اند در این سال مقارن با هزاره گرد بنای هیکل سلیمان در سال ۷۲۴ رصد می‌باشد.
 - در اثر ۳ سال تغییر در مبداء تاریخ یهود، مبداء تاریخ سلوکی - یا هزاره گرد - خروج قوم یهود از مصر - از سال ۳۱۴ ق.م / ۱۴۱۲ رصد به سال ۳۱۱ ق.م / ۱۴۱۵ رصد تبدیل یافته است

نوبت دوم - از مبداء تاریخ یهود ۲ سال دیگر کسر شده و در نتیجه سال ۳۰۰۱ تاریخ شیت در برابر سال ۷۶۰ ق.م / ۹۶۶ رصد قرار گرفته است و چنانچه در تاریخ زرتشت نیز دیده شد، تاریخ در گذشت آن حضرت از سال ۷۶۲ ق.م / ۹۶۴ رصد، به سال ۷۶۰ ق.م / ۹۶۶ رصد، تحریف شده که با ۲ سال تغییر اخیر در سال شماری یهود مرتبط است.

سال‌ها و تواریخی که در سفر پیدایش آمده، بر اساس نظرات مورخین نصرانی تنظیم یافته‌اند که ممکن است تمامی یا قسمت‌هایی از آن کتاب با تواریخ و معتقدات دین یهود مغایرت داشته باشد مثلاً به استناد مندرجات سفر پیدایش تورات نصرانی، توفان در سال ۱۶۵۶ آفرینش روی داده است ولی سال شماری یهود حکایت می‌کند

که این رویداد بزرگ جهانی، در سال ۵۹۶ از تولد شیث یا در سال ۷۲۶ (= ۱۳۰+۵۹۶) از تاریخ آفرینش اتفاق افتاده است.

جداول ۶ و ۱۰ نشان می‌دهند که آغاز آفرینش، در سال شماری نصرانی، ۳۸۹۱ سال پیش از میلاد، و تاریخ شیث در سال شماری یهود، ۳۷۶۱ سال پیش از میلاد منظور شده که تفاوت آنها بالغ بر ۱۳۰ سال می‌باشد، مورخین نصرانی جهت مطابقت دادن دوسال شماری فوق، یک دور ۱۳۰ سالی قائل شده‌اند که دوران پیدایش آدم تا تولد شیث را در تاریخ یهود و دوران پیدایش کیومرث تا پایان میشی و میشانه را در تاریخ دیرینه ایران، تشکیل می‌دهد.

اکنون مورخین یهود به جای تاریخ شیث، اصطلاح تاریخ آفرینش بکار می‌برند. در روایت سوم از جدول شماره ۵، پایان جم یا تاریخ توفان در سال ۷۲۶ از مبداء آفرینش روی داده که مطابق با سال شماری یهود است. اساس سال شماری این روایت بر ادوار هزاره‌ای به شرح زیر، تنظیم شده است:

۱	مبداء آفرینش
۷۲۶	پایان جم یا تاریخ توفان
۱۷۲۶	پایان ضحاک در هزاره گرد توفان
۲۷۲۶	پایان کیخسرو یا سال مهرگان در هزاره گرد ضحاک
۳۱۳۴	پایان سلسله کیانی

در روایت سوم تاریخ انقراض سلسله کیانی، از لحاظ قدر مطلق ۲۲۰ سال کمتر از روایت دوم است. پایان سلسله کیانی در سال ۵۳۸ قبل از میلاد اتفاق افتاده است، ۲۲۰ سال پس از تاریخ فوق به سال مرگ اسکندر در تاریخ، تحریف شده‌ای می‌رسیم. به روشنی مشخص نیست که بیگانگان از این حساب سازی چه نتایجی بدست آورده‌اند.

ج - سال شماری های نصرانی

ساختار صورت اولیه سال شماری نصرانی، شباهت تام به تاریخ دیرینه ی ایران دارد با این تفاوت که اساس نخستین سال شماری نصرانی را بر پایه تاریخ ظهور زرتشت در سال ۷۹۶ ق.م / ۹۳۰ رصد، قرار داده اند، (جدول شماره ۵ - روایت دوم)، و در نتیجه تواریخ این سال شماری در اساس، ۱۳ سال با تاریخ دیرینه ی ایران تفاوت پیدا کرده است.

مبادی تاریخی زیر، نخستین پایه های اصلی تاریخ نصرانی را تشکیل می دهند:

مردم آغاز خلقت، از آدم یا کیومرث تا هوشنگ ۲۱۶ سال:

کشته شدن جمشید یا توفان نوح در سال: ۱۶۵۶ (= ۲۱۶ + ۱۴۴۰) آفرینش

ظهور زرتشت در سال: ۷۹۶ ق.م / ۹۳۰ رصد / ۳۰۹۶ (= ۱۶۵۶ + ۱۴۴۰) آفرینش

شاخه ی دیگر سال شماری نصرانی از رصد فریدون یا میلاد حضرت ابراهیم در

سال ۲۱۶۷ آفرینش / ۱۷۲۵ ق.م / ۱ رصد آغاز می شود (جدول شماره ۱۰).

در این شاخه از سال شماری، خردادگان سال:

۱۴۴۲ ق.م / ۲۴۵۰ آفرینش / ۲۸۴ رصد - یا آغاز شهریاری منوچهر - تاریخ خروج

قوم یهود از مصر، از نظر گاه مورخین نصرانی، می باشد.

در صفحه ۱۰۹ کتاب آثارالباقیه، جدولی از تاریخ یهود نقل شده، عنوان ستون

سمت چپ این جدول: «مجموع سال های تاریخ بنا به گفته یهود» است، در بین

سال شماری نصرانی یا «تاریخ‌های جابجا شده»

شماره شرح وقایع	سال	توفان	تاریخ	تاریخ آفریش
ردیف	رصد	نوح	هوشنگ	
۱	پیدایش کیومرث یا آدم	-	-	۱
۲	تا هوشنگ	-	-	۲۱۶
				(۲۱۱)
۳	پیدایش هوشنگ	-	-	۲۱۷
۴	تولد نوح	-	-	۱۰۶۵
۵	تولد سام	-	-	۱۵۵۶
۶	توفان نوح	-	-	۱۶۵۶
۷	پیدایش ضحاک - تولد			
	ارفکشاد پسر سام و جد عابر	۱	-	۱۶۵۷
۸	تولد عابر	۶۷	-	۱۷۲۳
۹	تولد حضرت ابراهیم (تاریخ جابجا شده از تاریخ هوشنگ)	۲۹۵	-	۱۹۵۱
۱۰	پایان ضحاک	۵۱۰	-	۲۱۶۶
۱۱	اورمزدگان - پیدایش فریدون	۵۱۱	۱	۲۱۶۷
	تولد حضرت ابراهیم	۵۱۱	۱	۲۱۶۷
۱۲	فروردین‌گان - خروج حضرت			
	ابراهیم از حران	۵۸۶	۷۶	۲۲۴۲
۱۳	اردیبهشت‌گان	۶۴۲	۱۳۲	۲۲۹۸
۱۴	تاریخ جابجا شده تیرگان از			
	تاریخ یهود - خروج قوم یهود از مصر	۷۹۱	۲۸۱	۲۴۴۷
۱۵	خردادگان	۷۹۴	۲۸۴	۲۴۵۰
۱۶	آغاز حکومت منوچهر در ادوار			
	هزاره‌ای از سال شماری نصرانی	-	-	۲۴۹۹

۱۷	خروج قوم یهود از مصر در	-	-	-	۲۵۵۸
۱۸	تیرگان - خروج قوم یهود از مصر	۴۱۲	۹۲۲	۲۳۶۲	۲۵۷۸
۱۹	جابجایی تاریخ تیرگان در	-	-	-	۲۵۹۱
۲۰	ادوار هزاره ای	-	-	-	۲۵۹۱
	آغاز سلطنت کیقباد در	-	-	-	۲۵۹۱
	ادوار هزاره ای	۴۶۸	۹۷۸	۲۴۱۸	۲۶۳۴
۲۱	امردادگان آغاز سلطنت کیقباد	۵۰۸	۱۰۱۸	۲۴۵۸	۲۶۷۴
۲۲	شهریورگان - آغاز	-	-	-	-
	سلطنت کیکاووس	۶۱۶	۱۱۲۶	۲۵۶۶	۲۷۸۲
۲۳	اورمزدگان - آغاز	-	-	-	-
	شهریاری کیخسرو	۷۲۱	۱۲۳۱	۲۶۷۱	۲۸۸۷
۲۴	بنای هیکل سلیمان	۷۲۶	۱۲۳۶	۲۶۷۶	۲۸۹۲
۲۵	مهرگان - آغاز سلطنت لهراسب	۷۸۴	۱۲۹۴	۲۷۳۴	۲۹۵۰
۲۶	آبانگان - تولید یا احیاناً	-	-	-	-
	آغاز سلطنت گشتاب	۸۸۰	۱۳۹۰	۲۸۳۰	۳۰۴۶
۲۷	آغاز سلطنت گشتاب	۹۰۰	۱۴۱۰	۲۸۵۰	۳۰۶۶
۲۸	بعثت زرتشت	۹۱۸	۱۴۲۸	۲۸۶۸	۳۰۸۴
۲۹	ظهور زرتشت - مبداء	-	-	-	-
	تاریخ نصرانی	۹۳۰	۱۴۴۰	۲۸۸۰	۳۰۹۶
۳۰	اصلاح گاه شماری کیانیان	-	-	-	-
	- مبداء تاریخ بخت نرسی	۹۶۱	۱۴۷۱	۲۹۱۱	۳۱۲۷
۳۱	در گذشت زرتشت	۹۶۴	۱۴۷۴	۲۹۱۴	۳۱۳۰
۳۲	در گذشت زرتشت از	-	-	-	-
	نظر گاه تاریخ یهود	۹۶۶	۱۴۷۶	۲۹۱۶	۳۱۳۲
۳۳	تاریخ بختصری (تاریخ جابجاشده	-	-	-	-
	از تاریخ دیرینه ایران)	۹۷۹	۱۴۸۹	۲۹۲۹	۳۱۴۵
۳۴	تاریخ جابجاشده آذرگان از	-	-	-	-
	تارخ دیرینه ی ایران	-	-	-	-

۳۱۷۵	۲۹۵۹	۱۵۱۹	۱۰۰۹	انقراض دولت اسرائیل	
				۳۵ اسیر شدن صدقیا، پادشاه	
۳۲۹۸	۳۰۸۲	۱۶۴۲	۱۱۳۲	یهود بدست نبوکد نصر	
				۳۶ دی گان - تاریخ انهدام	
				هیکل سلیمان از نظر گاه	
۳۳۰۶	۳۰۹۰	۱۶۵۰	۱۱۴۰	مورخین نصرانی	
				۳۷ انقراض سلسله سلاطین	
۳۳۵۴	۳۱۳۸	۱۶۹۸	۱۱۸۸	کلدانی و کیانی	
				۳۸ هزاره گرد تاریخ جابجا شده	
				تیرگان - اعاده قوم یهود	
۳۴۴۷	۳۲۳۱	۱۷۹۱	۱۲۸۱	به اورشلیم در زمان نحیمیا	
				۳۹ هزاره گرد آغاز حکومت	
				منوچهر در ادوار هزاره ای	
				تجدید بنای مسجد یهود در	
۳۴۹۷	۳۲۸۱	۱۸۴۱	۱۳۳۱	زمان عزرا و نحیمیا	
۳۵۳۶	۳۳۲۰	۱۸۸۰	۱۳۷۰	۴۰ تولد اسکندر مقدونی	
				۴۱ هزاره گرد سال خروج قوم	
				یهود از مصر در ادوار هزاره ای -	
				سال کشته شدن فیلیپ -	
۳۵۵۶	۳۳۴۰	۱۹۰۰	۱۳۹۰	آغاز سلطنت اسکندر مقدونی	
۳۵۶۷	۳۳۵۱	۱۹۱۱	۱۴۰۱	۴۲ در گذشت اسکندر مقدونی	
۳۵۶۹	۳۳۵۳	۱۹۱۳	۱۴۰۳	۴۳ جابجایی تاریخ اسکندری	
				۴۴ مبداء تاریخ اشکانی	
۳۵۷۰	۳۳۵۴	۱۹۱۴	۱۴۰۴	۴۵ هزاره گرد تاریخ تیرگان -	
۳۵۷۸	۳۳۶۲	۱۹۲۲	۱۴۱۲	خروج قوم یهود از مصر	
				۴۶ تاریخ جابجا شده مرگ	
				اسکندر - مبداء تاریخ سلوکی	
۳۵۸۰	۳۳۶۴	۱۹۲۴	۱۴۱۴	(۳۱۲ ق.م)	

۳۶۰۷	۳۳۹۱	۱۹۵۱	۱۴۴۱	۴۷	ميلاد مہراشکانی
				۴۸	تاریخ جا بجا شدہ میلاد مہر
۳۶۲۰	۳۴۰۴	۱۹۶۴	۱۴۵۴		اشکانی
				۴۹	بعثت مہراشکانی۔
۳۶۳۴	۳۴۱۸	۱۹۷۸	۱۴۶۸		مبداء تاریخ پیمان
				۵۰	ہزارہ گرد تاریخ امردادگان
۳۶۷۴	۳۴۵۸	۲۰۱۸	۱۵۰۸		درگذشت مہراشکانی
				۵۱	خردادگان در دومین دوربزرگ
۳۸۹۰	۳۶۷۴	۲۲۳۴	۱۷۲۴		۱۴۴۰ سالی
۳۸۹۲	۳۶۷۶	۲۲۳۶	۱۷۲۶	۵۲	مبداء تاریخ میلادی

* سال صفر نسبت به تواریخ قبل از میلاد و سال یکم نسبت به تواریخ بعد از میلاد

(جدول شماره ۱۰)

تواریخ آمده در این ستون، سال‌هایی وجود دارد که از لحاظ میزان اهمیت، در تاریخ نصرانی، جزء مبادی تاریخی درجه دوم محسوب می‌شوند، و از آن جمله‌اند:

- تولد شیث ۱۳۰ آفرینش

این تاریخ جهت مرتبط ساختن سال شماری‌های یهود و نصرانی وضع شده است.

- تولد سام، جد اقوام سامی ۱۵۵۶ آفرینش

آغاز سلطنت اسکندر در دومین هزاره گرد این تاریخ قرار گرفته

- توفان نوح ۱۶۵۶ آفرینش

عدد این تاریخ برابر با سال توفان جم در تاریخ دیرینه‌ی ایران است.

- تولد عابر ۱۷۲۳ آفرینش

از نظر گاه مورخین نصرانی، نحمیا در سال ۴۴۶ ق.م / ۳۴۴۶ آفرینش اقدام به تجدید بنای معبد یهود می‌کند (کتاب نحمیا ۲: ۱)، مورخین فوق، تاریخ تولد عابر را در حد وسط تاریخ آفرینش تا تجدید بنای معبد یهود قرار داده‌اند (۱۷۲۳×۲=۳۴۴۶).

میان سال‌های تاریخ انقراض سلسله کیانی و تشکیل سلسله اشکانی ۲۱۶ سال (= ۳۲۲ ق.م - ۳۵۸ ق.م) است. مورخین نصرانی، میان سال‌های فوق را به نام «مردمان آغاز خلقت» به پیش از تاریخ پیدایش هوشنگ افزوده‌اند، و با این ترفند، تاریخ انقراض سلسله کیانیان، از لحاظ عدد، مقارن با سر آغاز تاریخ اشکانیان قرار گرفته و تاریخ سلسله هخامنشی به گونه‌ای نامشخص در آمده است (جدول شماره ۱۰). این شگرد آنچنان دقیق و زیرکانه انجام گرفته که نظر هیچیک از مورخین تیز بین، بدان جلب نشده چنانچه اکثر قریب به اتفاق مورخین صاحب نظر، انقراض سلسله کیانیان را به اسکندر نسبت داده و می‌دهند، بطور مثال، در نوشته زیر از کتاب آثارالباقیه: «ایرانیان و مجوس، عمر جهان را بنابر بروج دوازده گانه، دوازده هزار سال دانسته‌اند و زردشت مؤسس دین ایرانیان چنین پنداشته که پیدایش عالم تا زمان ظهور او سه هزار سال است که مکیوس به چهار یک‌هاست زیرا خود او سال‌ها را حساب کرده و نقصانی را که از جهت چهاریک‌ها لازم می‌آید تصحیح کرده و فاصله‌ی ظهور او تا آغاز تاریخ اسکندر ۲۵۸ سال است پس آنچه از آغاز جهان تا زمان اسکندر

گذشته، ۳۲۵۸ سال می باشد ولی چون از آغاز پادشاهی کیومرث - که به عقیده ی ایرانیان نخستین کسی است که تمدن را به ایرانیان آموخت - تا زمان اسکندر مدت پادشاهی هر یک از شاهان را با توجه به اینکه سلطنت ایران از دودمان او هیچگاه منقطع نگشته، حساب کنیم، سه هزار و سیصد و پنجاه و چهار سال خواهد شد. از این رو تفصیل این واقعه با آنچه مجملاً گفتیم تطبیق نمی نماید.»

(صفحه ۲۰)

تاریخ ۳۳۵۴ آمده در روایت فوق، همان تاریخ انقراض سلسله کیانیان - در دوران زمامداری کورش است - که آن را به تاریخ اسکندری پیوند زده اند. شگرد دیگر آنکه مبنای هزاره ای زیر را جایگزین ادوار نجومی ۱۲۰ سالی کرده اند تا سال های تاریخی - نجومی ایران نامشخص شوند:

کشته شدن جمشید یا تاریخ توفان ۲۸۹۳ ق.م / ۹۹۹ آفرینش

آغاز سلطنت فریدون یا آغاز سلطنت منوچهر ۱۸۹۳ ق.م / ۱۹۹۹ آفرینش

پایان سلطنت فریدون یا آغاز سلطنت منوچهر ۱۳۹۳ ق.م / ۲۴۹۹ آفرینش

در سال های تاریخی - نجومی، میان سال های تولد حضرت ابراهیم (تاریخ رصد) و سال خروج قوم یهود از مصر (آغاز شهریار منوچهر) ۲۸۷ سال (= ۲۸۸-۱) است ولی در ادوار هزاره ای، این مدت به ۵۰۰ سال (= ۱۹۹۹-۲۴۹۹) تغییر پیدا کرده است.

در کتاب آثار الباقیه، تفاوت زمانی فوق به گونه زیر ارزیابی شده: «هر کس در این سال ها (جدول صفحه ۱۰۹) تا ولادت ابراهیم تأمل کند، خواهد دید که تا چه اندازه میان قوم یهود و نصاری خلاف است. اما نسخه ای که در نزد یهود است اگر چه بر مقادیر عمر ابراهیم و اسحاق و یعقوب و لاوی وقاها و موسی مشتمل است ولی معلوم نمی کند که چه اندازه از عمر هر یک از ایشان گذشته بود تا اولادی از ایشان متولد شد، فقط تورات ناطق است که از ابراهیم اسحاق متولد شد و صد سال در آن وقت از عمر ابراهیم گذشته بود و پنجاه و هفت سال پس از تولد اسحاق ابراهیم زیست کرد، و شصت سال که از عمر اسحاق گذشت، یعقوب از او متولد شد و یعقوب که با فرزندان خویش وارد مصر شد صد و سی سال از عمر او گذشته بود و هفده سال هم در

مصر زیست کرده پس به گفته ی یهود، مدت اقامت بنی اسرائیل در حدود دویست و ده سال بود و باز مطابق قول یهود، فاصله از ولادت ابراهیم تا ولادت موسی، چهارصد و بیست سال بوده^۱ و موسی وقتی که هشتاد سال از عمرش گذشت یهود را از مصر بیرون آورد، ولی آنچه از سفر ثانی تورات استنباط می شود آن است که آنچه بنی اسرائیل در مصر ماندند، چهارصد و سی سال^۲ بود و اگر از بنی اسرائیل علت این اختلاف را بپرسیم می گویند که مبداء این تاریخ از روزی شروع می شود که خدا با ابراهیم میثاق بست و به او وعده داد که او را برای شعوبی بسیار پدر خواهد گردانید و زمین کنعان را به پسران او خواهد بخشید. پس از این اختلاف، اختلافاتی دیگر در سال ها از جهت نسخه های سه گانه تورات موجود و به جای خود محفوظ است.

..... آری در قومی چون بنی اسرائیل که چندین مرتبه در ایشان قتل واقع شده و به اسارت برده شده اند دور نیست که چنین اختلافات روی دهد. و بهتر این است که این بحث ها را کنار بگذارند و به کاری دیگر مشغول شوند تا آنکه بامداد رستاخیز رسد.»

(صفحات ۱۰۸ و ۱۱۴)

مسببن بروز اختلالات تاریخی فوق در خلال نوشته های زیر شناخته می شوند:

«با ظهور مسیحیت تغییرات زیادی در بلاد تحت سلطه ی روم به وقوع پیوست. نویسندگان مسیحی مشتاق بودند قدمت تواریخ مذکور در کتاب مقدس خود را که از تاریخ روم و یونان فراتر می رفت به رخ بکشند و نمایش دهند. این نویسندگان، در بسیاری از اوقات، تاریخ سرزمین خود را از زمان تولد حضرت ابراهیم محاسبه و شمارش می کردند.

یکی از مورخین اولیه ی عصر مسیحیت و کلیسای مسیح به نام «اوزیوس» که به استفاده از منابع تاریخی انجیل و نادیده گرفتن سنت های رومی مشهور است، میلاد حضرت ابراهیم را ۱۲۶۳ سال قبل از تأسیس امپراطوری روم ذکر کرده است. بر این مبنا، تولد حضرت ابراهیم ۲۰۱۶ سال قبل از میلاد مسیح تعیین شده است. بنابراین،

۱ - ۴۲۰=۱۹۹۹- (۸۰-۲۴۹۹)

۲ - «و توقف بنی اسرائیل که در مصر بودند، چهارصد و سی سال بود.» (۴۰:۱۲)

تاریخ سقوط امپراطوری روم که در سال ۴۷۶ میلادی ثبت شده است، در سلسله‌ی تاریخی عصر ابراهیم به سال ۲۴۹۲ آن برمی‌گردد.»

(کتاب گردش زمان صفحات ۱۵۳ و ۱۵۴)

مورخین نصرانی به گونه زیر، قدمت تاریخ یهود را به نمایش گذارده‌اند:

۱ - تاریخ حضرت ابراهیم

- در پیش دیده شد که در آغاز، میلاد حضرت ابراهیم برابر با فروردین گان سال ۱۷۲۵ ق.م / ۲۱۶۷ آفرینش / ۱۹۵۱ هوشنگ منظور شده بود. مورخین نصرانی با تجاهل عدد ۱۹۵۱ را از تاریخ هوشنگ جابجا کرده و آن را در تاریخ آفرینش قرارداده‌اند و در نتیجه میلاد حضرت ابراهیم تا سال ۱۹۴۱ ق.م / ۱۹۵۱ آفرینش به عقب کشیده شده (جدول شماره ۱۰).

- در دومین اشتباه مورخین نصرانی، سال میلاد حضرت ابراهیم با سال خروج آن حضرت از حران مشتبه شده و در اثر این اشتباه عمدی، تاریخ میلاد آن حضرت به سال ۲۰۱۶ ق.م / ۱۸۷۶ آفرینش (= ۱۹۵۱-۷۵)^۱ تغییر پیدا کرده است.

- در سال شماری یهود دیدیم که از تاریخ یهود، در مرحله یکم، ۳ سال کسر شده و این امر موجب گردید تا میلاد حضرت ابراهیم مقارن با سال ۱۹۴۲ ق.م / ۱۹۴۸ آفرینش قرار گیرد، چنانچه در جدول صفحه ۱۰۹ کتاب آثارالباقیه نیز میلاد حضرت ابراهیم برابر با سال ۱۹۴۸ نسبت به تاریخ آدم ابوالبشر دانسته شده است.

- از تاریخ یهود، در مرحله دوم، ۲ سال دیگر کسر شده و در نتیجه ولادت حضرت ابراهیم در حد میانه تاریخ آفرینش تا میلاد عیسای ناصری (ع) قرار گرفته است:

۱۹۴۶ ق.م / ۱۹۴۶ آفرینش = ۲ - ۱۹۴۸

۲ - تاریخ توفان

در پیش دیده شد که سال کشته شده جمشید یا تاریخ توفان نوح در سال ۱۶۵۶

۱ - و ابرام هفتاد و پنج ساله بود هنگامی که از حران بیرون آمد.» (سفر پیدایش ۱۲:

از تاریخ آفرینش روی داده است.

در تاریخ اشیر از جدول شماره ۸، تاریخ طوفان در برابر سال ۱۶۵۶ آفرینش (= ۲۳۴۸ - ۴۰۰۴) قرار گفته ولی در تواریخ هیلز، پول و پلمر، تاریخ آفرینش ۶۰۰ سال نسبت به تاریخ طوفان به عقب کشیده شده، پیداست که مورخین نصرانی سال ۱۶۵۶ آفرینش را به تاریخ میلاد نوح نسبت داده و تاریخ طوفان را مقارن با سال ۲۲۵۶ آفرینش (= ۳۱۵۵ - ۵۴۱۱) قرار داده اند.^۱

در سال شماری یهود، موضوعاتی درباره تاریخ یهود از «قاموس کتاب مقدس» نقل شد و در پایان آن مبحث، جدولی از تاریخ یهود ارائه گردید (جدول شماره ۸). قاموس کتاب مقدس را «مستر ها کس» آمریکائی ترجمه و تألیف کرده و در سنه ۱۹۲۸ میلادی آن را در مطبعه آمریکایی بیروت به طبع رسانیده است. مبداءهای تاریخی که در جدول آن کتاب آمد. نسبت به مبادی تاریخی پیشین، از دیرینگی بیشتری برخوردار است. در آن جدول، چهار گروه تاریخ نقل شده که اساس ۳ گروه از آن تواریخ در واقع یکی است و در آنها فقط چند سال اضافه و کسر اعمال شده تا حجتی بر استحکام و درستی در امر محاسبات باشد. استنتاجی که از این پس انجام می گیرد مربوط به تواریخ هیلز، پول و پلمر است که هر ۳ تاریخ یادشده، بر حول محور زیر گردش می نمایند:

- در تواریخ فوق، سال خروج قوم یهود از مصر در فروردین گان سال: ۱۶۵۰ ق.م/۷۶۱۷۶، قرار داده شده در حالی که در تاریخ های پیشین، تاریخ فروردین گان به سال خروج حضرت ابراهیم از حران اختصاص یافته بود.

- سال خروج حضرت ابراهیم از حران در سال ۲۰۸۰ ق.م = ۴۳۰ + ۱۶۵۰ ق.م قرار داده شده چون: «و توقف بنی اسرائیل که در مصر بودند چهار صدوسی سال بود. سفر خروج ۴۰:۱۲»

- تولد حضرت ابراهیم برابر با سال ۲۱۵۵ ق.م = ۷۵ + ۲۰۸۰

۱ - و نوح ششصد ساله بود چون طوفان آب بر زمین آمد. (سفر پیدایش ۶:۷)

می باشد چون: «... و ابراهیم هفتاد و پنج ساله بود هنگامی که از حران بیرون آمد .
سفر پیدایش ۱۲: ۴»

- توفان:

برطبق روایت یکم در سال $۲۱۵۵ + ۱۰۰۰ = \text{م.ق. } ۳۱۵۵$

برطبق روایت دوم در سال $۲۱۵۵ + ۹۵۰ = \text{م.ق. } ۳۱۰۵$

بوقوع پیوسته است چون: «پس جمله ایام نوح نهصد و پنجاه سال بود که مرد . سفر
پیدایش ۹: ۲۹»

- تولد نوح:

روایت یکم $۳۱۵۵ + ۶۰۰ = \text{م.ق. } ۳۷۵۵$

روایت دوم $۳۱۰۵ + ۶۰۰ = \text{م.ق. } ۳۷۰۵$

«و نوح ششصد ساله بود چون طوفان آب بر زمین آمد . سفر پیدایش ۷: ۶»

- مبداء پیدایش:

روایت یکم $۳۷۵۵ + ۱۶۵۶ = \text{م.ق. } ۵۴۱۱$

روایت دوم $۳۷۰۵ + ۱۶۵۶ = \text{م.ق. } ۵۳۶۱$

چون از پیش می دانیم که طوفان در سال ۱۶۵۶ از مبداء پیدایش روی داده است .
- با آنکه تاریخ انهدام معبد یهود ، تاریخ تثبیت شده دی گان در سال ۵۸۶ ق.م
است معهذا در تاریخ پلمر ، آن تاریخ را یک سال به عقب کشیده اند و در نتیجه تاریخ
پیدایش نیز یک سال تفاوت پیدا کرده است مورخین کلیسایی با عملکرد خود ، میزان
دقت در امر ارائه تواریخ فوق را به تقریب یک سال نشان داده اند و رقم اولیه آن ۱۰۱۲
است .

- در پیش دیده شد که مورخین نصرانی ، سال بنای معبد یهود را مقارن با آغاز
سلطنت کیخسرو در اورمزدگان سال ۱۰۰۵ ق.م/ ۷۲۱ رصد می دانستند ولی در جدول
شماره ۸ ، سال فوق ، پایان بنای معبد قلمداد شده . و آغاز بنای آن معبد را در یکی از
سال های ۱۰۱۰ ، ۱۰۱۲ ، ۱۰۱۴ ، و ۱۰۲۷ ق.م قرار داده اند که رقم اولیه آن ۱۰۱۲ است .

بخش پنجم - تاریخ‌های جابجا شده

در سال ۳۱۲ میلادی، کنستانتین با یاری نصرانیان و درفش چلیپا نشان، به شهر رم یورش برده و آن شهر بدست وی افتاد. در سال ۳۱۳ میلادی، کنستانتین - به پاداش یاری نصرانیان - فرمان آزادی آنان را در شهر میلان صادر نمود. در سال ۳۵۶ میلادی، مهرابه‌های نیایشگران مهر در استان‌های امپراطوری رم بسته شد و در سال ۳۷۷ میلادی، نصرانیان مردم را به چپاول کردن مهرابه‌ها واداشته و مهرابه‌های شهر رم را خراب کردند.

نصرانیانی که به رم مستولی شدند، شاخه‌ای از دین یهود بودند و تواریخ اقتباسی یهود، اساس عقیدت آنان را تشکیل می‌داد معهذا پیشوایان نصرانی، به تبعیت از مراسم عقیدتی متداول در بین مردم، مبداء‌های تاریخی دیگری را از نیایشگران مهر به آئین نصرانیت وارد کردند و از آنجمله تاریخ‌های میلاد و تجلی نور بر مهر اشکانی را به عنوان سال‌های ولادت و ظهور عیسی ناصری (ع) پذیرفتند.

نیایشگران مهر در یونان و روم، تاریخ اصلاح گاه شماری در سال ۷۶۶ م. / ۹۶۰ رصد، را مبداء گاه شماری خود قرار داده بودند، مورخان نصرانی آن تاریخ را از مهر گرایان گرفته و یکی از مبادی تاریخی خود قرار دادند.

در دوران قدرت و اقتدار حکومت روم نصرانی - و در آن دوران که مورخان

کلیسا، گاه و بیگاه بر قدمت تاریخ یهود می افزودند - تواریخ گرفته شده از منابع فرهنگی مهر گرایان، ادعاهای واهی آنان را بی رونق می ساخت و این امر موجب شد تا مورخان رومی مبداء های تاریخی پیشین را تغییر داده و تاریخ اسکندری و سپس تاریخ سلوکی را جایگزین تاریخ اصلاح گاه شماری در سال ۷۶۶ ق.م/ ۹۶۰ رصد، نمایند.

مورخان رومی جهت نامشخص ساختن مبداء تاریخی سال ۷۶۶ ق.م/ ۹۶۰ رصد، تحریفات زیر را در مبداء تاریخی فوق انجام دادند:

- در علم گاه شماری، تاریخ بختنصری سال ۷۴۷ ق.م/ ۹۷۹ رصد، را مطرح کردند.

- در تاریخ یونان، عصر المیاد سال ۷۷۶ ق.م/ ۹۵۰ رصد، را عنوان نمودند.

- در روم - تاریخ بنای شهر رم در سال ۷۵۳ ق.م/ ۹۷۳ رصد، را مبداء تاریخ قرار دادند.

- علاوه بر مبادی فوق - مبداء های تاریخی جدیدی از قبیل بطلیمیوسی، فیلفسی و غیره، برحسب مورد، در برابر تواریخ اصیل دیگری درست کردند و در این راستا کلیه مبادی تاریخی ادوار کهن را مخدوش و نامیزان ساخته و تمامی آنها را از صورت معیارهای تاریخی خارج نمودند.

از میان شیوه های گوناگونی که در تحریف سال های تاریخی بکار گرفته شده، در بیشترین و پراهمیت ترین آنها، از روش جابجائی تاریخ استفاده شده. در این شیوه تقلیب، قدر مطلق یک سال تاریخی را از دستگاہی خارج نموده - و بدون رعایت موقعیت زمانی آن تاریخ - در دستگاه دیگری جای داده اند.

در بین سه گونه سال شماری که در جدول شماره ۵ این کتاب از آثار الباقیه نقل شده، از دومین روایت - که اختصاص به سال شماری نصرانی دارد - به منظور جابجائی سال های تاریخی استفاده کرده اند و شاید هم این سال شماری، از آغاز، بدین منظور تدوین شده باشد چون این سال شماری همانند سرپلی می ماند که قریب به تمامی سال های تاریخی تحریف شده، ناگزیر از این مسیر عبور کرده اند.

غرض از تدوین این بخش کتاب، آشنائی به تعدادی از جابجائی های تاریخی

است که تاریخ‌های مطرح شده از طرف مورخان نصرانی، براساس آن جابجائی‌ها تشکیل شده‌اند:

۱ - هزاره گرد تولد حضرت ابراهیم

در پیش دیدیم که مورخان یهود در آغاز، تاریخ ولادت حضرت ابراهیم را برابر با مبداء تاریخ فریدون در سال ۱۷۲۵ ق.م/۱۷۲۵ ر.م دانستند. در تاریخ دیرینه‌ی ایران، سال فوق برابر با تاریخ ۲۱۸۰ کیومرث است (جدول شماره ۶).
مورخان رومی، قدر مطلق عدد ۲۱۸۰ را از گاه شماری دیرینه‌ی ایران به سال شماری نصرانی جابجا کرده و تاریخ مجعول زیر را درست کرده‌اند:

۱۷۱۲ ق.م/۱۴ ر.م ۲۱۸۰/ کیومرث (سال شماری نصرانی)

دومین هزاره گرد تاریخ فوق برابر با سال زیر شده است:

۲۸۹ میلادی/ ۲۰۱۴ ر.م ۴۱۸۰/ کیومرث (سال شماری نصرانی)

در کتاب «تقویم و تاریخ در ایران»، در مورد سال ۲۸۹ میلادی چنین نوشته

شده:

«در سال ۲۸۹ میلادی، جشن هزار ساله‌ای بنام روم که در زمان این امپراطوری

(دیو کلسین) گرفته‌اند»

(صفحه ۷۲)

ولی چنانچه دیده می‌شود، جشن برگزار شده در زمان دیو کلسین مربوط به دومین هزاره گرد از تاریخ جابجا شده ر.م و یا سال ولادت حضرت ابراهیم بوده و چنین جشنی مرتبط با تاریخ بنای شهر روم نبوده است.

شیوه دیگری از جابجائی سال تولد حضرت ابراهیم:

در سال شماری نصرانی، تاریخ ولادت حضرت ابراهیم برابر با سال

۱۷۲۵ ق.م/۱ ر.م ۱۹۵۱ هوشنگ می‌باشد (جدول شماره ۱۰) مورخان رومی، در

اولین مرحله جابجائی، قدر مطلق عدد ۱۹۵۱ را از تاریخ هوشنگ به تاریخ کیومرث

جابجا کرده و تاریخ ولادت حضرت ابراهیم را در سال:

۱۹۴۱ ق.م/۱۷۳۵ هوشنگ ۱۹۵۱ کیومرث قرار داده‌اند، و در دومین مرحله

جایجائی، تاریخ کوچ کردن حضرت ابراهیم از حران را در موقعیت زمانی ولادت آن حضرت جای داده‌اند و در نتیجه تاریخ ولادت فوق با سال ۲۰۱۶ ق.م (= ۱۹۴۱+۷۵) برابر شده و این سالی است که در کتب تاریخی بدان استناد می‌شود. از آنجائی که تاریخ ولادت حضرت ابراهیم از بنیاد سر آغاز کلیه گاه شماری‌ها بوده است، مورخان نصرانی در هر جا که ضرورت یافته، تاریخ جدیدی جهت سال ولادت حضرت ابراهیم وضع کرده‌اند که در تشکیل همگی آنها از جایجائی تاریخ‌ها استفاده شده و ما در بخش چهارم به تعدادی از آن تواریخ آشنا شدیم.

۲ - خروج قوم یهود از مصر از نظر گاه مورخین آن قوم

در کتاب آثارالباقیه، درباره اجرای مراسم مذهبی یهود در ماه تشری، چنین آمده:

«تشری: روز اول تشری، عید آغاز سال است و در این روز یهود در بوق‌ها و شاخ‌ها می‌دمند و نیز کار کردن در این روز را روا نمی‌دارند چنانکه در روز شنبه کار کردن سزا نیست....»

در روز پانزدهم عید مظل^۱ است و آن هفت روز پی در پی است و در این عید یهود از شاخه‌های بیدونی در صحن خانه خود سایه می‌اندازند و این کار بر شخص مقیم واجب است نه مسافر و در این عید نباید کار کرد زیرا خدا در سفر دوم تورات چنین می‌گوید که در پانزدهم شهر هفتم عید مظل است و هفت روز کار مکنید، روبروی خداوند شادی کنید و بخرامید و این هفت روز را در سایه بنشینید که تا اولاد شما بدانند که من بنی اسرائیل را وقتی از مصر بیرون آوردم هفت روز در مظل نشانیدم و جماعت یهود این هفت روز را عید می‌گیرند و ابوموسی و راق در کتاب مقالات می‌گوید که سامره این روز را عید نمی‌گیرند و آخرین روز عید مظل، روز هفتم این عید است.»

(صفحات ۴۲۷ و ۴۳۰)

ماه تشری آمده در روایت آثارالباقیه معادل با تشرین قدیم حرانی و مقارن با تیر ماه سیار پارسی است (جدول شماره ۱۱) و پارسیان جشن تیرگان را در سیزدهمین روز از تیر ماه سیار بر گزار می کرده اند.

در پیش دیده شد که مبداء سال شماری یهود، در طی دو مرحله، تغییر پیدا نمود و در نخستین تغییر مبداء، تاریخ خروج یهود از مصر از تیرگان سال ۱۳۱۴ ق.م/ ۴۱۲ رصد به سال ۱۳۱۱ ق.م/ ۴۱۵ رصد تبدیل یافت و هزاره گرد تاریخ اخیر، مبداء تاریخ سلوکی قرار گرفت.

با اجرای کبیسه دو ماهه هارون الرشید - که در سال ۷۹۵ میلادی/ ۲۵۲۰ رصد بر گزار شد - تعدادی از گاه شماری های سیار به گاه شماری ثابت تبدیل یافتند و از آن جمله تیرماه سیار پارسی و تشرین قدیم حرانی با مهرماه ثابت ایرانی معادل گشته و در آن موقعیت زمانی تثبیت شدند و در نتیجه سالروز خروج قوم یهود از مصر در روز چهاردهم مهر ماه قرار گرفت، سالروز فوق از آن جهت در روز چهاردهم جای گرفت که در تاریخ یهود، سال خروج از مصر از سال ۴۱۲ رصد به سال ۴۱۵ رصد تبدیل یافته بود.

مندرجات باب دوازدهم از سفر خروج و باب بیست و سیم از سفر لاویان، قوم یهود را موظف می دارد که در روز پانزدهم ماه نیسان، عید فطیر برپا دارند، و کتاب آثارالباقیه، جریان برگزاری این عید را، به گونه زیر نقل کرده است:

«نیسان: روز پانزدهم این ماه عید فصیح است و این روز اول ایام فطیر است که خوردن خمیر در آن جایز نیست بیان مطلب آنست که خداوند متعال در سفر ثالث تورات، یهود را چنین امر کرد که در پانزدهمین روز این ماه، عید فطیر است و هفت روز فطیر بخورید و کاری نکنید و انقضای این ایام از غروب آفتاب بیست و یکم است و در این روز بود که خداوند فرعون را غرق کرد.»

(صفحه ۴۳۶)

ولی در واقع برگزاری مراسم فوق مربوط به تاریخ انهدام معبد یهود در زمان نبوکد نصر بوده است چون برحسب تاریخی که از طرف مورخان نصرانی ارائه شد، معبد یهود در اورشلیم، در دی گان سال ۵۸ ق.م/ ۱۱۴۰ رصد (= ۱۲۰×۹+۱۵×۴)

منهدم شده که در آن سال، روز پانزدهم دی ماه سیار برابر با اورمزد روز از فروردین ماه ثابت بوده و مقارن با عید فصیح یهود قرار داشته است.

در کبیسه هارون الرشید، دی ماه سیار پارسی و نیسان حرانی مقارن با برج حمل قرار گرفته و در همین موقعیت زمانی تثبیت شدند و در نتیجه، روز دی گان یا پانزدهم دی ماه سیار، مقارن با پانزدهم برج حمل و همزمان با عید فطیر عید یهود قرار گرفت با وجود برایین، مورخان نصرانی اعیاد فطیر و آغاز سال یهود را به گونه های زیر تغییر داده اند.

- منشأ عید فطیر یهود را به گونه نامشخصی در آورده و سالروز بشارت مادر عیسی ناصری (ع) را مقارن با این عید قرار داده اند ولی این روز در پایان گردش ۱۴۴۰ سالی از سال خرداد گان یا سال خروج قوم یهود از مصر، از نظر گاه مورخین نصرانی، قرار گرفته است.

- ضروریات محاسباتی در تدوین مبدأ میلادی موجب شدند تا سال خروج یهود از سال تیر گان به سال خرداد گان تغییر یابد چنانچه این تغییر تاریخ به صورت مبهم و نامفهوم زیر به کتاب سفر خروج اضافه شده است:

«و موسی به قوم گفت، این روز را که از مصر از خانه غلامی بیرون آمدید یاد دارید، زیرا خداوند شما را به قوت دست از آنجا بیرون آورد پس نان خمیر خورده نشود. این روز در ماه ایب بیرون آمدید.» (۱۳: ۳ و ۴)

توضیح آنکه ماه ایب - که در فقره فوق عنوان شده - بازدهمین ماه قبطی و معادل با بهمن ماه سیار پارسی است. ماه ایب یا بهمن ماه سیار در اصلاح گاه شماری زرتشت در سال ۷۶۵ ق.م/ ۹۶۱ رصد، مقارن با خرداد ماه ثابت ایرانیان قرار گرفته (جدول شماره ۱۲) ولی مورخین نصرانی این ماه را بصورت اشتباه آمیز در جای خرداد ماه سیار پارسی قرار داده اند.

جهت آنکه مبداء تاریخ اسکندری در هزاره گرد تاریخ خروج یهود از مصر قرار گیرد، مورخین رومی به ترفند دیگری متوسل شده اند. در کتاب تاریخ «الرسل والملوک طبری» نظرات مورخین فوق به گونه زیر نقل شده است:

«روایت کرده اند: موسی پیغمبر به سال شصتم از پادشاهی منوچهر ظهور کرد.» (صفحه ۵۱)

در تاریخ دیرینه ایران، آغاز سلطنت منوچهر در سال ۲۵۱۰ کیومرث از ادوار هزاره ای قرار داده شده، پس در آن صورت تاریخ خروج از مصر در ادوار هزاره ای

برابر با سال:

۱۳۳۶ ق.م. / ۳۹۰ رصده / ۲۵۶۹ کیومرث = ۶۰ + ۱ - ۲۵۱۰ کیومرث (تاریخ دیرینه‌ی ایران) [جای گرفته و سرآغاز سلطنت اسکندر در هزاره گرد سال فوق و برابر با سال:

۳۳۶ ق.م. / ۱۳۹۰ رصده / ۳۵۶۹ کیومرث = ۱۰۰۰ + ۲۵۶۹ اجرا شده است (جدول شماره ۶)، که تمامی جابجائی‌ها، مربوط به سال خروج از مصر، بهمین منظور اعمال گشته است.

در سال شماری نصرانی، آغاز سلطنت منوچهر در سال ۲۴۹۹ از ادوار هزاره‌ای قلمداد شده پس در آن صورت تاریخ خروج از مصر برابر با سال:

۱۳۳۴ ق.م. / ۳۹۲ رصده / ۲۵۵۸ کیومرث = ۶۰ + ۱ - ۲۴۹۹ کیومرث (سال شماری نصرانی) شده و سرآغاز سلطنت اسکندر برابر با سال:

۳۳۴ ق.م. / ۱۳۹۲ رصده / ۳۵۵۸ کیومرث = ۱۰۰۰ - ۲۵۵۸ کیومرث (سال شماری نصرانی) گردیده است که این سال مربوط به تاریخ استیلای اسکندر بر اورشلیم، از نظر گاه مورخین نصرانی است.

۳ - میلاد عیسای ناصری (ع)

در کتاب «کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران» که از انتشارات یکی از مراکز تبلیغاتی آئین مسیح در ایران بنام «حیات ابدی» است چنین می‌خوانیم:

«تاریخ ولادت عیسی مسیح بدرستی معلوم نیست چون نگاهداری سنه قریب ششصد سال بعد از تولد وی شروع گردید. چند سالی اشتباه دست داد و توان گفت که یقیناً تاریخ تولد مسیح از سه الی پنج سال قبل از تاریخ معمولی است و همچنین چونکه مسیحیان تا قرن چهارم میلادی مراسم روز تولد مسیح را نگاه‌داری نمی‌نمودند، جز حدیثی به فصل تولد وی نیز در دست نداریم.»

نامشخص بودن سال‌های میلاد و ظهور عیسای ناصری (ع) موجب گردیده تا در تشکیل تاریخ میلادی مراحل چند طی شود و در پایان بصورت کنونی آن تثبیت گردد:

نخستین مرحله از تشکیل تاریخ میلادی:

ابن خلدون از طبری نقل کرده است:

«در ایام ملوک الطوائف، ولادت عیسی صلوات الله علیه بود. این ولادت در سال ۶۵ از غلبه الاسکندر بر سرزمین بابل، در ۵۱ اشکانی بود.»

(تقویم و تاریخ در ایران صفحه ۱۰۳)

برحسب روایت فوق، عیسای ناصری (ع) در ۲۷۲ ق.م متولد شده است زیرا:

- محاسبه تاریخ ولادت عیسای ناصری (ع) برحسب مبداء تاریخ اسکندری:

۲۷۲ ق.م / ۱۴۵۴ رص = ۶۵ + ۱ - ۱۳۹۰ رص

- محاسبه تاریخ ولادت عیسای ناصری (ع) بر حسب مبدأ تاریخ اشکانی

۲۷۲ ق.م / ۱۴۵۴ رص = ۵۱ + ۱ - ۱۴۰۴ رص

ولی سال ۲۷۲ ق.م / ۱۴۵۴ رص، تاریخ اولیه منسوب به سال ولادت عیسای

ناصری (ع) نبوده چون آن تاریخ از جابجائی تاریخ ولادت مسیح اشکانی در

اورمزدگان سال ۲۸۵ ق.م / ۱۴۴۱ رص، بطریق زیر ساخته شده است:

تاریخ اورمزدگان در تاریخ دیرینه ایران

۲۸۵ ق.م / ۱۴۴۱ رص / ۳۶۲۰ کیومرث

مورخین رومی قدر مطلق عدد ۳۶۲۰ را از تاریخ دیرینه ایران به سال شماری

نصرانی جابجا کرده، و از آن جابجائی، به تاریخ زیر دست یافته اند:

۲۷۲ ق.م / ۱۴۵۴ رص / ۳۶۲۰ کیومرث

که تاریخ اخیر، روایت ابن خلدون از طبری می باشد. اکنون روایت مقلوب فوق،

در تاریخ الرسل والموک طبری، بصورت مخدوش مضاعف در آمده است:

«گویند: حضرت عیسی بن مریم علیه السلام، پنجاه و یک سال بعد از پیدایش

ملوک الطوائف در اورشلیم به دنیا آمد، دوره این طایفه از عهد اسکندر تا قیام اردشیر

بن بابک و کشته شدن اردوان بدست او و برقراری ملک بر وی دویست و شصت و شش

سال بود.» (تاریخ الرسل والموک طبری صفحه ۹۸) و بر پایه تاریخ بی اساس روایت

فوق، مبداء تاریخ اشکانی مقلوب و درهم ریخته شده است.

در صفحات ۲۱ تا ۲۶ کتاب آثارالباقیه، در مورد سال ظهور عیسای ناصری (ع) بطور مشروح بحث شده که بسیار جالب و آموزنده است. در آغاز این مبحث، تاریخ ظهور عیسای ناصری (ع) را - بر طبق نخستین نظریه مورخان نصرانی - می‌توان بدست آورد:

«یهودیان بانصاری اختلاف بزرگتر دارند، یهود می‌گویند که آنچه از زمان آدم تا اسکندر گذشته ۳۴۴۸ سال است و نصاری می‌گویند ۵۱۸۰ سال است و بدین سبب یهودان از زمان کاستند که تا خروج عیسی، در میانه چهار هزار سال که وسط هفت هزار سال عمر عالم است واقع شود و با زمانی که انبیاء به ولایت عیسی از بتول عذرا مژدگانی دادند، مخالف شود. هر یک از این دو دسته را در احتجاج خود اعتماد و تکیه بر تأویلاتی است که به حساب جمل استخراج می‌شود پس یهود بطور قطع منتظرند تا سال ۱۳۳۵ اسکندری به انجام رسد و مسیح موعود خروج کند.»

در سال شماری یهود، یکمین سال تاریخ سلوکی - از نظر گاه مورخین نصرانی - تاریخ ۳۱۲ ق.م/ ۱۴۱۴ ر.ص. ۳۴۴۹ آدم است (جدول شماره ۹) لذا مبداء تاریخ آدم، ۳۴۴۸ سال پیش از تاریخ سلوکی و یا به گفته ناقل روایت، پیش از تاریخ اسکندر قرار گرفته است. در این سال شماری، تاریخ در گذشت زرتشت از نظر گاه مورخین یهود برابر با سال ۷۶۰ ق.م/ ۹۶۶ ر.ص. ۳۰۱۱ ر.ص. و تاریخ تجلی نور بر مهراشکانی در سال ۲۵۸ ق.م/ ۱۴۶۸ ر.ص. ۳۵۰۳ آدم بوده است که تاریخ اخیر در نیمه هفت هزار سال عمر عالم قرار گرفته است و چنین پیداست که مورخان نصرانی در آغاز، تاریخ ظهور عیسای ناصری را در این سال قرار داده بودند.

و اما در مورد تاریخ ۵۱۸۰ پیدایش، یاد شده در روایت آثارالباقیه، چنین خواهیم داشت:

پیدایش آدم تا اسکندر بر طبق متن روایت ۵۱۸۰ پیدایش

پیدایش آدم تا مبداء میلادی ۵۵۱۶ پیدایش = ۳۳۶ + ۵۱۸۰ پیدایش

پیدایش آدم تا سال ولادت حضرت ابراهیم

۳۵۰۰ پیدایش = ۲۰۱۶ - ۵۵۱۶ پیدایش

پس در این تاریخ، مبداء پیدایش بقسمی گزیده شده تا سال ولادت حضرت

ابراهیم در وسط هفت هزار سال عمر عالم قرار گیرد و تاریخ اولیه مورخان نصرانی - ذرمورد سال ظهور عیسای ناصری (ع) در نیمه هفت هزار سال عمر عالم، غیر معقول جلوه کند.

دومین مرحله از تشکیل تاریخ میلادی

در کتاب «تاریخ پیامبران و شاهان» چنین روایت شده:
 «سپس ظهور مسیح (ع) ۶۵ سال پس از حکومت اسکندر و ۵۱ سال پس از فرمانروائی اشکانیان اتفاق افتاد.»

(صفحه ۹۱)

در روایت ابن خلدون از طبری، تاریخ ولادت حضرت مسیح (ع) در سال ۶۵ از حکومت اسکندر و ۵۱ از فرمانروائی اشکانی، ذکر شده بود ولی در روایت اخیر، تاریخ ظهور عیسای ناصری (ع) بجای تاریخ تولد آن حضرت قرار گرفته که مرحله دیگری از تحول در تاریخ میلادی را نشان می دهد.

سومین مرحله از تشکیل تاریخ میلادی

پیش از این دیدیم که نیایشگران مهر، آغاز شهریار کیخسرو را ۶ دور ۱۲۰ سالی پس از تاریخ فریدون و تاریخ تولد مهر اشکانی را ۶ دور ۱۲۰ سالی پس از شهریار کیخسرو می دانسته اند. مورخین کلیسا - به منظور متمایز ساختن تاریخ نصرانی از تاریخ نیایشگران مهر - ۶ دور ۱۲۰ سالی فوق را تبدیل به ۷ دور ۱۲۰ سالی کرده و در سر آغاز هر یک از ادوار فوق، یک رویداد مهم تاریخی قرار داده اند و در نتیجه، سال خرابی بیت المقدس در پایان نخستین دور ۸۴۰ سالی (7×120) و سال ولادت عیسای ناصری (ع) در پایان دومین دور ۸۴۰ سالی از تاریخ رصد قرار گرفته که چگونگی آن تواریخ در روایات زیر آمده است:

الف - سال خرابی بیت المقدس

در کتاب «تاریخ الرسل و الملوك طبری» قتل عام مردم اورشلیم به گونه زیر نقل شده:

«از هشام بن محمد شنیدم که گفت: لهراسف که برادرزاده کی کاوس بود پادشاه شد و شهر بلخ برای او بنیاد گردید و نیروی ترکان در عهد او فزونی یافت، اقامتگاهش در بلخ بود و با ترکان پیکار می کرد. نیز گوید: بختنصر در عهد وی بوده است، و او سپهسالاری سرزمین های ما بین اهواز تا سرزمین روم در مغرب دجله را داشته، وی از همه جا گذشت تا به دمشق رسید. مردم با او مصالحه کردند، و از جانب خود سرداری را سوی بیت المقدس فرستاد تا با پادشاه بنی اسرائیل که از فرزندان داود بود مصالحه کرد، و گروگان هایی گرفت و باز گردید. چون به طبریه رسید بنی اسرائیل در دفاع از ملک خود پایداری نمودند و آن سردار را کشتند و گفتند: مردم بابل با ما مسابقه نمودند و ما را مخدول ساختند و آماده پیکار شدند. سردار دیگر بختنصر ماجرا را به او نوشت، بختنصر به او دستور داد سر جای خود بایستد تا خود را به او برساند، و گروگان هایی که همراه دارد گردن بزنند. بختنصر حرکت نمود تا به بیت المقدس رسید، و شهر را بانیروی جنگ مسخر نمود. جنگجویان را قتل عام کرد و زنان و فرزندان را به اسارت برد.

(صفحه ۷۶)

در کتاب آثارالباقیه تحت عنوان: «کی لهراسب بن کیوجی بن کیمش بن کیقباد تا آنکه بختنصر را به بیت المقدس فرستاد و او آنجا را خراب کرد...» تاریخ انهدام بیت المقدس را در سال ۸۸۶ ق.م / ۸۴۰ رصده (۷ × ۱۲۰) = ۳۰۰۶ کیومرث (سال شماری نصرانی) آورده که همان روایت کتاب الرسل و الملوک طبری بصورت سال تاریخی است که در پایان کیسه ۱۲۰ سالی هفتم قرار گرفته و با تاریخ انهدام معبد یهود در دی گان سال ۵۸۶ ق.م / ۱۱۴۰ رصده، ۳۰۰ سال اختلاف دارد.

ب - سال های ولادت و ظهور عیسای ناصری (ع)

در کتاب دانیال نبی، با جملات رمز آمیز زیر، ادعا شده که تاریخ تولد و ظهور عیسای ناصری (ع)، از پیش و بصورت زیر، به آن حضرت الهام شده است:

«و از هنگام موقوف شدن قربانی و نصب نمودن رجاست ویرانی، هزار و دو بیست و نود روز خواهد بود، خوشابحال آنکه انتظار کشد و به هزار و سیصد و سی و پنج روز برسد.» (۱۲: ۱۱ و ۱۲)

با توجه به اینکه در مضمون الهامیه دانیال نبی، هر روز معادل با یک سال و سرآغاز تاریخ اسکندری برابر با یکمین سال آن مبداء گرفته شده، از آن الهامیه، سال‌های زیر استخراج می‌شود:

- مبداء تاریخ اسکندری ۳۳۴ ق.م/ ۱۳۹۲ رصد / ۱۰۰۱ خروج از مصر
- تاریخ ولادت عیسی ناصری (ع) ۴۵ ق.م/ ۱۶۸۱ رصد / ۱۲۹۰ خروج از مصر
($۱۶۸۱ = ۸۴۰ \times ۲ + ۱$)

اکنون این سال بنام تاریخ اصلاح گاه شماری در زمان ژولیوس سزار معرفی می‌شود.

تاریخ صعود عیسی ناصری (ع) ۱ میلادی / ۱۷۲۶ رصد / ۱۳۳۵ خروج از مصر
هم اکنون این سال به تاریخ میلاد عیسی ناصری (ع) تبدیل یافته است.
در کتاب آثارالباقیه، در جدول مربوط به سلطنت بطاسه و قیاصره (صفحه ۱۳۳)
از مبداء تاریخ فیلفوس تا آغاز سلطنت اغسطس (اگوست) ۲۷۹ سال گرفته شده که بر آن مبنا، مبداء تاریخ اگوست برابر با سال:
۴۵ ق.م/ ۱۶۸۱ (= ۱۴۰۳ - ۱ + ۲۷۹) رصد / ۲۷۹ فیلفوس می‌باشد، رابطه فوق مشخص می‌مآزد که مورخان نصرانی پیش از آنکه سال مبداء فوق را به ژولیوس سزار منتسب کنند، آن سال را سرآغاز تاریخ اگوست قرار داده بودند.

چهارمین مرحله از تشکیل تاریخ میلادی

از فقره زیر که در کتاب آثارالباقیه منعکس شده:

«و باز یهود و نصاری متفق‌اند که ولادت عیسی در ۳۰۴ اسکندری بوده.»

(صفحه ۲۵)

چنین استنباط می‌شود که مورخان نصرانی، در یکی از مراحل تبدیل تاریخ میلادی، سال ولادت عیسی ناصری (ع) را در سال:
۳۲ ق.م/ ۱۶۹۵ رصد (= ۱۳۹۲ - ۱ + ۳۰۴) قرار داده بودند که ۱۴ سال پس از مبداء تاریخ بولیانی در سال ۱۶۸۱ رصد، می‌باشد.

در مورد سال صعود عیسی ناصری (ع)، در کتاب «تاریخ کلیسای قدیم»

چنین نوشته شده:

«و در روز جمعه پانزدهم ماه نisan یهودی، که احتمال می‌رود در ۲۹ میلادی بوده، عیسی مسیح بیرون دیوارهای اورشلیم، بین دو دزد، مصلوب گردید.»
(صفحات ۳۲ و ۳۳)

پس با توجه به روابط زیر:

$$۱۵ \text{ میلادی} / ۱۷۴۰ \text{ رص} = ۱۵ \times ۴ + ۱۲۰ \times ۲ + ۱۴۴۰$$

$$۱۷۴۰ - ۱ = ۶۲ \times ۲۸ + ۳ \quad \text{سال}$$

$$۳ \times ۱ / ۲۵ = ۳ / ۷۵ \quad \text{روز}$$

صعود عیسی ناصری (ع) را در روز جمعه پانزدهم خردادماه سیار معادل با روز جمعه یکم فروردین ماه ثابت سال ۱۵ میلادی / ۱۷۴۰ رص منظور کرده‌اند.
در کتاب آثارالباقیه، فقره دیگری در مورد تواریخ میلادی، به شرح زیر آمده است: «مدتی را که میان خروج قوم یهود از مصر تا قیام اسکندر بوده، بنا بر قول خودشان هزار سال است. عیسی بن مریم در سال ۳۰۴ اسکندری متولد شده و خداوند هم او را در سنه ۳۳۶ بسوی خود بالا برد، پس عده سال‌های این مدت ۱۳۳۵ سال خواهد شد و این مدت بقای شریعت موسی بن عمران است تا زمانی که عیسی آن را تکمیل کرد.»

(صفحه ۲۴)

در این فقره از روایت، تاریخ صعود عیسی ناصری (ع) در سال ۱۷۲۵ رص / ۱۳۳۶ خروج از مصر، گرفته شده که همان تاریخ آمده در الهامیه دانیال نبی است که به این فقره از کتاب آثارالباقیه ملحق شده است.

پنجمین مرحله از تشکیل تاریخ میلادی

به نوشته کتاب آثارالباقیه: «بیان طالع مسیح و وضع فلک در موقع تولد او: جایگاه تقویمی ماه در نصف النهار این روز در بیت المقدس که دوشنبه بیست و پنجم آذار سال سیصد و سی و سه اسکندری باشد...»

(صفحه ۴۵۷)

عدد ۳۳۳ نشان می‌دهد که مبداء تاریخ اسکندری - بر طبق نظر گاه مورخان نصرانی - در سال ۳۳۴ ق.م / ۱۳۹۲ رصد، گرفته شده و در آن صورت، تاریخ میلاد عیسای ناصری (ع) برابر با سال ۲: ق.م / ۱۷۲۴ رصد (= ۳۳۳ + ۱ - ۱۳۹۲) دانسته شده است. ولی در پیش دیده شد که مورخان رومی، در چهارمین مرحله از تشکیل تاریخ میلادی، تاریخ اخیر را تاریخ صعود عیسای ناصری (ع) قرار داده بودند.

با تبدیل تاریخ صعود عیسای ناصری (ع) به عنوان تاریخ تولد آن حضرت، سال صعود الزاماً ۳۳ سال پس از تاریخ تولد عیسای ناصری (ع) قرار گرفته است چنانکه آن سال در روایات زیر منعکس است:

« بنا به روایت فرقه نصاری ملکائی، از اسکندر تا مسیح ۳۶۹ سال بوده است. »
 (تقویم و تقویم نگاری در تاریخ صفحه ۷۹)
 « تقویم صلیبی که مبداء آن ۳۳ سال پس از تقویم میلاد مسیح بوده برای مدتی کوتاه، بطور عمده، در فرانسه قرن یازدهم رواج داشت. »
 (تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله هجری قمری و میلادی صفحه پانزده)
 در وضعیت کنونی، مبداء تاریخ میلادی مقارن با سال ۱۷۲۶ رصد به حساب می‌آید که با سال‌های آمده در روایت فوق ۲ سال متفاوت است و چنانچه در پیش گفته شد این ۲ سال تفاوت در اصلاح تاریخ میلادی توسط پاپ گرگوار سیزدهم، در سال ۱۵۸۲ میلادی بوجود آمده است.

تغییر و تبدیلات مکرری که بر تواریخ میلادی وارد شده، می‌بایست تناقضاتی در تاریخ‌های کتب عهد جدید وارد کرده باشد چون نمونه‌ای از آن در «قاموس کتاب مقدس» به شرح زیر بیان شده:

«هیرودیس اعظم که از چهل سال قبل از مسیح تا چهار سال قبل از مسیح سلطنت می‌کرد و تاریخ مسیحیان چهار سال از تاریخ اصلی عقب افتاده است از این قرار میلاد عیسای خداوند در سال آخرین سلطنت هیرودیس بوده است.»

(صفحات ۹۳۷ و ۹۳۸)

هیرودیس اعظم، سلطان یهود، همان پادشاهی است که امر به قتل اطفال بیت لحم

داد به اشتیاق اینکه مسیح نیز از جمله آنان باشد.

۴- هزاره گرد تاریخ آذرگان یا مبداء تاریخ شهداء

مورخان یهود در آغاز، تاریخ آذرگان سال ۷۳۰ ق.م/ ۹۹۶ رصد را مقارن با سال انقراض دولت اسرائیل قرار داده بودند ولی مورخان نصرانی آن تاریخ را با دو شیوه مختلف زیر به انحراف کشانیده اند:

شیوه یکم - از نظرگاه مورخان نصرانی، در خردادگان سال ۱۴۴۲ ق.م / ۲۸۴ رصد، قوم یهود از مصر خارج شده و در سال خردادگان از دومین گردش ۱۴۴۰ سالی و برابر با تاریخ ۲ ق.م/ ۱۷۲۴ رصد، عیسای ناصری (ع) ظهور کرده است. مورخان فوق، میان سال‌های دو واقعه فوق را به دو نیمه ۷۲۰ سالی تقسیم کرده و سال پایانی نیمه اول را تاریخ انقراض دولت اسرائیل در سال ۷۲۲ ق.م/ ۱۰۰۴ رصد، قرار داده اند و چون از نظرگاه مورخان فوق، در سال اخیر می‌بایست واقعه مذهبی مهمی روی داده باشد از این جهت تاریخ انقراض دولت اسرائیل را در این سال دانسته‌اند چنانچه در «قاموس کتاب مقدس» در اینباره آمده است:

«... از این دو مملکت یعنی یهودا و اسرائیل، مملکت اسرائیل زودتر و بیشتر سر از اطاعت پیچیدند و بنابراین، آن بود اول مملکتی که منهدم گردید، بعد از آنکه ۲۰۹ سال یعنی از وفات سلیمان از سال ۹۳۱ تا سال ۷۲۲ قبل از مسیح برپا بود، نوزده پادشاه از نه سلسله جداگانه در آن سلطنت نمودند.»

(صفحه ۲۱۰)

سال ۷۲۲ ق.م آمده در روایت فوق در حدوسط سال‌های ۱۴۴۲ ق.م/ ۲۸۴ رصد و ۲ ق.م/ ۱۷۲۴ رصد، قرار گرفته است.

شیوه دوم - در تاریخ دیرینه‌ی ایران، سال آذرگان یا تاریخ انقراض دولت اسرائیل برابر با تاریخ ۷۳۰ ق.م/ ۹۹۶ رصد / ۳۱۷۵ کیومرث می‌باشد، مورخان نصرانی، قدر مطلق عدد ۳۱۷۵ را در سال شماری نصرانی قرار داده و در این جابجائی، تاریخ آذرگان را به تاریخ زیر تبدیل کرده اند:

۷۱۷ ق.م / ۱۰۰۹ رصد / ۳۱۷۵ کیومرث (سال شماری نصرانی)

پس هزاره گرد تاریخ جابجا شده‌ی آذرگان یا سال انقراض دولت اسرائیل برابر با سال:

۲۸۴ میلادی / ۲۰۰۹ رص ۴۱۷۵ / کیومرث (سال شماری نصرانی)

می باشد. در مورد سال ۲۸۴ میلادی، در کتاب «تقویم و تقویم نگاری در تاریخ» چنین نوشته شده:

«تحقیقات اخیر، مبداء تاریخ قبطی را سال اول جلوس امپراطور روم دیو کلتیان - که در سال ۲۸۴ میلاد مسیح بوده است - می نویسد: قبطیانوس مورخ عرب، این تاریخ را بمناسبت اینکه دیو کلتیان مزبور در مدت سلطنت خود (۲۸۴ - ۳۰۵)، عده کثیری از مسیحیان را به قتل رسانید تاریخ الشهدا می نامید و همه جا در کتب تواریخ مصر و نیز در تقاویم و جراید امروز مصر از مبداء قبطیان به تاریخ الشهدا تعبیر می کنند. سال ۱۹۸۲ میلاد مسیح برابر است با سال ۱۶۹۸ شهدا.

اکنون در مصر، در عموم جراید و مجلات و تقاویم آن مملکت، تاریخ قبطی و ایام شهود و سنین قبطی در جنب تاریخ هجری و میلادی، هر سه با هم نوشته می شوند. « (صفحه ۱۷۵)

درباره تاریخ دیو کلسین و تاریخ الشهدا مطالب آمده در کتاب «تقویم و تاریخ در ایران» اطلاعات بیشتری بدست می دهد:

«امپراطور دیو کلسین - چنانکه نوشته اند - از سال ۲۸۴ تا ۳۰۵ میلادی فرمانروائی کرده است. این امپراطور پس از بیست و یک سال به میل خود از کار کناره گرفت و مشغول باغبانی و گل کاری شد. سه امپراطور دیگر با این امپراطور همعصر و همکار بوده اند.

در سال ۲۸۹ میلادی جشن هزار ساله‌ی بنای روم را در زمان این امپراطور گرفته اند. وفات دیو کلسین هشت سال پس از کناره گیری از مقام امپراطوری است. تاریخ عصر این امپراطور و تاریخ گذاری حوادث در این مدت طوری غیر مرتب است که زیر دست ترین مورخین نتوانسته اند آن را بصورت منظمی در بیاورند.

معنی اسم این امپراطور «کلمه الله» و معنی لقب او «خداوند گار» است و هر دو از القاب عیسای مصلوب (ع) می باشد.

در مصر و حبشه تاریخی به نام دیوکلسین دارند که آن را تاریخ شهدا می‌نامند و از سال ۲۸۴ میلادی شروع می‌شود ولی در زمان دیوکلسین به روایتی هفت سال و به روایتی ده سال از تاریخ حذف شده است.» (صفحه ۷۲)

ولی در جابجائی تاریخ فوق دیده شد که مدت حذف شده ۱۳ سال بوده است.

۵- تاریخ‌های اسکندری

در بین سال‌های تاریخ منتسب به اسکندر، تاریخ کشته شدن فیلیپ دوم و آغاز سلطنت اسکندر مقدونی در تاریخ ۳۳۶ ق.م/ ۱۳۹۰ رصد، قطعی بنظر می‌رسد چون سایر تواریخ اسکندری در آغاز، بر مبنای این مبداء تنظیم یافته بودند.

با توجه و استناد به روایت زیر - که از کتاب «تاریخ یعقوبی» نقل شده - تعدادی از تواریخ اسکندری را می‌توان استخراج کرد:

«نخستین پادشاه یونانیان - یعنی فرزندان یونان بن یافت بن نوح، که بطلمیوس در (قانون) از پادشاهان شأن اول او را نام برده است، (فیلپوس) می‌باشد که مرد بیدادگر و سرکشی بود و هفت سال پادشاهی کرد.

پس از او پسرش (اسکندر) پادشاه شد، ذوالقرنین همواست و مادرش (المفیدا)^۱ و معلمش ارسطاطالیس فیلسوف بود.

... پادشاهی اسکندر، با همه کامیابی و کشورگشائی، دوازده سال بود. پس از ذوالقرنین بطلمیوس، جانشین اسکندر، که مردی حکیم و دانا بود، به پادشاهی رسید و بیست سال پادشاهی کرد. آنگاه فیلفوس...

(صفحات ۱۷۴ و ۱۷۷)

با توجه به آغاز سلطنت اسکندر در سال ۳۳۶ ق.م/ ۱۳۹۰ رصد، تاریخ‌های اسکندری زیر مشخص می‌شوند:

۳۴۳ ق.م/ ۱۳۸۳ رصد = ۷ - ۱۳۹۰ رصد	- آغاز سلطنت فیلیپ دوم
۳۲۵ ق.م/ ۱۴۰۱ رصد = ۱۲ + ۱ - ۱۳۹۰ رصد	- تاریخ مرگ اسکندر

- تاریخ تولد اسکندر $356 \text{ ق.م.} / 1370 \text{ رص} = 1 + 32 - 1401 \text{ رص}$

- سن اسکندر در سال رسیدن به شهریارى مقدونیه $21 \text{ سال} = 1 + 1370 - 1390$

و بر اساس روایت زیر:

«یوسفوس مورخ می نویسد که اسکندر ذوالقرنین در سال ۳۳۲ قبل از مسیح به اورشلیم در آمده، کهنه به استقبال وی شتافته نبواتی را که در صحیفه دانیال پیغمبر درباره غلبه یونانیان بر فرس مکتوب بود برای او خواندند.»
(قاموس کتاب مقدس صفحه ۱۲۴)، پس تاریخ استیلای اسکندر بر اورشلیم در سال ۳۳۲ ق.م. / ۱۳۹۴ رص بوده است. با وجود بر این برخی از مورخان، تاریخ غلبه اسکندر بر بیت المقدس را مقارن با مبداء تاریخ اسکندری به حساب آورده اند.
- نوشته زیر از کتاب «تاریخ الرسل و الملوك طبری» تاریخ کشته شدن داریوش سوم را بدست می دهد:

«اسکندر - می گویند که قتل دارا در سومین سال سلطنتش اتفاق افتاده...»

پس تاریخ کشته شدن داریوش سوم در سال:

$330 \text{ ق.م.} / 1396 \text{ رص} = (3 + 1 - 1394) \text{ بوده است.}$

- نقل از کتاب آثارالباقیه:

«و نیز در این کتاب (سیدرعولام) می بینیم که پس از عودت بنی اسرائیل به اورشلیم پنجا و نه سال ایرانیان در اورشلیم حکومت کردند:» (صفحات ۱۷۵ و ۱۷۶)
پس تاریخ عودت یهود به اورشلیم در زمان عزرا در سال:

$390 \text{ ق.م.} / 1336 \text{ رص} = 1 + 59 - 1394 \text{ بوده است.}$

- نقل از کتاب عزرا

«و بعضی از بنی اسرائیل و از کاهنان و لاویان و مغنیان و دربانان و نیتینیم^۱ در سال هفتم ارتحششتا^۲ پادشاه به اورشلیم بر آمدند. و او در ماه پنجم سال هفتم پادشاه به اورشلیم رسید»

(۷: ۷ و ۸)

۱- اشخاص مقدس (طبقه ای از خدمتکاران دینی)

۲- اردشیر

پس در این فقره آغاز سلطنت اردشیر دوم در سال:

۳۹۶ ق.م/۱۳۳۰ رصده $۱ + ۷ = ۱۳۳۶$ گرفته شده است.

مورخان، آغاز سلطنت اردشیر دوم را در یکی از سالهای ۴۰۴، ۴۰۵ و یا

۳۹۵ ق.م نوشته‌اند ولی بر طبق مندرجات کتاب عزرا، آغاز سلطنت وی در سال

۳۹۶ ق.م بوده است.

آغاز سلطنت اسکندر در ایران

نقل از کتاب «تاریخ پیامبران و شاهان»:

«در کتابی که درباره اخبار یونان تصنیف شده و نقل آن به حبیب بن بهریز رئیس

کاهنان موصل منسوب است، چنین خواندم که یونانیان در قدیم مبداء تاریخ خود را

سال خروج یونان بن تورس از سرزمین بابل به سوی مغرب می گرفتند و تا ظهور

اسکندر همین تاریخ را داشتند. چون اسکندر پدید آمد و به پادشاهان غلبه یافت،

یونان از میان رفت و جزء روم گردید، و غلبه وی به پادشاهان بدین سان بود که در

شش سالگی از شهر خود بیرون آمد و با کشتی حرکت کرد و جزایر را به تصرف

آورد تا به انتهای فرنگ در اقصای (مغرب) رسید. سپس از آنجا از راه افریقیه

بازگشت و به مصر و از آنجا به شام آمد، به این فتوحات خرسند نشد و همت بلندش

او را بر آن داشت که به سوی مشرق آید. در کشور ایران طمع بست، چون بدانجا

نزدیک شد اتفاقاً پادشاه ایران (دارا) بوسیله یکی از مردان خود که از پشت به وی

حمله کرد، کشته شد. بدین سان اسکندر به ایران تسلط یافت. آنگاه قصد کشورهای

دیگر از قبیل هند و منتهی الیه مشرق را کرد و بدان نواحی دست یافت. سپس به شهر

عتیقه (قدیمی)، که به هنگام آباد بودن مقرر پادشاهان کلدانی بود، بازگشت تا

آنجا را که ویران کرده بود دوباره آباد کند، اما چون بنزدیک آنجا رسید بعلت سَمی

که بدو خورانیدند، درگذشت و در این زمان فقط ۳۲ سال داشت.

اسکندر در زمان حیات خود مقرر کرد که مردم تاریخ را از سال‌های پادشاهی

وی، و آغاز آن را بیست و هفتمین سال عمر او قرار دهند و بدین سان در کتاب‌های

خود همین تاریخ را ضبط کردند، اما پس از مرگش ششمین سال را که آغاز حرکت

او به سرزمین‌های دیگر بود، مبداء نهادند... و جز در همین کتابی که نقل آن به حبیب بن یهریز منسوب است، در جایی دیگر از سنوات یونانیان ندیده‌ام.»

(صفحات ۸۱ و ۸۲)

الف - آغاز سلطنت اسکندر در سن ۶ سالگی یا تاریخ درگذشت اردشیر دوم
با توجه به تاریخ تولد اسکندر در سال ۳۵۶ ق.م/۱۳۷۰ رصد، ششمین سال تولد وی در سال ۳۵۱ ق.م/۱۳۷۵ رصد = ۶ + ۱ - ۱۳۷۰ رصد، بوده است. تاریخ فوق می‌بایست تاریخ درگذشت اردشیر دوم پدر واقعی اسکندر باشد، مورخین رومی از آن جهت این تاریخ را آغاز سلطنت اسکندر دانسته‌اند تا وی را جانشین بلافاصله اردشیر دوم معرفی نمایند ولی در سده‌های بعد نظریه فوق را تغییر داده و پایان سلطنت اردشیر دوم را ۸ سال به عقب کشیده و آن را در سال ۳۵۹ ق.م قرار داده‌اند تا درگذشت وی چند سال پیش از تاریخ تولد اسکندر اتفاق افتاده و انتساب اسکندر به وی خدشه‌دار گردد.

ب - آغاز سلطنت اسکندر در ۲۷ سالگی یا تاریخ کشته شدن داریوش سوم
بیست و هفتمین سال حیات اسکندر مقارن با تاریخ:
۳۳۰ ق.م/۱۳۹۶ رصد (= ۱۳۷۰ - ۱ + ۲۷)، بوده است، پس در این سال، داریوش سوم بدست دو نفر از حاجبان خود کشته‌شده و پس از قتل وی، اسکندر خود را پادشاه ایران خوانده است.

ج - جابجائی در تاریخ ۲۷ سالگی اسکندر
مورخان رومی با وضع روایت تحریف شده زیر، آغاز سلطنت اسکندر در ایران و سال مرگ وی را مخدوش کرده‌اند:

«اسکندر هنگامی که بیست و شش ساله بود از یونان پا بیرون گذاشت و به عزم مواجهه با دارا، پادشاه ایران، شتافت و به بیت المقدس رسید و یهود در آنجا سکونت داشتند. اسکندر ایشان را امر کرد که تاریخ موسی و داود را کنار بگذارند و تاریخ او را بکاربندند و سال ورود او را به بیت المقدس آغاز تاریخ بدانند که بیست و هفتمین سال میلاد او بود و یهود فرمان اسکندر را بکار بستند و یوغ امر او را گردن نهادند زیرا اخبار به یهود اجازه می‌داد که چون هر هزار سال از زمان موسی بگذرد

در بکار بستن تاریخ نوینی آزاد خواهند بود و قضا را در آن سال هزار سال تمام شده بود و چنانکه ذکر کرده اند قربانی ها و ذبایح ایشان منقطع شده بود، این بود که یهود به تاریخ اسکندر منتقل شدند.»

(کتاب آثارالباقیه صفحه ۴۶)

روایت فوق نسبت به روایت کتاب «تاریخ پیامبران و شاهان» دارای سه تفاوت اساسی زیر است:

نخست آنکه در روایت اخیر، آغاز حرکت اسکندر از شش سالگی به بیست و شش سالگی تغییر پیدا نموده، دوم آنکه تاریخ ورود اسکندر به بیت المقدس مقارن با سن ۲۷ سالگی آن پادشاه شناخته شده، سوم آنکه سال فوق، مبداء تاریخ وی به حساب آمده است.

در سال شماری نصرانی، تاریخ ۳۳۴ ق.م / ۱۳۹۲ رصد، مقارن با هزاره گرد خروج قوم یهود از مصر دانسته شده بنابراین تاریخ فوق می بایستی سال ورود اسکندر به بیت المقدس در سن بیست و هفت سالگی و مبداء تاریخ وی گرفته شده باشد.

در روایت تاریخ یعقوبی دیدیم که مدت زمامداری اسکندر ۱۲ سال بوده است پس چنانچه آغاز سلطنت اسکندر در سال ۳۳۴ ق.م / ۱۳۹۲ رصد دانسته شود، تاریخ مرگ وی در سال ۳۲۳ ق.م / ۱۴۰۳ رصد (= ۱۲ + ۱۳۹۲ رصد)، واقع می شود. و این سالی است که در کتاب های تاریخی مطرح است ولی در واقع ۲ سال با واقعیت تفاوت دارد.

در کتاب «تاریخ الرسل و الملوك طبری» روایت شده:

«اسکندر: در راه خود به شهر زور وفات کرد، مدت عمرش به قول بعضی سی و شش سال بوده. نقش او را بسوی مادرش در اسکندریه بردند. ایرانیان برآند که مدت شهریارى اسکندر چهارده سال و مسیحیان معتقدند که سیزده سال و چند ماه بوده است و می گویند: که قتل دارا در سومین سال سلطنتش اتفاق افتاد.»

(صفحه ۹۴)

در روایت فوق، اگر آغاز سلطنت اسکندر در سال ۳۳۶ ق.م / ۱۳۹۰ رصد گرفته شود سال مرگ وی برابر با تاریخ جابجا شده زیر:

۳۲۳ ق. م. / ۱۴۰۳ ر. ص. (= ۱۴ + ۱ - ۱۳۹۰ ر. ص.)، نتیجه می‌شود، و اگر آغاز سلطنت اسکندر در سال ۳۳۰ ق. م. / ۱۳۹۶ ر. ص. دانسته شود پایان حیات وی در تاریخ مجموع ۳۱۷ ق. م. / ۱۴۰۹ ر. ص. (= ۱۴ + ۱ - ۱۳۹۶) بدست می‌آید. و با آنکه هر دو تاریخ ساختگی هستند ولی جملگی آنها در کتب تاریخی مطرح شده‌اند چنانچه در کتاب «تاریخ پیامبران و شاهان» نقل شده:

«در کتابی دیگر خواندم که از بنای بیت المقدس تا حکومت اسکندر ۷۱۷ سال فاصله است و آنگاه فاصله خرابی آن بدست ایرانیان تا مرگ اسکندر ۲۶۹ سال است.» (صفحه ۹۱)

تاریخ انهدام بیت المقدس، تاریخ روشن و شناخته شده سال ۵۸۶ ق. م. / ۱۱۴۰ ر. ص. می‌باشد پس در فقره فوق تاریخ مرگ اسکندر برابر با سال: ۳۱۷ ق. م. / ۱۴۰۹ ر. ص. (= ۲۶۹ + ۱۱۴۰) گرفته شده است.

۶ - تاریخ‌های سلوکی و فیلفوسی

الف - تاریخ سلوکی

نقل از کتاب «آثارالباقیه»:

«تاریخ آدم آنست که یهود استعمال می‌کنند و تاریخ اسکندر آنست که نصاری آن را بکار می‌بندند و اگر آغاز تشری با آغاز تشرین اول موافق بود، تاریخ آدم با تاریخ اسکندر یک چیز بود و فقط ۳۴۴۸ سال - که بنابه گفته‌ی یهود تفاوت میان آدم و اسکندر است - با هم فرق داشت.»

(صفحه ۲۱۸)

در سال شماری یهود (جدول شماره ۹)، مبداء تاریخ سلوکی برابر با تاریخ اسلوکی ۳۱۲ ق. م. / ۱۴۱۴ ر. ص. / ۳۴۴۹ آ. م. می‌باشد پس منظور از تاریخ اسکندری - آمده در روایت آثارالباقیه - تاریخ سلوکی از نظر گاه مورخان نصرانی بوده است. گفته می‌شود که یکی از سرداران اسکندر بنام سلوکوس نیکاتور در سال ۳۱۲ ق. م.، در جنگ غزه، پیروز شده بابل را فتح کرد و به حکومت خود رسمیت بخشید و این داستانی است غیرواقعی که برای تاریخ سلوکی ساخته‌اند چون در فرهنگ

غیر نصرانی، سلوکوس نیکاتور از سال ۳۰۶ ق.م، به عنوان حکمران بابل شناخته شده. در پیش دیده شد که تاریخ مرگ اسکندر در سال ۳۲۵ ق.م بوده و در تاریخ دیرینه‌ی ایران، سال فوق برابر با تاریخ ۳۲۵ ق.م / ۱۴۰۱ رص / ۳۵۸۰ کیومرث می‌باشد، مورخان رومی قدر مطلق عدد ۳۵۸۰ را از تاریخ دیرینه‌ی ایران به سال شماری نصرانی جابجا کرده و تاریخ مرگ اسکندر را برابر با تاریخ:

۳۱۲ ق.م / ۱۴۱۴ رص / ۳۵۸۰ کیومرث (سال شماری نصرانی)

قرار داده‌اند تا ارتباط سال خروج قوم یهود از مصر در سال تیرگان با هزاره گرد آن در سال ۳۱۱ ق.م / ۱۴۱۵ رص (سال شماری یهود)، منتزع شده و آنان بتوانند تاریخ اسکندری را در هزاره گرد آن واقعه قرار دهند.

ب- تاریخ فیلفس یا فیلفوس

در طیلسان صفحه ۴۰ از کتاب آثارالباقیه فاصله زمانی بین تاریخ بختنصری تا سرآغاز تاریخ فیلفس برابر با ۱۵۴۷۴۰ روز گرفته شده که این مدت برابر با ۴۲۴ سال سیار ۳۶۵ روزی است.

تاریخ بختنصری تاریخ مشخص و شناخته شده ایست است که براساس نظریاتی خاص برابر با سال ۷۴۷ ق.م / ۹۷۹ رص، گزیده شده پس در طیلسان مذکور، مبداء تاریخ فیلفس مقارن با سال ۳۲۳ ق.م / ۱۴۰۳ رص ($۹۷۹ + ۴۲۴ =$) دانسته شده است. در پیش دیدیم که مورخان رومی آغاز سلطنت فیلیپ دوم را در سال ۳۴۳ ق.م / ۱۳۸۳ رص، قرار داده بودند چنین پیدا است که مورخان فوق، در دوره‌ای دیگر، آن تاریخ را با سال ۳۲۳ ق.م / ۱۴۰۳ رص، جابجا کرده و با این شگرد آغاز سلطنت فیلیپ دوم را برابر با تاریخ جابجا شده فیلفس دانسته‌اند.

و نیز دیده شد که آغاز سلطنت اسکندر در مقدونیه مقارن با تاریخ ۳۳۶ ق.م / ۱۳۹۰ رص / ۳۵۶۹ کیومرث (تاریخ دیرینه‌ی ایران) بوده است، مورخان رومی قدر مطلق عدد ۳۵۶۹ را از گاه شماری دیرینه‌ی ایران به سال شماری نصرانی جابجا کرده و آغاز سلطنت اسکندر را در برابر سال:

۳۲۳ ق.م / ۱۴۰۳ رص / ۳۵۶۹ کیومرث (سال شماری نصرانی) قرار داده و با

این شگرد، آغاز سلطنت اسکندر و فیلیپ دوم را مشترکاً در یک سال تحریفی جای داده‌اند.

از قبل می‌دانیم که دوران سلطنت فیلیپ دوم را ۷ سال گرفته‌اند پس چنانچه آغاز سلطنت فیلیپ دوم برابر با تاریخ جابجا شده سال:

۳۲۳ ق.م/ ۱۴۰۳ رصد، منظور شود، تاریخ کشته شدن وی در سال ۳۱۷ ق.م/ ۱۴۰۹ ر.ه. (= ۱۴۰۳ - ۷ + ۱) قرار می‌گیرد ولی چنانچه می‌دانیم این سال تاریخ جابجا شده مرگ اسکندر نیز گرفته شده است.

همانطور که دیده می‌شود، تاریخ فیلس معجون عجیب و غریبی است که از انطباق دو تاریخ مختلف، جابجا شده، تشکیل یافته و کلاف پیچیده و سردرگمی را تشکیل داده است.

نوشته زیر - که از ملحقات بعدی به کتاب آثارالباقیه است - درهم ریختگی تاریخ فیلس را به خوبی نشان می‌دهد:

«تاریخ فیلس پدر اسکندر مقدونی - پس از این تاریخ، تاریخ فیلس پدر اسکندر است که به سال‌های قبطی است و بسیار روی می‌دهد که این تاریخ را از مرگ اسکندر مقدونی بناء حساب می‌کنند و هر دو یک چیز است و فقط اختلاف لفظی است زیرا پس از اسکندر بناء نوبت به فیلس رسید و خواه که مبدء این تاریخ را از ممات اسکندر بدانیم یا از قیام فیلس فرقی نمی‌کند چه تاریخ فصل مشترک میان این دو نفر است و آنانکه این تاریخ را به کار می‌بندند به اسکندر انیبین معروف شده‌اند و ثاؤن اسکندرانی زیج خود را که معروف به قانون است بر این تاریخ بنا نهاده است.»

(صفحه ۴۵)

ولی می‌دانیم که تاریخ فیلس، تاریخ جابجا شده آغاز سلطنت اسکندر است و نیز می‌دانیم که این تاریخ را، برحسب ضروریاتی، سال درگذشت اسکندر قلمداد کرده‌اند ولی در روایت فوق آنچه تازگی دارد این است که با صراحت بیان شده که فیلیپ دوم پس از مرگ اسکندر زمام امور مملکت را در دست گرفته است.

در برخی از تواریخ نوشته شده که پس از مرگ اسکندر وارث طبیعی در کار نبود بدو فیلیپ که فرزند نامشروع فیلیپ بود به سلطنت رسید (۳۲۳-۳۱۷ ق.م) ولی

در واقع فرزندان نامشروع فیلیپ دوم غیر از اسکندر شخص دیگری نبوده است. معهذا در وقایع تاریخ اسکندری هیچ خبر و روایتی عجیب نیست و از طرح هر موضوع تازه ای نبایستی تعجب کرد چون درباره تاریخ اسکندر آنقدر دروغ بر روی هم بافته شده که تشخیص بین حق از باطل بسیار مشکل و در برخی موارد محال است، چه بسا که فیلیپ دوم، واقعاً بعد از مرگ اسکندر، در قید حیات بوده و تا سال ۳۱۷ ق.م/ ۱۴۰۹ ر.ص، به حکمروائی خود ادامه داده باشد.

۷ - ادوار قاللبس و دور نوزده تائی

به نوشته کتاب «آثارالباقیه»:

«سپس ادوارقاللبس است و نخستین ادوار او در سال ۴۱۸ بختنصر بوده و هر دوری از این ادوار، هفتاد و شش سال خورشیدی است و کسی که این مطلب را نداند به آنچه در کتاب مجسطی یافته که به سالهای قبطی ذکر شده استدلال می کند. و بیان مطلب آنست که ابرخس و بطلمیوس، اوقات ارساد خود را به شبها و روزها و ماههای قبطی ذکر می کنند و بعداً آن را به ادواری که با ادوار قاللبس موافقت کرده تطبیق می کنند بدون آنکه حقیقت امر چنین باشد و لیکن اولین ادواری که ماهها را به مسیر قمر و سالها را به مسیر آفتاب بکار بسته اند مستعمل است دورثمانیه است و دور دوم دور نوزده تائی است و قاللبس از اشخاصی بوده که او و قومش اصحاب تعلیم و ریاضی بودند و این دور را که مشتمل بر چهار دور نوزده تائی است استخراج کرد. برخی مردم گمان کرده اند که این ادوار با دیدار ماه استعمال می شود نه به حساب، زیرا در آن زمان کسی هنوز به حساب کسوف که اندازه شهر قمری جز به آن دانسته نمی شود، متفطن نشده بود و این حساب جز به دانستن آن تمام نمی شود و نخستین کسی که به حساب کسوف آشنا شد تالس است که از اهل ملطیه بوده که چون بسیار با اصحاب ریاضی رفت و آمد می کرد و علم هیئت و حرکات کرات را از ایشان یاد گرفته بود از اینرو به استنباط خورشید گرفتگی دست یافت و به مصر رفت و مردمان را از وقوع کسوف ترسانید و چون گفته ی او راست آمد تالس را بزرگ داشتند.

و خبر مذکور در شمار ممکنات است زیرا هر علم و صنعت را مبادی است که به آن منتهی می شود و هر چه علم به مبداء خود نزدیکتر باشد، بسیط تر و ساده تر می گردد تا آنکه یکباره به مبداء خود برسد و تنها به همان مبداء خود منحصر گردد. ولی آنچه را که باید مراعات کرد این است که نباید بطور مطلق گفت، کسی پیش از تالس از حساب کسوف آگاه نبوده چه پاره ای از مورخان او را هم عصر با اردشیر بابک دانسته اند و برخی با کیقباد و اگر چنانچه معاصر و هم زمان با اردشیر باشد ابرخس و بطلمیوس بر او مقدم خواهند بود. و اگر در عصر کیقباد باشد که نزدیک به عصر زردشت است و زردشت در علم و دانش نصف حکمای حران و پیشینیان ایشان بوده، در علم و دانش پایه بلندی داشت که علم کسوفات نزد دانش او ناچیز بوده پس اگر هم این قول درست باشد بطور مطلق نخواهد بود بلکه مشروط به شرایطی خواهد بود.»

(صفحات ۴۴ و ۴۵)

مبداء تاریخ بختنصری سال مشخص و شناخته شده ۷۴۷ ق.م/ ۹۷۹ رصد می باشد بنابراین مبداء ادوار قالیبس در سال، ۳۳۰ ق.م/ ۱۳۹۶ رصد (= ۱۸ + ۹۷۹ رصد) بوده است ولی از پیش می دانیم که تاریخ فوق سال کشته شدن داریوش سوم و مقارن با آغاز سلطنت اسکندر در ایران می باشد، علاوه بر آن مورخان یهود ادوار نوزده تائی قمری خود را با مبداء ادوار قالیبس مطابقت داده اند. و این موضوع از روایت زیر از کتاب آثارالباقیه بدست می آید:

«... و به گفته ی بنی موسی بن شاکر و غیرایشان نظر کردیم و دیدیم که از تمام این گفته ها، رأی بنی موسی بن شاکر بهتر و برتر است زیرا ایشان دریافتن حق، بذل مجهود کردند و در زمان خود به مهارت در عمل رصد منفرد بودند و علمای فن به صحت رصد ایشان گواهی می دهند و دیگر اینکه رصد بنی موسی به ارساد قدیمه بسیار دور است و به ما نزدیک و ما مطابق گفته ی ایشان یافتیم که وقت اجتماع نیرین ۱۲ سال پس از اسکندر بوده و این عمل در مدینه السلام بغداد بوده پس از آنکه ۲ ساعت و ۲۰ دقیقه و ۵۰ ثانیه و چهارده ثلثه و ۳۹ رابعه از آغاز نصف النهار روز سه شنبه

گذشت، انجام یافت.»

(صفحات ۲۲۶ و ۲۲۷)

پس با توجه به روایت فوق خواهیم داشت:

مبداء تاریخ فیلفوس یا سال مرگ اسکندر از نظر گاه یهود ۱۴۰۳ رصد
دوازده سال پس از مرگ اسکندر یا تاریخ اجتماع نیرین:

۳۱۱ ق.م / ۱۴۱۵ رصد (= ۱۲ + ۱۴۰۳ رصد)

ولی سال فوق مبداء تاریخ سلوکی از نظر گاه مورخین یهود است و از طرفی میان
سال‌های مبداء ادوار قالیبس و مبداء تاریخ سلوکی ۱۹ سال (= ۱۳۹۶ - ۱۴۱۵)
می‌باشد و چنین پیداست که ۲ سال تغییری که در مبداء تاریخ یهود، در دومین مرحله
از تغییر مبداء داده شده بجهت آن بوده تا هزاره گرد خروج یهود از مصر با مبداء
ادوار نوزده تائی منطبق شود.

در روایت آثار الباقیه محاسبه ادوار نوزده تائی تلویحاً به زردشت نسبت داده شده،
در این صورت مبداء نخستین دور نوزده تائی می‌بایستی یک سال پیش از اجرای
هشتمین کبسیه ۱۲۰ سالی‌ای باشد که توسط آن حضرت در سال ۷۶۶ ق.م / ۹۶۰ رصد
اجرا شده است زیرا:

$19 \times 23 = 437 - 1396$ رصد (مبداء ادوار قالیبس)

با وجود براین مورخان رومی، مبداء دور نوزده تائی را جابجا کرده و از یک
سال پیش از اصلاح گاه شماری توسط زرتشت به یک سال پیش از میلاد مسیح تبدیل
کرده و در عین حال محاسبه اولین دوره نوزده تائی را به متون (ریاضی دان یونانی در
سال ۴۲۳ قبل از میلاد) نسبت داده‌اند که یک ادعای واهی بیش نیست.

کتاب «تقویم نوروزی شهریار» در مورد مبداء تاریخ «متون» چنین نقل
کرده است: «دعوی شده است که مبداء حساب عدد طلائی که در کلیسا معمول است
سال ۴۳۳ پیش از تاریخ میلادی می‌باشد.»

(صفحه ۶۲)

ولی در سال ۴۳۳ ق.م واقعه مهمی روی نداده و از لحاظ نجومی نیز فاقد ارزش
بوده است. بنظر می‌رسد که سال فوق تصحیف سال ۳۴۳ ق.م می‌باشد بویژه آنکه

مورخان رومی آغاز سلطنت فیلیپ دوم را در این سال قرار داده و به نوشته کتاب آثار الباقیه: «ثاؤن اسکندرانی زیج خود را که معروف به قانون است بر این تاریخ بنا نهاده است.»

(صفحه ۴۵)

رابطه: $۱۸ \times ۱۹ = ۳۴۳ - ۱$ نشان می‌دهد که تمهیدات بیان شده را از آن جهت بکار برده‌اند تا مبداء تاریخ فیلس و یک سال پیش از تاریخ میلادی را بر مبداء ادوار نوزده تائی منطبق سازند و چون این حساب سازی از واقعیت تهی بوده در سده‌های بعد، جهت پوشانیدن ترفند فوق، از یک طرف سال ۳۴۳ ق.م را تصحیف کرده و از طرفی دیگر مبداء تاریخ فیلس را به گونه‌ای که گذشت جابجا کرده‌اند تا آغاز سلطنت فیلیپ دوم، در سال ۳۴۳ ق.م / ۱۳۸۳ ر.ص، از ردیف مبداء‌های تاریخی خارج شود.

۸ - تاریخ بختنصر اول یا تاریخ بنای شهر روم

الف - تاریخ بختنصر اول

نقل از کتاب «آثارالباقیه»:

«پس از این تاریخ، تاریخ بخت‌النصر اول است که به فارسی بخت نرسی باشد و در تفسیر این نام گفته‌اند که معنای آن شخص بسیار گریان و نالان باشد و به عبرانی یوخذ نصار است و نیز در معنای این نام گفته‌اند عطاردی گویان و وجه تسمیه این است که او بسیار حکمت دوست و دانش پرور بوده و همواره خردمندان را به دور خود جمع می‌کرد و چون این نام را تخفیف دادند و تعریب کردند بختنصر شد و این آن بخت‌النصر نیست که بیت‌المقدس را خراب کرد زیرا میان این دو نفر صد و چهل و سه سال، برحسب جداولی که در آتیه خواهد آمد، فاصله بوده. و تاریخ این پادشاه به سال‌های قبطی مذکور است و در استخراج مواضع کواکب سیار در مجسطی این تاریخ بکار بسته شده زیرا بطلمیوس این تاریخ را برای خود انتخاب کرده بود و اوساط کواکب را به آن استخراج می‌نمود.»

(صفحه ۴۳)

واژه «بخت‌نرسی»، آمده در روایت فوق، از دو واژه ساده «بخت» و «نرسی» ترکیب یافته است.

معنای واژه «بخت» - نقل از فرهنگ فارسی معین:

«بخت، نجات یافته: سه بخت = سبخت، نجات یافته سه (سه رکن زرتشتی: اندیشه نیک، گفتار نیک، کردار نیک یا تثلیث عیسوی)، چهار بخت = صهار بخت (مغرب)، نجات یافته چهار (صلیب)، بختیشوع = نجات یافته عیسی
واژه «نرسی» = در کتاب «سوشیانت»، چنین توصیف شده:
«کلمه (نریوسنگ) که در اوستا (نیریوسنگه) آمده، و اسم خاص (نرسی) از آن اراده شده، ایزدی است که به پیامبری اهورامزدا گماشته شده است. در فرگرد نوزدهم و نندیداد، فقره ۳۴، ایزد نریوسنگ، پیک اهورامزدا نامیده شده است... در بندهشن بزرگ آمده که ایزد نریوسنگ موظف است که پیام‌های ایزدی را به کیان ویلان برساند.»

(صفحات ۱۱۵ و ۱۱۶)

پس «بخت نرسی» به معنای «ایزد مأموریت یافته» از جانب اهورامزداست و چنین مأموری غیر از زرتشت کس دیگری نبوده است.
در کتاب آثارالباقیه چنین آمده:

«ایرانیان و مجوس، عمر جهان را بنابر بروج دوازده گانه، دوازده هزار سال دانسته‌اند و زردشت مؤسس دین ایرانیان چنین پنداشته که پیدایش عالم تا زمان ظهور او سه هزار سال است که مکبوس به چهار یک‌هاست زیرا خود او سال‌ها را حساب کرده و نقصانی را که از جهت چهاریک‌ها لازم می‌آید تصحیح کرده...»

(صفحه ۲۰)

ولی از پیش می‌دانیم که زرتشت، در سال ۷۶۶ ق.م / ۹۶۰ رصد، تاریخ‌های پیش از سال فوق را اصلاح کرد و هشتمین کیسه ۱۲۰ سالی را به موقع اجرا گذاشت، بدین سبب ایرانیان مجوس، سال فوق را تاریخ ۳۰۰۰ از پیدایش عالم قرار داده و آن تاریخ را بنام بنیانگذارش، «بخت نرسی» نامیده‌اند.

سال شماری یهود نشان می‌دهد که مبداء سال شماری آن قوم، در آغاز، تاریخ بخت نرسی بوده ولی تغییرات زیر، در دو مرحله، بر آن وارد شده است:
در مرحله یکم مبداء تاریخ بخت نرسی ۳ سال به جلو کشیده شده و در نتیجه تاریخ

درگذشت زرتشت از سال ۷۶۲ ق.م / ۹۶۴ رصدا / ۳۰۰۴ آدم، به سال ۷۶۲ ق.م / ۹۶۴ رصدا / ۳۰۰۱ آدم تبدیل یافته و سال اخیر مبداء تاریخ بخت‌نرسی قرار گرفته است. این تغییر بدان جهت انجام گرفته تا تیرگان سال ۱۳۱۴ ق.م / ۴۱۲ رصدا / ۲۴۵۲ آدم به سال ۱۳۱۱ ق.م / ۴۱۵ رصدا / ۲۴۵۲ آدم تبدیل یابد و هزاره گرد تاریخ اخیر - که در سال ۳۱۱ ق.م / ۱۴۱۵ رصدا / ۳۴۵۲ آدم واقع شده - در مبداء یکی از ادوار نوزده سالی قرار گیرد. (جدول شماره ۹)

در مرحله دوم ۲ سال دیگر از مبداء تاریخ بخت‌نرسی کسر شده چون مورخان نصرانی، سال خروج یهود از مصر را در خردادگان سال:

۱۴۴۲ ق.م / ۲۸۴ رصدا / ۲۴۵۰ کیومرث (سال شماری نصاری) قرار داده بودند. مورخان یهود، سال شماری خود را با سال شماری نصرانیان هماهنگ ساخته و با کسر کردن ۲ سال دیگر از مبداء تاریخ خود، تاریخ ۱۳۱۱ ق.م / ۴۱۵ رصدا، را در برابر سال ۲۴۵۰ آدم قرار داده و در نتیجه هزاره گرد سال خروج از مصر مقارن با سال ۳۱۱ ق.م / ۱۴۱۵ رصدا / ۳۴۵۰ آدم قرار گرفته است و همین ۲ سال اختلاف است که در سال درگذشت زرتشت نیز وارد شده و تاریخ آن سال از ۷۶۲ ق.م / ۹۶۴ رصدا به ۷۶۰ ق.م / ۹۶۶ رصدا تحریف یافته است و ما در جای خود به این ۲ سال اختلاف آشنا شدیم.

سال ۹۶۶ رصدا در تاریخ دیرینه‌ی ایران برابر با سال:

۷۶۰ ق.م / ۹۶۶ رصدا / ۳۱۴۵ کیومرث است، مورخان نصرانی قدر مطلق عدد ۳۱۴۵ را از تاریخ دیرینه‌ی ایران به سال شماری نصرانی جابجا کرده و از آن تاریخ بخت‌نرسی سال ۷۴۷ ق.م / ۹۷۹ رصدا / ۳۱۴۵ کیومرث را ساخته‌اند.

ب - تاریخ بنای شهر روم

اکثریت دولت‌های اروپا و از ثانی روم قدیم هستند و بنا به نظریه مورخان غرب، روم میان قدیم خود را از اولاد روملوس، بنیانگذار شهر تاریخی روم می‌دانسته و تاریخ بنای آن شهر را مبداء تاریخ خود می‌شمرده‌اند.

در کتاب «تقویم و تاریخ در ایران» درباره تاریخ بنای شهر روم چنین نقل شده: «در تاریخ بنای شهر روم اختلاف بسیار است، میان مورخین مختلف رومی و

حتی در نوشته‌های یک مورخ در تاریخ گذاری، اختلافی دیده می‌شود. بموجب قدیمی‌ترین روایات تاریخ بنای شهر روم در سال ۷۴۷ پیش از میلاد بوده است.»

(صفحه ۷۸)

تاریخ ۷۴۷ پس از میلاد همان تاریخ بختنصری است که به آن تاریخ، نام بنای شهر روم داده شده و چنانچه در پیش دیده شد اصل و اساس آن تاریخ مبداء سال اصلاح گاه شماری توسط زرتشت در سال ۷۶۶ ق.م / ۹۶۰ رصد بوده و پس از سه مرحله تغییر و جابجائی در مبداء تاریخ بختنصری به سال ۷۴۷ ق.م / ۹۷۹ رصد منتهی شده است.

بخش اول از کتاب سوم تاریخ تمدن، تألیف ویل دورانت، سال دیگری از تاریخ تأسیس روم را بدست می‌دهد:

«هنگامی که گل‌ها Gauls، در سال ۳۹۰ پیش از میلاد، روم را آتش زدند بسیاری از اسناد تاریخی ظاهراً نابود گشت و از آن پس نیروی تخیل میهن پرستانه مناط شرح پیدایی روم شد. بر حسب اصطلاح امروزی ما، روز ۲۲ آوریل سال ۷۵۳ پیش از میلاد را تاریخ تأسیس روم می‌دانستند و وقایع را به اعتبار A.U.C یعنی سالی که از تأسیس شهر آغاز شد anno Urbis conditae ضبط می‌کردند.»

(صفحه ۲۱)

در کتاب «تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله هجری قمری و میلادی»، در تشریح چگونگی تشکیل مبداء تاریخ میلادی چنین نقل شده:

«... در سال ۵۲۵، دیونی سیوس اکزیگیوس، بدرخواست پاپ ژان اول قدیس، یک محاسبه اصلاح شده را تهیه نمود... به دلایل نامعلوم، دیونی سیوس، تولد حضرت مسیح را در سال ۷۵۳ بنای رم محاسبه کرد.»

(صفحه سیزده)

ولی در بخش دوم دیده شد که ۷۴۷ سال در اصل مربوط به میان سال‌های آغاز سلطنت کیخسرو و ۷۵۳ سال، میان سال‌های به هلاکت رسیدن سیاوش تا ظهور مهر-اشکانی بوده‌اند، چنین پیداست که تواریخ بختنصری و یا سالی بنای شهر روم تقلیبی از میان سال‌های فوق بوده تا برابر بودن نخستین تاریخ موضوعه میلاد عیسای ناصری (ع) با تاریخ ظهور مهر اشکانی مخدوش گردد.

۹- عصر المپياد

در یونان باستان و در دوران‌هایی که مبداء آن به درستی مشخص نیست، هر چهار سال یکبار جشن‌های المپياد برگزار می‌شد، این جشن‌ها فقط یک رویداد ورزشی نبوده بلکه در آغاز، مراسم ورزشی آمیخته با مسائل مذهبی بوده که با نظارت کاهنان و شخصیت‌های مذهبی برگزار می‌شده‌اند. در کنار میدان مسابقه، چهار دیوار سرپوشیده‌ای وجود داشته که کشتی‌گیران در آنجا به بدن خود زیتون مالیده و خود را آماده می‌ساخته‌اند.

در ایران باستان نیز در مجاورت آتشکده‌ها اغلب میدان‌های بزرگی قرار داشته که جشن‌های ملی مانند جشن مهرگان و سده‌ها در آنجا برگزار می‌شد و مسابقات ارابه‌رانی و اسب‌دوانی و دو میدانی نیز در این میدان‌ها ترتیب داده می‌شد و اگر بررسی‌های درستی در این زمینه انجام گیرد شاید شباهت‌های زیادی بین این جشن‌های ملی و جشن‌های المپياد بدست آید.

کتاب «گردش زمان» درباره ادوار برگزاری بازی‌های المپیک چنین شرح

می‌دهد:

«بازی‌های المپیک هر چهار سال یکبار برگزار می‌شد و دوران چهارساله‌ی آن یک المپياد نامیده می‌شد. به این ترتیب هرگاه که یک یونانی از حادثه‌ای که مثلاً در دومین سال نود و دومین المپياد اتفاق افتاده بود حرف می‌زد، مردم کلیه‌ی شهرهای آن زمان، آن رویداد را درک می‌کردند و از این طریق، عصر المپياد تثبیت گردید.

مورخین، تاریخ ملل گذشته را ابتدا با عصر المپياد مقایسه می‌نمایند و از طریق آن به تاریخ مفهوم کنونی می‌رسند. به این ترتیب مشخص شده است که اولین المپياد (طبق مستندات یونانی) در سال ۷۷۶ قبل از مسیح آغاز شد. بنابراین: جنگ ماراتون (۴۹۰ قبل از میلاد) در سومین سال المپياد هفتاد و یکم روی داد. اسکندر در سال دوم یکصد و سیزدهمین المپياد (۳۲۳ قبل از میلاد) درگذشت. و به ترتیب فوق است که عصر المپياد به تاریخ جدید مرتبط شده و وقایع و رویدادهای آن با محاسبه در تقاویم جدید در تاریخ ما ثبت گردیده‌اند.»

(صفحات ۱۵۰ و ۱۵۱)

ولی در حقیقت مبداء تاریخ المپياد بدانگونه که مطرح می‌شود نبوده است، چون

مبداء تاریخ المپیک در اصل همان مبداء تاریخ بخت‌نرسی یا تاریخ اصلاح گاه شماری زرتشت در سال ۷۶۶ ق.م/ ۹۶۰ رصد، و منطبق بر گاه شماری رومی‌ها و یهود بوده منتها جابجائی در مبداء تاریخ یونان را برخلاف جهت تاریخ رومی‌ها انجام داده‌اند تا یکسان بودن مبداء سه گاه شماری فوق مشخص نگردد.

مبداء تاریخ عصر المپیاد به گونه زیر ساخته شده:

تاریخ اصلاح گاه شماری توسط زرتشت ۷۶۶ ق.م/ ۹۶۰ رصد

مرحله یکم از تغییر مبداء بخت‌نرسی در سال شماری یهود ۷۶۳ ق.م/ ۹۶۳ رصد

مبداء تاریخ بخت‌نصری در سال شماری نصرانی

۷۶۳ ق.م/ ۹۶۳ رصد / ۳۱۲۹ کیومرث

با جابجائی قدر مطلق عدد ۳۱۲۹ از سال شماری نصرانی به تاریخ دیرینه‌ی ایران،

مبداء تاریخ بخت‌نرسی به گونه زیر تبدیل شده که منطبق بر مبداء تاریخ المپیاد است:

۷۷۶ ق.م/ ۹۵۰ رصد / ۳۱۲۹ کیومرث

بخش ششم

گاه شماری‌های شمسی و هجری قمری

حرکت زمین به دور خورشید موجب بوجود آمدن شبانه‌روز می‌شود. انسان‌های اولیه از بدو پیدایش، این واحد زمانی را شناخته و بدان توجه داشته‌اند و برای آنکه بتوانند حساب زمان‌های طویل‌تر از شبانه‌روز را نگاه دارند - گردش ماهیانه ماه را معیار زمان قرار داده بودند.

سیاره ماه از نظر نگاهداری حساب زمان، عجیب‌ترین ستاره است چون شکل آن تغییر می‌کند. کسانی که به ماه نظاره می‌کنند توجه کرده‌اند که گاه پس از غروب آفتاب، هلال نازک و نقره رنگی در آسمان ظاهر می‌شود. نازکی هلال در طی ماه مستمراً ضخیم‌تر شده و هرشب از شب قبل محدب‌تر می‌گردد تا جایی که در پایان هفت روز اول ماه، تصویر کره ماه بشکل یک کره گرد درمی‌آید و در پایان چهارمین هفته، ناپدید می‌شود و این سیر همچنان ادامه می‌یابد. پس چگونگی گردش ماه سبب شده تا تغییرات ماهیانه آن برای نگاهداری زمان‌های طولانی‌تر از شبانه‌روز، مورد استفاده قرار گیرد.

فاصله زمانی بین ظهور یک ماه نو تا ماه نو دیگر، در طی هزاران سال، بلندترین واحد زمان در شمارش و تعریف دقیق عمر انسان‌ها بشمار رفته‌است. فاصله بین دو ظهور ماه ۲۹ یا ۳۰ روز می‌باشد و مدت آن را یک ماه می‌گویند که این نام نشان‌دهنده مراجعه انسان به ظهور وافول ماه بوده‌است.

کشاورزان بزودی درک کردند که در هر فصل ۳ مرتبه شاهد ظهور ماه نو می‌باشند و چون در طول سال، چهار فصل وجود دارد، هر سال را به دوازده ماه قمری تقسیم نمودند، ولی ضرورت کشاورزی و اخذ عثور دولتی ایجاب می‌کرد که مبداء روزی شماری بر حسب فصول سال باشد که با تبدیل گاه شماری قمری به شمسی، این منظور نیز حاصل گردیده است.

در تحول از گاه شماری قمری به گاه شماری شمسی، نخست به سال ۳۶۰ روزی می‌رسیم چنانچه این گاه شماری تا زمان تدوین کتاب آثارالباقیه در هند متداول بوده، چون به نوشته کتاب آثارالباقیه: «ابو محمد نائب آملی در کتاب غره از یعقوب بن محمد نقل می‌کند که هندیان چهار نوع تاریخ دارند. یکی آنست که آفتاب از نقطه‌ای از فلک البروج که حرکت آغاز کرده به همان نقطه باز گردد و این سال را سال شمسی نامند، دوم آنست که آفتاب سیصد و شصت مرتبه طلوع کند و این سال را وسطی گویند زیرا که از سال قمری زیادتر است و از سال آفتاب کمتر است...»

(صفحات ۱۷ و ۱۸)

بمنظور آنکه سر آغاز سال شمسی در آغاز بهار بطور ثابت قرار گیرد، در یک مرحله از دوران تکامل گاه شماری، کیبسه یک ماه در ۶ سال برقرار شده بدین ترتیب که در هر ۶ سال، تعداد ماه‌های سال ششم را ۱۳ ماه گرفته‌اند.

کاسپی‌ها از سال ۱۷۲۵ ق.م کیبسه یک ماه در ۱۲۰ سال را بر گاه شماری شمسی افزوده و سال ثابت ۳۶۵/۲۵ روزی را تشکیل داده‌اند که در کتاب آثارالباقیه چگونگی برگزاری آن گاه شماری شرح داده شده:

«اما ملوک پیشدادی از پارسیان، (و آنها کسانی بودند که تمام گیتی را مالک شدند) سال را سیصد و شصت روز می‌گرفتند و هر ماه را ۳۰ روز، بدون کم و کسر، و در سر هر ۶ سال یک ماه کیبسه می‌کردند و آن سال را سال کیبسه می‌نامیدند و در ۱۲۰ سال دو ماه کیبسه می‌کردند، یکی بسبب آن ۵ روز و دوم بسبب چهار یک روزها، و چنین سال را بزرگ می‌داشتند و سال فرخنده می‌نامیدند و در این سال به عبادات و مصالح ملک می‌پرداختند.»

(صفحه ۱۴)

و اما طول سال شمسی متوسط مساوی با ۳۶۵ روز و ۵ ساعت، ۴۸ دقیقه و ۴۵/۹۷۵۴۵۶ ثانیه است که قریب به ۱۱ دقیقه و ۱۴ ثانیه از طول سال کیانیان کوتاهتر می باشد، این تفاوت زمانی موجب گردید که تا تاریخ ظهور زرتشت، بین نوروز کیانیان و نوروز شمسی حقیقی چندین روز تفاوت زمانی پیدا شود.

زرتشت در سال ۷۶۵ ق.م/ ۹۶۱ رصد، گاه شماری کیانیان را اصلاح کرد و تفاوتی که در سر آغاز سال کیانیان نسبت به سر آغاز بهار پدید آمده بود مرتفع نمود و در این راستا:

- کیسه یک ماه در ۶ سال کیانیان را از گاه شماری حذف کرد و پنج روز اندرگاه را جایگزین آن کیسه نمود و از آن پس، سال سیار ۳۶۵ روزی را تشکیل داد.

- کیسه یک ماه در ۱۲۰ سال را بدان ترتیب که بود، حذف نمود و کیسه یک روز در چهار سال را جایگزین آن ساخت و در نتیجه سال ثابت ۳۶۵/۲۵ روزی برقرار گردید.

زرتشت در دوران حیات خود پایه و اساس دو گروه گاه شماری را بنیاد نهاد و برای هر ماه و هر روز ماه، نام مشخصی وضع کرد و امروز این اسامی می توانند وجه تشخیص گاه شماری های زرتشتی نسبت به گاه شماری های غیر زرتشتی قرار گیرند گرچه آن گاه شماری ها نیز مقتبس از گاه شماری زرتشتی هستند.

در بخش های گذشته ما به دو گروه گاه شمار بتدریج آشنا شدیم مع هذا جهت سهولت در امر سنجش سایر گاه شماری ها، در زیر تلخیصی از ویژگی های هریک از گاه شماری های زرتشتی آورده می شود:

گروه یکم - گاه شماری هایی که مورد عملکرد زرتشتیان بوده و هست

الف - گاه شماری شمسی حقیقی یا تقویم شهریاری

در تقویم شهریاری، لحظه ورود خورشید به نقطه اعتدال ربیعی، سر آغاز سال شمسی حقیقی را تشکیل می دهد. گاه شماری شمسی حقیقی با وجود اهمیتی که دارا می باشد مع هذا تا روشن شدن چگونگی تاریخ جلالی هیچگونه اطلاع درستی از آن در دست نبود ولی پس از شناخته شدن ادوار ۱۶۱ سالی تقویم جلالی، مشخص گردید

که سر آغاز گاه شماری شمسی حقیقی سال بعثت زرتشت بوده است.

ب - گاه شماری سیار بی کیسه یا گاه شماری پارسیان

در این گروه گاه شماری، سال سیصد و شصت و پنج روز به حساب می آمده و ۵ روز اندر گاه در پایان آبان ماه و پیش از آغاز آذرماه، یعنی در همان موضعی که زرنشت قرار داده بود، منظور می شده و در نتیجه، موقعیت زمانی ۵ روز اندر گاه نسبت به مبداء روز شماری ثابت ولی نسبت به فصول سال سیار بوده و تمام رسوم دینی باستانی، اعم از جشن ها و نمازها، بر حسب این گاه شماری انجام می گرفته است.

گروه دوم - این گروه از گاه شماری ها بر اساس اصلاح و تنظیم گاه شماری کیانیان در سال ۷۶۵ ق.م. ۹۶۱ رصد تدوین شده و از یکی از دو شاخه گاه شماری زیر مشتق شده اند:

الف - گاه شماری ثابت با کیسه

ویژگی های گاه شماری ثابت عبارت بوده اند از:

- سال شمسی ۳۶۵/۲۵ روز محسوب می شده که قریب به ۱۱ دقیقه و ۱۴ ثانیه از طول متوسط سال شمسی طولانی تر است.

- در هر ۴ سال، ۳ سال بسیط ۳۶۵ روزی و ۱ سال کیسه ۳۶۶ روزی منظور می شده که یک روز کیسه از ادغام کسور ۴ ربع سال های اضافی، بدست می آمده.

- سال بسیط از ۱۲ ماه ۳۰ روزی و ۵ روز اندر گاه تشکیل می شده که ۵ روز فوق در پایان ماه دوازدهم قرار می گرفته.

- در سال چهارم یا سال کیسه یک روز به ۵ روز اندر گاه اضافه می شده

- چون در هر چهار سال یک روز بصورت کیسه وارد روز شماری می شده لذا نوروز نسبت به آغاز بهار همواره در فاصله زمانی کوتاهی قرار داشته

در صفحه ۱۰۵ آثار الباقیه، نوروز ثابت فوق بنام «نیروزاول» نامیده شده است

ب - گاه شماری سیار با کیسه

ویژگی های گاه شماری سیار با کیسه عبارتند از:

- سال شمسی از ۱۲ ماه ۳۰ روزی و ۵ روز اندر گاه تشکیل می شده

- بسبب ۶ ساعت اختلاف طول سالیانه ای که مابین روز شماری سال های ثابت و

سال‌های سیار وجود داشته، در هر ۱۲۰ سال یک ماه تفاوت بین نوروز گاه‌شماری سیار با نوروز اول پیدا می‌شده.

- بمنظور آنکه آغاز بهار در گاه‌شماری مشخص باشد، در هر ۱۲۰ سال، پنج روز اندر گاه به فاصله زمانی یک ماه به جلو کشیده شده و پیش از آغاز بهار قرار می‌گرفته و در نتیجه موقعیت زمانی پنج روز اندر گاه نسبت به روز مبدأ روزشماری تغییر پیدا می‌کرده، پس بدون اینکه تعداد ماه‌های سال کیبسه از ۱۲ ماه تجاوز کند و یا آنکه نام ماهی تکرار شود کیبسه یک ماهه اجرا می‌شده است.

- در یک گردش ۱۴۴۰ سالی، بسبب اجرای ۱۲ کیبسه ۱۲۰ سالی، نوروز سیار با کیبسه، پنج روز پیش از نوروز سیار بی کیبسه قرار گرفته و ما در جای خود به کیفیت آن تفاوت، آشنا شدیم.

- بسبب کوتاهی طول سال در گاه‌شماری شمسی سیار، نوروز آن گاه‌شماری نسبت به نوروز گاه‌شماری شمسی ثابت بتدریج تفاوت پیدا می‌کرده و این نوروز، در صفحه ۱۰۵ کتاب آثارالباقیه، بنام «نوروز دوم» خوانده شده است.

اکنون با توجه به معیارهای بدست آمده، می‌توانیم گاه‌شماری‌های موردنظر را مورد بررسی قرار دهیم:

۱- گاه‌شماری اهلالی سیستان

سیستان زادگاه رستم جهان پهلوان بوده و بنا بر آنچه بلاذری در کتاب فتوح البلدان نوشته: هنگامی که سیستان به تصرف مسلمانان در آمد، طویله اسب رستم همچنان برپا بود. اهلالی سیستان قهرمان پرور همیشه بدان پهلوان می‌بالیدند و تا پنجاه شصت سال پیش، سوگند راستشان «به جدم رستم» و «به روان پاک رستم» می‌بود.

در فقره ۳۷ آبان یشت آمده که نریمان گرشاسب از برای آناهیتا در کنار دریای پیشینه (پیشین) یکصد اسب و هزار گاو و ده هزار گوسفند هدیه نمود. و بنابه عقاید سنتی ایرانیان قدیم، گرشاسب در دشت پیشین واقع در جنوب غزنه و شرق قندهار به خواب رفته است. باور سیستانی‌ان این بوده که فروهر، گرشاسب را در سرزمین ایشان نگهبانی می‌کند و سوشیانت در زمان موعود از آنجا آشکار می‌شود.

و گرشاسب از جمله یاوران سوشیانت است که در نونمودن جهان و برانگختن مردگان و آراستن رستاخیز با سوشیانت همراهی می کند.

در کتاب هفتم دینکرد، که بنام «زرتشت نامه» خوانده می شود، از موعودها سخن گفته شده از جمله آنکه در فصل نهم پیش بینی شده که مادر سوشیانت در آب «هامون» بنشیند. در آن هنگامی که او پانزده ساله است، نطفه ای در او پیوندد که نامش سوددهنده پیروز گر است و عنوانش «تنو کردار» است. از این رو سوددهنده برای اینکه به گیتی سود بخشد، از این رو تنو کردار برای اینکه او هر کس را که کالبد و زندگی است آسایش بخشد.

در کتاب «بلوچستان و سیستان» مراسم برگزاری جشن سالیانه زیر توصیف شده، چنین پیدا است که اهالی سیستان برای تحقق بخشیدن به آرزوی دیرینه ی فوق، این مراسم را به جای می آورده اند:

«آئین بعضی از مردم سیستان که در آبادی های کنار هیرمند خانه دارند این است که شبی که فردایش نوروز است، دختر زیبایی را بر اشری آذین شده سوار می کنند و به کنار رود هیرمند می برند. در آنجا گروه مردان و زنان از هم جدا می شوند و مردان، دور از اجتماع زنان و دختران، به کناری می روند و به شادی و ساز و آواز می پردازند. زنان، دختر زیبا را که او شیر نام نهاده اند، برهنه و داخل آب می کنند و تا نیمه شب به رقص و ترانه خوانی و شور و نشاط می پردازند. پس از آن، دختر را به همان آئین به خانه بازمی گردانند.»

(صفحه ۱۵۱)

در صفحات ۱۹۵ تا ۱۹۷ از کتاب «گاه شماری و جشن های ایران باستان» مراسم برگزاری جشن فوق با تفصیل بیشتری بیان شده که از هر حیث جالب توجه است. نیایشگران مهر گوئیا بر این باور بوده اند که در آخرین شب فصل زمستان و پیش از آغاز بهار، مادر مهر اشکانی در آب دریاچه هامون از تخمه زرتشت بارور شده و در آخرین شب پاییز و پیش از آغاز دی ماه ثابت، یعنی پس از گذشت ۲۷۵ روز از روز بشارت، مهر اشکانی در طولانی ترین شب سال متولد شده است.

ایرانیان، طولانی ترین شب سال یا شب پیش از آغاز دی ماه ثابت را شب یلدا

می‌شناسند و بعد از دیرینه، مراسم جشن و سرور و شب‌چره برپا می‌دارند بدون آنکه توجه به مناسبت برگزاری آن جشن داشته باشند.

نیايشگران مهر، به منظور آنکه روز بشارت یافتن مادر مهر در سر آغاز فصل بهار و زادروز مهر در سر آغاز فصل زمستان بطور ثابت حفظ شود، گاه شماری ثابت با کبیسه یک روز در چهار سال، را گزیده بودند و این موضوع در کتاب آثارالباقیه بطور صریح نمود شده چون در صفحه ۱۰۵ آن کتاب تحت عنوان: «ماه‌های قدمای اهل سجستان» قید شده که: «مبدأ آن نیروز اول است»

مورخان نصرانی سالروز بشارت مادر مهر و روز تولد مهر اشکانی را عیناً بعنوان سالروز بشارت حضرت مریم و تولد عیسی ناصری (ع) دانسته‌اند چنانچه در کتاب آثارالباقیه درباره تواریخ فوق چنین نقل شده:

«اذار... و روز بیست و پنجم عید سبار است که جبرئیل امین برای بشارت به مسیح بر مریم نازل شد و از این روز تا میلاد نه ماه و پنج روز و قدری است که چنین این مقدار در رحم مکث طبیعی می‌کند....»

(صفحه ۴۵۶)

با توجه به اینکه پنج روز اندرگاه پس از پایان اسفندماه ثابت قرار داشته است لذا پایان اسفندماه ثابت معادل با روز بیست و پنجم اذار ماه سریانی، روز تصریح شده در روایت آثارالباقیه، بوده ولی در زمان پاپ گرگوارسیزدهم، با افزوده شدن ۱۰ روزه روزشماری، روز بشارت حضرت مریم مقارن با پنجم فروردین ماه ثابت قرار گرفته و روز ولادت عیسی ناصری (ع) پس از ۲۸۰ روز ($275 + 5$) از آغاز بهار یعنی در وضع کنونی آن جای داده شده است.

در مورد اسامی ماه‌های اهالی سیستان، در کتاب آثارالباقیه چنین نقل شده: «از ابوسعید احمد بن محمد بن عبد الجلیل سجستانی شنیدم که از قدمای سجستان اینطور نقل می‌کرد که ایشان همین ماه‌ها را بنام‌های دیگری می‌خواندند و از فروردین ماه آغاز می‌کردند و شهر ایشان بدین ترتیب است:

کواذ، رهو، اوسال، تیرکیانوا، سریزوا، هریزوا، توزر، هراتوا، آرکبازوا، کژپشت، گزشن، ساروا.»

(صفحه ۶۹)

در جدول صفحات ۱۰۴ تا ۱۰۶ کتاب آثارالباقیه، اسامی ماه‌های اقوام مختلفه، و از آن جمله ماه‌های قدمای اهل سجستان، آمده است، این اسامی نشان می‌دهند که دهمین ماه اهالی سجستان بنام «کریشت» بوده (و نه کژپشت) و کژپشت تصحیف واژه کریشت است.

واژه کریشت گویا به معنای مظهر محبت و خوشبختی و نابود کننده اندوه و رنج بوده است، «دانیلو» نقل از متون سانسکریت می‌گوید: «کلمه کریش به معنی کشش، جذبه و رنج دادن آمده و غرض از آن کشمکش و نزاع عصر تاریکی است.»^۱

چنین پیداست که واژه کریشت نام اصلی مهر اشکانی بوده و ماه ولادت او نیز بنام وی نامیده شده است.

مورخین نصرانی در آغاز، نام کریشت را از نیایشگران مهر اقتباس کرده و عنوان عیسای ناصری (ع) قرار دادند ولی در سده‌های بعد، آن عنوان را بنام «مسیح» تغییر صورت داده و اکنون چنین وانمود می‌شود که کلمه Christ مشتق از لغت یونانی Christos است که به معنای مسح شده با روغن متبرک است.

در کتاب تاسیت مورخ رومی، تحت عنوان «تاریخ منتظم وقایع» (Les Annales) که در حدود سال ۱۱۷ میلادی نوشته شده، اشاره‌ای به زجر و آزار مسیحیان در عهد امپراتور نرون در سال ۶۴ میلادی شده است. تاسیت وجه تسمیه لغت «مسیحی» را چنین توضیح می‌دهد:

«مسیحی از لغت کریست (مسیح) می‌آید که پونتئوس پیلاطس والی، وی را در زمان حکومت Tibere به دار آویخت...»

(کتاب درباره مفهوم انجیل‌ها، صفحات ۶۳ و ۶۴)

در کتاب «تقویم و تاریخ در ایران» از کتاب:

L'ère des Arsacides. A.Terrien de Lacouperie. 1891.

چنین نقل شده:

۱ - کتاب «ادیان و مکتب‌های فلسفی هند». جلد اول صفحه ۲۷۱.

«روی یکی از سکه‌های اشکانی، که از یک قرن پیش از میلاد است، بعد از نام پادشاه اشکانی نام کریستو نوشته شده است که باعث تعجب شده.»

(صفحه ۹۵)

باعث تعجب از آن شده که سکه فوق می‌رساند که دوران حیات کریست مربوط به پیش از ظهور عیسای ناصری (ع) بوده است.

۲- گاه شماری اهالی سغد و خوارزم

فقره زیر از کتاب آثارالباقیه، ترکیب گاه شماری اهالی سغد و خوارزم را تا حد مطلوبی مشخص می‌نماید و ما با استفاده از این اطلاعات و به کمک گاه شماری پارسیان، می‌توانیم به ماهیت آن گاه شماری‌ها نزدیک شویم:

«پس از ماه‌های فارسیان، شهر مجوس ماوراءالنهر را که اهل خوارزم و سغد باشند یادآوری می‌کنیم و ماه‌های این قوم نیز در عده و کمیت ایام مانند ماه‌های پارسیان بوده جز اینکه میان برخی از اوایل شهر خوارزمیان و مبادی شهر فارسیان جزئی خلافتی است و بیان مطلب آنست که خوارزمیان ایام خسمه زایده را به آخر سال خویش ملحق می‌کردند و ابتدای سال را از روز ششم فروردین ماه که خرداد روز باشد می‌گرفتند پس در نتیجه، اوایل شهر این دو گروه با هم اختلاف می‌یافت و پس از فروردین ماه باز رفع اختلاف می‌شد و کاملاً با هم تطابق می‌یافتند و اسماء شهر اهل سغد بدین قرار است:

نوسرد، جرجن، نیسن، بساک، اشناخندا، مژرخندا، فغاز، ابانج، فوغ، مسافوغ، ژیمدا، خشوم...

و نام‌های روزهای زائد بر سیصد و شصت از این قرار است:.....

ایشان در اختلاف نام‌های این پنج روز بعینه مانند خود پارسیان می‌باشند...

... نوعاً ایشان این پنج روز را به آخر خشوم زیاد می‌کردند و اما در کبس چهار یک‌ها با اهل فارس موافق بوده‌اند و هم‌چنین در اهمال کیسه با فارسیان موافقت می‌نمودند...

اما اهل خوارزم اگرچه شاخه‌ای از باغستان فاسیان بودند ولی در آغاز سال (و

وضع الحاق زوائد) به اهل سغد مقتدی بوده اند.»

(صفحات ۷۳ و ۷۴)

- فقره زیر از کتاب آثارالباقیه نشان می دهد که ماه های اهالی سغد و خوارزم، همانند ماه های پارسی، ماه های سیار بوده اند:

«... و اهل خوارزم و سغد که پیرو کیش پارسیان و در تحت فرمان و طاعت آنها بودند و در ایام دولتشان خود را به آنان منسوب می کردند، مانند ایرانیان عمل می کردند... و رأی پارسیان در اسلام و اهل خوارزم و سغد بکلی اعراض از کسور یعنی از ربع ها می باشد.»

(صفحه ۱۴)

در کتاب آثارالباقیه، جدول صفحه ۱۰۵، مبداء سال های اهالی سغد و خوارزم، «نیروز دوم» دانسته شده که تأییدیست بر سیاربودن ماه های فوق.

- اسامی روزها و ماه های اهالی سغد و خوارزم نشان می دهند که آنان زرتشتی نبوده، پس خود را ملزم نمی دانسته اند تا پنج روز اندر گاه را پس از پایان ابان ماه بطور ثابت نگهداشته و موقعیت مکانی آن را تغییر ندهند.

- در اجرای کیسه های ۱۲۰ سالی اهالی سغد و خوارزم- به همان گونه که در سال های تاریخی، نجومی دیده شد، پنج روز اندر گاه یک ماه به جلو کشیده شده و در پایان سال و در خاتمه آخرین ماه زمستانی قرار می گرفته است و در نتیجه پس از پایان یک گردش ۱۴۴۰ سالی، سر آغاز گاه شماری آنان نسبت به گاه شماری پارسیان، پنج روز اختلاف پیدا کرده است و ما در پیش از چگونگی پیدایش اختلاف موجود در گاه شماری آنان آگاه شدیم.

۳- گاه شماری مصریان

برخی از مورخین معاصر به مناسباتی، افسانه های غیر واقعی در باره گاه شماری مصریان بهم بافته اند که اظهارات واهی آنان اساس علمی نداشته و آن ساخته ها را نمی توان ملاک بررسی قرار داد و برعکس از تلفیق و تعمق در برخی از مضامین نوشته های قدماء واقعیت مشخص می شود، چنانچه در کتاب های تاریخی زیر

آمده است:

از کتاب «تاریخ پیامبران و شاهان»:

«سال‌های قبطیان در کتاب‌ها بدست نیامده است و من شرح آن را فقط در زیج (زیجه) یافته‌ام، نذیری در زیج خود گوید: نخستین و قدیم‌ترین تواریخ همان است که بطليموس در مجسطی اوساط ستارگان تندرو را بدان نهاده است، یعنی همان سالی که بخت النصر به زمین مغرب دست یافت، سپس تاریخی که ثاؤن زیج خود را بدان نهاد و آن تاریخ فیلسف است، پس از اینها تاریخ اسکندر و تاریخ انطونیوس است و همین تاریخ اخیر است که بطليموس در مجسطی حساب ثوابت را بر آن نهاده است، تاریخ قبطیان در کتاب مجسطی از نخستین سالی است که بخت النصر به سرزمین مغرب آمد و آغاز آن چهارشنبه بود.»

(صفحات ۸۵ و ۸۶)

انطونیوس همان کسی است که «فرمان داد تا بیت المقدس را دوباره بساختند و آن را ایلیا نامید.»

(تاریخ پیامبران و شاهان صفحه ۷۲)

- از کتاب «تاریخ یعقوبی»:

«سال قبطیان سیصد و شصت و پنج روز و دوازده ماه و هر ماهی سی روز است که پنج روز آن را بنام (نسی) نامند. ماه اول قبطیان که آغاز سال آنهاست، ماه (توت) است و روز اول آن را (نیروز) می‌نامند و می‌گویند آغاز معمور شدن زمین در آن بود.»

(صفحه ۲۳۲)

- از کتاب «آثار الباقیه»:

«اما مشهور مصریان - ماه‌های قبطی دو قسم است: مکبوس و غیر مکبوس. اگرچه مصریان مانند امم دیگر در ماه‌ها، روش خاصی داشته‌اند ولی ما از آن بی‌خبریم و نیز از مشهور مکبوسی هم که در عهد ما دارند آگاه نیستیم جز اینکه نقل می‌کنند که نوروز قبطیان روز اول شهر توت است و در این روز آب نیل بالا می‌آید و در روز شانزدهم از ماه بونه زیاد می‌شود و به گفته دیگر، در روز بیستم این ماه آب

نیل زیاد می گردد .

دور نیست که مصریان برای اینکه میان رومیان و سریانیان واقعند و در سال‌های خود با این دو متفقند ، در طرز کیسه نیز از ایشان پیروی کرده باشند بغیر از حالات خاصه‌ای از قبیل احوال میاه ، هواهای مختلف ، باد و باران که اختصاص به مسکن ایشان دارد . »

(صفحه ۳۷۴)

از کتاب آثارالباقیه :

« تا کنون اطلاع نیافته‌ام که هیچ ملتی از ایرانیان و هندیان و خوارزمیان جز مصریان قدیم ، پیروی کرده باشد چه همانطور که گفتم ماه را به نام‌های روزهای سی گانه‌اش بکار می‌بستند تا اغسطس بن یوجس به آنان سلطنت کرد و خواست مصریان را به کیسه کردن سالیان وادارد تا با مردم روم و اسکندریه همیشه هماهنگ گردند و چون دید که به اتمام کیسه‌ی بزرگ پنج سال مانده منتظر شد تا این مدت از شاهی او بگذرد سپس آنان را واداشت که در هر چهار سال ، مانند رومیان ، یک روز کیسه بگیرند و از آن وقت مصریان نام‌های روزها را بر آنچه گفته‌اند کنار نهادند زیرا آنانکه این شهور را بکار می‌بندند برای روز کیسه به نامی که بر آن نهند ، نیاز پیدا کردند . نام‌های مشهور قبطیان ، که مصریان قدیمند ، چنین است :

توت ، باوبی ، اثور ، شواق ، طوقا ، ما کیر ، فامینوث ، برموتی ، باخون ، پاونی ، افیعی ، ایقا .

این بود نام‌های قدیمی این ماه‌ها ، اما نام‌هایی که پاره‌ای از رؤسای زمان ، پس از کبس بکار بستند ، چنین است :

توت ، باب ، هتور ، کیهک ، طوبه ، امشیر ، برمهارت ، برموزه ، شبنس ، بونه ، اییب ، مسری .

و برخی کیهک را کیاک می‌خوانند و برمهاث را برمھوط و شبنس را بشانس و مسری را ماسوری و آنچه ما ذکر کردیم مورد اتفاق همگان بود ولی در برخی از کتب این نامها مخالف آنچه ما گفتیم دیده می‌شود :

و پنج روز زائد را (ابو غمنا) می‌گویند و ترجمه‌ی این لفظ (ماه کوچک) است

و به آخر مسری ملحق می شود و یک روز برای کبس می افزایند و ابو غمنا شش روز می شود و سال کبیسه را (نقط) گویند و تفسیر این کلمه علامت و نشان است.»

(صفحات ۷۵، ۷۶)

با تعمق در مضامین آمده در خلال مأخذ فوق، استنباطات زیر حاصل می شود:

- مبداء گاه شماری مصریان، تاریخ بخت نرسی سال ۷۶۵ ق.م/ ۹۶۱ رصد بوده و عنوان بخت النصری تحریف شده آن تاریخ است.

- تاریخ بخت نرسی خود مشتق از تاریخ رصد فریدون در سال ۱۷۲۵

ق.م/ ۱ رصد، است که سر آغاز تاریخ اخیر از روز چهارشنبه یکم فروردین ماه شروع شده و از آن تاریخ دو گونه گاه شماری با کبیسه و بی کبیسه به موازات هم جریان داشته است.

- گاه شماری بخت نرسی، با همان اسامی روزها و ماه های زرتشتی، توسط

اسکندر به سرزمین های مصر، یونان و رم برده شده و پس از وی نیز با همان نهج عمل می شده است ولی رومیان اسامی روزها را حذف کرده و اسامی ماه ها را نیز تغییر داده اند بدون آن که در شیوه گاه شماری اقتباس مصریان تغییری داده باشند.

- اینکه گفته شده که اعمال کبیسه در تقویم را اغسطس به مصر برده است برخلاف

واقع است چون اصلاح گاه شماری منتسب به اغسطس مربوط به سال ۴۵ ق.م/ ۱۶۸۱ رصد می باشد و ما در مبحث تاریخ میلادی بدینجا رسیدیم که سال فوق در آغاز بمنظور قراردادن ولادت عیسای ناصری (ع) در آن تاریخ وضع شده است و سپس با تغییر یافتن سال ولادت عیسای ناصری (ع) تاریخ فوق را بعنوان تاریخ اصلاح گاه شماری در زمان اغسطس معرفی کرده اند. جالب آنکه در دوران معاصر تاریخ منتسب به اغسطس را به یولیانس نسبت می دهند در حالی که تا زمان تدوین کتاب آثارالباقیه نامی از گاه شماری یولیانی در میان نبوده است.

- در تاریخ اصلاح گاه شماری در سال ۷۶۵ ق.م/ ۹۶۱ رصد، سر آغاز

گاه شماری ثابت مصری، روز یکم ماه توت معادل با فروردین ماه ثابت و سر آغاز گاه شماری سیار روز یکم ماه شبنس معادل با آذر ماه سیار بوده است (جدول شماره ۱۱)

جدول تطبیقی ماه‌ها
در آغاز سال ۷۶۵ ق.م. ۹۶۱ ر.ص

ماه‌های ثابت			ماه‌های سیار		
ایرانی	مصری	حرانی	پارسی	مصری	حرانی
۱ فروردین	توت	تموز	آذر	شبنس	اذار
۲ اردیبهشت	بابه	اب	دی	بونه	نیسان
۳ خرداد	هتور	ایلول	بهمن	ایب	ایار
۴ تیر	کیهک	تشرین اول	اسفند	مسری	حزیران
۵ امرداد	طوبه	تشرین ثانی	فروردین	توت	تموز
۶ شهریور	امشیر	کانون اول	اردیبهشت	بابه	اب
۷ مهر	برمهات	کانون ثانی	خرداد	هتور	ایلول
۸ آبان	برموده	شباط	تیر	کیهک	تشرین اول
۹ آذر	شبنس	اذار	امرداد	طوبه	تشرین ثانی
۱۰ دی	بونه	نیسان	شهریور	امشیر	کانون اول
۱۱ بهمن	ایب	ایار	مهر	برمهات	کانون ثانی
۱۲ اسفند	مسری	حزیران	آبان	برموده	شباط

- با اجرای کبیسه هارون الرشید در سال ۷۹۶ میلادی / ۲۵۲۱ رصد، روز یکم دی ماه سیار ایرانیان با روز یکم ماه بونه از ماه های سیار مصریان در آغاز فصل بهار قرار گرفته و سال های سیار در همین موقعیت زمانی تثبیت شده و گاه شماری مکبوس قدیمی منسوخ گشته است. مورخین رومی ماه بونه را به جای ماه توت بعنوان سر آغاز سال مکبوس مصریان پذیرفته اند چون پایه های تاریخ میلادی نیز براساس کبیسه هارون الرشید گذارده شده.

- بموجب اصلاح گاه شماری قبطی برحسب کبیسه هارون الرشید، تاریخ بالا آمدن آب رودخانه نیل در روز یکم ماه بونه معادل با یکم دی ماه سیار قرار می گیرد (جدول شماره ۱۲) اینکه می گویند که: «نورز قبطیان روز اول شهر توت است و در این روز آب نیل بالا می آید و در روز شانزدهم از ماه بونه زیاد می شود و به گفته دیگر، در روز بیستم این ماه آب نیل زیاد می گردد.» بدان سبب بوده که پس از اجرای کبیسه هارون الرشید ادعا کرده اند که آب رود نیل در روز یکم ماه بونه بالا می آمده ولی با مطرح شدن اجرای کبیسه های دیگری، بنام متوکل و یا معتضد، زمان زیاد شدن آب رود نیل در روز شانزدهم و یا بیستم ماه بونه قرار گرفته است.

- در صفحه ۱۰۶ از کتاب آثارالباقیه، تحت عنوان ماه های قبطی نوشته شده:

«مبداء مکبوسه از بیست و نهم آب است و مبداء غیرمکبوسه از اول دی ماه» ولی در عبارت فوق تواریخ قلب شده اند چون در تاریخ بخت نرسی سال ۷۶۵ ق.م/ ۹۶۱ رصد آغاز بهار از پایان آبان ماه سیار شروع شده و در اجرای کبیسه هارون الرشید در یکم دی ماه سال ۷۹۵ میلادی / ۲۵۲۰ رصد، ماه های سیار مصری به ماه های ثابت تبدیل شده اند.

۴- گاه شماری حرانی یا سریانی

فقره زیر از کتاب آثارالباقیه، اساس گاه شماری های سریانی و یهود را به روشنی مشخص می سازد:

«مجوس اقدمین آنهایی را گویند که پیش از زردشت بوده اند و امروز نمی توان شخصی از ایشان پیدا کرد که به گفته زردشت معتقد نباشد و بنابر رأی دیگر، مجوس

جدول تطبیقی ی گروه یکم از ماه‌های شمسی
 پس از اجرای کبیسه ۱۲۰ سالی نهم از دور ۱۴۴۰ سالی
 دوم در پایان سال ۱۷۴ هـ. ش. ۷۹۴ میلادی / ۲۵۲۰
 رصد (دوران خلافت هارون الرشید)

شماره بروج	ماه‌های ثابت	ماه‌های سیار
ردیف دوازده گانه	ایرانیان	اهالی
	+	سحستان +
۱ حمل	فروردین	کواذ
۲ ثور	اردیبهشت	رهو
۳ جوزا	خرداد	اوسال
۴ سرطان	تیر	تیرکیانوا
۵ اسد	امرداد	شریزوا
۶ سنبله	شهریور	مریزوا
۷ میزان	مهر	توزر
۸ عقرب	آبان	هرانوا
۹ قوس	آذر	ارکیازوا
۱۰ جدی	دی	کریشت
۱۱ دلو	بهمن	کرسن-سن
۱۲ حوت	اسفند	ساروا
		آذر
		ازو
		فوغ
		ابانج
		فغاز
		مژبخندا
		اشناخدا
		بساک
		نیسن
		جرجن
		اردوشت
		ناوساروجی
		نوسرد
		اسفندارمچی
		خشوم
		اخمین
		زیمژد
		مبافوغ
		سندی
		++
		++

+ - مبداء آن نیروز اول است. (آثار الباقیه صفحه ۱۰۵)

++ - مبداء آن نیروز دوم است. (آثار الباقیه صفحه ۱۰۵)

توضیح: علامت «=» پایان دوازدهمین ماه سال و موضع اندرگاه را نشان می‌دهد.

(جدول شماره ۱۲)

اقدمین از همین قوم اند که زردشت بوده و به رأی دیگر زردشت از قومی بوده که مذهب مهر داشته‌اند و زردشتیان پاره‌ای از امور را در کیش خود ذکر می‌کنند که از مذهب مهر و قدمای حرانیه گرفته شده.

در پیش گفتیم که صابئین حقیقی آنهایی را گویند که بختصر به بابل آورده بود، در آنجا باز ماندند و پس از آنکه دیر گاهی در بابل بماندند، بهمان دیار خو گرفتند و چون اصول صحیحی در دست نداشتند این بود که پاره‌ای از گفته‌های مجوس را که در بابل شنیدند باور داشتند و کیش صابئین از مجوسیت و یهودیت آمیخته است چنانکه همین قضیه برای اشخاصی که از بابل بشام نقل شدند و به سامره معروفند، پیش آمد.

بیشتر صابئین در سواد عراق به طور تفرق زیست می‌نمایند و صابئین حقیقی ایشانند و چون دین این جماعت اساس صحیحی از وحی و الهام ندارد بدین سبب اختلافات بسیاری در مذهب صابئین دیده می‌شود و این گروه خود را به انوش بن شیت بن آدم منسوب می‌دارند.

گاهی حرانیان را که بازماندگان از معتقدان دین قدیم مغرب هستند - که رومیان پس از مسیحیت دست از آن برداشتند - صابئین گویند و این دسته خود را به آغاذاذیمون و هرمس و والیس و باماسوار - که از فلاسفه بشمار می‌روند - منسوب می‌دارند و اشخاص نامبرده را با جمعی دیگر از حکما پیغمبر می‌دانند و طایفه مشهور بصابئین ایشان هستند هر چند که این نام را در دولت عباسی در سال دویست و بیست و هشت بر خود گذاشتند که تا شرایط ذمه در باره ایشان مراعات شود و پیش از این، ایشان را حنفاء و وثیه و حرانیان می‌گفتند.

صابئین ماه‌های خود را به نام‌های سریانی می‌نامند و روش ایشان در ماه و سال به روش یهود مانند است چه یهود، از ایشان قدیمی‌ترند و در سر هر شهری کلمه هلال را می‌افزایند و می‌گویند: هلال تشرین اول، هلال تشرین آخر و آغاز سال ایشان هلال کانون آخر است و لیکن ایشان در عدد، به هلال تشرین اول آغاز می‌کنند و مبداء روز به عقیده ایشان از پیدایش آفتاب است، بخلاف آنانکه بشهور هلالی و قمری معتقدند که مبداء شبانه‌روز را از اول شب می‌دانند. صابئین مبداء را از روز دوم اجتماع حساب می‌کنند، اگر اجتماع نیرین به اندازه یک دقیقه پیش از طلوع آفتاب

باشد مبداء ماه را از روزی که پس از آن است می گیرند و اگر اجتماع با طلوع آفتاب تصادف کند و یا پس از طلوع آفتاب باشد، آغاز ماه روز دوم اجتماع خواهد بود، و چون در سه سال یک ماه و چند روزی برای ایشان جمع شد یک ماه در عقب هلال شباط می افزایند و آن را هلال آذر اول می نامند.»

(صفحات ۵۰۷ و ۵۰۸)

فقره زیر از کتاب آثارالباقیه نشان می دهد که گاه شماری سریانیان نیز همانند گاه شماری ایرانیان به دو گونه ثابت و سیار اعمال می شده:

«کبسه ای را که سریانیان و رومیان بکار می بندند دو قسم است: یکی آنست که برای اسباب معیشت دنیوی و حالات مستحدثه در هوا، و امور دیگری از این قبیل بکار می برند قسم دیگر آنست که اختصاص بحالات دینی ایشان دارد که کیش مسیحی باشد و ما تا اندازه ای که مطلعیم در جای خود از هر دو نوع گفتگو خواهیم کرد.»

با توجه به دست آوردهای فوق، جدول شماره ۱۱ برای تاریخ اصلاح گاه شماری در سال ۷۶۵ ق.م. ۹۶۱ رصد، تنظیم شده، جدول فوق نشان می دهد که در آن سال، ماه آذار سیار معادل با فروردین ماه ثابت بوده و موجب شده تا در اجرای کبسه هارون الرشید در سال ۷۹۵ میلادی/ ۲۵۲۰ رصد، ماه اذار در پایان فصل زمستان قرار گرفته و تثبیت شود و در نتیجه گونه دوم از گاه شماری سریانیان پدید آید.

در برخی از کتب تاریخی، ماه اذار معادل با اولین ماه بهار به حساب آمده که آن فقرات مربوط به پیش از اجرای کبسه هارون الرشید می باشند و از آن جمله:

«نیسان: به فتح اول، هفتمین ماه تقویم رومی و دومین ماه تقویم سریانی است که مطابق با ماه دوم بهار است.»

(برهان قاطع به تصحیح آقای دکتر معین)

«ادیب یعقوب کردی نیشابوری در کتاب البلغه» در فصل «فی اسماء الشهور بالسریانیه» اسامی ماه های سریانی را این طور می آورد:

«پس ایلول و تشرین اول و تشرین آخر ماه های پائیزند و کانون اول و ثانی و شباط ماه های زمستان و اذار و نیسان و ایار ماه های بهار و حزیران و تموز و آب ماه های تابستان و سه روز آخر شباط باضافه ۴ روز از اول اذار بنام روزهای عجزواند

که باید همان اندر گاه آنان بوده است.»

(نقل از صفحه ۴۷ کتاب زروان)

- گاه شماری حرانیان به نام‌های اسکندری، سریانی و یا سلوکی نیز خوانده شده است اما صحیح آن همان گاه شماری حرانی است چنانچه در کتاب الفهرست، که دارای قدمت بیشتری است، نسبت آن گاه شماری به حرانیان داده شده.

- هرودت معتقد است که اهالی سوریه از خوزستان به آن سرزمین مهاجرت کرده‌اند و در آثارالباقیه نیز چنین آمده: «برخی گفته‌اند که سورستان بلد و شهری و قسمتی از خوزستان است و این سخن دور از صواب نیست.»

(صفحه ۳۱۳)

- کتب سفر خروج و سفر لاویان گواه بر آن است که قوم یهود برای هیچ یک از ماه‌های خود اسامی خاصی نداشته و حساب ماه‌های سالیانه خود را با شمارش اعداد ترتیبی نگهداری می‌کرده‌اند. پس اسامی ماه‌های اسکندری، سلوکی و یهودی، غیرعبری بوده و چنانچه پیداست از حرانیان گرفته شده‌اند.

- در پیش دیده شد که تاریخ سلوکی همان تاریخ یهود بوده و مبداء آن هزاره گرد خروج آن قوم از مصر می‌باشد و در این صورت گاه شماری‌های یهود و سلوکی دارای اساس و ریشه مشترکی بوده‌اند.

- تثبیت شدن ماه اذار پس از کبیسه هارون‌الرشید می‌رساند که ادوار ۱۹ سالی قمری در گاه شماری یهود و کبیسه یک روز در ۴ سال در گاه شماری سلوکی دارای قدمت چندانی نبوده و پس از اجرای کبیسه فوق‌بدان صورت درآمده‌اند.

- در گاه شماری سریانی، ماه شباط ماه کبیسه است و این ماه معادل با آبان ماه سیار پارسی می‌باشد (جدول شماره ۱۳) پس گاه شماری‌های سلوکی و یهودی، همانند گاه شماری پارسیان، دارای ماه‌های سیار بدون کبیسه بوده‌اند معهذا پس از اجرای کبیسه هارون‌الرشید، ماه شباط نیز بعنوان ماه کبیسه در موقعیت ثابتی قرار گرفته است.

۵- تشکیل تاریخ میلادی

تاریخ میلادی در دوران تشکیل و تکامل خود مراحل چندی را طی نموده تا بصورت کنونی در آمده است لذا بمنظور شناخت آن تاریخ، می‌بایست هریک از این مراحل پیموده شده به شرح زیر، مورد بررسی قرار گیرد.

الف - تاریخ نقیه یا تاریخ قسطنطین

مورخین نصرانی چنین نقل می‌کنند:

در ۲۸۴ میلادی، دیوکلسین به تخت امپراطوری رم نشست و هم خود را مبدول داشت تا امپراطوری روم را منظم و مقتدر سازد بدین مقصود همکاری بنام ماکسیمین Maximian برای خود انتخاب نمود و دو معاون، یکی برای خود و یکی برای همکارش، اختیار کرد و این دو نفر را ملقب به قیصر نمود. در همین ایام گالریوس Galerius او را ترغیب کرد که فرمانی صادر نماید تا دیگر اثری از کلیسا باقی نماند.

در سال ۳۰۵ میلادی دیوکلسین از خدمت کناره گرفت و جنگ داخلی همه جا رخ نمود تا بالاخره در سال ۳۱۰ میلادی گالریوس فرمانی صادر کرد که به موجب آن تمام حقوق مسیحیان به ایشان مسترد گردید. در این اوان لشکریان روم، قسطنطین پسر گالریوس را به امپراطوری اعلان نمودند ولی پنج نفر دیگر در مقابل وی ادعای امپراطوری می‌کردند تا بالاخره در سال ۳۱۲ میلادی، قسطنطین به یاری مسیحیان، بر دشمنانش فائق آمد و این امر موجب شد تا مسیحیت را قبول کند و آن را دین رسمی امپراطوری خود گرداند.

از زمان او غسطس، امپراطوران هم دارای مقام ریاست مملکتی و هم دارای ریاست دینی بودند، قسطنطین هم این وظیفه را از دست نداد و متدرجاً امپراطور - چنانکه سابقاً رئیس ادیان بت پرستی بود - رئیس دین مسیحی شد و روحانیون مسیحی را هم امتیازات بزرگی بخشید.

در ژوئن سال ۳۲۵ میلادی شورای عمومی کلیسا در شهر نقیه Nicaea منعقد گردید و نمایندگان از کلیساهای مختلفه امپراطوری روم، برای اولین مرتبه، به گرد هم جمع آمدند. گرچه امپراطور هنوز تمعید نگرفته بود معهذا در این شوری حاضر و

سمت مدیریت را داشت. در این شوری اعتقادنامه مسیحیت به تصویب عموم نمایندگان رسید و به سال شمسی برای مقاصد و امور کلی رسمیت داده شد اما در مورد پاره‌ای از امور دینی - از جمله برگزاری عید پاک - سال قمری را مبداء شناختند. معه‌ذا مضمون فقره زیر از کتاب «تاریخ پیامبران و شاهان» درجه اصالت تاریخ نیقیه را مشخص می‌سازد:

«ابو معشر منجم در کتاب الوف، تواریخ یونانیان و روم را آورده است و آن به شرحی است که در اینجا نقل می‌کنیم:

«به گمان وی فیلس آخرین پادشاه یونانیان بوده و در شهر مقدونیه از سرزمین روم می‌نشسته است و یونانیان نخستین سال پادشاهی او را برای سال‌های بعد تاریخ نهاده‌اند و رومیان تاریخ خود را از مبداء فیلس به سه فصل تقسیم کرده‌اند: از نخستین سال سلطنت وی تا پایان ۲۹۴ را به نام سنین یونانی خوانده‌اند، از سال ۲۹۴ به بعد تا سال ۶۰۷ سنه دیگری است که رومیان آن را سنه اغسطس به نام نخستین پادشاه خودشان نامیده‌اند و از سال مذکور تا زمان ما به نام سنه دقلطیانوس خوانده می‌شود زیرا پادشاهی به همین شخص رسید و در اعقاب او بماند و خداست راهنمای صواب» (صفحه ۷۷)

از نوشته‌های فوق استنباط می‌شود که تا زمان ابومشعر بلخی، نامی از تواریخ قسطنطنین و نیقیه در میان نبوده و تا آن زمان، تاریخ دیوکلسین رایج بوده است و چنانچه از پیش می‌دانیم، تاریخ دیوکلسین نیز بر مبنای هزاره گرد انقراض دولت اسرائیل تشکیل یافته لذا محتمل است که تاریخ قسطنطنین نصرانی در برابر تاریخ دیوکلسین یهودی مطرح شده باشد.

در خلال بررسی‌هایی که از این پس انجام خواهد گرفت دزمی‌بابیم که گاه شماری نیقیه در آغاز شاخه‌ای از گاه شماری ثابت ایرانیان بوده و تفاوت موجود مابین آن دو گاه شماری به تدریج پدید آمده است و این واقعیت می‌رساند که نمایندگان کلیساهای مختلف در شورای نیقیه، همان گاه شماری ایرانیان را مبداء تاریخ خود قرار داده بودند.

از آنجائی که اسامی ماه‌های ایرانی با کتاب اوستا پیوندی اساسی و ناگسستنی

داشته، مورخین نصرانی در نخستین تبدیل، اسامی ماه‌های ایرانی را تغییر داده و ۱۲ شماره از اعداد ترتیبی را به جای آن اسامی قرار داده‌اند معذالک برحسب برخی از ضروریات عقیدتی، شمارش ترتیبی بعضی از ماه‌ها به اسامی اشخاص تبدیل یافته از جمله آنکه ماه اول سال به نام ماه مارس تغییر پیدانموده در حالی که ماه اول سال در سفر لاویان با شماره ترتیبی زیر آمده است:

«در ماه اول سال در روز چهاردهم ماه بین العصرین فصیح خداوند است.»

(۵:۲۳)

- واژه «مارس» نام ستاره مریخ یا بهرام است. در سفر پیدایش بیان شده که در آغاز حضرت ابراهیم را ابرام می‌نامیده‌اند (۵:۱۷)، برخی را نظر بر آن است که نام ابرام برابر با نام ستاره بهرام بوده است.

در اسناد تورفانی دیده شد که روز یکم ماه مارس معادل با روز یکم از فروردین ماه ثابت ایرانیان می‌باشد، تطبیق دو گاه شماری مذکور نشان می‌دهد که برابری سرآغاز دو گاه شماری فوق تا اصطلاح تقویم میلادی، در زمان پاپ گرگوار سیزدهم، همچنان برقرار بوده است.

در ارتباط به اجرای کبیسه‌های ۱۲۰ سالی، با نام چند اصلاح گاه شماری آشنا می‌شویم که هیچیک از آن اصلاحات واقعیت نداشته و توسط مورخین نصرانی جعل شده‌اند که از آن جمله تواریخ متو کلی و معتضدی می‌باشند:

ب- تاریخ متو کلی

از پیش می‌دانیم که مورخین نصرانی، تاریخ انهدام معبد یهود را در دی گان سال ۵۸۶ ق.م. / ۱۱۴۰ رصد (= ۱۵x۴ + ۱۲۰x۹) دانسته‌اند. پس از گذشت یک گردش نجومی ۱۴۴۰ سالی از تاریخ انهدام معبد یهود، مجدداً روز پانزدهم دی ماه سیار، معادل با اورمزد روز از فروردین ماه ثابت از سال:

۲۴۱ هـ. ق. / ۲۳۴ هـ. ش. / ۸۵۵ میلادی / ۲۵۸۰ رصد (= ۱۵x۴ + ۱۲۰x۹ + ۱۴۴۰) قرار گرفته است.

دوران خلافت المتوکل علی‌الله در سال‌های ۲۳۲ - ۲۴۷ هـ. ق. / ۸۴۷ - ۸۶۱

میلادی قرار داشته پس تاریخ دی گان از گردش ۱۴۴۰ سالی دوم مصادف با زمان خلافت این خلیفه عباسی بوده است.

در کتاب «نوروزنامه» منسوب به عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری، برگذاری کیسه‌ای بدین شرح به متوکل علی‌الله نسبت داده شده:

«متوکل وزیری داشت نام او محمد بن عبدالملک، او را گفت افتتاح خراج در وقتی می‌باشد که مال در آن وقت از غله دور باشد و مردمان را رنج می‌رسد و آئین ملوک عجم چنان بوده است که کیسه کردند تا سال به جای خویش باز آید و مردمان را به مال گذاردن رنج کمتر رسد چون دستشان به ارتفاع رسد. متوکل اجابت کرد و کیسه فرمود و آفتاب را از سرطان به فروردین باز آوردند و مردمان در راحت افتادند و آن آئین بماند...»

(صفحه ۲۱)

مورخین نصرانی، با استناد به دستور واهی فوق، روز پانزدهم دی ماه سیار معادل با روز پانزدهم ماه مارس را سرآغاز سال قرارداده و دستور اجرای چنین کیسه‌ای را منسوب به متوکل عباسی ساخته‌اند.

از زمان اجرای کیسه هارون الرشید در سال:

۱۷۴ هـ. ش / ۷۹۵ میلادی / ۲۵۲۰ رصد تا کیسه متوکل در سال ۲۳۴ هـ. ش / ۸۵۵ میلادی / ۲۵۸۰ رصد، بیش از ۶۰ سال فاصله زمانی وجود نداشته و نسبت به این مدت زمان کوتاه، موجبات اجرای کیسه جدیدی فراهم نبوده است بدین سبب، مورخین نصرانی کیسه هارون الرشید را منتفی قلمداد نموده و کیسه پیشکی و غیرواقعی یزدگرد بن شاهپور را در جای آن قرار داده‌اند.

مورخین رومی با منظور کردن کیسه غیرواقعی متوکل در تاریخ و نجوم، گاه شماری نصرانی را از گاه شماری ایرانیان مجزی ساخته و به ازاء آن، ارتباط جدیدی با تاریخ یهود برقرار ساخته‌اند.

ج - تاریخ معتضدی

در تشکیل تاریخ ولادت عیسی ناصری (ع) دانسته شد که مورخین نصرانی در

آغاز تاریخ بشارت مادر مهر اشکانی را تاریخ بشارت حضرت مریم قرار داده بودند ولی در سده های بعد تغییرات چندی در سال های تاریخی فوق داده شد تا بالاخره تاریخ خرداد روز از خردادماه سیار معادل با اورمزد روز از فروردین ماه ثابت از گردش ۱۴۴۰ سالی دوم در سال:

$$۲ \text{ ق. م.} / ۱۷۲۴ \text{ رصد } (= ۱۱ \times ۴ + ۲ \times ۱۲۰ + ۱۴۴۰)$$

تاریخ بشارت حضرت مریم به حساب آمد و بر آن اساس مبداء تاریخ میلادی تثبیت گردید.

با برگزیده شدن تاریخ ثابتی به عنوان تاریخ بشارت حضرت مریم، این ضرورت پدید آمد که سال بشارت، به جای تاریخ انهدام معبد یهود، مبداء گاه شماری نصرانیان قرار گیرد و در این راستا، تاریخ تخلیلی کیسه متو کلی به دست فراموشی سپرده شد و متناسب با نظریات جدید، تاریخ معتضدی جایگزین آن کیسه گردید.

داستان غیرواقعی زیر که از ملحقات بعدی به کتاب آثارالباقیه است چگونگی تبدیل کیسه متو کلی به کیسه معتضدی را مشخص می سازد:

«... متو کل ابراهیم بن عباسی صولی را به دربار احضار کرد و او را امر نمود با موبد درباره ی نوروز همراهی کند و روزها را بشمارد و قانون تغییرناپذیری وضع نماید و از طرف متو کل به همه شهرها بنویسد که نوروز را تأخیر بیندازند و چون ابراهیم بن عباس صولی با موبد نشستند و حساب نمودند بر این عزم شدند که نوروز را به هفدهم بیندازند و متو کل نیز این رأی را پسندید و به آفاق و اطراف کشور نامه ها نوشتند که حکام نیز چنین کنند و این واقعه در محرم ۲۴۳ هجری بود.

و متو کل کشته شد و نتوانست این کار را به پایان برساند و معتضد به جای او نشست و پس از آنکه کشور را از وجود مردم یاغی پاک کرد و فرصتی یافت که به امور رعیت سرکشی کند، مهمترین چیزی که به نظر او رسید امر کیسه بود که باید آن را به اتمام رساند و معتضد مانند متو کل تصمیم گرفت که نوروز را به تأخیر اندازد جز اینکه میان متو کل و معتضد این فرق است که متو کل میان سالی را که در او بود و سال اول تاریخ پادشاهی یزد گرد را گرفت و معتضد میان سالی را که در او بود و سالی را که پادشاهی از دست ایرانیان به هلاکت یزد گرد بیرون رفت، یا خود معتضد

بر این گمان بود و یا دیگر اشخاصی که این کار به دست ایشان شد، که ایرانیان از زمان هلاکت یزدگرد کیسه‌ی خود را اهمال کرده‌اند و این مدت را ۲۴۳ سال یافتند که سهم آن ازار باع شصت روزی و کسری خواهد بود و معتضد این شصت روز را بر نوروز خود بیفزود و آن را آخر این ایام دانست و آن اول روز خردادماه آن سال بود و روز چهارشنبه و موافق با یازدهم حزیران، سپس نوروز را به ماه‌های رومی بردند تا آنکه هروقت رومیان شهر خود را کیسه می‌کنند نوروز نیز کیسه شود و آن کس که تولیت این کار را عهده‌دار بود و به پایان رسانید، ابوالقاسم عبیدالله بن وهب بود، اگرچه در این کار بسیار دقت نمودند ولی نوروز به کیسه‌ای که استحقاق داشت نرسید زیرا ایرانیان از هفتاد سال پیشتر از یزدگرد، کیسه خود را اهمال کرده بودند...

(صفحات ۵۲ تا ۵۴)

(توضیح آنکه در مورد تاریخ متو کلی: سال ۲۴۳ هجری آمده در روایت فوق،

تصحیف سال ۲۳۴ ه. ش می‌باشد:)

با توجه به فقره فوق چنین خواهیم داشت.

۳۱ ه. ش / ۲۳۷۷ رصد

سال کشته شدن یزدگرد یا مبداء تاریخ مجوس

سال ۲۴۳

میان سال‌های تاریخ مجوس و تاریخ معتضدی

مبداء تاریخ معتضدی ۲۷۴ ه. ش / ۸۹۵ میلادی / ۲۶۲۰ رصد (= ۲۴۳ + ۲۳۷۷)

رابطه زیر می‌رساند که در تاریخ معتضدی، نوروز اول یا روز یکم فروردین ماه

ثابت معادل با روز ۲۵ دی ماه سیار بوده است:

$$۲۵ \times ۴ + ۹ \times ۱۲۰ + ۱۴۴۰ = ۲۶۲۰ \text{ رصد}$$

و از روابط زیر:

$$۲۶۲۰ - ۱ = ۹۳ \times ۲۸ + ۱۵$$

$$۱۵ \times ۱ / ۲۵ = ۱۸ / ۷۵$$

$$۱۸ = ۲ \times ۷ + ۴$$

این نتیجه حاصل می‌شود که در تاریخ معتضدی، نوروز اول یا روز یکم فروردین

ماه ثابت روز شنبه بوده و روز یکم دی ماه سیار یا سر آغاز تاریخ معتضدی روز

چهارشنبه بوده است.

بنابر نص روایت، معتضد دستور داده تا روز چهارشنبه یکم دی ماه سیار سال: ۲۷۴ هـ. ش / ۲۶۲۰ رصد، نوروز اول یا آغاز سال ثابت گرفته شود پس در زمان صدور آن فرمان و با توجه به ۵ روز اندرگاه در پایان سال ثابت، روز یکم دی ماه سیار برابر با روز یازدهم اسفندماه ثابت بوده و نوروز دوم یا روز یکم فروردین ماه سیار معادل با روز یازدهم خردادماه ثابت به حساب آمده و موضوعات فوق می‌رسانند که تاریخ معتضدی به منظور مقابله با تاریخ هارون‌الرشید عنوان شده است. در کتاب آثارالباقیه چنین نقل شده:

«ابوالعباس آملی در کتاب دلایل قبله چنین گفته که مغاربه ماه‌هایی را استعمال می‌کنند که اوایل آن با اوایل شهور قبط موافق است و آن ماه‌ها را چنین می‌نامند: مایه‌ل، یونیه‌ل، اغست‌ل، استنبرل، اکتوبرل، نونبرل، دخیمبرل، فیریرل، مرسل، ابریرل، سپس پنج روزهایی است که در آخر سال ملحق می‌شود...» (صفحات ۷۶ و ۷۷)

با توجه به اینکه آغاز سال مغاربه یا ماه مایه (ماه مه) معادل با خردادماه ثابت پارسی بوده (جدول شماره ۱۳) پس چنین استنباط می‌شود که:

- گاه شماری مغاربه بر مبنای تاریخ معتضدی تشکیل یافته.
- گاه شماری مغاربه مبین آن است که کیسه یک روز در چهارسال در تاریخ میلادی، از مبداء تاریخ معتضدی به موقع اجرا گذارده شده.
- حرف «ل» آمده در آخر ماه‌های مغاربه معرف عدد ۳۰ بوده و تعداد روزهای ماه را نشان می‌دهد پس تا زمان طرح کیسه معتضدی، سال میلادی متشکل از ۱۲ ماه ۳۰ روزه و پنج روز اندرگاه بوده و توزیع پنج روز اندرگاه در آخر بعضی از ماه‌های سال و تشکیل ماه‌های ۳۱ روزه از آن گونه تغییراتی است که پس از طرح کیسه معتضدی، در گاه شماری میلادی داده شده است.

د - اصلاح تقویم میلادی

چنانچه می‌دانیم، مورخین نصرانی بر این عقیده بوده‌اند که حضرت مریم در

جدول تطبیقی ماه‌ها

در سال ۳۱۶ میلادی / ۲۰۴۱ رصد (= ۱۴۴۰ + ۱۲۰ × ۵ + ۱)

ردیف ایرانی	ماه‌های ثابت		ماه‌های سیار	
	رومی	میلادی	پارسی	حرانی
۱ فروردین	مرطیوس	مارس	شهریور	کانون اول
۲ اردیبهشت	افلیریوس	آپریل	مهر	کانون ثانی
۳ خرداد	مایوس	مه	آبان	شباط
۴ تیر	یونیوس	جون	آذر	اذار
۵ امرداد	یولیوس	جولای	دی	نیسان
۶ شهریور	اغسطس	اگست	بهمن	ایار
۷ مهر	سبتمبریوس	سپتمبر	اسفند	حزیران
۸ آبان	طمبریوس	اکتوبر	فروردین	تموز
۹ آذر	نوامبریوس	نومبر	اردیبهشت	اب
۱۰ دی	دمیریوس	دسیمبر	خرداد	ایلول
۱۱ بهمن	ینواریوس	ژانوری	تیر	تشرین اول
۱۲ اسفند	فبراریوس	فبروری	امرداد	تشرین ثانی

(جدول شماره ۱۳)

اورمزد روز از فرودین ماه ثابت معادل با روز یازدهم از خرداد ماه سیار سال ۱۷۲۴/م. رصد، و در پایان یک گردش ۱۴۴۰ سالی از خروج یهود از مصر، بشارت یافته است ولی در اجرای کیسه معتضدی، روز یازدهم خرداد ماه سیار با روز بیست یکم امرداد ماه ثابت مقارن و تثبیت شده و در نتیجه روز بشارت از سر آغاز بهار دور افتاده بود و این امر رضایت خاطر پیشوایان مذهبی را فراهم نمی ساخت تا بالاخره در سال ۱۵۸۲ میلادی پاپ گرگوار سیزدهم فرمان داد تا تغییرات لازم در تقویم انجام گیرد.

تقویم میلادی بر مبنای این نظریه اصلاح شد که در زمان تشکیل شورای نیکه، روز بشارت حضرت مریم در ۱۱ خرداد ماه سیار معادل با ۱۱ مارس سیار منظور و تثبیت شده بوده و چون طول سال شمسی حقیقی قریب به ۱۱ دقیقه کوتاهتر از طول سال تقویمی بوده است، لذا در تاریخ اصلاح تقویم میلادی، ۱۰ روز اختلاف زمانی به شرح زیر در تقویم تصور گردید:

$$\text{روز } 9/81 = 0.0078 \times 1257 = (325 - 1582)$$

پس پاپ گرگوار، به توصیه یکی از ستاره شناسان آلمانی به نام کریستوفر کلادیوس، فرمان داد که پنجم اکتبر ۱۵۸۲ را پانزدهم اکتبر ۱۵۸۲ بدانند و در نتیجه روز بشارت حضرت مریم در بیست و یکم ماه مارس قرار گرفت و برای آنکه چند قرن بعد اشتباه فوق تکرار نشود پاپ دستور داد طرز محاسبه ی سال کیسه را تغییر دهند و در نتیجه سال هایی که دو رقم سمت راستشان با دو صفر ختم می شود از کیسه شدن مستثنی شدند مگر آنکه به رقم ۴۰۰ قابل تقسیم باشند.

در تقویم ژولیان تمام سال های آخر قرن به عنوان سال کیسه در تقاویم ثبت می شوند: مثلاً سال های ۱۶۰۰ - ۱۷۰۰ - ۱۸۰۰ - ۱۹۰۰ - ۲۰۰۰ - ۲۱۰۰ و ... اما در تقویم جدید فقط سال های ۱۶۰۰ و ۲۰۰۰ که به ۴۰۰ قابل تقسیم هستند، به عنوان سال کیسه منظور می شوند.

در گاه شماری میلادی برخی تغییرات دیگر به وجود آمده که ناشی از اصلاح تقویم گرگوار بوده اند:

- به دستور پاپ گرگوار سیزدهم، اصلاح تاریخ میلادی بر اساس نظریه ای

صورت گرفت که سر آغاز تاریخ نیقیه در روز ۱۱ خردادماه سیار پنداشته می شد ولی درواقع این روز مربوط به سر آغاز تاریخ میلادی در سال ۲ ق.م/ ۱۷۲۴ رصد بوده است پس می بایست از مبداء تاریخ میلادی، کیسه یک روز در چهارسال منظور می شد تا روز یازدهم خردادماه در سر آغاز تاریخ میلادی تثبیت می گردید، بدین سبب، سر آغاز سال های میلادی، در محاسبه، از سال مبداء تثبیت شد و جهت واقعیت بخشیدن به این حساب سازی، داستان تخیلی زیر ساخته گردید:

«از سال ۴۵ قبل از میلاد به بعد، تقویم رومیان بطور کلی با توجه به وضعیت خورشید و فصول تدوین می شد، این تقویم حتی نسبت به تقویم مصریان کامل تر و جامع تر بود.

سال مصریان به ۳۶۵ روز تقسیم شده بود اما در عمل، سال خورشیدی به ۳۶۵/۲۵ روز بالغ می شد. بنابراین، تقویم مصری ها هر سال در حدود یک چهارم روز یا در حدود ۶ ساعت از خورشید عقب می ماند که این تأخیر در هر چهارسال به یک شبانه روز بالغ می شد...

ژولیوس سزار نیز از این ۶ ساعت اطلاع داشت... ژولیوس سزار پیشنهاد کرد که سه سال ۳۶۵ روز و سال چهارم ۳۶۶ روز محاسبه شود و به این ترتیب، سال تقویمی از خورشیدی عقب نمی ماند.

روز اضافی به ۳۶۵ روز سال چهارم، به روز کیسه و سال آن به سال کیسه موسوم است. کلیه تقویم هایی که سال را به شرح فوق الذکر محاسبه می کنند به تقویم ژولیان معروفند.

سال رومیان از نیمه ی ماه مارس آغاز می شد که نزدیک به زمان تحویل بهار بود. اما دولت مردان روم، اول ژانویه را به عنوان آغاز سال خویش قلمداد می کردند و همین امر باعث شد تا ژانویه به عنوان اولین ماه سال شناخته شود.

ژولیوس سزار نیز آغاز سال را روز اول ژانویه معرفی کرد و اتفاقاً، دو سال پس از آن، درست در اولین روز سال تقویم قدیمی به قتل رسید.

(کتاب گردش زمان، صفحات ۱۳۵ و ۱۳۶)

ولی در بخش پنجم در موضوع تشکیل تاریخ میلادی دیده شد که در سومین

مرحله از تشکیل تاریخ میلادی، تاریخ ولادت عیسیای ناصری (ع) در سال ۴۵ ق.م / ۱۶۸۱ رصد به حساب آمده است لذا تاریخ فوق مرتبط به ژولیوس سزار نمی باشد.

- در سال ۲ ق.م / ۱۷۲۴ رصد روز یکم فروردین ماه سیار معادل با روز یکم ژانویه و مقارن با نوروز دوم و روز یازدهم خرداد ماه سیار معادل با روز یازدهم مارس و مقارن با روز یکم فروردین ماه ثابت یا نوروز اول بوده است لذا اسامی ماه های یازدهم و دوازدهم میلادی به ماه های ژانویه و فوریه تبدیل یافتند تا در آن تاریخ، روز یکم ماه ژانویه، یا سر آغاز سال میلادی، منطبق با نوروز دوم یا نوروز سیار ایرانیان شود و موقعیت زمانی مبداء تاریخ میلادی، بطور کامل، تثبیت گردد.

- الفاظ لاتینی ماه های پنجم و ششم از آغاز بهار، اعداد کوینیلیس و سکستیلیس به معنای پنجم و ششم بوده است. به جای اعداد ترتیبی فوق نام های ژولیوس و اگوستوس قرار گرفت و همراه با آن عملکرد، داستان زیبای زیر ساخته شد تا انتساب فرمان اصلاح تقویم از طرف ژول سزار صورت عینی داشته باشد:

«پس از کشته شدن سزار، هنگامی که پسرعمو خوانده اش اگوستوس سزار، به عنوان اولین امپراطور روم بر تخت حکمرانی نشست، تقویم رومیان به تنظیم و تبدیلات زیادی نیازمند بود، زیرا که بزرگان مذهب به جای هر چهار سال یک کیبسه، اشتباهاً هر سه سال را با یک کیبسه محاسبه کرده بودند. از آنجائی که نام هفتمین ماه تقویم رومی به افتخار ژولیوس سزار به ماه ژولیوس تغییر یافته بود، هشتمین ماه را نیز به افتخار اگوستوس سزار، ماه اگوستوس نامگذاری کردند. این قضیه در سال هشتم قبل از میلاد مسیح روی داد.

در این رابطه داستانی وجود دارد که راست یا دروغ بودنش بر ما ثابت نشده است. می گویند اگوستوس خود خواستار آن شد تا یکی از ماه های سال را به نامش بنامند و مایل بود تعداد روزهای ماه او از تعداد روزهای ماه ژولیوس سزار کمتر نباشد، به همین دلیل هشتمین ماه را اگوستوس نامگذاری کردند و تعداد روزهایش را از سی به سی و یک روز افزایش دادند...»

(کتاب گردش زمان، صفحات ۱۳۷ و ۱۳۸)

- میان سال های اصلاح رصد در زمان زرتشت و اصلاح تقویم رومی در زمان

پاپ گرگوار سیزدهم بالغ بر ۲۳۴۷ سال (= ۹۶۰ - ۳۳۰۷) است و در آن دوران، طول سال شمسی حقیقی قریب به ۱۱ دقیقه کوتاهتر از طول سال تقویمی بوده، پس فاصله زمانی بین سر آغاز دو گاه شماری فوق بالغ بر ۱۸/۳ روز (= ۰/۰۰۷۸ x ۲۳۴۷) می شده است. به منظور آنکه سر آغاز سال تقویمی با روز ۲۱ مارس منطبق شود، مبداء تاریخ میلادی، بالاجبار، از سال خردادگان ۲ ق.م گ ۱۷۲۴ رصد به سال ۱ میلادی/ ۱۷۲۶ رصد تغییر داده شد و در ازاء آن ۲ روز از ماه فوریه کسر نمودند و در این حساب سازی یک روز به ماه ژانویه اضافه و موجب گردید تا سال کیسه تقویمی با سال کیسه واقعی منطبق نباشند و کیسه میلادی از سال شمسی واقعی، در اکثر موارد، یک سال به عقب افتد و نیز در برخی از مبادی تاریخی، ۲ سال اختلاف ظاهر شود.

۶- تاریخ هجری قمری

در کتاب آثار الباقیه، در مورد چگونگی تشکیل تاریخ هجری قمری، چنین نقل شده:

«... سپس، تاریخ هجرت پیغمبر ما محمد بن عبدالله (ص) است که از مکه به مدینه هجرت فرمودند و این تاریخ به سال های قمری است که آغاز آن به دیدار ماه بستگی دارد نه به حساب، و همه مسلمانان به این تاریخ عمل می کنند و از این جهت وقت هجرت را آغاز تاریخ دانستند - و از مولد و بعثت و وفات پیغمبر (ص) چشم پوشی کردند - که بنابر روایت میمون بن مهران، مستندی نزد عمر بن خطاب آوردند که ظرف پرداخت آن ماه شعبان بود و عمر گفت که مراد کدام شعبان است، آیا این شعبان که ما در آنیم یا شعبان آینده، پس اصحاب را جمع کرد و در این کار با ایشان مشاوره کرد و گفت این حیرت را که در امر تاریخ برای من روی داده، شما رفع کنید و اصحاب گفتند ما باید چاره ی آن را از عادت ایرانیان بدست آوردیم و هر زمان را حاضر کردند و این اشکال را بدو باز گفتند، هر زمان گفت ما ایرانیان را حسابی است که ماه روز می گویند یعنی حساب ماه ها و روزها و چون این لفظ را تعریب کردند مورخ شد و مصدر آن را تاریخ قرار دادند و هر زمان چگونگی استعمال

تاریخ را و آنچه که رو میان مانند آن را بکار می‌بندند برای ایشان شرح داد و عمر به اصحاب پیغمبر گفت برای مردم تاریخی وضع کنید که مردم بکار بندند و چون یگانه زمانی که از هر شبهه دور بود زمان هجرت بود که پیغمبر به مدینه رسید. و آن روز دوشنبه‌ی هشتم ربیع‌الاول بود ... عمر آن را مبداء تاریخ دانست و هرچه را که نیازمند می‌شد با این تاریخ رفع نیازمندی می‌نمودند آغاز محرم در سال هجرت روز شانزدهم تموز سال نهصد و سی و سه اسکندری بوده است روز هشتم (ربیع‌الاول) پیغمبر علیه‌السلام به مدینه وارد شد و در خارج شهر بامداد روز دوم، که سنبه طالع آن بود، وارد شد و شب را در چادر گاهی به روز آورد و فردای آن روز، که روز سه‌شنبه نهم ربیع‌الاول باشد، به شهر وارد شد. «(صفحات ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۲۶، ۵۲۸)

- از پیش می‌دانیم که در سر آغاز سال ۱۷۵ هـ. ش/ ۷۹۶ میلادی / ۲۵۲۱ رصده، روز یکم دی ماه سیار برابر با روز یکم فروردین ماه ثابت بوده و از این تاریخ کیسه یک روز در چهار سال، در گاه شماری سیار نیز وارد شد و به دستور هارون الرشید، دی ماه سیار در آغاز بهار تثبیت گردید.

- در سال سیار سریانی، ماه شباط با آبان ماه سیار، ماه اذار با آذرماه سیار و ماه نیشان با دی ماه سیار پارسی معادل بوده است، معهذا در جدول صفحه ۱۰۵ کتاب آثارالباقیه، عنوان جدول ماه‌های سریانی را به گونه ابهام آمیز زیر تغییر داده اند: «مبداء آن روز مفروضی است که بغیر خود اضافه نشده.»

- مورخین نصرانی براساس کیسه هارون الرشید، سال سیار سریانی را نیز کیسه و تثبیت کرده و روز یکم ماه نیشان مکبوسه را معادل با روز یکم فروردین ماه ثابت ایرانیان، یا روز یکم دی ماه مکبوسه هارون الرشید قرار داده‌اند و بدین ترتیب، ماه آذار معادل با اسفند ماه ثابت ایرانیان شده است، مقایسه تعداد روزهای هر ماه از ماه‌های میلادی و سریانی، که در جدول شاره ۱۴ نموده شده، واقعیت کیسه اجرا شده را محرز می‌نماید.

- در برخی آثار برجای مانده چنین وانمود شده که پیش از کیسه هارون الرشید، ماه آذار سریانی بطور ثابت در آغاز بهار قرار داشته چنانچه در

جدول تطبیقی ماه‌های ایرانی، نصرانی و سریانی

ماه‌های ثابت سریانی		ماه‌های میلادی	ماه‌های ثابت ایرانیان
پس از کیسه هارون الرشید	پیش از کیسه هارون الرشید		
نیسان ل	آذار لا	مارس لا	فروردین ل
ایار لا	نیسان ل	آوریل ل	اردیبهشت ل
حزیران ل	ایار لا	مه لا	خرداد ل
تموز لا	حزیران ل	ژوئن ل	تیر ل
آب لا	تموز لا	ژوئیه لا	امرداد ل
ایلول ل	آب لا	اوت لا	شهریور ل
تشرین اول لا	ایلول ل	سپتامبر ل	مهر ل
تشرین دوم ل	تشرین اول لا	اکتبر لا	آبان ل
کانون دوم ل	تشرین دوم ل	نوامبر ل	آذر ل
کانون دوم لا	کانون اول لا	دسامبر لا	دی ل
شباط (سال کیسه)	کانون دوم لا	ژانویه لا	بهمن ل
آذار لا	شباط (سال کیسه)	فوریه (سال کیسه)	اسفند ل
-	-	-	پنج‌گان

در حروف ابجد، حرف ل علامت عدد ۳۰ و حرف لا علامت عدد ۳۱ است.

(جدول شماره ۱۴)

روایت ذکر شده از آثار الباقیه روز یکم ماه آذار سربانی در سال:

۶۲۲ میلادی / ۹۳۳ سلوکی / ۲۳۴۷ رصد (= ۹۳۳ + ۱۴۱۵ - ۱) / ۱ هجرت،
معادل با روز یکم فروردین ماه ثابت به حساب آمده است.

- در گاه شماری سربانی ماه شباط، ماه کبیسه است، چون در اصلاح گاه شماری
در سال ۷۶۵ ق م / ۹۶۱ / رصد، پنج روز اندر گاه، بطور ثابت، در پایان آبان ماه سیار
بی کبیسه قرار گرفته بود و این امر نشان می دهد که گاه شماری فوق از گاه شماری
سیار بی کبیسه پارسیان اقتباس شده است.

- همانطور که در جدول شماره ۱۴ نموده شده، روز شانزدهم ماه تموز معادل با
شانزدهم ماه ژوئیه بوده است. کتاب «تقویم تطبیقی هزار و پانصد سال هجری قمری و
میلادی» نشان می دهد که در سال یکم هجری، روز جمعه یکم ماه محرم معادل با روز
شانزدهم ماه ژوئیه میلادی و روز شانزدهم ماه تموز سربانی قرار گرفته و این تاریخ
مقارن با یکصد و سی و هشتمین روز (= ۱۶ + ۲ × ۳۰ + ۲ × ۳۱) از سر آغاز سال ثابت
ایرانیان بوده است.

- روابط زیر:

$$۲۳۴۷ = ۱۴۴۰ + ۱۲۰ \times ۷ + ۴ \times ۱۶ + ۳$$

$$۲۳۴۷ - ۱ = ۲۸ \times ۸۳ + ۲۲$$

$$۲۲ \times ۱ / ۲۵ = ۲۷ / ۵$$

$$۲۷ = ۷ \times ۳ + ۶$$

نشان می دهند که در سر آغاز سال یکم هجری شمسی، روز یکم فروردین ماه
ثابت برابر با روز دوشنبه هفدهم آبان ماه سیار بوده و در یکصد و سی و هشتمین روز
از سر آغاز آن سال، روز جمعه چهارم فروردین ماه سیار معادل با روز شانزدهم ماه
تموز و سر آغاز سال یکم هجری قمری قرار گرفته است (۱۴ + ۳۰ × ۴ + ۴ = ۱۳۸).
توضیح آنکه نوروز دوم برابر با روز یکم فروردین ماه سیار با کبیسه و یا روز ششم
فروردین ماه سیار بی کبیسه می باشد.

مآخذ و منابع

- آثار الباقیه تألیف ابوریحان بیرونی. ترجمه اکبر داناسرشت. مؤسسه انتشارات امیر کبیر. تهران ۱۳۶۳ چاپ سوم.
- ادیان و مکتب های فلسفی هند. تألیف داریوش شایگان. مؤسسه انتشارات امیر کبیر. چاپ سوم ۱۳۶۲.
- کتاب الفهرست. تألیف محمد بن اسحاق الندیم. ترجمه م. رضا تجدد. چاپخانه بانک بازرگانی ایران. چاپ دوم ۱۳۴۶.
- بغ مهر. بررسی های احمد حامی. چاپ داورپناه. چاپ یکم مهرماه ۲۵۳۵.
- بلوچستان و سیستان. نگارش اقبال یغمائی. از انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر. آبان ماه ۲۵۳۵.
- بیست مقاله تقی زاده. بنگاه ترجمه و نشر کتاب. چاپ دوم ۱۳۴۶.
- پارتیان - نویسنده مالکوم کالج. ترجمه مسعود رجب نیا. انتشارات سحر. چاپ دوم ۲۵۳۷.
- تاریخ تاریخ در ایران. تألیف دکتر رضا عبداللهی. مؤسسه انتشارات امیر کبیر. چاپ اول تهران ۱۳۶۶.
- تاریخ پیامبران و شاهان. از حمزه بن حسن اصفهانی. ترجمه دکتر جعفر شعار. مؤسسه انتشارات امیر کبیر. تهران ۱۳۶۷.
- تاریخ شاهنشاهی هخامنشی. از ا. ت. اومستد. ترجمه دکتر محمد مقدم. باهمکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین - تهران - نیویورک.
- تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران. تألیف و م. میلر ترجمه علی نخستین به مساعدت عباس آرین پور. انتشارات حیات ابدی چاپ دوم ۱۹۸۱.

- تاریخ تمدن. ویل دورانت. کتاب دوم. یونان باستان. بخش اول. ترجمه دکتر
 ا.ج. آریان پور. م. احمدی. شرکت نسبی حاج محمدحسین اقبال و شرکاء.
 تقویم تطبیقی هزاروپانصد ساله هجری قمری و میلادی. فردیناند ووستفالد و
 ادوارد ماهرلر مقدمه و تجدیدنظر از دکتر حکیم الدین قریشی. تهران ۱۳۶۰.
 تقویم نوروزی شهریار. ذ. بهروز. ایران کوده شماره ۱۸.
 تقویم و تقویم نگاری در تاریخ - تألیف و نگارش دکتر ابوالفضل نبی. ناشر موسسه
 چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی. تاریخ انتشار مهر ۱۳۶۵.
 درباره مفهوم انجیلها. کری ولف. ترجمه محمد مقدم. چاپ دوم آبان ماه ۱۳۴۹.
 گفتاری درباره دینکرد نگارش محمدجواد مشکور. تهران نوزدهم شهریور ۱۳۲۵
 خورشیدی.
 زروان، سنحش زمان در ایران باستان. گزارش فریدون جنیدی. بنیاد نیشابور. چاپ
 اول ۱۳۵۸.
 سوشیانت یا سیر اندیشه ایرانیان درباره موعود آخر الزمان. تألیف علی اصغر
 مصطفوی. چاپ نخست. آبان ۱۳۶۱ خورشیدی.
 کتاب مقدس یعنی کتب عهد عتیق و عهد جدید. به همت انجمن پخش کتب مقدسه
 در میان ملل.
 فرهنگ ایران باستان - نگارش پورداوود زیر نظر دکتر بهرام فره وشی. چاپ سوم
 تهران ۲۵۳۶ شاهنشاهی.
 قاموس کتاب مقدس. ترجمه و تألیف مستر هاگس آمریکائی. ساکن همدان. در
 مطبعه آمریکائی در بیروت طبع گردید سنه ۱۹۲۸.
 گاه شماری در ایران قدیم. مقالات تقی زاده. زیر نظر ایرج افشار. انتشارات
 شکوفان چاپ ۱۳۵۷.
 گاه شماری و جشن های ایران باستان. تحقیق و نوشته هاشم رضی. سازمان انتشارات
 فروهر. بهمن ماه ۱۳۵۸ شمسی هجری.
 گاهنمای زرتشتی. نگارش موبد اردشیر آذر گشسب. چاپخانه فروهر.
 شرح تقویم های مختلف و مسئله کیبسه های جلالی. تقی ریاحی. از انتشارات
 شرکت سهامی چهر، تهران ۱۳۳۵.
 نوروزنامه منسوب به عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری. به کوشش علی حصوری. ناشر
 کتابخانه طهوری. چاپ فروردین ۱۳۵۷.

